

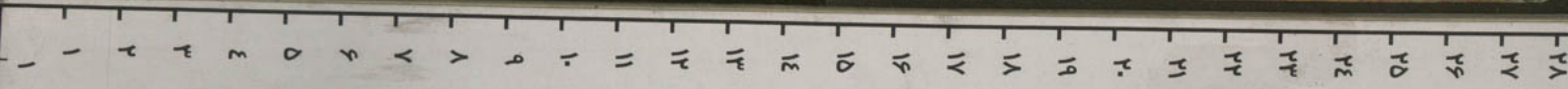


[illegible]



این نسخه از جمله کتب جناب علیین مآب والدی ماجد آیة الله العلامه
اعلی الله مقامه است از بابت ثلث محبوس شده بموجب
وصیتنامه معین فرمودند [illegible]
سلخ شهر جمدی الاولی سنه ۱۳۱۵





کتاب زاد المعاد من تألیفات آخوند ملا محمد باقر مجلسی

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة والأولی والصلوة
علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله
عن جرائمهما بالواح ارواح صافیه برادران ایمانی و اخلای روحانی مینگارد که
چون جناب مقدس ایزدی تعالی شانه برای هدایت گمگشتگان بوادی جهالت
و ضلالت طریق صوم و صلوة و دعا و عبادات که اشرف و اقرب طرق نیل سعادات است
مقرر گردانیده و از حضرات رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم
اجمعین ادعیه و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحونست از آنها و این

خادم اخبار ائمه اطهار علیهم صلوات الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب
بحار الانوار ایراد نموده ام و چون اکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال
دنیویه و غیر آنها تحصیل آنها و عمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال
سال و فضایل ایام و لیالی شریفه و اعمال آنها که باسانید صحیحه معتبره وارد
شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق از برکات آنها محروم نباشند
و شاید که این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند و مسمی گردانیدم این را بزاد
المعاد عسی الله ان یهدینا و ایاهم الی سبیل الرشاد و چون اتمام این رساله
و آغاز و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت اثر و اوان سلطنت شعار
اثر اعلیحضرت سید سلاطین زمان و سرور خواقین دوران شیرازه اوراق
ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین آب و رنگ گلستان مصطفوی
چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم و خاقان فریدون حشم شجاعت
نژادی که تیغ آبدارش برای کشتزارهای کفار تخریب بنیه دار البوار و حسام
آتش بارش برای خرمن حیوة مخالفان و معاندان مصداق یرسل علیکما
شواظ من نار دستهای داعیان مزید رفعت شان در آستان رفیع البنیانش
باکف الخضیب همداستان و خروش صوفیان صفوت نشان بزمزمه دعای
خلود دولت ابد توامان تا عندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان گر

تیغ خلافش از نیام کین برکشید چون سپیدۀ صبح خود بطلوع زند و هر که چهار آینۀ
نفاق در بر کشید صورت مرگ خود را دیده که چین قهرش عقده گشای
گرههای کار بستگان گشادی کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای پژمردگان
مؤسس قواعد ملت و دین مروج شریعت آبای طاهرین حیاض ساحت درگاه
خلافت پناهش از تقبیل شفاه سلاطین زمان لبریز و خواقین دوران در حریم
ممتد عزت و جلالش بزبان بندگی ندای قد مسنا الضر ایها العزیز ناغی السلطان
الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ملجأ الاکاسرة وملاذ القیاصرة محیی مراسم
الشریعة الغراء ومشید قواعد الملة البیضاء السلطان ابن السلطان والخاقان
ابن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادرخان لا
زالت رایات دولته مرفوعة وهامات اعدائه مقموعة میسر گردید تحفۀ
آن بارگاه خلافت امید که اگر دانند باشد که مقبول طبع اشرف گردد و آن
اعلیحضرت از فواید آن منتفع گردند بمحمدٍ و آله الطاهرین والله الموفق والمعین
و آن مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه **باب اول** در فضایل و اعمال ماه
مبارک رجب است و آن مشتمل است بر پنج فصل **فصل اول** در بیان
فضایل این ماه و عبادات آنست بدانکه این ماه و ماه شعبان و ماه رمضان
بهترین ماههای سال اند و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله

منقولست

منقولست که هر که حرمت ماه رجب و شعبان را بداند و وصل نماید روزۀ
آنها را بروزۀ ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت
گواهان او باشند نزد حق تعالی و دران روز منادی از قبل اعلی ندا کند
که ای رجب و شعبان و ماه رمضان چگونه بوده است این بنده در شما
و طاعاتش از برای خدا همه آن ماهها گویند که این بنده توشه گرفته در
ماها یاری بر طاعت تو و استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار
در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود
پس گواهی دهند ملائکه که موکلند بر این ماهها که ما نیافتیم این بنده را مگر
طلب کنندۀ طاعت و خشنودی تو و امیدوار رحمت و آمرزش تو بود
و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرد و آنچه از آن طلبیده بودی بسوی آنها
نمود و روزۀ کامل از برای تو داشت و شکم و فرج و گوش و چشم و سایر
جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها با تشنگی
بشب رسانید و در شبها خود را بتعب انداخت برای بندگی تو و تصدق
بفقرا بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندگان تو نمود و با این
ماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از این ها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد
از رفتن آنها پیرامون محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق

تعالی فرماید که ببرید این بنده را بسوی بهشت و استقبال کنند او را ملائکهٔ
خدا به تحفه‌ها و کرامتها و او را بر شتران و اسپان نور سوار کنند و ببرند
بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانهٔ که فانی نمیشود و سرائی که جوانانش
پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی از زوال ندارد و هرگز ایشان را تعب نمیباشد
و از عذاب ایمن میگردند و مشقت حساب از برای ایشان نیست و ایضا از
آنحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی در حرمت
و فضیلت با آن نمیرسد و قتال با کافران در این ماه حرام است و رجب ماه
خداست و شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه امت منست کسیکه یک
روز از ماه رجب روزه دارد مستوجب خشنودی بزرگ خدا گردد و غضب
الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد و بسند
معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که یک روز از
ماه رجب روزه دارد آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و هر که سه
روز از آن روزه بدارد بهشت از برای او واجب گردد و ایضا فرمود که رجب
نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر هر که یک روز
از رجب روزه دارد البته از آن نهر میاشامد و بسند معتبر از حضرت
صادق منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ماه

رجب ماه استغفار امت منست پس بسیار در این ماه طلب آمرزش کنید
که خدا آمرزنده و مهربان است و رجب را اصب میگویند زیرا که رحمت
خدا در این ماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بسیار بگوئید استغفر
الله و اسئله التوبة و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که
سه روز از ماه رجب روزه بدارد بهر روز ثواب روزهٔ یکسال برای او
بنویسند و هر که هفت روز از آن روزه بدارد هفت در جهنم بر روی او بسته
گردد و هر که هشت روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او
گشوده گردد و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد خدا او را حساب آسان
بکند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی خوشنودی خود را برای
او بنویسد و هر که خوشنودی خود را برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند
و ابن بابویه رحمه الله بسند معتبر از سالم روایت کرده است که گفت رفتم
بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر ماه رجب که چند روز از
آن مانده بود چون نظر مبارک آنحضرت بر من افتاد پرسید که آیا روزه گرفتهٔ
در این ماه گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود که آنقدر از ثواب از تو
فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستیکه این ماهیست
که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت داده است و حرمتش را عظیم گردانیده

است و برای روزه داشتن که می داشتن را بر خود واجب کردانیده است پس
گفتم یا بن رسول الله اگر در باقی مانده این ماه روزه بدارم آیا بعضی از ثواب روزه
داران فایز میگردم فرمود که ای سالم هر که یکروز از آخر این ماه روزه بدارد
خدا او را ایمن گرداند از سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که
دو روز از آخر این ماه روزه بدارد بر صراط باسانی بگذرد و هر که سه روز
آخر این ماه روزه بدارد ایمن گرداند از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها
و هولهای آن روز و براءة بیزاری از آتش جهنم را باو عطا کند و ایضا از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که یکروز از اول
ماه رجب یا از وسط آن یا از آخر آن روزه بدارد گناهان گذشته اش آمرزیده
شود و هر که یک شب این ماه را احیا کند حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد گرداند
و قبول کند شفاعت او را در هفتاد مرد گناه کار و هر که در این ماه تصدق از
برای خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی
ندیده باشد و گوشی نشنیده و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضا بسند
معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چون روز قیامت
شود منادی از میان عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که
نور روهای ایشان جمیع محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان

باشد که مکلل باشد تاج ایشان بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار
ملک بوده باشند از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه او را ندا
کنند که گوارا باد ترا اکرامهای خدا ای بنده خدا پس خداوند رحمن ندا کند که
ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که شما را در مأوای
نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت
غرفها که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو
مزد یست مزد کارکنان از برای من بی آنکه بر شما واجب گردانم روزه داشتند
از برای من در ماهی که حرمت او را عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب
ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس
حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسیست که چیزی از ماه مبارک رجب
را روزه دارد اگر چه یکروز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر
از حضرت امام رضا روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه
دارد حق تعالی در قیامت از او خوشنود باشد و هر که دو روز را روزه دارد
خدا بغایت از او خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود گرداند و هر که سه
روز را روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی
گرداند در قیامت و هر که هفت روز از آن را روزه بدارد چون بمیرد درهای

هفت آسمان گشوده شود برای روح او تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز
او را روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشوده شود و هر که پانزده
روز از او روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد برآورد مگر آنکه سؤال
او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد
از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از
آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران و
احادیث در این باب بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد
فصل دویم در بیان اعمالیست که کسی از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد
بعوض آن بعمل آورد و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه
مستحب یک درهم تصدق کند که موافق روزهای این زمانها تقریباً هفتاد
دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یک مد گندم یا جو وارد شده است
و احوط در مد صد درم شاه است و ظاهراً صد درم کهنه کافی باشد و در
روایتی در خصوص ماه مبارک رجب یک گرده نان وارد شده است اگر قادر
بر روزه نباشد و حمل کرده‌اند بر کسیکه پریشان باشد و قادر بر درهم و مد
نباشد و ایضاً در خصوص روزه ماه مبارک از حضرت رسول صلی الله علیه
و آله وارد شده است که بعوض روزه اگر قادر بر آن نباشد هر روز صد

مرتبه

مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را بیابد سبحان الاله الجلیل سبحان
من لا ینبغی التسبیح الا له سبحان الاعز الاکرم سبحان من لبس العز و هو له اهل
و در روایات معتبره وارد شده است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود
و قصد روزه سنت کرده باشد و او طعامی حاضر نماید و او را تکلیف
کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است هفتاد برابر و
اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکسال روزه است
و زن را روزه سنت بی رخصت شوهر و غلام و کنیز بی رخصت مالک و فرزند
آدمی را بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهمان دار و مهماندار را
بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان
علما آنست که روزه سنت مملوک بدون اذن مالک باطل است و همچنین روزه
سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست که روزه
سنت فرزند بدون اذن ایشان باطل نیست و مکروه است و بعضی گفته
اند بی رخصت پدر باطل است و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه
سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون رخصت مهماندار خلاف است
و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچیک بی رخصت دیگری روزه مستحب
ندارند اگرچه اظهر آنست که مکروه است **فصل سیم** در اعمال هر شب و هر

روز است بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین ع در روز اول ماه
رجب این دعا را خواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز سنت است خواندن
یا من یملک حوائج السائلین و یعلم ضمیر الصامتین لکل مسئلة منک سمع حاضر
و جواب عتید اللهم و مواعیدک الصادقة و ایادیک الفاضلة و رحمتک الواسعة
فاسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تقضی للدنیا و الاخرة انک علی کل شیء قدیر
و بسند معتبر منقول است که حضرت صادق ع هر روز از ماه رجب این دعا میخواندند
خاب الوافدون علی غیرک و خسر المتعرضون الا لک و ضاع الملمون الا بک و اجدب
المنتجعون الا من انتجع فضلک بابک مفتوح للراغبین و خیرک مبذول للطالبین
و فضلک مباح للسائلین و نیلک متاح للآملین و رزقک مبسوط لمن عصاک
و حلمک معترض لمن ناواک عادتک الاحسان الی المسیئین و سبیلک الابقاء
علی المعتدین اللهم فاهدنی هدی المهتدین و ارزقنی اجتهاد المجتهدین و لا تجعلنی
من الغافلین المبعدین و اغفر لی یوم الدین و ایضا بسند معتبر منقول است که
محمد بن ذکریا بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که فدای تو شوم این ماه رجب است
دعائی تعلیم من نما که حق تعالی مرا بان نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز
ماه رجب این دعا را در صبح و پسین و بعد از همه نمازها در شب و روز بخوان
یا من ارجوه لکل خیر و آمن سخطه عند کل شر یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی

اعمال ماه رجب

من سأله و یعطی من لم یسأله و من لم یعرفه تحننا منه و رحمة اعطنی بمسئلتی ایاک
جمیع خیر الدنیا و جمیع خیر الآخرة و اصرف عنی بمسئلتی ایاک جمیع شر الدنیا و شر
الآخرة فانه غیر منقوص ما اعطیت و زدنی من فضلک یا کریم پس حضرت ریش
مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست خود را بجانب
راست و چپ حرکت میدادند و این دعا را خواندند یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا
النعماء و الجود یا ذا المن و الطول حرم شیبتی علی النار و دست بر نداشت تا آن
آب دیده اش بر شد و شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده است که حضرت صادق ع
بمعلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان اللهم انی اسئلک صبر
الشاکرین لک و عمل الخائفین منک و یقین العابدین لک اللهم انت العلی العظیم
و انا عبدک البائس الفقیر و انت الغنی الحمید و انا الذلیل اللهم صل علی محمد و
و امنن بغناک علی فقری و بحلمک علی جهلی و بقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم
صل علی محمد و آله الاوصیاء المرضیین و اکفنی ما اهمنی من امر الدنیا و الآخرة
یا ارحم الراحمین و از روایت سید ابن طاوس ره ظاهر میشود که این جامع
ترین دعاهاست و در همه اوقات میتوان خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران
بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر ع روایت کرده اند که سنت است
که در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا بخوانند اللهم انی اسئلک

بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه علی بن محمد المنتجب واتقرب بهما الیک خیر القرب یا من الیه المعروف طلب وفیما لدیه رغب اسئلک سؤال معترف مذنب قد اوبقته ذنوبه واوثقته عیوبه فطال علی الخطایا دؤوبه ومن الرزایا خطوبه یسئلک التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن الحوبة ومن النار فکاک رقبته والعفو عما فی ربقته فانت یا مولای اعظم امله وثقته اللهم واسئلک بمسائلک الشریفة ووسائلک المنیفة ان تتغمدنی فی هذا الشهر برحمة منک واسعة ونعمة وازعة ونفس بما رزقتها قانعة الی نزول الحافرة ومحل الآخرة وما هی الیها صائرة» و از حضرت رسول منقولست که در جمیع ماه رجب هر بامداد و پیشین هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله ربی واتوب الیه پس دستها بسوی آسمان بردارد و بگوید اللهم اغفر لی وتب علی و این استغفار را در جمیع ایام سال سنت است و هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار دارد اگر خواهد در یک روز بخواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده شود و ایضا منقولست که هر کس هزار مرتبه بگوید لا اله الا الله در جمیع ماه صد هزار حسنه نوشته شود و حق تعالی در بهشت شهری بنا کند برای او و در هر شب از شبهای ماه صد مرتبه لا اله الا الله بگوید وارد شده است و صد مرتبه این استغفار

نیز

نیز منقولست و در جمیع ماه اگر چهار صد مرتبه بگوید فضیلت بسیار دارد استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریک له واتوب الیه و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول فرمود که هر که هر شب یا روز رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سورهٔ حمد و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بخواند و سه مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم و سه مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد و سه مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات و چهار صد مرتبه بگوید استغفر الله ربی واتوب الیه بگوید گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد قطرهای باران و برگ درختان و کف دریاها باشد و در روز عید حق تعالی او را ندا کند که براستی تو دوست منی و بهر حرفی نورا شفاعت میدهم در برادران و خواهران مؤمن تو و حضرت فرمود که اگر در عمری یکبار این را بعمل آورد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه باو کرامت فرماید که هر حسنهٔ از جمیع کوههای دنیا سنگین‌تر باشد و هفتصد حاجت او در وقت مردن و هفتصد حاجت او در قبر و هفتصد حاجت او در وقت بیرون آمدن از قبر و مثل این در وقت پرواز کردن نامهای اعمال و نزد سنجیدن اعمال در میزان و نزد صراط برآورده

او را در سایه عرش خود جای دهد و حساب آسان کند و هفتاد هزار ملك
او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و با و عطا کند آنچه هیچ چشمی ندیده
باشد و گوشی نشنیده باشد **فصل چهارم** در بیان فضایل و اعمال شب و روزهای
است تا روز پانزدهم در شب اول ماه غسل سنت است و منقولست که هر که در
شب اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب آخر او غسل کند از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و در وقت دیدن ماه دعای
صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و هفتاد مرتبه سوره حمد را بخوا(ند)
تا از درد چشم ایمن گردد و در هر ماهی این سنت است و منقولست که چون ماه رجب را
ببیند بگوید اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام ربی
وربك الله عز وجل و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام حسین فضیلت
بسیار دارد و در حدیث معتبر وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را
زیارت کند بهشت او را واجب شود البته و احیای شب اول سنت است از
حضرت صادق منقولست که تا توانی محافظت کن احیای شب اول رجب و شب
عید ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول ماه محرم و شب عاشورا و
شب نیمه شعبان و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قران بسیار بکن و بسند معتبر
از حضرت امام محمد باقر منقولست که در اول رجب بعد از نماز عشا این دعا بخوا(ند)

اللهم

اللهم انی اسئلك بانك مليك وانك على كل شیء مقتدر وانك ما تشاء من امر
یکون اللهم انی اتوجه الیك بنبیك محمد نبی الرحمة صلواتك علیه واله یا محمد
یا رسول الله انی اتوجه بك الی الله ربی وربك لینجح بك طلبتی اللهم بنبیك محمد
وبالائمة من اهل بیته صلی الله علیه وعلیهم انجح طلبتی پس حاجات خود را
طلب کند و بیست رکعت نماز وارد شده است هر دو رکعت بیك سلام و در
هر رکعت حمد و یك مرتبه سوره قل هو الله بخواند تا از بلاهای دنیا ایمن گردد
و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی در اول
رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ میشدند این دعا را در سجده میخواندند
لك المحمدة ان اطعتك ولك الحجة ان عصیتك لا صنع لی ولا لغیری فی احسا(ن)
الا بك یا کائنا قبل کل شیء ویا مکون کل شیء انك علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ
بك من العدیلة عند الموت ومن شر المرجع فی القبور ومن الندامة یوم الازفة
فاسئلك ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل عیشی عیشة نقیة ومیتتی میتة
سویة ومنقلبی منقلبا کریما غیر مخز ولا فاضح اللهم صل علی محمد واله الائمة ینابیع
الحکمة واولی النعمة ومعادن العصمة واعصمنی من کل سوء ولا تاخذنی علی غرة
ولا علی غفلة ولا تجعل عواقب اعمالی حسرة وارض عنی فان مغفرتك للظالمین
وانا من الظالمین اللهم اغفر لی ما لا یضرك واعطنی ما لا ینقصك فانك الوسیع

رحمتك البديع حكمته واعطني السعة والدعة والامن والصحة والنجوع والقنوع
والشكر والمعافات والتقوى والصبر والصدق عليك وعلى اوليائك واليسر
والشكر واعمم بذلك يا رب اهلي وولدي واخواني فيك ومن احببت واحبني
وولدت وولدني من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات يا رب العالمين
وايضا بسند معتبر منقولست كه مستحبست بعد از سلام كفتن از نماز روز
چنانكه نوشته شد است اين دعا را بخواند الحمد لله الذي لا تنفد خزائنه ولا يخاف
امنه ربنا ان ارتكبت المعاصي فذلك ثقة بكرمك انك تقبل التوبة عن عبادك
وتعفوا عن سيئاتهم وتغفر الزلل فانك مجيب لداعيك ومنه قريب فانا تائب
اليك من الخطايا وراغب اليك في توفير حظي من العطايا يا خالق البرايا يا منقذي
من كل شديدة يا مجيري من كل محذور وفر على السرور واكفني شر عواقب الامور
فانت الله على نعمائك وجزيل عطائك مشكور ولكل خير مذخور وايضا از حضرت
امام على نقى عليه السلام منقولست كه بعد از نماز روز اين دعا را بخوانند
يا نور النور يا مدبر الامور يا مجري البحور يا باعث من في القبور يا كهفي حين تعييني
المذاهب وكنزي حين تعجزني المكاسب ومونسي حين تجفوني الاباعد وتملني
الاقارب ومنزهي بمجالسة اوليائه ومرافقة احبائه في رياضه وساقي
بتوالي نعمه وغمرني حياضه وزارعي بمجاوزته من ورطة الذنوب الى ربوة القرب

ومبلي

اعمال ماه رجب

ومبلي بولايته عزة العطايا من ذلك الخطايا اسئلك يا مولاي بالفجر والليالي
العشر والشفع والوتر والليل اذا يسر وبما جرى به قلم الاقلام بغير كف ولا ابهام
وباسمائك العظام وبحججك على جميع الانام عليهم منك افضل السلام وبما قضيتهم
من اسمائك الكرام اسئلك ان تصلي عليهم وترحمنا في شهرنا هذا وما بعده من الشهور
والايام وان تبلغنا شهر الصيام في عامنا هذا وفي كل عام يا ذا الجلال والاكرام
والمنن الجسام وعلى محمد واله منا افضل السلام واعمال وادعيه اين شب بسيار
است وروزه روز اول فضيلت بسيار دارد واز حضرة امام محمد باقر منقولست
كه در روز اول ماه رجب حضرة نوح بكشتي سوار شد وامر كرد جميع جن وانس را
كه با او در كشتي بودند كه روزه بدارند وهر كه آن روز را روزه بدارد آتش جهنم
يكساله راه از او دور كردد واز حضرت امام رضا منقولست كه هر كه روزه
بدارد روز اول ماه رجب را از براي رغبت در ثواب خدا بهشت او را واجب
شود وهر كه يك روز از وسط اين ماه روزه بدارد حق تعالى شفاعت او را قبول نمايد
در مانند ربيعه ومضر كه دو قبيله عظيم اند از قبايل عرب وهر كه يك روز از
اخر اين ماه روزه بدارد حق تعالى او را از پادشاهان بهشت كرداند وقبول كند
شفاعت او را در پدر ومادر ودختر وپسر وبرادر وخواهر وعمو وعمه وخالو
وخاله وشيخ طوسي وديكران از سلمان فارسي رضي الله عنه روايت كرده

اند که گفت در آخر روز جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه صلی
الله علیه و آله حضرت فرمود ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد
مؤمن یا زن مؤمنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکمرتبه
سوره حمد و سه مرتبه قل هو الله و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون بخواند
البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی را که در کودکی و پیری کرده
باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی را که تمام آن ماه را روزه گرفته باشد
و تا سال آینده حق تعالی او را از نمازگذارندگان بنویسد و در هر روز آن ماه
ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او باسمان برند و بهر روز که در
آن ماه روزه بدارد عبادت یکسال در نامه عمل او بنویسند و هزار درجه
در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از
آتش جهنم نجات بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل
این نماز را از برای من آورد و گفت یا محمد این علامتیست میان شما و منافقان
زیرا که منافقان این نماز را نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم
و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده رکعت بجا میآوری
یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه
قل هو الله و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از هر سلام دست

بسو

اعمال ماه رجب

بسوی آسمان بلند کن و بگو لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله
الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم لا
مانع لما اعطیت و لا معطی لما منعت و لا ینفع ذا الجد منک الجد پس دستها را
بر روی خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم ده رکعت بهمان نحو بجا می
آوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی آسمان بلند میکنی و میگوئی لا اله
الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت
بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر الها واحدا احدا فردا صمدا لم یتخذ صاحبة
و لا ولدا پس دستها را بر روی خود میکشی در روز آخر ماه یازده رکعت بهمان
نحو میکنی و بعد از هر سلام دست بر میداری و میگوئی لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و
هو علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم پس دستها را بر روی خود بمال و حاجت خود را طلب کن البته
بر آورده است و حق تعالی میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد
که عرض هر خندقی بقدر ما بین آسمان و زمین بوده باشد و بعد در هر رکعتی
ثواب هزار هزار رکعت در نامه عمل تو مینویسند و برات بیزاری از جهنم
و گذشتن بر صراط برای تو مینویسند و منقولست که هر که در روز جمعه

ماه رجب صد مرتبه سوره قل هو الله بخواند حق تعالی در قیامت باو نوری
عطا کند که بآن نور داخل بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد شده است
که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در روز جمعه اول ماه رجب متولد
شده و موجب زیادتی شرف این روز گردیده و در روایتی وارد شده است
که ولادت حضرت امام علی نقی ع در روز دوم ماه رجب شده و بروایت
دیگر روز سیم ماه رجب واقع شده و بروایت ابرهیم بن هاشم وفات آنحضرت
در روز سیم واقع شده است و ابن عباس گفته است که ولادت آنحضرت
در پنجم این ماه واقع شده است و ولادت امام محمد تقی علیه السلام در دهم این
ماه شده است و بعضی از روایات در فضیلت خصوص دهم وارد شده
است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث معتبره وارد شده است
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از امام جعفر صادق علیه
السلام منقولست که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که
باحدی از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه
رمضان و سه شب باین امت داده که بامتهای دیگر نداده است شب
سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است
که مثل آنها بامتهای پیش نداده است سوره یس و سوره تبارك الذی بیده

الملك و سوره قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضایل
این امت را جمع کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب
سیزدهم هر یك از این سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از سوره
حمد این سه سوره را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو
سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم
شش رکعت بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را
بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد بجمیع گناهانش آمرزیده شود بغیر
شرك بخدا و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه
دارد حق تعالی بهر روزی عبادت یکساله برای او بنویسند و در قیامت او را
در محل ایمنان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که ولادت
باسعادت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در میان کعبه معظمه
در روز سیزدهم ماه رجب بود دوازده سال قبل از مبعوث شدن حضرت
رسول ص و علی بن ابرهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی نقی ع در روز سیزدهم
ماه رجب بود و در سال دویست و چهارده از هجرة و شب پانزدهم از لیالی
متبرکات و غسل در آن سنت است و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار
دارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در شب نیمه رجب

حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی که در دیوان اعمال مؤمنان باشد محو
کنند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
رجب را روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود
مگر با توبهٔ نصوح و بهر روزی که روزه داشته هفتاد گناه کبیرهٔ او آمرزیده
شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود و در وقتیکه از قبر بیرون میاید و نزد
میزان و صراط و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده
باشد و شفاعت او را قبول کنند در هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او
که مستحق جهنم شده باشند و حق تعالی بنا کند از برای او در جنات فردوس
هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر و در هر قصری هزار حوریه
و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی علیه الرحمة بسند
صحیح از حضرت صادق روایت کرده اند که در شب نصف رجب دوازده
رکعت نماز بجا میاوری یعنی بشش سلام با حمد و هر سوره که خواهی و چون
فارغ شوی هر یک از سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس میگوئی الله الله ربی ولا اشرک
به شیئا وما شاء الله لا قوة الا بالله و در شب و روز زیارت حضرت امام حسین

سنت

سنت مؤکد است و بسند صحیح از ابن ابی نصر منقولست که از حضرت امام رضا علیه
السلام سؤالی کرد که زیارت امام حسین در کدام وقت بهتر است فرمود که در نیمهٔ
رجب و نیمهٔ شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که گذشت
و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت امیر المؤمنین
در این روز چهار رکعت نماز کرد و دستها را بدعا گشود و این دعا را خواند پس
فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا بخواند البته کرب و شدت
او زایل گردد و این چهار رکعت را بدو سلام میکند و هر سوره که خواهند میخوانند
و دعا اینست اللهم یا مذل کل جبار و معز المؤمنین انت کهفی حین تعیینی المذاهب
وانت بارئ خلقی رحمة بی وقد کنت عن خلقی غنیا ولولا رحمتک لکنت من الهالکین
وانت مؤیدی بالنصر علی اعدائی ولولا نصرک ایای لکنت من المغلوبین یا منشئ
البرکات من مواضعها یا من خص نفسه بالشموخ والرفعة فاولیائه بعزه یتعززون
یا من وضعت له الملوک نیر المذلة علی اعناقها فهم من سطواته خائفون
اسئلک بکینونیتک التی اشتققتها من کبریائک واسئلک بکبریائک التی اشتققتها من عزتک واسئلک
بعزتک التی استویت بها علی عرشک فخلقت بها جمیع خلقک فهم لک مذعنون
ان تصلی علی محمد و اهل بیته پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید و بدانکه
عمدهٔ اعمال نصف رجب دعاء ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید

ابن طاوس رضی الله عنهم بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای برآمدن حاجات
و کشف کربات و رفع ظلم ظالمان مجرّبست و مجمل روایاتش اینست که فاطمه مادر
داود بن الحسن پسر زاده حسن مجتبی علیه السلام دایه حضرت امام جعفر
صلوات الله علیه بود آنحضرترا شیر داده بود و چون محمد بن عبد الله بن الحسن
در مدینه خروج کرد و منصور دوانقی لشکر فرستاد و او را کشتند و ابراهیم
برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله بن الحسن و جمعی از سادات حسنی را
با غل و زنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان آنها بود ام داود گفت
چون مدّتی از حبس فرزند من گذشت و از او خبری نمیرسید پیوسته دعا و
تضرّع میکردم و از صلحا و نیکان و برادران مؤمن التماس دعا مینمودم
و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر استجابت نمیافتم و گاهی خبر میرسید
که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عمّ او در زیر عمارت گذاشتند
و روز بروز مصیبت من عظیمتر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم
و پیر شدم و از ملاقات او نا امید گردیدم تا آنکه شنیدم که حضرت صادق
علیه السلام را علتی عارض شده بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال
پرسیدم و دعا کردم و خواستم برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری
و من شیر داود را با آنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم

فدای تو شوم داود بکجاست او در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید
کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی شماست حضرت
فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح و آن دعائیست که درهای
آسمان برای او گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند خواننده او را و
بشارت میدهند او را باجابت و آن دعائیست که از مجیب الدعوات محجوب
نمیگردد و خواننده او را ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند
طاهرین و راستگویان چگونه است آن دعا حضرت فرمود ای ام داود در ماه
محرّم یعنی ماه رجب نزدیک شده است و آن ماهیست مبارک و حرمت آن
عظیم است و دعاها در آن مستجابست چون آن ماه درآید سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم آنکه ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت آن عمل را تعلیم او نمود
و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهر کس تعلیم مکن که میترسم که بدست کسی افتد
که از برای امر باطلی و نامشروعی این دعا را بخوانند بدرستیکه این دعا
بسیار شریف و مشتملست بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند هر چه بخواهد
البته بر آورده میشود و اگر درهای آسمان و زمین هم بسته شود یا دریاها
حایل باشند میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی
آسان میگرداند ترا بمطلب تو و حاجت ترا بر میآورد و هر که این دعا

بخواند خدا مستجاب میگرداند خواه مرد و خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن
فرزند تو باشند خداوند تعالی در کفایت شر ایشان میکند و زبان ایشان را می
بندد و ایشان را منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را
برای من نوشت و بخانه بر گشتم و چون ماه رجب داخل شد آنچه فرموده بود
بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه
افطار نمودم و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه
و پیغمبران و شهدا و عبادی که من بر ایشان صلوات فرستاده بودم حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله مرا خطاب فرمود که ای مادر داود بشارت
باد تو را که این جماعت که میبینی همه برادران و یاوران و شفیعان تواند و از
برای تو طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند تو را با آنکه حاجت تو
بر آورده است پس بشارت باد تو را بآمرزش خدا و خشنودی خدا و خدا ترا
جزای خیر دهد و شاد باش که حق تعالی فرزند تو را حفظ میکند و بتو بر
میگرداند ان شاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد
از آن باندک زمانی که سوار تند روی از عراق بمدینه آید داود بنزد من
آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان بسیار تنگی و سنگینی بند و زنجیر
بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که بلندی

زمین

اعمال ماه رجب

زمین است و تو را دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو
مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان و پاهای ایشان در زمین و
تسبیح و تقدیس خدای میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر
بود و جامهای بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله است بمن خطاب کرد که بشارت باد تو را ای فرزند
عجوزه صالحه که حق تعالی دعای مادر تو را در حق تو مستجاب کرد پس چون
بیدار شدم رسولان منصور دوانیقی بدر زندان رسیده بطلب من آمده
بودند در میان شب مرا بنزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من بر
داشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بوده بحساب این زمان بمن
عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر رهواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه
بیاورند ام داود گفت که من داود را بخدمت صادق بردم حضرت فرمود که
سبب خلاص تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین در خواب دید که با او
فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی تو را در این آتش میاندازم چون نظر
کرد در پای آتشی دید زیر پای خود پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود
پشیمان گردید و تو را رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت که حضرت
صادق فرمود که در ماه رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه

کیفیت عمل ام داود

بدار و روز پانزدهم غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون
زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی
کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت
نافله زوال بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور و پس نماز ظهر را با آداب
و شرایط بعمل آور و بعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره
که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت
نافله عصر را با آداب بجا بیاوری و در بعضی از روایات وارد شده است
که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه سوره قل هو الله احد و یک مرتبه
سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور
و در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه
سوره حمد و سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک
از این سوره ها را یک مرتبه بخوان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان
و یس و والصافات و حم سجده و حمعسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و
تبارک الذی بیده الملک و نون والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قرآن و
اگر نتوانی این سورها را از روی مصحف درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه
سوره قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که اگر ندانی

یا نتوانی این سورهای مخصوص را بخوانی صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه آیة
الکرسی و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و این احوط است و در روایت
دیگر وارد شده است که پیش از همه صد مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر و بعد از آیة الکرسی صد مرتبه بگوید اللهم صل
علی محمد وآل محمد و اگر آیة الکرسی نیز درست نتواند خواند صد مرتبه سوره حمد
و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پس دعا را بخواند و آیة الکرسی را
بهتر آنست که تا هم فیها خالدون بخواند و این دعاست بسم الله الرحمن الرحیم صدق الله
العلی العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام الرحمن الرحیم الحلیم
الکریم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع العلیم الخبیر شهد الله انه لا اله الا هو
والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله
الاسلام وبلغت رسله الکرام وانا علی ذلک من الشاهدین اللهم لک الحمد
ولک المجد ولک العز ولک الفخر ولک القهر ولک النعمة ولک العظمة ولک الرحمة ولک
المهابة ولک السلطان ولک البهاء ولک الامتنان ولک التسبیح ولک التقدیس
ولک التهلیل ولک التکبیر ولک ما یری ولک ما لا یری ولک ما فوق السموات
العلی ولک ما تحت الثری ولک الارضون السفلی ولک الآخرة والاولی ولک ما
ترضی به من الثناء والحمد والشکر والنعماء اللهم صل علی جبرئیل امینک علی وحیک

والقوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحال كراماتك المتحمل لكلماتك الناصر
لانبيائك المدمر لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك والمخلوق لرأفتك
والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم صل على اسرافيل حامل عرشك وصاحب
الصور المنتظر لامرك والوجل المشفق من خيفتك اللهم صل على عزرائيل قابض
ارواح جميع بامرك ملك الموت الامين على خلقك اللهم صل على حملة العرش
الطاهرين وعلى ملائكة الذكر اهل التامين على دعاء المؤمنين وعلى السفرة الكرام
البررة الطيبين وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة
النيران وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على ابينا آدم
بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك وابحته جنتك اللهم صل على
امنا حواء المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة
بين محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح
وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط ولوط وشعيب وايوب وموسى و
هرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس والياس واليسع وذي
الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا
وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع
وخالد وحنظلة اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد

وآل

اعمال ماه رجب

وآل محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم
صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى اللهم صل على الابدال
والاوتاد والسياح والمخلصين والعباد والزهاد واهل الجد والاجتهاد و
اخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه و
جسده مني تحية وسلاما وزده فضلا وشرفا حتى تبلغه اعلى درجات اهل
الشرف من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم وصل على من سميت
ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي
اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك اللهم اني استشفع
بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك الى رحمتك وباهل
طاعتك اليك واسئلك اللهم بكل ما سئلك به احد منهم من مسئلة شريفة
غير مردودة وبما دعوك به من دعوة مجابة غير مخيبة يا الله يا رحمن يا رحيم يا حليم
يا كريم يا عظيم يا جليل يا منيل يا جميل يا كفيل يا وكيل يا مقيل يا مجير يا خبير يا منير
يا مبير يا منير يا منيع يا مديل يا محيل يا كبير يا قدير يا بصير يا شكور يا بر يا طهر يا
طاهر يا قاهر يا ظاهر يا باطن يا ساتر يا محيط يا مقتدر يا حفيظ يا متجبر يا قريب
يا ودود يا حميد يا مجيد يا مبدئ يا معيد يا شهيد يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل
يا قابض يا باسط يا هادي يا مرسل يا مرشد يا مسدد يا معطي يا مانع يا دافع يا رافع

يا باقي يا واقي يا خلاق يا وهاب يا تواب يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده كل
مفتاح يا نفاع يا رؤوف يا عطوف يا كافي يا شافي يا معافي يا مكافي يا وفي يا مهيمن
يا عزيز يا جبار يا متكبر يا سلام يا مؤمن يا احد يا صمد يا نور يا مدبر يا فرد يا وتر
يا قدوس يا ناصر يا مونس يا باعث يا وارث يا عالم يا حاكم يا بادي يا متعالي يا
مصور يا مسلم يا متحبب يا قائم يا دائم يا عليم يا حكيم يا جواد يا باري يا بار يا سار
يا عدل يا فاضل يا ديان يا حنان يا منان يا سميع يا بديع يا خفير يا مغير يا معين
يا ناشر يا غافر يا قديم يا مسهل يا ميسر يا مميت يا محيي يا نافع يا رازق يا مقتدر
يا مسبب يا مغيث يا مغني يا مقني يا خالق يا واحد يا راصد يا حاضر يا جابر يا حافظ
يا شديد يا غياث يا عائد يا قابض يا منيب يا مبين يا منير يا طاهر يا مجيب يا
متفضل يا مستجيب يا عادل يا بصير يا مؤمل يا مسدي يا أواب يا وافي يا راصد
يا ملك يا رب يا مذل يا معز يا ماجد يا رازق يا ولي يا فاضل يا سبحان يا
من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب فدنى وبعد فنأى وعلم
السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير يا من العسير عليه سهل يسير
يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح
يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا
رازق من يشاء وفاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام يا حي يا قيوم

يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا انت بديع السموات والارض يا
الهي وسيدي صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد
كما صليت وباركت ورحمت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد مجيد وارحم ذلي
وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك
وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس
المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين
لربه دعاء من اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت فجيعته دعاء
حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهم واسئلك بانك
مليك وانك ما تشاء من امر يكن وانك على ما تشاء قدير واسئلك بحرمة
هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام والمشاعر
العظام وبحق نبيك محمد عليه وآله السلام يا من وهب لآدم شيثا ولابرهيم اسحق
ويا من رد يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد على
امه ويا زائد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمان ولزكريا يحيى ولمريم
عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد ام موسى اسئلك ان تصلي على محمد و
آل محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك
وامانك واحسانك وغفرانك وجنانك واسئلك ان تفك عني كل

حاجته وضيق بيني وبين من يؤذيني وتفتح لي كل باب وتلين لي كل صعب و
تسهل كل عسير وتخرس عني كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت عني كل
عدو لي وحاسد وتمنع مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين ولهي
ويحاول ان يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبادتك يا من الجم الجن المتمردين
وقهر عتات الشياطين واذل رقاب المتجبرين ورد كيد المتسلطين عن المستضعفين
اسئلك بقدرتك على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء
حاجتي فيما تشاء پس بسجده برو و پهلوهای خود را بر خاک بگذار و بگو اللهم
لك سجدت وبك آمنت فارحم ذلي وفاقتي واجتهادي وتضرعي ومسكنتي و
فقري اليك يا رب پس حضرت فرمود که سعی کن آب از دیدهات بیرون
اید اگرچه بقدر سر مگسی بوده باشد که از علامت اجابت دعاست و در
روایت دیگر وارد شده است که در سجده این دعا بخواند اللهم لك سجدت
وبك آمنت فارحم ذلي وخضوعي بين يديك وفقري وفاقتي اليك وارحم
انفرادي وخشوعي واجتهادي بين يديك وتوكلي عليك اللهم بك استفتح وبك
استنجح وبمحمد عبدك ورسولك وآله اتوجه اليك اللهم سهل لي كل حزونة و
ذلل لي كل صعوبة واعطني من الخير اكثر مما ارجو وعافني من الشر واصرف عني
السوء و بروایت دیگر صد مرتبه در سجده بگوید یا قاضي حوائج الطالبين

امض

امض حاجتي بلطفك يا خفي الالطاف و در روایت معتبر وارد شده است که
مادر داود بحضرت عرض کرد که ای سید و آقای من آیا این دعا را در غیر
ماه رجب میتوان خواند حضرت فرمودند بلی در روز عرفه میتوان خواند
و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا
او را بیامرزد و در هر ماه که باشد که اگر ایام البیض آنماه را روزه بدارد
و در روز پانزدهم این دعا بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش بر آورده میشود
و در روایت دیگر وارد است که حضرت فرمود که در روز عرفه و هر روز
که این دعا را بخوانند بر آورده میشود مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود
که در هر ماه که ایام البیض آنرا یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه
بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب فایز میگردد و دور
نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سایر ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه
بعمل آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرم که ذی القعده و ذی الحجه و
محرم و ماه رجب است این دعا را بخوانند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید
بحرمة الشهر الحرام و هذا را بیندازد بهتر باشد فصل پنجم در بیان
فضایل و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران رحمة الله
علیهم گفته‌اند که در روز هفدهم این ماه ابرهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه

فضایل و اعمال نصف آخر ماه رجب

واله از دنیا رفت پس حزن واندوه ولعن بر آنها که در این مصیبت شماتت
کردند مناسب خصوصا عایشه علیها اللعنه وابن عیاش که یکی از محدثان
شیعه است گفته است که حضرت فاطمه زهرا صلوات الله در روز
بیست ویکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه خلاف مشهور است
اما لعن بر قاتلان وظالمان جگر گوشه حضرت رسالت که عمده ایشان عمر بن
الخطاب علیه اللعنه والعذاب است وزیارت آنحضرت احتیاطا مناسب است
بنحوی که مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی وشیخ مفید ره گفته است
که در بیست ودویم اینماه معاویه علیه اللعنه بجهنم واصل شده است
مستحب است که این روز را روزه دارد بشکر این نعمت ودر روز بیست و
سیم اینماه خارجیان خنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی
زدند زیارت آنحضرت ولعن بر ظالمان وقاتلان آنحضرت مناسبست ودر
روز بیست وچهارم اینماه فتح خیبر بدست معجز نمای اسد الله الغالب علی
ابن ابی طالب جاری شد ومرحب یهودی کشته شد وگفته اند روزه
آن روز بشکر این نعمت وزیارت آنحضرت مستحب است وشیخ علیه الرحمه
ذکر کرده است که حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در روز بیست
وپنجم ماه واقع شد اما احادیث بسیار در فضیلت این روز وثواب روزه

اعمال ماه رجب

اش وارد شده است وروایتی نقل کرده اند از ابن بابویه وغیر او که حضرت
رسول در روز بیست وپنجم مبعوث برسالت شد واین مخالف مشهور است
واحادیث بسیار است که بعد از این مذکور خواهد شد اما در فضیلت
روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین منقولست که روزه
اش کفاره دویست سال گناه هست وبسندهای بسیار معتبر از حضرت امام
رضا مرویست که روز بیست وپنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی
روزه او را کفاره هفتاد سال گناه گرداند وایضا از آنحضرت منقولست
که هر که روز بیست وششم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را
کفاره هشتاد سال گناه گرداند ودر روز بیست وهفتم اینماه از جمله اعیاد
عظیمه است روزیست که حضرت رسول در آن روز برسالت بر امت مبعوث
گردید وجبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد وشبش نیز شب بسیار
مبارکیست وبسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که
در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر آن
میتابد وآن شب بیست وهفتم اینماه است ودر صبح آن شب حضرت رسول
برسالت مبعوث شد وکسیکه عبادت کند این شب را مثل اجر شصت سال خدا
باو عطا فرماید پرسیدند که عمل این شب چیست فرمود که چون نماز خفتن

عمل شب بعثت

کردی بخواب وهر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف وخواه
بعد از آن برخیز ودوازده رکعت نماز بکن وبعد از هر دو رکعت سلام
بگو ودر هر رکعت بعد از حمد یک سوره از سورهای کوچک بعد
از این را بخوان وچون از همه فارغ شوی چنانکه گذشته سورهٔ حمد وقل
اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل هو الله احد وقل یا ایها الکافرون
وانا انزلناه فی لیلة القدر وآیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان
پس این دعا را بخوان الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمقاعد عزک علی
ارکان عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وباسمک الاعظم الاعظم الاعظم
وذکرک الاعلی الاعلی وبکلماتک التامات ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تفعل بی ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی بطلب که هرچه بطلبی مستجاب
میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان طلب کنی
وروغن را وروشن بدار که از برای تو حساب میشود به روغن بکسال وبسند
معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که در شب بیست وهفتم
رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد ودر هر رکعت
بعد از حمد چهار مرتبه سورهٔ قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس

وقل هو الله احد بخواند وچون از دوازده رکعت فارغ شوی در همان مکان چهار
مرتبه بگو لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی بطلب   گوید که بهر یک از این
دو روایت که عمل کند خوبست واگر هر دو را بکند بهترست واگر نماز نصف
رجب را که لیلة جمعه مذکور شد در این شب بجا آورد خوبست ودر آن
روایت وارد شده است که در این شب نیز بجا آورند وشیخ طوسی علیه الرحمه
گفته است که غسل در این شب مستحب است وزیارت حضرت رسول وحضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیهما در این شب مناسبست واین دعا نیز وارد
شده است که در این شب بخوانند اللهم انی اسئلک بالتجلی الاعظم فی هذه
اللیلة من الشهر المعظم والمرسل المکرم ان تصلی علی محمد وآل محمد وان
تغفر لنا ما انت به منا اعلم یا من یعلم ولا یعلم اللهم بارک لنا فی لیلتنا هذه
التی بشرف الرسالة فضلتها وبکرامتک اجللتها وبالمحل الشریف احللتها
اللهم انا نسئلک بالمبعث الشریف والسید اللطیف والعنصر العفیف
ان تصلی علی محمد وآله وان تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة وفی سایر اللیالی
مقبولة وذنوبنا مغفورة وحسناتنا مشکورة وسیئاتنا مستورة وقلوبنا
بحسن القول مسرورة وارزاقنا من لدنک بالیسر مدرورة اللهم انک تری و

لا نرى وانت بالمنظر الاعلى وان اليك الرجعى والمنتهى وان لك الممات والمحيا
وان لك الآخرة والاولى اللهم انا نعوذ بك ان نذل ونخزى وان نأتى ما عنه
نهيت اللهم انا نسئلك الجنة برحمتك ونستعيذ بك من النار فاعذنا منها
بقدرتك ونسئلك من الحور العين فارزقنا بعزتك واجعل اوسع ارزاقنا
عند كبر سننا واحسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا واطل فى طاعتك وما
يقرب اليك ويحظى عندك ويزلف لديك اعمارنا واحسن فى جميع احوالنا
وامورنا معرفتنا ولا تكلنا الى احد فيمن علينا وتفضل علينا بجميع حوائجنا
للدنيا والآخرة وابدأ بآبائنا وابنائنا وجميع اخواننا المؤمنين فى جميع ما سألناك
لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسئلك باسمك العظيم وملكك القديم
ان تصلى على محمد وآل محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر العظيم الا العظيم
وهذا رجب المكرم الذى اكرمتنا بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم فاسئلك
به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم الذى خلقته فاستقر فى ظلك
فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلى على محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من
العاملين فيه بطاعتك والآملين فيه بشفاعتك اللهم اهدنا الى سواء
السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل فى ظل ظليل وملك جزيل فانك
حسبنا ونعم الوكيل اللهم اقلبنا مفلحين منجحين غير مغضوب علينا ولا الضالين

برحمتك

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انى اسئلك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة
من كل اثم والغنيمة من كل بر والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم دعاك الداعون
ودعوتك وسئلك السائلون وسئلتك وطلب اليك الطالبون وطلبت اليك
اللهم انت الثقة والرجاء واليك منتهى الرغبة والدعاء اللهم فصل على محمد
وآله واجعل اليقين فى قلبى والنور فى بصرى والنصيحة فى صدرى وذكرك فى
الليل والنهار على لسانى ورزقا واسعا غير ممنون ولا محظور فارزقنى وبارك
لى فيما رزقتنى واجعل غناى فى نفسى ورغبتى فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين
پس بسجده رود و بگوید الحمد لله الذى هدانا لمعرفته وخصنا بولايته ووفقنا
لطاعته پس بگو شكرا شكرا صد مرتبه پس سر از سجده بردارد و بگو اللهم انى
قصدتك بحاجتى واعتمدت عليك بمسئلتى وتوجهت اليك بائمتى و
سادتى اللهم انفعنا بحبهم واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنة
فى زمرتهم برحمتك يا ارحم الراحمين و در روز بيست و هفتم غسل سنت

عمل روز مبعث

و روزه اش فضيلت بسيار دارد و بسندهاى معتبر از حضرت صادق ع
منقولست كه روزه اش برابرست با روزه هفتاد سال و بروايت ديگر
شصت سال و ايضا منقولست كه حسن بن راشد از حضرت صادق سؤال
كرد كه آيا غير عيدهاى مشهور عيدى هست حضرت فرمود بلى شريفترين

وفضیلتش همه روز بیست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله برسالت مبعوث
گردیده است وآن بیست وهفتم ماه رجب است باید که روزه بداری وصلوات
بر محمد وآل محمد بفرستی وزیارت حضرت رسول وحضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیهما در این روز منقولست ونماز این روز بطرق مختلفه وارد شده است
واکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد واز اکثر احادیث ظاهر میشود که در
هر وقت روز که بکنند خوبست وبسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست
که چون حضرت امام محمد تقی ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب
وروز بیست وهفتم روزه داشتند وجمیع ملازمان واصحاب خود را امر فرمودند
که این روز را روزه بدارند ودر هر یک دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو
رکعت بیک سلام ودر هر رکعت الحمد وهر سوره که خواهند بکنند وچون
از همه فارغ شوند سوره حمد وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل
اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند
لا اله الا الله والله اکبر سبحان الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه
بگوید لا اشرک بربی احدا وبسند معتبر دیگر از حضرت صاحب الامر صلوات
الله علیه منقولست که در این روز دوازده رکعت نماز بجای میاوری ودر

هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود میخوانی وبعد از هر دو رکعت سلام
میگوئی وبعد از نماز میخوانی الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی
الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی ویا صاحبی فی
شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی
یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت الساتر عورتی فلک الحمد وانت
المقیل عثرتی فلک الحمد وانت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد وآل محمد و
استر عورتی وآمن روعتی واقلنی عثرتی واصفح عن جرمی وتجاوز عن سیئاتی
فی اصحاب الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون وچون از نماز ودعا
فارغ شوی سوره حمد وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ
برب الناس وقل یا ایها الکافرون وانا انزلناه وآیة الکرسی هر یک را هفت
مرتبه میخوانی پس هفت مرتبه میگوئی لا اله الا الله والله اکبر وسبحان
الله والحمد لله ولا حول ولا قوة الا بالله پس هفت مرتبه میگوئی الله الله
ربی ولا اشرک به شیئا پس آنچه خواهی از خدا بطلب وبسند معتبر دیگر
از حضرت موسی بن جعفر منقولست که سنتست این دعا را در روز مبعث
بخوانند یا من امر بالعفو والتجاوز وضمن نفسه العفو والتجاوز یا من عفی و
تجاوز اعف عنی وتجاوز عنی یا کریم اللهم وقد اکدی الطلب واعیت الحیلة

والمذهب ودرست الآمال وانقطع الرجاء الّا منك وحدك لا شريك لك
اللهم انّي اجد سُبُل المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء لديك مترعة و
وابواب الدعاء لمن دعاك مفتّحة والاستعانة لمن استعان بك مباحة و
اعلم انك لداعيك بموضع اجابة وللصارخ اليك بمرصد اغاثة وان في
اللهف الى جودك والضمان بعدتك عوضاً من منع الباخلين ومندوحة
عمّا في ايدي المستأثرين وانك لا تحتجب عن خلقك الّا ان تحجبهم الاعمال دونك
وقد علمت ان افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة وقد ناجاك بعزم الارادة
قلبي فاسئلك بكل دعوة دعاك بها راجٍ بلّغته امله او صارخ اليك اغثت
صرخته او ملهوف مكروب فرّجت عن قلبه او مذنب خاطئ غفرت له
او معافاً اتممت نعمتك عليه او فقير اهديت غناك اليه ولتلك الدعوة
عليك حق وعندك منزلة الّا صلّيت على محمد وآله وقضيت حوائجي الدنيا
والآخرة وهذا رجب المكرّم الذي اكرمتنا به من بين الامم يا ذا الجود والكرم
فاسئلك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجلّ الاكرم الذي خلقته
فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين
وتجعلنا من العاملين فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم
واهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل

فانك

اعمال ماه رجب

فانك حسبنا ونعم الوكيل والسلام على عباده المصطفين وصلواته عليهم اجمعين
اللهم وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضّلته وبكرامتك جللته وبالمنزل
العظيم منك انزلته وصلّ على من فيه الى عبادك ارسلته وبالمحل الكريم احللته
اللهم صل عليه صلوة تكون لك شكراً ولنا ذخراً واجعل لنا من امرنا يسراً و
اختم لنا بالسعادة الى منتهى آجالنا وقد قبلت اليسير من اعمالنا وبلّغنا برحمتك
افضل آمالنا انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم و بسند
معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هرکه روز بیست وهشتم ماه رجب را
روزه گیرد کفاره نود سال گناه او گردد وهرکه روز بیست ونهم را روزه بدارد
کفاره صد سال گناه او باشد وهرکه روز سی ام اینماه را روزه دارد جمیع
گناهان گذشته وآینده او را بیامرزد ودر روز آخر نماز سلمان سنت است
بنحویکه در اول مذکور شد واگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست ونهم
نیز احتیاط بکند ودر کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی
ذکر کرده اند چون سند معتبری بنظر نرسید نخواستیم ایراد نمائیم وچون
بسیار مشهور است ایراد مینمائیم بر سبیل اجمال واگر کسی بقصد آنکه
مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست شب اول سی رکعت در هر رکعت
بعد از حمد سوره جحد یعنی قل یا ایها الکافرون وسه توحید یعنی قل

هو الله احد **دوم** ده رکعت با حمد وجحد **سیم** ده رکعت با حمد و پنج مرتبه
سورهٔ اذا جاء نصر الله در هر رکعت **چهارم** صد رکعت در هر دو رکعت در
اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دویم بعد از حمد قل اعوذ برب
الناس **پنجم** شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید
ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت نوبت آیة الکرسی **هفتم**
چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد توحید و معوذتین هر یک سه
مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات اربع **هشتم**
بیست رکعت در هر رکعت بحمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه **نهم** دو
رکعت بحمد و پنج نوبت الهیکم التکاثر **دهم** دوازده رکعت بعد از حمد و سه
مرتبه توحید **یازدهم** دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی
دو رکعت با حمد و آیهٔ آمن الرسول ده مرتبه **دوازدهم** ده رکعت در هر
دو رکعت در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ والعادیات و در دویم سورهٔ
الهیکم التکاثر **سیزدهم** سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ توحید
و آیهٔ قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره **پانزدهم و شانزدهم و هفدهم**
سی رکعت با حمد و ده مرتبه سورهٔ توحید در هر رکعت **هیجدهم** دو
رکعت در هر رکعت بعد از سورهٔ حمد توحید و معوذتین هر یک ده

مرتبه

مرتبه **نوزدهم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید
و آیة الکرسی **بیستم** دو رکعت در هر رکعت سورهٔ حمد و پنج مرتبه انا
انزلناه **بیست و یکم** شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا
اعطیناک الکوثر و ده مرتبه توحید **بیست و دویم** هشت رکعت در هر
رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد و هفت مرتبه قل یا ایها الکافرون و بعد از
فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار
بیست و سیم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ والضحی **بیست و
چهارم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیهٔ آمن الرسول و سورهٔ
توحید یکمرتبه **بیست و پنجم** بیست رکعت در میان شام و خفتن در
هر رکعت حمد و آیهٔ آمن الرسول و سورهٔ توحید یکمرتبه **بیست و ششم**
دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید **بیست و
هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم** دوازده رکعت و در هر رکعت بعد از حمد
ده مرتبه سورهٔ اعلی و ده مرتبه انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات
صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار **سی‌ام**
ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید و در هر یک
از این نمازها ثوابهای بسیار مذکور است و بنا بر علم اعتماد سند

ذکر نکردم و جمیع نوافل که مذکور میشود هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی
که طولی دارد و میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید بعد از ادا
شدن وقت خفتن واقع شود که دلش خالی از اشکالی نیست لهذا نماز مشهور
شب رغایب را در این رساله ایراد ننمودم با آنکه از طرق عامه نقل شده است
و معتبر نیست **باب دویم** در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک شعبان
و ایام و لیالی آنست و در آن پنج فصلست **فصل اول** در بیان فضیلت
این ماهست و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجب است
و منسوبست بحضرت سید انبیا صلی الله علیه و آله چنانچه منقولست
از حضرت صادق که چون حضرت رسول الله ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمود
ندا کننده را که ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب
خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه منست خدا رحمت کند کسی را که یاری
کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که از روزی که ندای منادی
آنحضرت را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد
ان شاء الله تعالی و فرمود که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست
از جانب خدا برای جمیع گناهان و ایضا منقولست از ام سلمه که حضرت رسول
هیچ ماه تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان که آنرا وصل میکرد بماه رمضان

فضیلت ماه شعبان

وایضا

وایضا منقولست که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه از روزهای سنت
افضل است فرمود که روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت
امام محمد باقر منقولست که حضرت رسول روزه شعبان را وصل میکرد
بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان
گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر منقولست که هر که ماه شعبان
روزه او را پاک گرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و قسمهای در
وقت غضب و از حضرت رسالت منقولست که ماه شعبان ماهیست
شریف و آن ماه منست و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق حرمت
میشناسند و آن ماهیست که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان
از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام
کرده اند برای آنکه متشعب و بسیار میگردد در آن روزیهای مؤمنان و
حسنه در آن ماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناهان در آن بخشیده میگردد
و امر زیده میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند
بسوی روزه داران و عبادت کنندگان این ماه پس مباهات میکنند با ایشان با
حاملان عرش پس در فضیلت روزه هر روز آن فرمود که ذکرش موجب
تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که روزه

فضیلت ماه شعبان

شعبان ذخیره بنده است از برای روز قیامت و هر بنده که در شعبان روزه
بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت او را باصلاح آورد و کفایت کند
شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار روزی از شعبان میدهند آنست
که بهشت او را واجب گردد و بسندهای معتبر از آنحضرت منقولست که حضرت
رسول فرمود که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس هر که یکروز
از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت و هر که دو روز از ماه من
روزه بدارد گناهان گذشته و آینده او آمرزیده گردد و هر که سه روز
از ماه من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه ندارد و
بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که یکروز از شعبان از برای
خدا روزه بدارد داخل بهشت شود و هر که در یکروز شعبان هفتاد مرتبه
استغفار کند در قیامت در زمره حضرت رسول محشور گردد و کرامت از
خدا او را واجب گردد و هر که در شعبان تصدق بکند اگر چه بنصف دانه
خرما باشد خدا بدن او را از آتش جهنم حرام گرداند و هر که سه روز از آخر
شعبان روزه بدارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزه دو ماه متصل
برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که
کدام ماه را حضرت رسول زیاده از ماهها دیگر روزه میگرفت گفت ماه

شعبان

فضیلت ماه شعبان

شعبان از او شنیدم که میفرمود که مردم غافلند و آن ماهیست که در آن ماه عملها بسوی خدا
بالا میرود و دوست میدارم که عمل من بالا رود در وقتی که روزه باشم و ایضا
روایت کرده است که از آنحضرت پرسیدند از روزه رجب فرمود که چرا غافلند
از روزه شعبان یعنی افضل است از آن و ایضا روایت کرده است بسند معتبر
از حضرت خیر البشر فرمود که شعبان ماه منست هر که یکروز روزه دارد
بهشت او را واجب شود و هر که دو روز روزه دارد در قیامت رفیقان پیغمبران
و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد و پیوند کند بماه رمضان
توبه او باشد از هر گناه کوچک و بزرگ هر چند داخل خون حرامی شده باشد
او را نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که هر که
سه روز از ماه شعبان روزه دارد بهشت او را واجب گردد و رسول خدا
شفیع او باشد و ایضا بسند بسیار معتبر از حضرت صادق روایت کرده است
که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را جمع
مینمود و میفرمود ای گروه اصحاب من میدانید چه ماهست این ماه شعبانست
و حضرت رسول میفرمود شعبان ماه منست پس روزه بدارید در این ماه از برای
محبت پیغمبر خود از برای تقرب بسوی پروردگار خود بحق آن خداوندی که جان
علی ابن الحسین بدست اوست سوگند یاد میکنم که شنیدم از پدرم حسین ابن

علی که گفت شنیدم از امیر المؤمنین علیه السلام که هر که روزه دارد شعبان را
از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد و نزدیک
گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب گرداند
و ایضا از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که حضرت رسول فرمود
که شعبان ماه منست و رمضان ماه خداست پس هر که ماه مرا روزه بدارد
من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی
مونس او گردد در وحشت قبر و او را تنها نگذارد و از قبر بیرون آید تا قیامت
با روی سفید نورانی و نامهٔ عمل او را بدستش دهند و نامهٔ مخلد بودن
در بهشت را بدست چپ او دهند تا آنکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند
پس حق تعالی او را ندا کند که ای بندهٔ من بگوید لبیک یا خداوند من پس خدا
گوید که روزه داشتی از برای من گوید بلی ای آقای من پس خدای جلیل ندا
کند که بگیرید دست بندهٔ مرا ببرید بنزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد
من پس با او گویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی من گویم با او که امروز شفاعت
تو میکنم پس حق تعالی فرماید که من حقوق خود را به بندهٔ خود بخشیدم
اما حقوق خلق من هر که از او عفو کند من آنقدر عوض بان بدهم که او راضی
شود پس من دستش را بگیرم و بیاورم بنزد صراط پس بینم که صراط لغزنده است

و میلرزد و پای گناهکاران بر آن بند نمیشود پس دستش را بگیرم ملکی که
موکلست بر صراط گوید کیست این مرد من گویم این فلانکس است از امت من که
در دنیا ماه مرا روزه گرفته است بامید شفاعت من و ماه خدا را روزه
داشته است از برای طلب وعدهٔ خدا پس او را بر صراط بگذرانم بعفو خدا
تا آنکه او را بدر بهشت پس رضوان گوید که امروز روزیست که در را برای
امت تو میگشایم و او را داخل بهشت پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که
روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا شفیع شما گردد در قیامت و روزه
بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت **فصل دویم**

اعمال هر روز ماه شعبان

در بیان اعمال هر روز ماه شعبانست بسند معتبر از حضرت امام رضا
منقولست که هر که هفتاد مرتبه در هر روز ماه شعبان استغفار کند
گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهای آسمان باشد و در کافی
حسین بن سعید از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرمود که
شعبان ماه منست پس در این ماه بسیار بفرستید صلوات بمن و آل من و
شعبان را ماه شفاعت میگویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که
در این ماه صلوات بر او و آل او بفرستند و از حضرت صادق منقولست که
بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان

استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار
مرتبه استغفار کرده باشد مردی پرسید که چگونه بگویم فرمود که بگو استغفر
الله واسئله التوبة و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که
در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واسئله التوبة
بنویسد حق تعالی برای او براءة بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط
و داخل بهشت گرداند او را و به سندهای معتبر منقولست که هر که در هر روز
ماه شعبان هفتاد مرتبه استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم الحی
القیوم واتوب الیه بگوید حق تعالی روح او را در افق مبین جا دهد و آن
فضای وسیعیست در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در
کنار آن نهرهاست بعدد ستارهای آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم
پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقولست که حضرت
امام زین العابدین در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه
آن این صلوات میخواند اللهم صل علی محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف
الملائکة و معدن العلم و اهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد و آل محمد الفلک
الجاریة فی اللجج الغامرة یامن من رکبها و یغرق من ترکها المتقدم لهم مارق والمتأخر
عنهم زاهق واللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد و آل محمد الکهف الحصین و غیاث

المضطر

اعمال ماه شعبان

المضطر المستکین و ملجأ الهاربین و منجا الخائفین و عصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد
و آل محمد صلوة کثیرة طیبة تکون لهم رضی و لحق محمد و آل محمد اداء و قضاء بحول
منک و قوة یا رب العالمین اللهم صل علی محمد و آل محمد الطیبین الابرار الاخیار الذین
اوجبت لهم حقوقهم و فرضت طاعتهم و ولایتهم اللهم صل علی محمد واعمر قلبی بطاعتک
ولا تخزنی بمعصیتک وارزقنی مواساة من قترت علیه من رزقک بما وسعت علی
من فضلک و نشرت علی من عدلک واحیینی تحت ظلک و هذا شهر نبیک سید
رسلک صلواتک علیه و آله شعبان الذی حففته منک بالرحمة والرضوان
الذی کان رسول الله صلی الله علیه و آله یدأب فی صیامه و قیامه فی
لیالیه و ایامه بخوعا لک فی اکرامه و اعظامه الی محل حمامه اللهم فاعنا
علی الاستنان بسنته فیه و نیل الشفاعة لدیه اللهم واجعله لی شفیعا مشفعا
و طریقا الیک مهیعا واجعلنی له متبعا حتی القاک یوم القیمة عنی راضیا و
عن ذنوبی غاضیا قد اوجبت لی منک الرحمة والرضوان وانزلتنی دار القرار
و محل الاخیار و سید بن طاوس ره بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده
که این مناجات حضرت امیر المؤمنین و امامان از فرزندان او است علیهم السلام
که در ماه شعبان میخوانده اند اللهم صل علی محمد و آل محمد واسمع دعائی اذا
دعوتک واسمع ندائی اذا نادیتک واقبل علی اذا ناجیتک فقد هربت الیک

ووقفت بين يديك مستكيناً لك متضرعاً اليك راجياً لما لديك ثوابي وتعلم
ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري ولا يخفى عليك امر منقلبي ومثواي وما
اريد ان ابدئ به من منطقي واتفوه به من طلبتي وارجوه لعاقبتي وقد جرت
مقاديرك علي يا سيدي فيما يكون مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي وبيدك
لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري الهي ان حرمتني فمن ذا الذي يرزقني
وان خذلتني فمن ذا الذي ينصرني الهي اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك الهي
ان كنت غير مستاهل لرحمتك فانت اهل ان تجود علي بفضل سعتك الهي كاني
بنفسي واقفة بين يديك وقد اظلها حسن توكلي عليك فقلت ما انت اهله
وتغمدتني بعفوك الهي ان عفوت فمن اولى منك بذلك وان كان قد دنى اجلي
ولم يدنني منك عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب اليك وسيلتي الهي قد جرت
على نفسي في النظر لها فلها الويل ان لم تغفر لها الهي لم يزل برك علي ايام حياتي
فلا تقطع برك عني في مماتي الهي كيف آيس من حسن نظرك لي بعد مماتي وانت لم
تولني الا الجميل في حياتي الهي تول من امري ما انت اهله وعد بفضلك على مذنب
قد غمره جهله الهي قد سترت علي ذنوباً في الدنيا وانا احوج الى سترها علي
منك في الاخرى الهي قد احسنت الي اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين
فلا تفضحني يوم القيمة على رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي وعفوك افضل

من

اعمال ماه شعبان

من عملي الهي فسرني بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاري اليك اعتذار
من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون
الهي لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي واملي الهي لو اردت هواني
لم تهدني ولو اردت فضيحتي لم تعافني الهي ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت
عمري في طلبها منك الهي فلك الحمد ابداً ابداً دائماً سرمداً يزيد ولا يبيد كما
تحب وترضى الهي ان اخذتني بجرمي اخذتك بعفوك وان اخذتني بذنوبي اخذتك
بمغفرتك وان ادخلتني النار اعلمت اهلها اني احبك الهي ان كان صغر في جنب
طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك املي الهي كيف انقلب من عندك بالخيبة
محروماً وقد كان حسن ظني بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوماً الهي وقد افنيت عمري
في شرة السهو عنك وابليت شبابي في سكرة التباعد منك الهي فلم استيقظ
ايام اغتراري بك وركوني الى سبيل سخطك الهي وانا عبدك وابن عبدك
قائم بين يديك متوسل بكرمك اليك الهي انا عبد اتنصل اليك مما كنت
اواجهك به من قلة استحيائي من نظرك واطلب العفو منك اذ العفو نعت لكرمك
الهي لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك الا في وقت ايقظتني لمحبتك وكما اردت
ان اكون كنت فشكرتك بادخالي في كرمك ولتطهير قلبي من اوساخ الغفلة عنك
الهي انظر الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته بمعونتك فاطاعك يا قريباً

لا یبعد عن المغتر به و یا جوادا لا یبخل عمن رجا ثوابه الهی هب لی قلبا یدنیه
منک شوقه و لسانا یرفع الیک صدقه و نظرا یقربه منک حقه الهی ان من تعرف
بک غیر مجهول و من لاذ بک غیر مخذول و من اقبلت علیه غیر مملول الهی ان
من انتهج بک لمستنیر و ان من اعتصم بک لمستجیر و قد لذت بک یا الهی فلا تخیب ظنی
من رحمتک و لا تحجبنی عن رافتک الهی اقمنی فی اهل ولایتک مقام من رجا الزیادة
من محبتک الهی و الهمنی ولها بذکرک الی ذکرک و اجعل همتی الی روح نجاح اسمائک
و محل قدسک الهی بک علیک الا الحقتنی بمحل اهل طاعتک و المثوی الصالح
من مرضاتک فانی لا اقدر لنفسی دفعا و لا املک لها نفعا الهی انا عبدک الضعیف
المذنب و مملوکک المنیب المعیب فلا تجعلنی ممن صرفت عنه وجهک و حجبه
سهوه عن عفوک الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاء
نظرها الیک حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمة
و تصیر ارواحنا معلقة بعز قدسک الهی و اجعلنی ممن نادیته فاجابک
و لاحظته فصعق لجلالک فناجیته سرا و عمل لک جهرا الهی لم اسلط علی
حسن ظنی قنوط الایاس و لا انقطع رجائی من جمیل کرمک الهی ان کانت الخطایا
قد اسقطتنی لدیک فاصفح عنی بحسن توکلی علیک الهی ان حطتنی الذنوب من
مکارم لطفک فقد نبهنی الیقین الی کرم عطفک الهی ان انامتنی الغفلة عن

الاستعداد

اعمال ماه شعبان

الاستعداد للقائک فقد نبهتنی المعرفة بکرم آلائک الهی ان دعانی الی النار عظیم
عقابک فقد دعانی الی الجنة جزیل ثوابک الهی فلک اسئل و الیک ابتهل و
ارغب ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعلنی ممن یدیم ذکرک و لا ینقض عهدک و
لا یغفل عن شکرک و لا یستخف بامرک الهی و الحقنی بنور عزک الابهج فاکون لک عارفا
و عن سواک منحرفا و منک خائفا مراقبا یا ذا الجلال و الاکرام و صلی الله علی محمد
رسوله و آله الطاهرین و سلم تسلیما کثیرا و این از مناجاتهای جلیل القدر
و پر مضامین عالیه مشتملست و در همه اوقات که حضور قلبی باشد خواندن
مناسبست و از حضرت رسول منقولست که هر که در مجموع ماه شعبان هزار
مرتبه بگوید لا اله الا الله و لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره
المشرکون حق تعالی عبادت هزار ساله در نامه اعمال او بنویسد و گناه
هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید با روی نورانی مانند ماه شب چهارده
و او را صدیق بنویسند و بسند معتبر منقولست که از حضرت صادق سؤال کردند
از فضیلت روزه رجب حضرت فرمود که چرا غافل گردیدید از روزه شعبان
راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسی که یک روز شعبان را روزه دارد
گفت والله بهشت ثواب اوست گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها در این ماه
چیست فرمود تصدق کردن و طلب آمرزش نمودن که هر که در این ماه تصدق

بکند حق تعالی او را زینت میکند چنانکه یکی از شماها بچه خود را زینت کند
تا آنکه در قیامت مانند کوه احد شود صاحبش برسد **شعبان** در فضایل و
اعمال ایام مخصوصه اول ماهست تا ایام البیض بسندهای معتبر منقولست
از حضرت صادق که هر که در روز اول ماه شعبان روزه دارد بهشت
او را واجب کرده البته و از حضرت امام رضا منقولست استحباب روزه
سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر ماه و از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که رسول خدا فرمود که هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند
آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را
و دعای ایشان را مستجاب گردان و روز سیم ماه شعبان روز بسیار مبارکیست
و موافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسین است و از حضرت صاحب
الامر فرمانی بیرون آمد که روز سیم ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین
است پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید اللهم انی اسئلك بحق المولود
فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها
والارض و من علیها و لما یطا لابتیها قتیل العبرة و سید الاسرة الممدود بالنصرة
یوم الکرة المعوض من قتله ان الائمة من نسله والشفاء فی تربته والفوز
معه فی اوبته والاوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبته حتی یدرکوا الاوتار

ونثار

ونثاروا الثار و یرضوا الجبار و یکونوا خیر انصار صلی الله علیهم مع اختلاف
اللیل والنهار اللهم فبحقهم الیك اتوسل واسئل سؤال مقترف و معترف مسیء
الی نفسه مما فرط فی یومه وامسه یسئلك العصمة الی محل رمسه اللهم صل
علی محمد و عترته واحشرنا فی زمرته وبوئنا معه دار الکرامة و محل الاقامة اللهم
وکما اکرمتنا بمعرفته فاکرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا
ممن یسلم لامره و یکثر الصلوة علیه عند ذکره و علی جمیع اوصیائه و اهل
اصطفائه الممدودین منك بالعدد الاثنی عشر النجوم الزهر والحجج علی جمیع البشر
اللهم وهب لنا فی هذا الیوم خیر موهبة وانجح لنا فیه کل طلبة کما وهبت الحسین لمحمد
جده و عاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته و ننتظر اوبته
آمین رب العالمین و زیارت آنحضرت و غسل زیارة در این روز مستحب و
کیفیت زیارت بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله و شیخ طوسی رحمه
الله روایت نقل کرده است که حضرت امام حسین در روز پنجم این ماه متولد
شده است اگر احتیاط هر دو روز را حرمت و اعمال را در این روز بعمل
آورند خصوصا زیارت بهتر است و ایضا شیخ طوسی بسند معتبر از حضرت
صادق روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین در روز هفتم ماه شعبان
متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب مذکور

شد امّا بر وفق این روایت که روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر را در
آن روز بعمل آورند مناسبت **فصل چهارم** در اعمال ایام البیض ماه شعبان
است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم در اعمال ماه رجب مذکور شد که
سنّت است که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت
و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ یٰس
و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز سنّت سورها
که از حفظ نتوانند خواند از روی قرآن میتوان خواند و روزه هر سه روز
سنّت است و فضایل و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله
احصا توان نمود و اکتفا مینمائیم بآنچه صحیح ترست از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که حضرت رسول فرمود که چون شب نصف شعبان شود شب
را بعبادت بایستید و روزش روزه بدارید بدرستیکه از اول تا آخر
اینشب از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا استغفار کننده هست که طلب
آمرزش کند از گناهان خود و ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست که از
ما طلب روزی کند ما روزی او را فراخ گردانیم و غسل در این شب سنّت
است و از حضرت صادق منقولست که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب
نیمه از غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را در

یابد و از جملهٔ اعمال اینشب زیارت حضرت امام حسین است و از حضرت امام
زین العابدین منقولست که هر که خواهد با او مصافحه کنند روح صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین را در شب نصف
شعبان زیرا که ملائکه و پیغمبران در اینشب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت
آنحضرت بیایند و رخصت مییابند پس خوشا حال کسیکه این بزرگواران
با او مصافحه کنند و از جملهٔ ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم نوح و ابرهیم
و موسی و عیسی و محمّد صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث گردیده اند بمشرق
و مغرب زمین و جنّیان و آدمیان و از حضرت صادق منقولست که در شب
نیمهٔ شعبان میآمرزند جمیع گناهان کبیره اگر زیارت آنحضرت کند در آنشب
و اقلّ زیارت آنحضرت آنست که ببامی یا بصحن گشاده در آید و بجانب راست
آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب
راست قبله و بگوید السَّلامُ عَلَیکَ یا ابا عَبدِ اللهِ السَّلامُ عَلَیکَ یا بنَ
رَسولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیکَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ و اگر یکی از زیارات مبسوطه
را بعمل آورد بهترست و از جملهٔ آنها اینست السَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ آدَمَ
صِفوَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ نوحٍ نَبِیِّ اللهِ السَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ
اِبرٰهیمَ خَلیلِ اللهِ السَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ موسیٰ کَلیمِ اللهِ السَّلامُ عَلَیکَ

یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک
یا وارث امیر المؤمنین ولی الله السلام علیک یا بن محمد المصطفی السلام علیک
یا بن علی المرتضی السلام علیک یا بن فاطمة الزهراء السلام علیک یا بن خدیجة
الکبری السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انک قد اقمت
الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر واطعت الله و
رسوله حتی اتاک الیقین فلعن الله امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله
امة سمعت بذلک فرضیت به یا مولای یا ابا عبد الله اشهد انک کنت نورا
فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم
تلبسک من مدلهمات ثیابها واشهد انک من دعائم الدین وارکان المؤمنین
واشهد انک الامام البر التقی الرضی الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة
من ولدک کلمة التقوی واعلام الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا
واشهد الله وملائکته وانبیائه ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع
دینی وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع صلوات الله علیکم
وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی اجسامکم وعلی شاهدکم وعلی غائبکم
وعلی ظاهرکم وعلی باطنکم پس دو رکعت نماز زیارت میکند واگر نماز زیارت
از زیارت بکند نیز خوب واگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت

حضرت

حضرت علی الحسین شهید بکند وبگوید السلام علیک یا بن رسول الله السلام
علیک یا بن نبی الله السلام علیک یا بن امیر المؤمنین السلام علیک یا بن الحسین
الشهید السلام علیک ایها الشهید السلام علیک ایها المظلوم وابن المظلوم
لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک
فرضیت به پس قصد زیارت سایر شهدا رضی الله عنهم بکند وبگوید السلام
علیکم یا اولیاء الله واحبائه السلام علیکم یا اصفیاء الله واودائه السلام
علیکم یا انصار دین الله السلام علیکم یا انصار رسول الله السلام علیکم یا
انصار امیر المؤمنین السلام علیکم یا انصار فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین
السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی الزکی الناصح السلام علیکم یا
انصار ابی عبد الله بابی انتم وامی طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم
فوزا عظیما فیا لیتنی کنت معکم فافوز معکم ودر شب اول وپانزدهم ماه رجب
ودر سیم وپنجم ماه شعبان وشبهای ماه مبارک رمضان وشبهای عید
وسایر ایامی که زیارت انحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت میتوان کرد
وزیارت مبسوطه ومخصوصه را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که
خواهد بان کتاب رجوع نماید واز جمله برکات این شب انست که ولادت
با سعادت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در این شب واقع

شده وباین سبب سنت است که این دعا را در این شب بخوانند که بمنزله زیارت
آنحضرتست اللهم بحق لیلتنا هذه ومولودها وحجتک وموعودها التی قرنت
الی فضلها فضلا فتمت کلمتک صدقا وعدلا لا مبدل لکلماتک ولا معقب
لایاتک نورک المتألق وضیاؤک المشرق والعلم النور فی طخیاء الدیجور الغائب
المستور جل مولده وکرم محتده والملائکة شهده والله ناصره ومؤیده اذا آن
میعاده والملائکة امداده سیف الله الذی لا ینبو ونوره الذی لا یخبو وذو الحلم الذی
لا یصبو مدار الدهر ونوامیس العصر وولاة الامر والمنزل علیهم الذکر وما ینزل
فی لیلة القدر واصحاب الحشر والنشر تراجمة وحیه وولاة امره ونهیه
اللهم فصل علی خاتمهم وقائمهم المستور عن عوالمهم وادرک بنا ایامه وظهوره
وقیامه واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا بثاره واکتبنا فی اعوانه وخلصائه
واحینا فی دولته ناعمین وبصحبته غانمین وبحقه قائمین ومن السوء سالمین
یا ارحم الراحمین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد خاتم النبیین و
المرسلین وعلی اهل بیته الصادقین وعترته الناطقین والعن جمیع الظالمین
واحکم بیننا وبینهم یا احکم الحاکمین وزید شهید روایت کرده است که پدرم
امام زین العابدین ما ها همه را در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد و شب
را سه حصه میکرد و در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دویم دعا میکرد

وما امین

وما امین میگفتیم بدعای او و ثلث اخر را استغفار و طلب امرزش میکرد و ما
نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب و نمازهای
این شب بسیار است و از جمله انها چهار رکعت است هر دو رکعت بیک سلام
و سی نفر از اصحاب حضرت صادق این نماز را از انحضرت روایت کرده اند و در هر
رکعت بعد از حمد صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از نماز
این دعا بخواند اللهم انی الیک فقیر ومن عذابک خائف وبک مستجیر رب لا
تبدل اسمی ولا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی رب لا تشمت بی اعدائی اعوذ بک
بعفوک من عذابک واعوذ برضاک من سخطک واعوذ بک منک جل ثناؤک
انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون فیک و بروایت دیگر با
چهار رکعت بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد دویست و پنجاه مرتبه
قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه بخواند و بعد از نماز این دعا بخواند
اللهم انی الیک فقیر وانی من عذابک خائف وانی مستجیر رب لا تبدل اسمی ولا
تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی اللهم انی اعوذ بعفوک من عقوبتک واعوذ برضاک
من سخطک واعوذ بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک ولا احصی مدحتک ولا
الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک وفوق ما یقول القائلون رب صل علی
محمد وال محمد وافعل بی کذا وکذا وبجای وافعل بی کذا وکذا حاجات خود را

كند و اكر اين نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله بعمل اورد موافق ميشود با نماز حضرت
امير المؤمنين و در فضيلت آن احاديث بسيار است و بسند معتبر از حضرت
امام محمد باقر منقولست كه شب نيمه شعبان بهترين شبهاست بعد از شب قدر
حق تعالى فضل خود را بر بندكان عطا مينمايد و باحسان خود كناهان ايشان را
مي‌امرزد پس سعى كنيد در عبادت در اين شب كه اين شبيست كه حق تعالى بذات
مقدس خود سوكند ياد كرده است كه سايلى را از دركاه خود رد نكند مكر
انكه معصيتى از خدا طلب نمايد و اين شب را خدا براى اهل بيت قرار داده است
بازاى شب قدر كه از براى پيغمبر قرار داده است پس اهتمام نمائيد در اين شب
در دعا و ثنا كردن خدا بدرستيكه هر كه در اين شب صد مرتبه سُبْحانَ اللّهِ
و صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّهِ و صد مرتبه اَللّهُ اَكْبَرُ و صد مرتبه لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ
بكويد حق تعالى كناهان كذشته او را بيامرزد و حاجتهاى دنيا و اخرة او
بر اورد خواه طلب نمايد و خواه نمايد راوى پرسيد كه بهترين دعاها در اين شب
كدامست فرمود كه بعد از نماز خفتن دو ركعت نماز بكن و در ركعت اول بعد
از حمد سوره قُلْ يا اَيُّهَا الْكافِرُونَ و در ركعت دويم قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ بخوان و
بعد از سلام سى و سه مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّهِ و سى و چهار مرتبه اَللّهُ اَكْبَرُ بكو و اكر
بترتيب تسبيح حضرت فاطمه عليها السلام بخواند ظاهرا خوب باشد پس اين دعا بخوان

يامن

يا مَنْ اِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبادِ فِى الْمُهِمّاتِ وَ اِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِى الْمُلِمّاتِ يا عالِمَ الْجَهْرِ
وَ الْخَفِيّاتِ يا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ خَواطِرُ الْاَوْهامِ وَ تَصَرُّفُ الْخَطَراتِ يا رَبَّ الْخَلائِقِ
وَ الْبَرِيّاتِ يا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْاَرَضينَ وَ السَّمواتِ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اَمُتُّ
اِلَيْكَ بِلا اِلهَ اِلّا اَنْتَ فَيا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ اجْعَلْنى فى هذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ
اِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ وَ سَمِعْتَ دُعائَهُ فَاَجَبْتَهُ وَ عَلِمْتَ اسْتِقالَتَهُ فَاَقَلْتَهُ وَ تَجاوَزْتَ
عَنْ سالِفِ خَطيئَتِهِ وَ عَظيمِ جَريرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبى وَ لَجَأْتُ اِلَيْكَ
فى سَتْرِ عُيُوبى اَللّهُمَّ فَجُدْ عَلَىَّ بِكَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ وَ احْطُطْ خَطاياىَ بِحِلْمِكَ وَ عَفْوِكَ
وَ تَغَمَّدْنى فى هذِهِ اللَّيْلَةِ بِسابِغِ كَرامَتِكَ وَ اجْعَلْنى فيها مِنْ اَوْلِيائِكَ الَّذينَ
اجْتَبَيْتَهُمْ لِطاعَتِكَ وَ اخْتَرْتَهُمْ لِعِبادَتِكَ وَ جَعَلْتَهُمْ خالِصَتَكَ وَ صِفْوَتَكَ اَللّهُمَّ
اجْعَلْنى مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ وَ تَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْراتِ حَظُّهُ وَ اجْعَلْنى مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ وَ فازَ فَغَنِمَ
وَ اكْفِنى شَرَّ ما اَسْلَفْتُ وَ اعْصِمْنى مِنَ الْاِزْدِيادِ فى مَعْصِيَتِكَ وَ حَبِّبْ اِلَىَّ طاعَتَكَ
وَ ما يُقَرِّبُنى مِنْكَ وَ يُزْلِفُنى عِنْدَكَ سَيِّدى اِلَيْكَ مَلْجَأُ الْهارِبِ وَ مِنْكَ يَلْتَمِسُ
الطّالِبُ وَ عَلى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ الْمُسْتَقيلُ التّائِبُ اَدَّبْتَ عِبادَكَ بِالتَّكَرُّمِ وَ اَنْتَ اَكْرَمُ
الْاَكْرَمينَ وَ اَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبادَكَ وَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اَللّهُمَّ فَلا تَحْرِمْنى ما رَجَوْتُ
مِنْ كَرَمِكَ وَ لا تُؤْيِسْنى مِنْ سابِغِ نِعَمِكَ وَ لا تُخَيِّبْنى مِنْ جَزيلِ قِسَمِكَ فى هذِهِ اللَّيْلَةِ
لِاَهْلِ طاعَتِكَ وَ اجْعَلْنى فى جُنَّةٍ مِنْ شِرارِ بَرِيَّتِكَ رَبِّ اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذلِكَ

فانت اهل الکرم والعفو والمغفرة وجد علی بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن
ظنی بک وتحقق رجائی وعلقت نفسی بکرمک وانت ارحم الراحمین واکرم الاکرمین
اللهم واخصصنی من کرمک بجزیل قسمک واعذنی بعفوک من عقوبتک واغفر
لی الذنب الذی یحبس علی الخلق ویضیق علی الرزق حتی اقوم بصالح رضاک و
انعم بجزیل عطائک واسعد بسابغ نعمائک فقد لذت بحرمک وتعرضت لکرمک
واستعذت بعفوک من عقوبتک وبحلمک من غضبک فجد لی بما سئلتک و
انل ما التمست منک اسئلک بک لا بشیء اعظم منک پس بسجده میروی و میگوی
یا رب بیست مرتبه یا الله هفت مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله هفت مرتبه
ما شاء الله لا قوة الا بالله ده مرتبه لا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات
بر محمد وال محمد آنچه خواهی وحاجت خود را از خدا طلب و بخدا سوگند که
اگر بعدد قطرات باران حاجت بطلبی حق تعالی ترا بآنها میرساند بکرم و فضل
خود و بروایت دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه بگو یا رب
محمد و شیخ گفته است پس بگو الهی تعرض لک فی هذا اللیل المتعرضون و قصدک
فیه القاصدون وامل فضلک ومعروفک الطالبون ولک فی هذا اللیل
نفحات وجوائز وعطایا ومواهب تمن بها علی من تشاء من عبادک وتمنعها من
لم تسبق له العنایة منک وها انا عبدک الفقیر الیک المؤمل فضلک و

معروفک

معروفک فان کنت یا مولای تفضلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقک وعدت
علیه بعائدة من عطفک فصل علی محمد وال محمد الطیبین الطاهرین الخیرین الفاضلین
وجد علی بطولک ومعروفک یا رب العالمین وصل علی محمد خاتم النبیین واله
الطاهرین وسلم تسلیما ان الله حمید مجید اللهم انی ادعوک کما امرت فاستجب لی
کما وعدتنا انک لا تخلف المیعاد مؤلف گوید که این دعای بسیار خوبیست
واز دعای این شب است اما ظاهرا جزو آن عمل سابق نیست و ابن بابویه از حضرت
امام حسن مجتبی روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول نازل شد و
گفت یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند
هر دو رکعت بیک سلام و در هر دو رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو
الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند اللهم لک سجد سوادی
وخیالی وبیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفر غیرک یا عظیم
پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند از او هفتاد و دو هزار گناه را و مثل آن
حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه
را و نماز دیگر نماز بیست که عامه و خاصه از حضرة رسول روایت کرده اند
که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم پس جبرئیل بر من نازل
شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این شب چه شب است گفت شب

نیمهٔ شعبانست پس برخیز انبدهرا و برد بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند
کن بسوی اسمان بدرستیکه این شبیست که درهای اسمان در این شب گشوده
میشود یعنی درهای رحمت الهی و درهای خشنودی خدا و درهای امرزش
گناهان و درهای فضل و احسان و درهای توبه و درگاه نعمت و درگاه
جود و بخشش و میامرزد حق تعالی از بندگان بعدد موهای چهارپایان و
پشمهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن اَللهُ اَکبَرُ وَ سُبحانَ اللهِ
وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ و نماز کردن و قران خواندن و طلب امرزش کردن و استغفار
نمودن بهشت در اخرة جای او باشد و گناهان گذشته و اینده او امرزیده شود
ای محمد هر که در این شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر
رکعت بعد از حمد ده مرتبه قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ بخواند و چون از همه فارغ شود
ده مرتبه ایة الکرسی و ده مرتبه سورهٔ حمد بخواند و صد مرتبه سُبحانَ
اللهِ بگوید حق تعالی صد گناه کبیرهٔ هلاک کنندهٔ او را بیامرزد و بعدد
هر سورهٔ و تسبیحی قصری در بهشت باو عطا کند و شفاعت او را قبول
کند در صد نفر از اهل خانهٔ او و خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب
شهیدان و ثواب روزه داران این ماه و عبادة کنندگان این ماه را باو عطا کند
بی انکه از ثواب انها چیزی کم شود پس احیا کن این شب را ای محمد و امر کن امت

خود را که احیا کنند او را و تقرب جویند بسوی خدا بعبادة آن بدرستیکه این
شبیست بسیار شریف یا محمد من چون بزد تو می امدم جمیع ملائکه اسمانها
پای خود را صف کرده بودند و بزد خدا بعبادة مشغول بودند و بعضی ایستاده
بودند و بعضی در رکوع و بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی
تکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستیکه حق تعالی در این شب
نظر رحمت بسوی بندگان میافکند و میامرزد هر مؤمنی را که بنماز ایستاده
باشد یا نشسته مشغول تسبیح باشد یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد
خدا باشد و این شبیست که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که
سؤال کند باو عطا کرده میشود و هر که استغفار کند امرزیده میشود و هر که
توبه کند توبه اش مقبول میگردد و محروم کسیست که از خیر این شب محروم گردد
و از حضرة امیر المؤمنین منقولست که هر که در شب نیمهٔ شعبان صد رکعت نماز
بکند با هزار مرتبه قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد
دل او در روزیکه دلها از بس مرده باشد و نمیرد تا انکه صد ملک را به
بیند که ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را
ببهشت و سی نفر انها باشند که در دنیا او را از شر شیطان نگاه میدارند
و سی نفر آنها باشند که در شب و روز برای او استغفار میکردند و ده

ساعات شب و روز ده نفر که او را حفظ میکردند از شر دشمنان و منقولست
که حضرت رسول در این سه بند دعا میخواندند اللّهمّ اقسم لنا من خشیتک ما یحول
بیننا وبین معصیتک ومن طاعتک ما تبلغنا به رضوانک ومن الیقین ما یهوّن
علینا به مصیبات الدنیا اللّهمّ امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احییتنا
واجعلها الوارث منا واجعل ثارنا علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا ولا تجعل
مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا مبلغ علمنا ولا تسلط علینا
من لا یرحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین و این دعای جامع کاملیست و متضمن جمیع
مطالب دنیا و آخرت هست و چون دعای کمیل ابن زیاد که از خواص اصحاب حضرت
امیر المؤمنین است بهترین دعاهاست و از دعاهای این شب است و در اوقات دیگر
میتوان خواند با ترجمه در اینجا ایراد مینماید که در وقت خواندن متذکر معانی
آن باشد تا فایده اش تمام تر و ثواب اش عظیم تر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس
در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل ابن زیاد گفت روزی با مولای خود
حضرت امیر المؤمنین در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور
شد حضرت فرمود که هر بنده که آن شب را بعبادة احیا کند و دعای خضر
را در آن شب بخواند البته دعای او مستجاب میگردد و چون حضرت بمنزل مراجعت
نمود شب بخدمت او رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا

امیر المؤمنین بطلب دعای خضر آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را
حفظ نمائی در هر شب جمعه یا در هر ماهی یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمر
یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی
داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب
آن شد که ترا چنین نعمتی و کرامتی ممتاز و سرافراز کردانم پس گفت بنویس
و دعا را تلقین من نمود اینست دعای کمیل بسم الله الرحمن الرحیم اللّهمّ
بنام خداوند بخشنده مهربان خداوندا

انی اسئلک برحمتک التی وسعت کل شیء وبقوتک التی قهرت بها کل شیء وخضع
بدرستیکه سؤال میکنم ترا برحمت تو که فرا گرفته است هر چیز را و بقوت تو که قهر کرده بآن هر چیز را و خاضع شده
لها کل شیء وذل لها کل شیء وبجبروتک التی غلبت بها کل شیء وبعزتک التی لا یقوم
برای او هر چیزی و ذلیل شده برای او هر چیزی و بجبروت تو که غالب شدی بآن هر چیز را و بعزت تو که بر پای نمی ایستد
لها شیء وبعظمتک التی ملأت کل شیء وبسلطانک الذی علا کل شیء وبوجهک الباقی
برای او چیزی و بعظمت تو که پر کرده است هر چیز را و بپادشاهی تو که بلند شده بر هر چیز و بذات تو که باقیست
بعد فناء کل شیء وباسمائک التی ملأت ارکان کل شیء وبعلمک الذی احاط
بعد از فنای هر چیز و بنامهای تو که پر کرده ارکان هر چیز را و بعلم تو که احاطه کرده
بکل شیء وبنور وجهک الذی اضاء له کل شیء یا نور یا قدوس یا اول الاولین
بهر چیزی و بنور ذات تو که روشن شده برای او هر چیز ای نور ای پاک ای اول اولین
ویا آخر الآخرین اللّهمّ اغفر لی الذنوب التی تهتک العصم اللّهمّ اغفر لی الذنوب
وای آخر آخرین خداوندا بیامرز از برای من گناهانی که میدرد عصمتها را خداوندا بیامرز از برای من گناهانی
التی تنزل النقم اللّهمّ اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم اللّهمّ اغفر لی الذنوب التی
که نازل میکند عقوبتها را خداوندا بیامرز از برای من گناهانی که تغییر میدهد نعمتها را خداوندا بیامرز از برای من گناهانی که

تحبس الدعاء اللهم اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللهم اغفر لي كل ذنب اذنبته
وكل خطيئة اخطأتها اللهم اني اتقرب اليك بذكرك واستشفع بك الى نفسك
واسئلك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني شكرك وان تلهمني ذكرك اللهم
اني اسئلك سؤال خاضع متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك
راضيا قانعا وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم واسئلك سؤال من اشتدت
فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم
سلطانك وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك
ولا يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا
ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك
ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي
كم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من
مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم بلائي

وافرط

دعاء کمیل

وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي
بعد املي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي
فاسئلك بعزتك ان لا يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي
ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي
من سوء فعلي واساءتي ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي
وكن اللهم بعزتك لي في الاحوال كلها رؤوفا وعلي في جميع الامور عطوفا
الهي وربي من لي غيرك اسئله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي اجريت
علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني
بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض
حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحجة علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما
جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد
تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا

منيباً مقرّاً مذعناً معترفاً لا اجد مفرّاً ممّا كان منّي ولا مفزعاً اتوجّه اليه في
امري غير قبولك عذري وادخالك ايّاي في سعة من رحمتك اللهمّ فاقبل
عذري وارحم شدّة ضرّي وفكّني من شدّ وثاقي يا ربّ ارحم ضعف بدني
ورقّة جلدي ودقّة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبرّي وتغذيتي هبني
لابتداء كرمك وسالف برّك بي يا الهي وسيّدي وربّي اتراك معذّبي بنارك
بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني
من ذكرك واعتقده ضميري من حبّك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعاً
لربوبيّتك هيهات انت اكرم من ان تضيّع من ربّيته او تبعد من ادنيته
او تشرّد من آويته او تسلّم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري
يا سيّدي والهي اتسلّط النار على وجوه خرّت لعظمتك ساجدة وعلى
السن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت
بالهيّتك محقّقة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتّى صارت خاشعة وعلى

جوارح

جوارح سعت الى اوطان تعبّدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة ما هكذا
الظنّ بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا ربّ وانت تعلم ضعفي عن قليل
من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها على انّ ذلك
بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدّته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة
وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدّته ويدوم مقامه ولا يخفّف
عن اهله لانّه لا يكون الّا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا
تقوم له السموات والارض يا سيّدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل
الحقير المسكين المستكين يا الهي وربّي وسيّدي ومولاي لايّ الامور اليك
اشكو ولما منها اضجّ وابكي لاليم العذاب وشدّته ام لطول البلاء ومدّته
فلئن صيّرتني للعقوبات مع اعدائك وجمعت بيني وبين اهل بلائك و
فرّقت بيني وبين احبّائك واوليائك فهبني يا الهي وسيّدي ومولاي وربّي
صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك وهبني صبرت على حرّ نارك فكيف

احتبس عن النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي عفوك فبعزتك يا
سيدي ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك بين اهلها
ضجيج الآملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين ولابكين عليك بكاء الفاقدين
ولانادينك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين
يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين افتراك سبحانك يا الهي وبحمدك
تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها بمعصيته
وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل لرحمتك و
يناديك بلسان اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي فكيف
يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك ورحمتك ام كيف
تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك ام كيف يحرقه لهيبها وانت تسمع
صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف
يتغلغل بين اطباقها وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك

يا ربه

دعاء كميل

يا ربه ام كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك
ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك واحسانك
فباليقين اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت به من اخلاد
معانديك لجعلت النار كلها بردا وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا ولا
مقاما لكنك تقدست اسماؤك اقسمت ان تملأها من الكافرين من الجنة
والناس اجمعين وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا
وتطولت بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون الهي
وسيدي فاسألك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها وحكمتها
وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة وفي هذه الساعة كل
جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته كتمته او اعلنته
او اظهرته وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ
ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب علي من ورائهم

والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك أخفيته وبفضلك سترته وأن توفر حظي
من كل خير تنزله أو إحسان تفضله أو بر تنشره أو رزق تبسطه أو ذنب تغفره
أو خطأ تستره يا رب يا رب يا رب يا إلهي وسيدي ومولاي ومالك رقي يا
من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب
يا رب أسألك بحقك وقدسك وأعظم صفاتك وأسمائك أن تجعل أوقاتي
في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة وأعمالي عندك مقبولة
حتى تكون أعمالي وأورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا يا
سيدي يا من عليه معولي يا من إليه شكوت أحوالي يا رب يا رب يا رب
قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في
خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك حتى أسرح إليك في ميادين
السابقين وأسرع إليك في المبادرين وأشتاق إلى قربك في المشتاقين
وأدنو منك دنو المخلصين وأخافك مخافة الموقنين وأجتمع في جوارك مع

المؤمنين

دعاء کمیل

المؤمنين اللهم ومن أرادني بسوء فأرده ومن كادني فكده واجعلني من أحسن
عبادك نصيبا عندك وأقربهم منزلة منك وأخصهم زلفة لديك فإنه
لا ينال ذلك إلا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك واحفظني
برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن إجابتك وأقلني
عثرتي واغفر زلتي فإنك قضيت على عبادك بعبادتك وأمرتهم بدعائك و
ضمنت لهم الإجابة فإليك يا رب نصبت وجهي وإليك يا رب مددت يدي
فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني
شر الجن والإنس من أعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك إلا الدعاء فإنك
فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من رأس
ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين في
الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما أنت أهله وصلى الله على
رسوله والأئمة الميامين من آله وسلم تسليما كثيرا **فصل پنجم** در اعمال

بقیه ماه است از حضرت امام رضا منقولست که هر که سه روز از آخر این ماه
شعبان روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه
دو ماه متوالی برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است
که در جمعهٔ آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا رفتم حضرت فرمود
که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعهٔ آخر آنست پس تدارک و
تلافی کن در آنچه از این ماه مانده است تقصیرها را که در ایام گذشته این ماه کرده
و بر تو باد که روی آوری بر آنچه نافع است برای تو در آخرة و دعا و استغفار
بسیار بکن و تلاوة قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی حق تعالی از گناهان
خود تا آنکه چون ماه مبارک درآید خالص کرده باشی خود را از برای خدا
و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی مگر ادا کنی و مگذار در دل خود کینه
کسی مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکردهٔ مگر آنکه ترک کنی و از
خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود و هر که بر خدا توکل
کند خدا بس است او را و در بقیهٔ این ماه این دعا را بسیار بخوان اللهم ان لم
تکن غفرت لنا فیما مضی من شعبان فاغفر لنا فیما بقی منه بدرستیکه حق تعالی
در این ماه آزاد میگرداند بندهای بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه
مبارک رمضان و بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق در شب

اخر

آخر شعبان و شب اول ماه رمضان این دعا میخواندند اللهم ان هذا الشهر المبارک
الذی انزلت فیه القرآن وجعلته هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان
قد حضر فسلمنا فیه وسلمه لنا وتسلمه منا فی یسر منک وعافیة یا من اخذ القلیل
وشکر الکثیر اقبل منی الیسیر اللهم انی اسئلک ان تجعل لی الی کل خیر سبیلا و
من کل ما لا تحب مانعا یا ارحم الراحمین یا من عفی عنی وعما خلوت به من السیئات
یا من لم یؤاخذنی بارتکاب المعاصی عفوک عفوک عفوک یا کریم الهی وعظتنی فلم
اتعظ وزجرتنی عن محارمک فلم انزجر فما عذری فاعف عنی یا کریم عفوک
عفوک اللهم انی اسئلک الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم الذنب
من عبدک فلیحسن العفو من عندک یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة عفوک
عفوک اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک ضعیف فقیر الی رحمتک وانت
منزل الغنی والبرکة علی العباد قاهر مقتدر احصیت اعمالهم وقسمت ارزاقهم
وجعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم خلقا من بعد خلق لا یعلم العباد علمک
ولا یقدر العباد قدرک وکلنا فقیر الی رحمتک فلا تصرف عنی وجهک
واجعلنی من صالح خلقک فی العمل والامل والقضاء والقدر الهی ابقنی خیر
البقاء وافننی خیر الفناء علی موالاة اولیائک ومعاداة اعدائک والرغبة
الیک والرهبة منک والخشوع والوفاء والتسلیم لک والتصدیق بکتابک

واتباع سنة رسولك اللهم ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او
فرح او بذخ او بطر او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق
او عصيان او عظمة او شيء لا تحب فاسئلك ان تبدلني مكانه ايمانا بوعدك
ووفاء بعهدك ورضى بقضائك وزهدا في الدنيا ورغبة فيما عندك واثرة و
طمانينة وتوبة نصوحا اسئلك ذلك يا رب العالمين الهي انت من حلمك تعصى
فكانك لم تر ومن كرمك وجودك تطاع فكانك لم تعص وانا ومن لم يعصك سكان
ارضك فكن علينا بالفضل جوادا وبالخير عوادا يا ارحم الراحمين وصلى الله على
محمد واله صلوة دائمة لا تحصى ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين
ولیالی ماه رمضان مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد شده و علما ذکر کرده اند
شب اول صد رکعت با حمد و توحید یکمرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد
مرتبه سوره حمد دوم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین هر یک یکمرتبه
سیم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهارم
چهل رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید پنجم دو رکعت
در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه
صلوات بر محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه
توحید هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتم

دو رکعت در رکعت اول حمد و آیه آمن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه
توحید و در دوم حمد و آیه قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید نهم
چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار
رکعت حمد و آیه الکرسی یکمرتبه و سوره انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه
یازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون
دوازدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره الهیکم التکاثر
سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره والتین چهاردهم
چهار رکعت حمد و پنج مرتبه سوره والعصر پانزدهم چهار رکعت در میان
نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده
مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه یا رب تب علینا
و بیست و یکمرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی الموتی و
یمیت الاحیاء وهو علی کل شیء قدیر شانزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و
یکمرتبه آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در هر رکعت
حمد و هفتاد و یکمرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هجدهم
ده رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در هر
رکعت حمد و پنج مرتبه آیه قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت در هر

رکعت حمد و پانزده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و دوم هشت رکعت در
هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و سیم دو رکعت در هر
رکعت حمد و یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید بیست و چهارم
سی رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ اذا زلزلت بیست و پنجم دو رکعت
در هر رکعت حمد و یکمرتبه الهیکم التکاثر بیست و ششم دو رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه آیهٔ آمن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و
ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی بیست و هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و
یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و نهم ده رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و
هر یک از الهیکم التکاثر و معوذتین و توحید ده مرتبه سی‌ام دو رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل
علی محمد و آل محمد **باب سیم** در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان
است و در آن هشت فصل است **فصل اول** در بیان فضیلت این ماه مبارک

فضیلت ماه رمضان

باید دانست که ماه رمضان ماه خداوند عالمیانست و شریفترین ماههاست
چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده اند که حضرت رسول
در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس بدرستیکه رو
کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش و ماهیست که نزد

فضیلت ماه رمضان

خدا بهترین ماههاست و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین
شبهاست و ساعتهای او بهترین ساعتهاست و آن ماهیست که خوانده اند
شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در آن از اهل کرامت خدا
نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای
شما در آن مقبولست و دعاهای شما در آن مستجابست پس سؤال کنید از
پروردگار خود بنیتهای درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه
که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستی
که شقی و بدعاقبت کسیست که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد
کنید بگرسنگی و تشنگی شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و
تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم
کنید کودکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاهدارید زبانهای
خود را از آنچه نباید گفت و بپوشید دیدهای خود را از آنچه حلال نیست
شما را نظر کردن بسوی آن و بازدارید گوشهای از آنچه نیست شما را شنیدن
آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما
و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای
خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتهاست

نظر میکند حق تعالی در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب
میگوید ایشانرا هرگاه او را مناجات کنند لبیک میگوید ایشانرا هرگاه
او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را دعا کنند ای گروه مردمان ب
درستیکه جانهای شما در گروهای شماست پس از گرو بیدا ورید آنها را بطلب
آمرزش از خدا و پشتهای شما گرانبار است از گناهان پس سبک گردانید
آنها را بطول دادن سجدها و بدانید که حق تعالی سوگند یاد کرده است
بعزت خود که عذاب نکند نمازکنندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشانرا
باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار روزه دار مؤمنی را
در این ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش
گناهان گذشته و بعضی از صحابه گفتند یا رسول الله همه ما قدرت بر این
نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم با افطار فرمودن روزه دار از
اگرچه بنصف دانه خرما باشد اگرچه بیک شربت آب باشد بدرستیکه
خدا این ثواب را میدهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد
ایها الناس هر که خلق خود را در این ماه نیکو گرداند بر صراط بگذرد در روزی
که قدمها بر آن لغزد و هر که سبک گرداند در این ماه خدمت غلام و کنیز
خود را حق تعالی در قیامت حساب او را آسان گرداند و هر که در این ماه

شر

فضیلت ماه رمضان

شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد
و هر که در این ماه یتیمی را گرامی دارد خدا در قیامت گرامی دارد و هر که
در این ماه صله و احسان کند با خویشان خود وصل کند خدا او را برحمت
خود در قیامت و هر که در این ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدای
عز و جل در قیامت قطع رحمت خود را از او بکند و هر که نماز سنتی در این ماه
بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم برای او بنویسد و هر که در این ماه
نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای
دیگر کرده شود و هر که در این ماه صلوات فرستد بر من و بر آل من خدا سنگین
گرداند ترازوی عمل او را در روزیکه ترازوهای اعمال سبک باشد و کسیکه
یک آیه از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم
قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستیکه درهای بهشت در این ماه گشاده
است پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نبندد و درهای
جهنم در این ماه بسته است از خدا سؤال کنید که بر روی شما نگشاید و شیاطین
را در این ماه غل میکنند پس سؤال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند
و ایضا از حضرت امیر المؤمنین منقولست که در ماه رمضان خطبه خواند
و فرمود ایها الناس این ماهیست که خدا بر سایر ماهها فضیلت و زیادتی

داده است مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و در این ماه گشوده میشود
درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای
جهنم و در این ماه شنیده میشود نداهای مؤمنان و مستجاب میگردد دعاهای
ایشان و رحم میکنند گریههای ایشان را و در این ماه شبی هست که در آن شب ملائکه
از آسمان بزمین میایند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه دار برحمت
پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده است
در آن شب ولایت و امامت مرا پیش از آنکه آدم را خلق کند بدو هزار سال
عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از روزه
هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه رمضان و ماههای آن طالع
میشوند بر مردان و زنان روزه با رحمت و این ماه شما مانند ماههای دیگر
نیست روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و دیوا
و دیوان و شیاطین در این ماه غل کرده اند و در زندانند و زیاد میکند خدا
در این ماه روزیها و عمرها را و مینویسد و مقدر میگرداند در این ماه حاجیان
بیت الله را در این ماه حق تعالی رو میکند بسوی اهل ایمان بآمرزش و فیروزی
و رحمت و روزی و خشنودی خداوند جزا دهنده ای روزه دار پس تدبیر
کار خود بکن بدرستیکه در این ماه مهمان پروردگار خودی نظر کن و تامل

تما

فضیلت ماه رمضان

نما که چگونه خواهی بود در شب و در روز خود چگونه نگاه میداری اعضا
و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب
نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان تو بر
تو باقی مانده باشد پس در هنگامیکه روزه داران مزدهای خود را بگیرند
تو از جمله زیانکاران باشی و در روزیکه امت آقای خود فایز گردند از جمله
محرومان باشی و در روزیکه سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پرور
دگار خود تو از رانده شده ها باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه
خود بر گرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر محروم گرداند ترا پرور
دگار کی روزی خواهد داد ترا و اگر ترا خوار کند که ترا گرامی خواهد داشت
و اگر او ترا ذلیل گرداند که ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد که
ترا یاری خواهد کرد و اگر او ترا از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام
خداوند اختیار خواهی کرد و اگر او لغزشها و گناهان ترا نیامرزد امید
بکه خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب
گردانیده از تو طلب نماید چه جواب در برابر خواهی گفت ای روزه دار تقرب
جوی بسوی خدا بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا
که کتاب خدا شفاعت کننده ایست که شفاعت او را قبول میکند و در زمان

شفاعت میکند برای آنها که تلاوت آن کرده اند پس بالا میروند بر درجات
بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسی که
که در اینماه میکشی ثواب تسبیحی در نامه عمل تو مینویسند و خواب تو در اینماه
عبادتست و طاعت تو در اینماه مقبولست و گناهان تو در اینماه آمرزیده است
و آوازهای بدعای تو اینماه شنیده شده است و بمناجات و زاری که بخدا
میگوئی بر تو رحم میکند بدرستیکه شنیدم از حبیب خود حضرت رسول
که خداوند عالمیان آزاد در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کرده هزار
از آتش جهنم که عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند و چون شب آخر اینماه میشود
در آن شب میآمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است و ایضا فرمود که
هر که ماه رمضان را روزه بدارد و نفس خود را از چیزها که خدا حرام کرده
است نگاه دارد بهشت البته او را واجب گردد و هر که در اینماه روزه دارد
و در هیچ شب از شبهای آن بر حرام افطار نکند البته داخل بهشت شود
پس حضرت امیر فرمود که شنیدم از سید انبیا که فرمود که بهترین اوصیا
پیغمبر در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدامست
و بهترین اوصیا کیست فرمود بهترین ماهها ماه رمضانست و بهترین
اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله آیا البته خواهد شد فرمود بلی

فضیلت ماه رمضان

بخیر پروردگارم بدرستیکه بر آنکه خفته میشود بدبخت ترین امت من حضرت
پی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت
خضاب شود پس مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر
بزیر آمد و ایضا از حضرت رسول منقولست بسندهای معتبر که فرمود
ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد روزش را
و پاس بدارد نماز و عبادت قدر مقرری از شبش را و نمازها در اوقات
فضیلت بجا آورد و مواظبت کند بنماز جمعه آن و بامداد بنماز عید
آن حاضر شود پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فایز میگردد
بجایزه ها و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان
نیست **فصل دوم** در بیان حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است
بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه را میشکند
از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور یا
پنهان شدن قرص آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و
عمارات مرتفعه و قول اول احوط است با نیت قربت پس باید بداند آن
چیزها را تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار هست
در آنها اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد

اما بهتر آنست که آنچه متیقن باشد وجوب ترک آنها قصد ترک آنها
کند بعنوان وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطا و
آنچه بعید عند غیر مکروه باشد قصد ترک آنها کند مستحبا و اگر قصد ترک
جمیع محرمات را ضم کند بهتر است و اما آنها که واجبست ترک آنها کردن
اول و دوم چیزی خوردن و چیزی آشامیدن است و چیزیکه خوردن
و آشامیدن آن متعارف و معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم
است و موجب قضا و کفاره هر دو میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر
بغیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش بچکاند چیزی را و بحلق داخل
شود محل خلاف است و همچنین خلافست در خوردن و آشامیدن چیزی
چند که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن آنها مانند سنگ و
چوب و خاک و گیاهها و آب فشرده شده از گیاههای غیر معتاد و اظهر آنست
که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجبست و احوط آنست که اگر
بکند قضا و کفاره بعمل آورد سیم جماع کردن در قبل زنانست مطلقا
خواه انزال بشود و خواه نشود فعل آن موجب قضا و کفاره میشود بی خلاف
و جماع در دبر زن هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره
لازم میشود و مشهور آنست که جماع در دبر بدون انزال نیز مبطل صوم

و موجب

و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل نمیدانند و اول اقوی است چهارم
باقی ماندن است در جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنست که مبطل است و
موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا تنها واجب
دانسته اند و احوط آنست که اگر زن حایض پاک شود پیش از صبح غسل بکند و اگر
نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح و آن روز را روزه بدارد و قضا
نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم بکند و تیمم
را نشکند تا صبح شود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کرده
داشته باشد و احتمال بیدار شدن دهد جایز است و مشهور آنست که اگر
تا صبح بیدار نشود قضای آن روز بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته اند
و آن احوط است و مشهور آنست که اگر نخوابد تا صباح و نیت غسل نداشته
باشد بر او قضا و کفاره لازم است و این احوط است اگر چه دلیلش سستی هست
و مشهور در خواب دوم وجوب قضاست و این قول قوی نیست بلکه خلافی
در اظهر نیست و جمعی از اصحاب اعتقاد آنست که در خواب سیم جنب هرگاه
بصبح برسد قضا و کفاره هر دو واجبست و اقوی عدم وجوب کفاره است
و بعضی از متاخرین اعتقاد آنست که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام
حکم خواب دوم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده و این احوط



بلکه خالی از قوت نیست و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه مبارک رمضان
نیز خلاف کرده‌اند باید که صبح را پاک کند دریابد یا نه و حق این است که در قضای
ماه رمضان میباید که صبح جنب نباشد و در غیر قضا احوط آنست که اگر
صبح طاهر نباشد و واجب معین نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین
باشد آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد و روزه نیست
که قضای آن در کار نباشد و اگر بدهد احوط است و در روزه سنت اگر جنب
عمدا بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بگمان فقیر روزه
اش صحیح است و در واجب معین اگر عمدا نیت را ترک کند و پیش از زوال نیت
کند مشهور آنست که روزه اش باطل است و قضا میکند و کفاره واجب
نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت میتواند کرد
و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اگرچه قضای ماه رمضان
باشد و در روزه سنت خلافی نیست که اگر در شب نیت نکرده باشد و
مضطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت میتواند کرد و بعد از زوال
خلاف بعضی گفته‌اند تا نزدیک بشام نیت میتواند کرد و جمعی از محققین
علما باین قایلند و نزد فقیر قوی نیست و بعضی گفته‌اند بعد از زوال نیت نه
میتواند کرد و بعضی گفته‌اند که اگر پیش از زوال نیت کند ثواب روزه تمام

فضیلت ماه رمضان

روز را میباید و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت را تا شام را
میباید **پنجم** رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی آنرا موجب قضا و کفاره
میدانند و بعضی قضا تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط رعایت مشهور
است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته‌اند بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار غلیظ
را که از آن اجزا منفصل شود چون دود تنور و بخار دیگ و اظهر عدم بطلانست
و احوط اجتناب حتی از دود تنباکو **ششم** استمنا است یعنی طلب نزول
منی کردن با حصول آن و موجب قضا و کفاره است و مشهور آنست که هرگاه
ملامسه و ملاعبه کند انزال شود روزه او باطل میشود و قضا و کفاره لازم
است و بعضی در این تامل نموده‌اند خصوصا وقتیکه نسبت بحلال خود باشد
و عادت او انزال نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا
و در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدای آن شنیدن یا بخیال خود در اوردن
هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد و یا معتاد نباشد
خلافست و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است **هفتم** قی کردن است عمدا
و اکثر موجب قضای تنها میدانند و بعضی قضا و کفاره هردو را واجب
میدانند و بعضی هیچیک را واجب نمیدانند و مسئله مشکلست و
وجوب قضای تنها خالی از قوتی نیست و مشهور آنست که هرگاه قی

اختیار آید بر او قضائی نیست و بعضی قضا را واجب دانسته‌اند و این قول ضعیف
است **هشتم** حقنه است و بعضی موجب قضای تنها و بعضی حرام دانسته‌اند
و موجب هیچیک ندانسته‌اند و بعضی حقنهٔ مایع را موجب قضا دانسته‌اند
و حقنهٔ جامد را مانند شیاف مکروه دانسته‌اند و بعضی مطلقا مکروه
دانسته‌اند و این قول اقوی است و احوط آنست که بدون ضرورت حقنه بمایع
نکند و اگر بکند قضا بکند و اشهر و اقوی آنست که چکانیدن دوا در گوش
موجب فساد صوم نمیشود و سعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا
اقوی آنست که جایز است و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته‌اند و اگر بحلق
رسد احوط اجتنابست **نهم** دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمهٔ هدی
است با آنکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئلهٔ خلاف واقعی بگوید بلکه کسی
که اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید و در حرمت آن شک
نیست و بعضی دروغ موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی میگویند موجب
فساد صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست که اگر بکند قضا
و کفاره بدهد **دهم** سر فرو بردن در آبست و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره
میدانند و بعضی موجب قضای تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و
موجب هیچیک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند و اظهر حرمت است

و علم

فضیلت ماه رمضان

و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته‌اند که اگر سر را با بدن فرو برد تا گردن
و بدن بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط است و بعضی گفته
اند که اگر فرو برد منافذ سر را دفعه هرچند منابت مو بیرون باشد باز حکم
ارتماس دارد و این احوط است و احوط آنست که در روزه سنت نیز سر را با آب
فرو نبرد و بعضی تجویز کرده‌اند و احوط ترک است **یازدهم** بلغمی که از سینه برآید
یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قول است اول جواز ابتلاع
آنچه بیرون میاید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود و عدم جواز آن
قسم دیگر دوم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد و تحریم هر دو هر
گاه بدهن برسد سیم جواز کشیدن از سینه و سر و جواز فرو بردن مادام
که از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد کرده‌اند بعضی بقضای تنها قایل
شده‌اند و بعضی کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی بکفارهٔ جمع قایل
شده‌اند و گمان فقیر آنست که هیچیک لازم نمیشود اما احتیاط آنست که
بعد از آنکه بفضای دهن بیاید فرو نبرد **دوازدهم** مشهور میان علما آنست
که مکروه است زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته‌اند که
هرگاه تا کمر در آب بنشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم
دانسته‌اند و اول اظهر است و در خائیدن قند را ز و مصطکی که اثرش را

فرو برد بعضی حرام دانسته و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است
و مشهور میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد با قیست بلکه اگر
شك هم داشته باشد جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح متحقق شود
و اگر معلوم شود که صبح بوده است تو قف که خورده و آشامیده اگر ملاحظه
کرده باشد و خورده قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده باشد قضا
واجبست و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهة وضوی
نماز واجب و آب بی اختیار بحلق و رود قضا برا و واجب نیست و اگر جهة
نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا برو واجبست و اگر عبث مضمضه کند
و آب بحلقش رود جمع قضا را واجب دانسته اند و این احوطست و اظهر
عدم وجوبست مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه
سه مرتبه آب دهان را بیندازد و این احوطست فضیلت در سنتها
و آداب روزه است مکروه است بوسیدن زنان و دست بر بدن ایشان
مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهیت مخصوص
بصورتیست که اینها محرك شهوت او باشد و خوف وقوع در جماع داشته
باشد و مکروهست بچشم کشیدن چیزی که او را طعمی باشد که بحلق رسد یا
در آن مشکی باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن خونست از بدن که باعث

ضعف

ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام
که ضعف باشد و مکروهست بوئیدن گلها خصوصا نرگس و بهتر آنست که
مشك را نبوید و سایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه سنتست و از حضرت
صادق منقولست که طیب تحفه صایمست و فرمود که هر روزه داری که در اول
روز خود را خوشبو کند عقلش زایل نگردد و اقوی آنست که بوئیدن رایحه غلیظ
مفطر نیست و بعضی گفته اند بوئیدن رایحه غلیظه که بجوف رسد موجب
قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی خوش سایید که بدماغ بالا رود
نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است و مکروهست که صایم جامه که ملاصق
بدنست تر کند و مکروهست که صایم را که در آب نشیند چنانچه گذشت
و از حضرت صادق منقولست که هرگاه روزه داری می باید که روزه باشد گوشت
تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از
مکروهات و فرمود که باید روز روزه مانند روز افطار تو نباشد و ایضا
از آنحضرت منقولست که روزه نه همین خوردن و آشامیدن تنها بلکه باید
در روز روزه نگاهدارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای
خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله
مکنید و سوگند دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید

و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دلتنگ و غافل مشوید از یاد خدا
و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راست گوئید
و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت
کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف
بر آخرت دانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد باشید و آرزومند ثوابهای
آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد بآرام
دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت بنده که از آقای خود ترسان
باشید از عذاب خدا امیدوار باشید رحمت او را میباید پاک باشد
ای روزه دل تو از عیبها و ظن تو از جهلها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از
کثافتها و بیزاری بجوئی بسوی خدا از آنچه غیر اوست و در روزه و لاتت خود را
خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی نهی کرده است تو را
از آن در آشکار و پنهانی از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن از اوست و در
پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدای عز و جل در ایام روزه خود
و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی
در آنچه خدا ترا امر کرده است بآن و خوانده است بسوی آن تا گر همه اینها را
بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده و فرموده خدا را

اطاعت

فضیلت ماه رمضان

اطاعت کرده و آنچه کم کنی از آنها که بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزه
تو کم میشود از فضل آن و بدرستیکه پدرم گفت که رسول خدا شنید که زنی
جاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را گفت بخور زن گفت
من روزه ام حضرت فرمود که چگونه روزه و جاریه خود را دشنام دادی
روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستیکه حق تعالی روزه را
حجابی گردانیده است از امور قبیحه از گفتار بد و کردار بد چه بسیار کم اند
روزه داران و بسیارند گرسنگی کشندگان و حضرت امیر المؤمنین فرمود
که چه بسیار روزه داری که بهره نیست او را از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی
و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر تعب خوشا
خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقانست و خوشا افطار کردن
زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست زیرا که خواب ایشان چون بر نیت
صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جمله عبادات ایشان است بلکه در عالم
قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار
غیب بر رؤیای صادقه مطلع میگردند و راهی از راههای قرب ایشان است و افطار
خردمندان چون از روی دانائیست و بوجهی که حق تعالی خواسته افطار می
نمایند بهتر است از روزهای احمقان که روزه را دستگاه خود فروشی خود

آداب دخول ماه مبارک رمضان

کرده اند وبنا وعجب ممزوج میکردانند وبنا بر خصوص عمل نمیکنند **فصل**
چهارم در بیان آداب دخول ماه مبارک رمضان سنتست طلب هلال
ماه رمضان وبعضی واجب دانسته اند واز حضرت امام جعفر صادق منقولست
که چون هلال ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن ودستها را بسوی
خدا بلند کن وخطاب کن ماه را وبگو ربی وربک الله رب العالمین اللهم اهله
علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام والمسارعة الی ما تحب وترضی
اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا وارزقنا خیره وعونه واصرف عنا ضره وشره
وبلاءه وفتنته وبهترین دعاها دعای صحیفه کامله است وابن ابی عقیل
رحمه الله این دعا را در وقت رؤیت هلال میخوانند وواجب دانسته است
الحمد لله الذی خلقنی وخلقک وقدر منازلک وجعلک مواقیت للناس
اللهم اهله علینا اهلالا مبارکا اللهم ادخله علینا بالسلامة والاسلام
والیقین والایمان والبر والتقوی والتوفیق لما تحب وترضی ودر شب اول
ماه جماع با حلال خود سنتست وغسل در شب اول سنتست واز حضرت
صادق منقولست که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری
وبریزد کف آب بر سر بریزد با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان است ودر
حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش

بدن

اعمال رمضان

بدن باو نرسد وایضا منقولست که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت صادق
فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید وسعی نمائید در این ماه روزیها
قسمت میشود واجلها وعمرها نوشته وحاجیان در این ماه مقدر میشوند
ودر این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه واز حضرت امیر المؤمنین منقولست
که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار ودعا دفع میکند بلا را از شما واستغفار
محو میکند گناهان شما را وزیارت حضرت امام حسین در شب اول ماه سنت
است واز حضرت صادق منقولست که هر که در شب اول ماه رمضان تا
میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان از او بریزد مانند برگ از
درختان واز گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است
وثواب حج وعمره خدا او را عطا کند وایضا از آنحضرت منقولست که هر که در شب
اول ماه سوره انا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد
وبروایت دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت
نماز بجا آورد ودر هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخواند وسؤال کند که
حق تعالی از او کفایت شر و او بکند خدا او را کفایت از آنچه میترسد در
این ماه وحفظ کند او را از آنچه میترسد واز بیماریها ودردها ونماز راتبه
میخوانند وسوره را از روی قرآن میخوانند واگر در شب اول ماه نیت

تمام ماه را بکند و باز هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند که قصد
میکند که فردا روزه ماه رمضان را میدارم واجب قربة الی الله و در روز
اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد
و از حضرت صادق منقولست که چون در اول چنین کند از جمیع دردها و بیمار
در تمام سال ایمن باشد و ایضا از انحضرت منقولست که هر که در روز اول
اینماه کفی از گلاب بر روی بزند از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر در هر روز
بکند در ان روز از این بلاها ایمن گردد و هر که یک کف از گلاب در روز اول
ماه بر سر بریزد در ان سال از مرض سرسام ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت
امام محمد تقی منقولست که هر که در اول ماه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه
سوره انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند با نچه میسر شود سلامتی
انماه را خریده است و در روز اول این دعا سنتست اللهم قد حضر شهر رمضان
وقد افترضت علینا صیامه وانزلت فیه القرآن للناس وبینات من
الهدی والفرقان اللهم اعنا علی صیامه وتقبله منا وتسلمه منا وسلمه لنا
فی یسر منک وعافیة انک علی کل شیء قدیر و ایضا از حضرت صادق منقولست
که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول این دعا میخواندند اللهم انه قد

دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وجعلته
بینات من الهدی والفرقان اللهم فبارک لنا فی شهر رمضان واعنا علی
صیامه وصلواته وتقبله منا و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق منقولست
که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز
بکند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دویم
هر سوره که خواهد حق تعالی جمیع بدیها را در ان سال از او دور گرداند و در
حفظ خدا باشد تا سال اینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه
کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران رحمهم
الله بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که در ماه
مبارک رمضان یعنی روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان
و فرمود که هر که این دعا را برای رضای حق تعالی و بی شائبه اغراض فاسده
و ریا بخواند در ان سال باو نرسد فتنه و گمراهی و نه افتی که ضرر رساند
بدین او یا ببدن او و حق تعالی او را حفظ کند از انچه در ان سال واقع میشود
از بلاها و هو الدعا اللهم انی اسئلک باسمک الذی دان له کل شیء وبرحمتک
التی وسعت کل شیء وبعظمتک التی تواضع کل شیء وبعزتک التی قهرت
کل شیء وبقوتک التی خضع لها کل شیء وبجبروتک التی غلبت کل شیء وبعلمک

دعای روز اول ماه مبارک

الذي احاط بكل شيء يا نور يا قدوس يا اول قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله
يا رحمن صل على محمد وآل محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم اللهم اغفر لي الذنوب التي
تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء
واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق بها نزول البلاء
واغفر لي الذنوب التي تحبس غيث السماء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء
واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر
لي الذنوب التي تهتك العصم والبسني درعك الحصينة التي لا ترام وعافني من
شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات السبع
وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم ورب السبع المثاني والقرآن العظيم ورب
اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ومحمد صلى الله عليه وآله سيد المرسلين وخاتم
النبيين اسئلك بك وبما سميت به يا عظيم انت الذي تمن بالعظيم وتدفع كل
محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف الحسنات بالقليل وبالكثير وتفعل ما
تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صل على محمد واهل بيته والبسني في سنتي هذه سترك
ونضر وجهي بنورك واحببني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كرامتك وجسيم
عطيتك واعطني من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه احدا من خلقك
والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى ويا شاهد كل نجوى ويا عالم

كل خفية ويا دافع ما تشاء من بلية يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على ملة ابراهيم
وفطرته وعلى دين محمد صلى الله عليه وآله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني موالياً
لاوليائك معادياً لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل
يباعدني منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل او قول او فعل يكون
مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك اياي عليه حذار ان تصرف وجهك الكريم
عني فاستوجب نقصاً من حظ لي عندك يا رؤف يا رحيم اللهم اجعلني في مستقبل
سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني ستر عافيتك وهب لي كرامتك
عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك اللهم اجعلني تابعاً لصالح من مضى من اوليائك
والحقني بهم واجعلني مسلماً لمن قال بالصدق عليك منهم فاعوذ بك اللهم ان تحيط
بي خطيئتي وظلمي واسرافي على نفسي واتباعي لهواي واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك
بيني وبين رحمتك ورضوانك فاكون منسياً عندك متعرضاً لسخطك ونقمتك
اللهم وفقني لكل عمل صالح ترضى به عني وقربني اليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك
محمداً صلى الله عليه وآله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه وصدقته
وعدك وانجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني هول هذه السنة وآفاتها
واسقامها وفتنتها وشرورها واحزانها وضيق المعاش وبلغني برحمتك
كمال العافية بتمام دوام النعمة عندي الى منتهى اجلي اسئلك سؤال من اساء

اعمال شب و روز ماه مبارک رمضان

وظلم واستکان واعترف واسئلك ان تغفر لی ما مضی من الذنوب التی حصرتها
حفظتك واحصتها کرام ملائکتك علی وان تعصمنی الهی من الذنوب فیما بقی
من عمری الی منتهی اجلی یا الله یا رحمن یا رحیم صل علی محمد واهل بیت محمد وآتنی
کل ما سألتك ورغبت الیك فیه فانك امرتنی بالدعاء وتکفلت لی بالاجابة
یا ارحم الراحمین **فصل پنجم** در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک رمضان
از حضرت صادق و کاظم صلوات الله علیهما السلام منقولست که بعد از هر
نماز در ماه مبارک باید دعا بخواند یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرب
العظیم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر وهذا شهر عظمته و
کرمته وشرفته وفضلته علی الشهور وهو الشهر الذی فرضت صیامه
علی وهو شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس وبینات
من الهدی والفرقان وجعلت فیه لیلة القدر وجعلتها خیرا من الف شهر
فیا ذا المن ولا یمن علیك من علی بفکاك رقبتی من النار فیمن تمن علیه وادخلنی
الجنة برحمتك یا ارحم الراحمین و دعای بسیار خوبیست و اقلا شبی یکمرتبه
خوب خوانده شود و بسند صحیح منقولست که هر که در هر شب ماه مبارک
این دعا بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود اللهم رب شهر رمضان
الذی انزلت فیه القرآن وافترضت علی عبادك فیه الصیام صل علی محمد وآل

محمد وارزقنی حج بیتك الحرام فی عامی هذا وفی کل عام واغفر لی تلك الذنوب
العظام فانه لا یغفرها غیرك یا رحمن یا علام و ایضا هر شب هزار مرتبه سوره
انا انزلناه سنتست خواندن و صد مرتبه سوره حم دخان اگر میسر شود
و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک مستحب است و از حضرت رسول
منقولست که ترك نکند امت من سحور خوردن را اگرچه یك دانه خرما
زبون باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که حق تعالی و ملائکه صلوات
میفرستند بر آنها که استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور
بخورید اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین سحورها قاووت و خرما و ایضا
فرمود که سحور بخورید اگرچه بجرعه آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد
بر سحور خورندگان و از حضرت صادق منقولست که هر که سوره انا انزلناه
در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت ثواب
کسی داشته باشد که در راه خدا شهید و در خون خود غلطیده باشد و
گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است و از اول شب تا
آخر شب میتواند نیت کرد و همینکه میداند و قصد دارد که فردا روزه میگیرد
بس است و اما آداب افطار سنتست که اول نماز شام را بکند و بعد از آن
افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب

باشد و مانع حضور قلب او باشد در نماز که را باشد و صورت افطار را مقدم
داشتن بهتر است و در وقت افطار سورهٔ انا انزلناه خواندن سنت چنانچه
دانستی و از حضرت رسول منقولست که هر که در وقت افطار بگوید یا عظیم
یا عظیم انت الهی لا اله غیرک اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب
العظیم الا العظیم از گناهان بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده
و از حضرت امام حسن منقولست که هر روزه داری را در وقت افطار دعای
مستجابی هست پس باید در وقت لقمهٔ اول بگوید بسم الله الرحمن الرحیم یا واسع
اغفر لی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی منقولست که در وقت
افطار بگو اللهم لک صمت وعلی رزقک افطرت وعلیک توکلت تا خدا عطا
کند بتو ثواب هر کس که در این روز روزه داشته است و در روایت دیگر منقولست
که حضرت امیر المؤمنین در وقت افطار بدو زانو مینشستند و چون خوان میکشیدند
میگفتند اللهم لک صمنا وعلی رزقک افطرنا فتقبله منا انک انت السمیع
العلیم و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه افطار
میکردند بر خرما و آب یا بر رطب و آب و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت
در وقت افطار ابتدا بحلوا میفرمودند و اگر نمییافتند بر نبات و یا قند
یا خرما افطار میکردند و اگر حاضر نبود با آب نیم گرم افطار میکردند و میفرمودند

که آب

که آب نیم گرم پاک میکند معده را و نوره میدهد جگر را و بینایی را زیاده میکند
و گناهان را میشوید و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو مینشاند
و قطع میکند بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف میکند و از
حضرت رسول منقولست که هر که بر خرمای حلالی افطار کند ثواب نمازش
چهارصد برابر مضاعف گردد و از حضرت صادق منقولست که افطار کردن
بآب گناهان دل را میشوید و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین
دوست میداشت که افطار فرماید بشیر و از حضرت امام رضا منقولست
که هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان
او را بیامرزد و ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل
او نوشته شود و بهترین اعمال در روزها و شبهای ماه مبارک رمضان
تلاوت قرآنست و بسیار باید خواند چون قرآن در این ماه نازل شده است
و در حدیثست که هر چیزی را بهاریست و بهار قرآن ماه رمضانست
و در ماههای دیگر در ماهی یک ختم سنت است و اقلش شش روز است و در
ماه مبارک رمضان هر سه روز یک ختم سنت است و اگر هر روز یک ختم تواند
کرد خوبست و در حدیثست که بعضی از ائمه در این ماه چهل ختم زیاده می
کردند و اگر هر ختمی را ثوابش بروح مقدس امامی از ائمه و رسول خدا و فاطمه

زهرا صلوات الله علیها هدیه کند ثوابش مضاعف میگردد و صلوات بر محمد
و آل او بسیار باید فرستاد و استغفار باید بسیار کرد و لا اله الا الله بسیار
باید گفت و نافلهای شب و روز را ترک نباید کرد و در شبهای طاق ماه مبارک
غسل سنت خصوصا در شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست
یکم و بیست و سیم و در دهه اخر در شبهای جفت نیز غسل سنت خصوصا
شب اخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب
است و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که شیعیان تو
که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند که دعای این ماه را ملائکه
میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا اینست اللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ
الثَّناءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ وَاَیْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ
فی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعاقِبینَ فی مَوْضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ وَاَعْظَمُ
الْمُتَجَبِّرینَ فی مَوْضِعِ الْكِبْرِیاءِ وَالْعَظَمَةِ اللّٰهُمَّ اَذِنْتَ لی فی دُعائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ
فَاسْمَعْ یا سَمیعُ مِدْحَتی وَاَجِبْ یا رَحیمُ دَعْوَتی وَاَقِلْ یا غَفُورُ عَثْرَتی فَكَمْ یا اِلٰهی مِنْ
كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَها وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَها وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَها وَحَلْقَةِ
بَلاءٍ قَدْ فَكَكْتَها اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ یَكُنْ لَهُ شَریكٌ
فِی الْمُلْكِ وَلَمْ یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبیراً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَمیعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلی

دعائیکه در هر شب ماه رمضان باید خواند

بجمیع

اعمال رمضان

جَمیعِ نِعَمِهِ كُلِّها اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لا مُضادَّ لَهُ فی مُلْكِهِ وَلا مُنازِعَ لَهُ فی اَمْرِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذی لا شَریكَ لَهُ فی خَلْقِهِ وَلا شَبیهَ لَهُ فی عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفاشی فِی الْخَلْقِ
اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْباسِطِ بِالْجُودِ یَدَهُ الَّذی لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ وَلا
تَزیدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا جُوداً وَكَرَماً اِنَّهُ هُوَ الْعَزیزُ الْوَهّابُ اللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
قَلیلاً مِنْ كَثیرٍ مَعَ حاجَةٍ بی اِلَیْهِ عَظیمَةٍ وَغِناكَ عَنْهُ قَدیمٌ وَهُوَ عِنْدی كَثیرٌ
وَهُوَ عَلَیْكَ سَهْلٌ یَسیرٌ اللّٰهُمَّ اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبی وَتَجاوُزَكَ عَنْ خَطیئَتی وَصَفْحَكَ
عَنْ ظُلْمی وَسَتْرَكَ عَلی قَبیحِ عَمَلی وَحِلْمَكَ عَنْ كَثیرِ جُرْمی عِنْدَ ما كانَ مِنْ خَطائی وَ
عَمْدی اَطْمَعَنی فی اَنْ اَسْئَلَكَ ما لا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذی رَزَقْتَنی مِنْ رَحْمَتِكَ
وَاَرَیْتَنی مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَّفْتَنی مِنْ اِجابَتِكَ فَصِرْتُ اَدْعُوكَ آمِناً وَاَسْئَلُكَ
مُسْتَاْنِساً لا خائِفاً وَلا وَجِلاً مُدِلّاً عَلَیْكَ فیما قَصَدْتُ فیهِ اِلَیْكَ فَاِنْ اَبْطَا
عَنّی عَتَبْتُ بِجَهْلی عَلَیْكَ وَلَعَلَّ الَّذی اَبْطَاَ عَنّی هُوَ خَیْرٌ لی لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْاُمُورِ
فَلَمْ اَرَ مَوْلیً كَریماً اَصْبَرَ عَلی عَبْدٍ لَئیمٍ مِنْكَ عَلَیَّ یا رَبِّ اِنَّكَ تَدْعُونی فَاُوَلّی عَنْكَ
وَتَتَحَبَّبُ اِلَیَّ فَاَتَبَغَّضُ اِلَیْكَ وَتَتَوَدَّدُ اِلَیَّ فَلا اَقْبَلُ مِنْكَ كَاَنَّ لِیَ التَّطَوُّلَ عَلَیْكَ
فَلَمْ یَمْنَعْكَ ذٰلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ بی وَالْاِحْسانِ اِلَیَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَیَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ
فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجاهِلَ وَجُدْ عَلَیْهِ بِفَضْلِ اِحْسانِكَ اِنَّكَ جَوادٌ كَریمٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
مالِكِ الْمُلْكِ مُجْرِی الْفُلْكِ مُسَخِّرِ الرِّیاحِ فالِقِ الْاِصْباحِ دَیّانِ الدّینِ رَبِّ الْعالَمینَ

الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله على طول
اناته في غضبه وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق
الاصباح ذي الجلال والاكرام والفضل والانعام الذي بعد فلا يرى و
قرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا
شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده قهر بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء
فبلغ بقدرته ما يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة
وانا اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني
وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني عليه حامدا واذكره
مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب
امله الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين
ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين والحمد لله قاصم الجبارين
مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ المستصرخين موضع حاجات
الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي من خشيته ترعد السماء وسكانها
وترجف الارض وعمارها وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي
هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله الحمد لله الذي يخلق ولم
يخلق ويرزق ولا يرزق ويطعم ولا يطعم ويميت الاحياء ويحيي الموتى وهو

حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم صل على محمد عبدك و
رسولك وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك من خلقك وحافظ سرك
ومبلغ رسالاتك افضل واحسن واجمل واكمل وازكى وانمى واطيب واطهر
واسنى واكثر ما صليت وباركت وترحمت وتحننت وسلمت على احد من عبادك
وانبيائك ورسلك وصفوتك واهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صل
على علي امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين عبدك ووليك واخي
رسولك وحجتك وآيتك الكبرى والنبأ العظيم وصل على الصديقة الطاهرة
فاطمة سيدة نساء العالمين وصل على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن و
الحسين سيدي شباب اهل الجنة وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين
ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي
بن محمد والحسن بن علي والخلف الهادي المهدي حججك على عبادك وامنائك
في بلادك صلوة كثيرة دائمة اللهم وصل على ولي امرك القائم المؤمل والعدل
المنتظر وحفه بملائكتك المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين
اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض كما
استخلفت الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من بعد
خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز به وانصره وانتصر

به وانصره نصرا عزیزا وافتح له فتحا یسیرا واجعل له من لدنک سلطانا نصیرا اللهم
اظهر به دینک وسنة نبیک حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم
انا نرغب فی دولة کریمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله الیک
وتجعلنا فیها من الدعاة الی طاعتک والقادة الی سبیلک وترزقنا بها کرامة
الدنیا والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم
المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا واعزز به ذلتنا واغن به
عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ویسر به عسرنا و
بیض به وجوهنا وفک به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعیدنا واستجب
به دعوتنا واعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنیا والآخرة آمالنا فوق رغبتنا
یا خیر المسؤولین واوسع المعطین اشف به صدورنا واذهب به غیظ قلوبنا
واهدنا به لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء الی صراط مستقیم
وانصرنا به علی عدوک وعدونا اله الحق آمین اللهم انا نشکو الیک فقد نبینا
صلواتک علیه وآله وغیبة ولینا وکثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن
بنا وتظاهر الزمان علینا فصل علی محمد وآله واعنا علی ذلک بفتح منک تعجله وبضر
تکشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة منک تجللناها وعافیة منک
تلبسناها برحمتک یا ارحم الراحمین و بسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت

صادق

صادق منقولست که در هر شب این ماه مبارک این دعا بخوانند اللهم انی اسئلک
ان تجعل فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم فی الامر الحکیم من القضاء الذی لا یرد
ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور
ذنوبهم المکفر عن سیئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل عمری فی خیر و
عافیة وتوسع فی رزقی وتجعلنی ممن تنتصر به لدینک ولا تستبدل بی غیری
و این دعای عالیة المضامین نیز در هر شب وارد شده است اللهم برحمتک فی
الصالحین فادخلنا وفی علیین فارفعنا وبکأس من معین من عین سلسبیل
فاسقنا ومن الحور العین برحمتک فزوجنا ومن الولدان المخلدین کانهم لؤلؤ
مکنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطیر فاطعمنا ومن ثیاب السندس
والحریر والاستبرق فالبسنا ولیلة القدر وحج بیتک الحرام وقتلا فی
سبیلک فوفق لنا وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا واذا جمعت الاولین
والآخرین یوم القیمة فارحمنا وبراءة من النار فاکتب لنا وفی جهنم فلا تغلنا و
فی عذابک وهوانک فلا تبتلنا ومن الزقوم والضریع فلا تطعمنا ومع الشیاطین
فلا تجعلنا وفی النار علی وجوهنا فلا تکبنا ومن ثیاب النار وسرابیل القطران
فلا تلبسنا ومن کل سوء یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجنا و اینها دعای
سحر بسند بسیار معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا فرمود که

این دعائیست که حضرت امام محمد باقر در سحرها میخواندند و میفرمودند که اگر مردم
بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آن هر آینه بشمشیر برای
طلب این دعا با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این
دعاست راست گفته ام پس چون این دعا بخوانید با اهتمام تمام و تضرع بخوانید
و از غیر اهلش پنهان دارید و این دعا اینست اللهم انی اسئلک من بهائک بابهاه و کل بهائک
بهی اللهم انی اسئلک ببهائک کله اللهم انی اسئلک من جمالک باجمله و کل
جمالک جمیل اللهم انی اسئلک بجمالک کله اللهم انی اسئلک من جلالک
باجله و کل جلالک جلیل اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم انی اسئلک
من عظمتک باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم انی اسئلک بعظمتک کلها
اللهم انی اسئلک من نورک بانوره و کل نورک نیر اللهم انی اسئلک بنورک
کله اللهم انی اسئلک من رحمتک باوسعها و کل رحمتک واسعة اللهم
انی اسئلک برحمتک کلها اللهم انی اسئلک من کلماتک باتمها و کل
کلماتک تامة اللهم انی اسئلک من کمالک باکمله و کل کمالک کامل اللهم
انی اسئلک بکمالک کله اللهم انی اسئلک من اسمائک باکبرها و کل اسمائک
کبیرة اللهم انی اسئلک باسمائک کلها اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها
و کل عزتک عزیزة اللهم انی اسئلک بعزتک کلها اللهم انی اسئلک من مشیتک

بامضاها

بامضاها و کل مشیتک ماضیة اللهم انی اسئلک بمشیتک کلها اللهم انی
اسئلک من قدرتک بالقدرة التی استطلت بها علی کل شیء و کل قدرتک
مستطیلة اللهم انی اسئلک بقدرتک کلها اللهم انی اسئلک من علمک
بانفذه و کل علمک نافذ اللهم انی اسئلک بعلمک کله اللهم انی اسئلک من
قولک بارضاه و کل قولک رضی اللهم انی اسئلک بقولک کله اللهم انی اسئلک
من مسائلک باحبها و کلها لدیک حبیبة اللهم انی اسئلک بمسائلک
کلها اللهم انی اسئلک من شرفک باشرفه و کل شرفک شریف اللهم انی اسئلک
بشرفک کله اللهم انی اسئلک من سلطانک بادومه و کل سلطانک دائم اللهم
انی اسئلک بسلطانک کله اللهم انی اسئلک من ملکک بافخره و کل ملکک
فاخر اللهم انی اسئلک بملکک کله اللهم انی اسئلک من علوک باعلاه و کل
علوک عال اللهم انی اسئلک بعلوک کله اللهم انی اسئلک من منک باقدمه
و کل منک قدیم اللهم انی اسئلک بمنک کله اللهم انی اسئلک من آیاتک باکرمها
و کل آیاتک کریمة اللهم انی اسئلک بآیاتک کلها اللهم انی اسئلک بما انت
فیه من الشأن والجبروت واسئلک بکل شأن وحده وجبروت وحدها
اللهم انی اسئلک بما تجیبنی حین اسئلک فاجبنی یا الله پس هر حاجت که خواهد
بطلبد از حق تعالی که البته بر آورده است و از جمله ادعیه مشهوره سحر

دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزهٔ ثمالی روایت کرده اند که حضرت امام
زین العابدین در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را نماز میکردند و چون
سحر میشد این دعا را میخواندند الهی لا تؤدبنی بعقوبتک ولا تمکر بی فی حیلتک
من این لی الخیر یا رب ولا یوجد الا من عندک ومن این لی النجاة ولا تستطاع
الا بک لا الذی احسن استغنی عن عونک ورحمتک ولا الذی اساء واجترأ علیک
ولم یرضک خرج عن قدرتک یا رب یا رب تا نفس قطع شود بگوید که نفس قطع شود بک عرفتک
وانت دللتنی علیک ودعوتنی الیک ولولا انت لم ادر ما انت الحمد لله الذی
ادعوه فیجیبنی وان کنت بطیئا حین یدعونی والحمد لله الذی اسئله فیعطینی
وان کنت بخیلا حین یستقرضنی والحمد لله الذی انادیه کلما شئت لحاجتی
واخلو به حیث شئت لسری بغیر شفیع فیقضی لی حاجتی والحمد لله الذی
لا ادعو غیره ولو دعوت غیره لم یستجب لی دعائی والحمد لله الذی
لا ارجو غیره ولو رجوت غیره لاخلف رجائی والحمد لله الذی وکلنی
الیه فاکرمنی ولم یکلنی الی الناس فیهینونی والحمد لله الذی تحبب الی وهو
غنی عنی والحمد لله الذی یحلم عنی حتی کانی لا ذنب لی فربی احمد شیء عندی
واحق بحمدی اللهم انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة ومناهل الرجاء
الیک مترعة والاستعانة بفضلک لمن املک مباحة وابواب الدعاء الیک

للصارخین

للصارخین مفتوحة واعلم انک للراجی بموضع اجابة وللملهوفین بمرصد الباخلین
ومندوحة عما فی ایدی المستاثرین وان الراحل الیک قریب المسافة وانک
لا تحتجب عن خلقک الا ان تحجبهم الامال دونک وقد قصدت الیک بطلبتی و
توجهت الیک بحاجتی وجعلت بک استغاثتی وبدعائک توسلی من غیر استحقاق
لاستماعک منی ولا استیجاب لعفوک عنی بل لثقتی بکرمک وسکونی الی صدق
وعدک ولجائی الی الایمان بتوحیدک ویقینی بمعرفتک منی ان لا رب لی غیرک
ولا اله الا انت وحدک لا شریک لک اللهم انت القائل وقولک حق ووعدک
صدق واسئلوا الله من فضله ان الله کان بکم رحیما ولیس من صفاتک یا سیدی
ان تامر بالسؤال وتمنع العطیة وانت المنان بالعطیات علی اهل مملکتک
والعائد علیهم بتحنن رافتک الهی ربیتنی فی نعمک واحسانک صغیرا ونوهت
باسمی کبیرا فیا من ربانی فی الدنیا باحسانه وتفضله ونعمه واشار لی فی
الاخرة الی عفوه وکرمه معرفتی یا مولای دلیلی علیک وحبی لک شفیعی الیک
وانا واثق من دلیلی بدلالتک وساکن من شفیعی الی شفاعتک ادعوک یا سیدی
بلسان قد اخرسه ذنبه رب اناجیک بقلب قد اوبقه جرمه ادعوک
یا رب راهبا راغبا راجیا خائفا اذا رایت مولای ذنوبی فزعت واذا رایت
کرمک طمعت وان عفوت فخیر راحم وان عذبت فغیر ظالم حجتی یا الله فی جرائتی

علی مسئلتك مع اتيانی ما تكره جودك وكرمك وعدتی فی شدتی مع قلة حيائی
رأفتك ورحمتك وقد رجوت ان لا تخيب بين ذين وذين منيتی فحقق رجائی
واسمع دعائی يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج عظم يا سيدی املی
وساء عملی فاعطنی من عفوك بمقدار املی ولا تؤاخذنی باسوء عملی فان كرمك
يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وانا يا سيدی
عائذ بفضلك هارب اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا وما منك
انا يا رب وما خطری هبنی بفضلك وتصدق علی بعفوك ای رب جللنی بسترك
واعف عن توبيخی بكرم وجهك فلو اطلع اليوم علی ذنبی غيرك ما فعلته ولو
خفت تعجيل العقوبة لاجتنبته لا لانك اهون الناظرين الی واخف المطلعين
علی بل لانك يا رب خير الساترين واحكم الحاكمين واكرم الاكرمين ستار العيوب
غفار الذنوب علام الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخر العقوبة بحلمك
فلك الحمد علی حلمك بعد علمك وعلی عفوك بعد قدرتك ويحملنی ويجرئنی
علی معصيتك حلمك عنی ويدعونی الی قلة الحياء سترك علی ويسرعنی الی
التوثب علی محارمك معرفتی بسعة رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم
يا حی يا قيوم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا عظيم المن يا قديم الاحسان اين
سترك الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع اين

رحمتك

رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة اين صنائعك
السنية اين فضلك العظيم اين منك الجسيم اين احسانك القديم اين كرمك يا كريم
به وبمحمد فاستنقذنی وبرحمتك فخلصنی يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل لست
اتكل فی النجاة من عقابك علی اعمالنا بل بفضلك علينا لانك اهل التقوی و
اهل المغفرة تبدئ بالاحسان نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندری ما نشكر
اجميل ما تنشر ام قبيح ما تستر ام عظيم ما ابليت واوليت ام كثير ما منه نجيت
وعافيت يا حبيب من تحبب اليك ويا قرة عين من لاذ بك وانقطع اليك انت
المحسن ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك وای جهل
يا رب لا يسعه جودك او ای زمان اطول من اناتك وما قدر اعمالنا فی جنب
نعمك وكيف نستكثر اعمالا نقابل بها كرمك بل كيف يضيق علی المذنبين ما
وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة فوعزتك يا سيدی
لو انتهرتنی ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما انتهی الی من المعرفة
بجودك وكرمك وانت الفاعل لما تشاء تعذب من تشاء كيف تشاء وترحم
من تشاء بما تشاء كيف تشاء ولا تسئل عن فعلك ولا تنازع فی ملكك
ولا تشارك فی امرك ولا تضاد فی حكمك ولا يعترض عليك احد فی تدبيرك
لك الخلق والامر تبارك الله رب العالمين يا رب هذا مقام من لاذ بك

واستغنا بكرمك والف احسانك ونعمك وانت الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص
فضلك ولا تقل رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل العظيم والرحمة
الواسعة افتراك يا رب تخلف ظنوننا او تخيب امالنا كلا يا كريم فليس هذا ظننا
بك ولا هذا فيك طمعنا يا رب ان لنا فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء
عظيما عصيناك ونحن نرجوا ان تستر علينا ودعوناك ونحن نرجوا ان تستجيب
لنا فحقق رجائنا يا مولانا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك فينا و
علمنا بانك لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين
لرحمتك وانت اهل ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك وامنن علينا
بما انت اهله وجد علينا فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا
وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا بين يديك نستغفرك
اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم ونعارضك بالذنوب خيرك الينا
نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل ولا يزال ملك كريم ياتيك عنا بعمل قبيح
فلا يمنعك ذلك من ان تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بالائك فسبحانك
ما احلمك واعظمك واكرمك مبدئا ومعيدا تقدست اسمائك وجل
ثنائك وكرم صنائعك وفعالك انت الهي اوسع فضلا واعظم حلما من ان
تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو سيدي سيدي سيدي اللهم

اشغلنا

اشغلنا بذكرك واعذنا من سخطك واجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك
وانعم علينا من فضلك وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ومغفرتك و
رحمتك ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا
عملا بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه واله اللهم
اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا واجزهما بالاحسان احسانا و
بالسيئات غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات و
تابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا وانثانا
صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا و
خسروا خسرانا مبينا اللهم صل على محمد وال محمد واختم لي بخير واكفني ما اهمني
من امر دنياي واخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل علي منك واقية باقية
ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي وارزقني رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم
احرسني بحراستك واحفظني بحفظك واكلاني بكلائتك وارزقني حج بيتك
الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وزيارة قبر نبيك والائمة عليهم السلام
ولا تخلني يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة اللهم تب علي حتى
لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني
يا رب العالمين اللهم اني كلما قلت قد تهيات وتعبات وقمت للصلوة بين يديك

وناجيتك القيت علي نعاسا اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك اذا انا ناجيت
ما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين مجلسي عرضت لي
بلية ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيدي لعلك عن بابك طردتني
وعن خدمتك نحيتني او لعلك رايتني مستخفا بحقك فاقصيتني او لعلك
رايتني معرضا عنك فقليتني او لعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني
او لعلك رايتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني او لعلك فقدتني من مجالس العلماء
فخذلتني او لعلك رايتني في الغافلين فمن رحمتك ايستني او لعلك رايتني الف
مجالس البطالين فبيني وبينهم خليتني او لعلك لم تحب ان تسمع دعائي فباعدتني
او لعلك بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فان
عفوت يا رب فطال ما عفوت عن المذنبين قبلي لان كرمك اي رب يجل عن
مجازات المذنبين وحلمك يكبر عن مكافات المقصرين وانا عائذ بفضلك هارب
منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظنا الهي انت اوسع
فضلا واعظم حلما من ان تقايسني بعملي او ان تستزلني بخطيئتي وما انا يا سيدي
وما خطري هبني بفضلك يا سيدي وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك
واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي انا الصغير الذي ربيته وانا الجاهل
الذي علمته وانا الضال الذي هديته وانا الوضيع الذي رفعته وانا

الخائف الذي امنته وانا الجائع الذي اشبعته والعطشان الذي ارويته
والعاري الذي كسوته والفقير الذي اغنيته والضعيف الذي قويته
والذليل الذي اعززته والسقيم الذي شفيته والسائل الذي اعطيته والمذنب
الذي سترته والخاطئ الذي اقلته وانا القليل الذي كثرته والمستضعف
الذي نصرته وانا الطريد الذي اويته انا يا رب الذي لم استحيك في الخلاء
ولم اراقبك في الملاء انا صاحب الدواهي العظمى انا الذي على سيده اجترى
انا الذي عصيت جبار السماء انا الذي اعطيت على معاصي الجليل الرشى انا
الذي حين بشرت بها خرجت اليها اسعى انا الذي امهلتني فما ارعويت و
سترت علي فما استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت واسقطتني من عينك
فما باليت فبحلمك امهلتني وبسترك سترتني حتى كانك اغفلتني ومن عقوبات
المعاصي جنبتني حتى كانك استحييتني الهي لم اعصك حين عصيتك وانا بربوبيتك
جاحد ولا بامرك مستخف ولا لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك متهاون و
لكن خطيئة عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي واعانني عليها شقوتي
وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي فالان من
عذابك من يستنقذني ومن ايدي الخصماء غدا من يخلصني وبحبل من اتصل
ان انت قطعت حبلك عني فوا سوأتا على ما احصى كتابك من عملي الذي لولا

ما ارجو من كرمك وسعة رحمتك ونهيك اياى عن القنوط لقنطت عندما
اتذكرها يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج اللهم بذمة الاسلام اتوسل
اليك وبحرمة القران اعتمد عليك وبحبى للنبى الامى القرشى الهاشمى العربى
التهامى المكى المدنى ارجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس ايمانى ولا
تجعل ثوابى ثواب من عبد سواك فان قوما امنوا بالسنتهم ليحقنوا به دماءهم
فادركوا ما املوا وانا امنا بك بالسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فادرك بنا ما
املنا وثبت رجاءك فى صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب
لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب فوعزتك لو انتهرتنى ما برحت من بابك
ولا كففت عن تملقك لما الهم قلبى من المعرفة بكرمك وسعة رحمتك الى من
يذهب العبد الا الى مولاه والى من يلتجئ المخلوق الا الى خالقه الهى لو قرنتنى
بالاصفاد ومنعتنى سيبك من بين الاشهاد ودللت على فضائحى عيون العباد
وامرت بى الى النار وحلت بينى وبين الابرار ما قطعت رجائى منك ولا
صرفت وجه تاميلى للعفو عنك ولا خرج حبك عن قلبى انا لا انسى اياديك
عندى وسترك على فى دار الدنيا يا سيدى صل على محمد وال محمد واخرج
حب الدنيا من قلبى واجمع بينى وبين المصطفى واله خيرتك من خلقك وخاتم
النبيين محمد صلى الله عليه واله وانقلنى الى درجة التوبة اليك واعنى

بالبكاء

بالبكاء على نفسى فقد افنيت بالتسويف والامال عمرى وقد نزلت منزلة الايسين
من خيرى فمن يكون اسوء حالا منى ان انا نقلت على مثل حالى الى قبر لم امهده لرقدتى
ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتى ومالى لا ابكى ولا ادرى الى ما يكون
مصيرى وارى نفسى تخادعنى وايامى تخاتلنى وقد خفقت عند راسى اجنحة
الموت فمالى لا ابكى لخروج نفسى ابكى لظلمة قبرى ابكى لضيق لحدى ابكى لسؤال
منكر ونكير اياى ابكى لخروجى من قبرى عريانا ذليلا حاملا ثقلى على ظهرى
انظر مرة عن يمينى واخرى عن شمالى اذ الخلائق فى شان غير شانى لكل امرئ
منهم يومئذ شان يغنيه وجوه يومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة ووجوه
يومئذ عليها غبرة ترهقها قترة وذلة سيدى عليك معولى ومعتمدى و
رجائى وتوكلى وبرحمتك تعلقى تصيب برحمتك من تشاء وتهدى بكرامتك
من تحب فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبى ولك الحمد على بسط لسانى
افبلسانى هذا الكال اشكرك ام بغاية جهدى فى عملى ارضيك وما قدر
لسانى يا رب فى جنب شكرك وما قدر عملى فى جنب نعمك واحسانك الى
الا ان جودك بسط املى وشكرك قبل عملى سيدى اليك رغبتى واليك رهبتى
واليك تاميلى وقد ساقنى اليك املى وعليك يا واحدى عكفت همتى وفيما
عندك انبسطت رغبتى ولك خالص رجائى وخوفى وبك انست محبتى

والیک الفت بیدی وبحبل طاعتک مددت رهبتی یا مولای بذکرک عاش
قلبی وبمناجاتک بردت الم الخوف عنی فیا مولای ویا مؤملی ویا منتهی سؤلی
صل علی محمد وال محمد وفرق بینی وبین ذنبی المانع لی من لزوم طاعتک
فانما اسئلک لقدیم الرجاء وخوفی الیک وعظیم الطمع منک الذی اوجبته فیک
علی نفسک من الرأفة والرحمة والامر لک وحدک لا شریک لک والخلق کلهم
عیالک وفی قبضتک وکل شیء خاضع لک تبارکت یا رب العالمین الهی ارحمنی
اذا انقطعت حجتی وکل عن جوابک لسانی وطاش عند سؤالک ایای لبی فیا عظیم
رجائی ولا تخیبنی اذا اشتدت فاقتی الیک ولا تردنی لجهلی ولا تمنعنی لقلة
صبری اعطنی لفقری وارحمنی لضعفی سیدی علیک معتمدی ومعولی
ورجائی وتوکلی وبرحمتک تعلقی وبفنائک احط رحلی وبجودک اقصد
طلبتی وبکرمک ای رب استفتح دعائی ولدیک ارجو فاقتی وبغناک اجبر
عیلتی وتحت ظل عفوک قیامی والی جودک وکرمک ارفع بصری والی
معروفک ادیم نظری فلا تحرقنی بالنار وانت موضع املی ولا تسکنی
الهاویة فانک قرة عینی یا سیدی لا تکذب ظنی باحسانک ومعروفک
فانک ثقتی ورجائی ولا تحرمنی ثوابک فانک العارف بفقری یا الهی ان کان
قد دنی اجلی ولم یقربنی منک عملی فقد جعلت الاعتراف الیک بذنبی

وسائل

وسائل عللی الهی ان عفوت فمن اولی منک بالعفو وان عذبت فمن اعدل منک
فی الحکم ارحم فی هذه الدنیا غربتی وعند الموت کربتی وفی القبر وحدتی
وفی اللحد وحشتی واذا نشرت للحساب بین یدیک ذل موقفی واغفر لی ما خفی
علی الادمیین من عملی وادم لی ما به سترتنی وارحمنی صریعا علی الفراش تقلبنی
ایدی احبتی وتفضل علی ممدودا علی المغتسل یقلبنی صالح جیرتی علی محمولا
قد تناول الاقرباء اطراف جنازتی وجد علی منقولا قد نزلت بک وحیدا
فی حفرتی وارحم فی ذلک البیت الجدید غربتی حتی لا استانس بغیرک یا سیدی
فانک ان وکلتنی الی نفسی هلکت سیدی فبمن استغیث ان لم تقلنی عثرتی
والی من افزع ان فقدت عنایتک فی ضجعتی والی من التجئ ان لم تنفس کربتی
سیدی من لی ومن یرحمنی ان لم ترحمنی وفضل من اؤمل ان عدمت فضلک
یوم فاقتی والی من الفرار من الذنوب اذا انقضی اجلی سیدی لا تعذبنی و
انا ارجوک اللهم حقق رجائی وامن خوفی فان کثرة ذنوبی لا ارجو فیها الا
عفوک یا سیدی انا اسئلک ما لا استحق وانت اهل التقوی واهل المغفرة
الذنوب د فاغفر لی والبسنی من نظرک ثوبا یغطی علی التبعات وتغفرها لی ولا اطالب
بها انک ذو من قدیم وصفح عظیم وتجاوز کریم الهی انت الذی تفیض سیبک
علی من لا یسئلک وعلی الجاحدین بربوبیتک فکیف سیدی بمن سئلک

وأيقن أن الخلق لك والأمر إليك تباركت وتعاليت يا رب العالمين إلهي
وسيدي عبدك ببابك أقامته الخصاصة بين يديك يقرع باب إحسانك
بدعائه ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك الكريم
عني واقبل مني ما أقول فقد دعوتك بهذا الدعاء وأنا أرجو أن لا تردني معرفة
مني برأفتك ورحمتك إلهي أنت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك نائل
أنت كما تقول وفوق ما نقول اللهم إني أسألك صبرا جميلا وفرجا قريبا و
قولا صادقا وأجرا عظيما أسألك يا رب من الخير كله ما علمت منه وما لم
أعلم أسألك اللهم من خير ما سألك منه عبادك الصالحون يا خير من سئل
وأجود من أعطى أعطني سؤلي في نفسي وأهلي وولدي ووالدي وأهل حزانتي
وإخواني فيك وأرغد عيشي وأظهر مروتي وأصلح جميع أحوالي واجعلني ممن
أطلت عمره وحسنت عمله وأتممت عليه نعمتك ورضيت عنه وأحييته
حيوة طيبة في أدوم السرور وأسبغ الكرامة وأتم العيش إنك تفعل ما تشاء
ولا يفعل ما يشاء غيرك اللهم وخصني منك بخاصة ذكرك ولا تجعل شيئا
مما أتقرب به في آناء الليل وأطراف النهار رياء ولا أشرا ولا بطرا واجعلني (ولا سمعة)
لك من الخاشعين اللهم أعطني السعة في الرزق والأمن في الوطن وقرة العين
في الأهل والمال والولد والمقام في نعمك عندي والصحة في الجسم والقوة

في البدن والسلامة في الدين واستعملني بطاعتك وطاعة نبيك محمد وأهل بيته
صلى الله عليه وآله أبدا ما استعمرتني واجعلني من أوفر عبادك عندك نصيبا
في كل خير أنزلته وتنزله في شهر رمضان في ليلة القدر وما أنت منزله في
كل سنة من رحمة تنشرها وعافية تلبسها وبلية تدفعها وحسنات تتقبلها
وسيئات تتجاوز عنها وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا هذا وفي كل عام وارزقني
رزقا واسعا من فضلك الواسع واصرف عني يا سيدي الأسواء واقض عني الدين
والظلامات حتى لا أتأذى بشيء منه وخذ عني بأسماع وأبصار أعدائي وحسادي (أضدادي)
والباغين علي وانصرني عليهم وأقر عيني وفرح قلبي واجعل لي من همي وكربي
فرجا ومخرجا واجعل من أرادني بسوء من جميع خلقك تحت قدمي واكفني شر
الشيطان وشر السلطان وسيئات عملي وطهرني من الذنوب كلها وأجرني
من النار بعفوك وأدخلني الجنة برحمتك وزوجني من الحور العين بفضلك
وألحقني بأوليائك الصالحين محمد وآله الأبرار الطيبين الطاهرين الأخيار
صلوات الله عليهم وعلى أرواحهم وأجسادهم ورحمة الله وبركاته إلهي و
سيدي وعزتك وجلالك لئن طالبتني بذنوبي لأطالبنك بعفوك ولئن طالبتني
بلؤمي لأطالبنك بكرمك ولئن أدخلتني النار لأخبرن أهل النار بحبي لك
إلهي وسيدي إن كنت لا تغفر إلا لأوليائك وأهل طاعتك فإلى من يفزع

المذنبون وان كنت لا تكرم الا اهل الوفاء بك فبمن يستغيث المسيئون الهي ان
ادخلتني النار ففي ذلك سرور عدوك وان ادخلتني الجنة ففي ذلك سرور
نبيك وانا والله اعلم ان سرور نبيك احب اليك من سرور عدوك اللهم اني
اسئلك ان تملأ قلبي حبا لك وخشية منك وتصديقا بكتابك وايمانا بك
وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام حبب الي لقاءك واحبب لقائي
واجعل لي في لقائك الراحة والفرج والكرامة اللهم الحقني بصالح من مضى
واجعلني من صالح من بقي وخذ بي سبيل الصالحين واعني على نفسي بما تعين
به الصالحين على انفسهم واختم عملي باحسنه واجعل ثوابي منه الجنة يا رب
العالمين واعني على صالح ما اعطيتني وثبتني يا رب ولا تردني في سوء استنقذتني
منه اللهم اني اسئلك ايمانا لا اجل له دون لقائك احيني ما احييتني عليه
وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني اذا بعثتني عليه وابرء قلبي من الرياء والشك
والسمعة في دينك حتى يكون عملي خالصا لك اللهم اعطني بصيرة في دينك وفهما
في حكمك وفقها في علمك وكفلين من رحمتك وورعا يحجزني عن معاصيك
وبيض وجهي بنورك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى ملة
رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني اعوذ بك من الكسل والفشل و
الهم والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلة والمسكنة والفقر والفاقة

وكل بلية والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ من نفس لا تقنع وبطن لا
يشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا ينفع وصلوة لا ترفع واعيذك
يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي وعلى جميع ما رزقتني من الشيطان
الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انه لا يجيرني منك احد ولا اجد من دونك
ملتحدا فلا تجعل نفسي في شيء من عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني بعذاب اليم
اللهم تقبل مني واعل ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي
واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي وثواب دعائي رضاك والجنة واعطني
يا رب جميع ما سئلتك وزدني من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين
اللهم انك انزلت في كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا انفسنا فاعف
عنا فانك اولى بذلك منا ان لا ترد سائلا عن ابوابنا وقد جئتك سائلا فلا
تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا بالاحسان الى ما ملكت ايماننا ونحن ارقاؤك
فاعتق رقابنا من النار يا مفزعي عند كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت
وبك استغثت ولذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني وفرج
عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني اليسير واعف عن الكثير انك
انت الرحيم الغفور اللهم اني اسئلك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى
اعلم انه لن يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم الراحمين

ماه مبارک بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین
و امام محمد باقر صلوات الله علیهما در هر روز از ماه مبارک این دعا میخواندند
اللهم هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس و بینات
من الهدی و الفرقان و هذا شهر الصیام و هذا شهر القیام و هذا شهر الانابة
و هذا شهر التوبة و هذا شهر المغفرة و الرحمة و هذا شهر العتق من النار و الفوز
بالجنة و هذا شهر فیه لیلة القدر التی خیر من الف شهر اللهم فصل علی محمد و فی خبر
ال محمد و اعنی علی صیامه و قیامه و سلمه لی و سلمنی فیه و اعنی علیه بافضل
عونک و وفقنی فیه لطاعتک و طاعة رسولک و اولیائک صلوات الله
علیهم و فرغنی فیه لعبادتک و دعائک و تلاوة کتابک و عظم لی فیه البرکة
و احسن لی فیه العافیة و اصح لی فیه التوبة و اصح لی فیه بدنی و اوسع
فیه رزقی و اکفنی فیه ما اهمنی و استجب فیه دعائی و بلغنی فیه رجائی
اللهم صل علی محمد و ال محمد و اذهب عنی فیه النعاس و الکسل و السامة
و الفترة و القسوة و الغفلة و الغرة و جنبنی فیه العلل و الاسقام و الهموم
و الاحزان و الاعراض و الامراض و الخطایا و الذنوب و اصرف عنی فیه السوء
و الفحشاء و الجهد و البلاء و التعب و العناء انک سمیع الدعاء اللهم صل
علی محمد و ال محمد و اعذنی فیه من الشیطان الرجیم و همزه و لمزه و نفثه و نفخه

و وسوسته و تثبیطه و بطشه و مکره و کیده و حبائله و خدعه و امانیه
و غروره و فتنته و شرکه و احزابه و اتباعه و اشیاعه و اولیائه و شرکائه
و جمیع مکائده اللهم صل علی محمد و ال محمد و ارزقنا قیامه و صیامه و بلوغ
الامل فیه و فی قیامه و استکمال ما یرضیک عنی صبرا و احتسابا و ایمانا و
یقینا ثم تقبل ذلک منی بالاضعاف الکثیرة و الاجر العظیم یا رب العالمین
اللهم صل علی محمد و ال محمد و ارزقنی الحج و العمرة و الجد و الاجتهاد و القوة و
النشاط و الانابة و التوبة و التوفیق و القربة و الخیر المقبول و الرغبة و الرهبة
و التضرع و الخشوع و الرقة و النیة الصادقة و صدق اللسان و الوجل
منک و الرجاء لک و التوکل علیک و الثقة بک و الورع عن محارمک مع صالح
القول و مقبول السعی و مرفوع العمل و مستجاب الدعوة و لا تحل بینی و بین شیء
من ذلک بعرض و لا مرض و لا هم و لا غم و لا سقم و لا غفلة و لا نسیان بل بالتعاهد
و التحفظ لک و فیک و الرعایة لحقک و الوفاء بعهدک و وعدک برحمتک
یا ارحم الراحمین اللهم صل علی محمد و ال محمد و اقسم لی فیه افضل ما تقسمه لعبادک
الصالحین و اعطنی فیه افضل ما تعطی اولیائک المقربین من الرحمة و المغفرة
و التحنن و الاجابة و العفو و المغفرة الدائمة و العافیة و المعافاة و العتق من
النار و الفوز بالجنة و خیر الدنیا و الاخرة اللهم صل علی محمد و ال محمد و اجعل

دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه مقبولا
وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي فيه الاكبر وحظي
فيه الاوفر اللهم صل على محمد وال محمد ووفقني فيه لليلة القدر على افضل
حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا
من الف شهر وارزقني فيها افضل ما رزقت احدا ممن بلغته اياها و
اكرمته بها واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء
خلقك بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد
وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى
اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما انزلت
فيه من القران ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وجميع الملائكة المقربين
ورب ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين
والمرسلين ورب محمد خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم اجمعين واسئلك
بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم لما صليت عليه وعليهم اجمعين و
نظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني رضا لا تسخط علي بعده ابدا واعطيتني
جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي وصرفت عني ما اكره واحذر واخاف
على نفسي وما لا اخاف وعن اهلي ومالي واخواني واخواتي وذريتي اللهم

اليك

اليك فررنا من ذنوبنا فآونا تائبين وتب علينا واغفر لنا متعوذين واعذنا مستجيرين
واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا راهبين وامنا راغبين وشفعنا سائلين واعطنا
انك سميع الدعاء قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سئل العبد
ربه ولم يسئل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى السائلين ويا منتهى
حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين
ويا صريخ المستصرخين ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج
هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم الراحمين صل
على محمد وال محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي واسائتي وظلمي وجرمي واسرافي
على نفسي وارزقني من فضلك ورحمتك فانه لا يملكها غيرك واعف عني و
اغفر لي كلما سلف من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي
وولدي وقرابتي واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات في
الدنيا والاخرة فان ذلك كله بيدك وانت واسع المغفرة فلا تخيبني يا سيدي
ولا ترد دعائي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سئلتك وتزيدني
من فضلك فانك على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون اللهم لك الاسماء
الحسنى كلها والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك باسمك بسم الله
الرحمن الرحيم ان كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها ان

تصلی علی محمد وال محمد وان تجعل اسمی فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی
فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا لا یشوبه شک
ورضا بما قسمت لی واتنی فی الدنیا حسنة وفی الاخرة حسنة وقنی عذاب النار
وان لم تکن قضیت فی هذه اللیلة تنزل الملائکة والروح فیها فاخرنی الی ذلک
وارزقنی فیها ذکرک وشکرک وطاعتک وحسن عبادتک فصل علی محمد وال
محمد بافضل صلواتک یا ارحم الراحمین یا احد یا صمد یا رب محمد وال محمد اغضب
الیوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعدائهم بددا واحصهم عددا ولا تدع علی ظهر الارض
منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا یا حسن الصحبة یا خلیفة النبیین انت ارحم الراحمین
البدئ البدیع الذی لیس کمثله شیء والدائم غیر الغافل والحی الذی لا یموت
انت کل یوم فی شان انت خلیفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسئلک ان
تنصر وصی محمد وخلیفة محمد والقائم بالقسط من اوصیاء محمد صلواتک
علیه وعلیهم اعطف علیهم نصرک یا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت صل
علی محمد وال محمد واجعلنی معهم فی الدنیا والاخرة واجعل عاقبة امری الی غفرانک
ورحمتک یا ارحم الراحمین وکذلک نسبت نفسک یا سیدی باللطیف
بلی انک لطیف فصل علی محمد وال محمد والطف بی انک لطیف لما تشاء
اللهم صل علی محمد وال محمد وارزقنی الحج والعمرة فی عامنا هذا وفی کل

عام وتطول علی بجمیع حوائجی للدنیا والاخرة پس بگوید استغفر الله ربی و
اتوب الیه ان ربی قریب مجیب استغفر الله ربی واتوب الیه انه کان رحیما ودودا
استغفر الله ربی واتوب الیه انه کان غفارا اللهم اغفر لی انک انت ارحم الراحمین
رب انی عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا
انت استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الحلیم العظیم العلیم الکریم
الغفار للذنب العظیم واتوب الیه استغفر الله ان الله کان غفورا رحیما
پس بگوید اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد وال محمد وان تجعل فیما تقضی و
تقدر من الامر العظیم المحتوم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد ولا
یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور
ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل عمری و
توسع رزقی وتؤدی عنی امانتی ودینی امین رب العالمین اللهم اجعل لی فرجا و
مخرجا وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب واحرسنی من حیث احترس
ومن حیث لا احترس وصلی الله علی محمد واله وسلم تسلیما کثیرا و این تسبیحات
نیز به سند معتبر از حضرت صادق منقولست که در هر روز این ماه بخوانند
سبحان الله باریء النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها
سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان

الله خالق كل شيء سبحان الله ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان
الله رب العالمين سبحان الله السميع الذي ليس شيء أسمع منه يسمع من فوق
عرشه ما تحت سبع أرضين ويسمع ما في ظلمات البر والبحر ويسمع الأنين و
الشكوى ويسمع السر وأخفى ويسمع وساوس الصدور ولا يصم سمعه صوت
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها
سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
سبحان الله رب العالمين سبحان الله البصير الذي ليس شيء أبصر منه يبصر
من فوق عرشه ما تحت سبع أرضين ويبصر ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه
الأبصار وهو يدرك الأبصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى بصره الظلمة ولا
يستتر منه بستر ولا يواري منه جدار ولا يغيب عنه بر ولا بحر ولا يكن
منه جبل ما في أصله ولا قلب ما فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يستتر
منه صغير ولا كبير ولا يخفى عليه شيء في الأرض ولا في السماء هو الذي
يصوركم في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ
النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل
الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء

سبحا

سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب
العالمين سبحان الذي ينشئ السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة
من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا
بين يدي رحمته ويرسل الماء من السماء بكلمته وينبت النبات بقدرته
ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في الأرض
ولا في السماء ولا أصغر من ذلك ولا أكبر إلا في كتاب مبين سبحان الله بارئ
النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل
الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء
سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان
الله رب العالمين سبحان الذي يعلم ما تحمل كل أنثى وما تغيض الأرحام
وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال
سواء منكم من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار
له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من أمر الله سبحان الله الذي
يميت الأحياء ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص الأرض منهم ويقر في الأرحام
ما يشاء إلى أجل مسمى سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله
خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق

الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله مالك الملك
تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء
بيدك الخير انك على كل شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل
وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب سبحان
الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان
الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق
كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان
الله رب العالمين سبحان الذي عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو
ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات
الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين سبحان الله بارئ النسم سبحان
الله المصور سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب و
النوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان
الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الذي لا يحصي مدحته
القائلون ولا يجزي بآلائه الشاكرون والعابدون وهو كما قال وفوق ما
يقول القائلون والله سبحانه كما اثنى على نفسه ولا يحيطون بشيء من علمه

الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها
سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد
كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج في الارض وما
يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما يلج في الارض و
ما يخرج منها وعما ينزل من السماء وما يعرج فيها عما يلج في الارض وما يخرج
منها ولا يشغله علم شيء عن علم شيء ولا يشغله خلق شيء عن خلق شيء ولا حفظ شيء
عن حفظ شيء ولا يساويه شيء ولا يعادله شيء ليس كمثله شيء وهو السميع العليم
سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان
الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق
كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان
الله رب العالمين سبحان الله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا
اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير
ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده
وهو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق
الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب و

صلوات جمعه

النوى سبحان الله خالق كل شئ سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله
رب العالمين سبحان الذى يعلم ما فى السموات وما فى الارض ما يكون من نجوى
ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنى من ذلك ولا اكثر الا
هو معهم اينما كانوا ثم ينبئهم بما عملوا يوم القيمة ان الله بكل شئ عليم وايضا مستحب است
كه اين صلوات را در هر روز ماه مبارك و در هر روز جمعه در تمام سال بخواند
ان الله وملائكته يصلون على النبى يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا
تسليما لبيك يا رب سبحانك اللهم صل على محمد وال محمد كما صليت وباركت على
ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد اللهم ارحم محمدا وال محمد كما رحمت ابرهيم وال
ابرهيم انك حميد مجيد اللهم سلم على محمد وال محمد كما سلمت على نوح فى العالمين
اللهم امنن على محمد وال محمد كما مننت على موسى وهرون اللهم صل على محمد
وال محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وال محمد وابعثه مقاما محمودا
يغبطه به الاولون والاخرون على محمد واله السلام كلما طلعت شمس او غربت
على محمد واله السلام كلما طرفت عين او برقت على محمد واله السلام كلما طرفت
عين او ذرفت على محمد واله السلام كلما ذكر السلام على محمد واله السلام كلما
سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد فى الاولين السلام على محمد واله فى
الاخرين السلام على محمد واله ورحمة الله وبركاته اللهم رب البلد الحرام و

رب

رب الركن والمقام ورب الحل والحرام ابلغ نبيك محمدا واله عنا السلام اللهم
اعط محمدا من البهاء والسرور والنضرة والكرامة والغبطة والوسيلة و
المنزلة والمقام والشرف والرفعة والشفاعة عندك يوم القيمة افضل ما
تعطى احدا من خلقك واعط محمدا فوق ما تعطى الخلائق من الخير اضعافا كثيرة
لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد وال محمد اطيب واطهر وازكى وانمى وافضل
ما صليت على احد من الاولين والاخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين
اللهم صل على على امير المؤمنين ووصى رسول رب العالمين ووال من والاه
وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك فى دمه اللهم صل على فاطمة
بنت نبيك محمد عليه واله السلام والعن من اذى نبيك فيها اللهم صل على
الحسن والحسين امامى المسلمين ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف
العذاب على من شرك فى دمهما اللهم صل على على بن الحسين امام المسلمين ووال
من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على محمد بن
على امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه
اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من ظلمه اللهم صل على موسى بن جعفر امام المسلمين ووال من والاه
وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك فى دمه اللهم صل على على بن موسى

امام المسلمین و والِ من والاه و عادِ من عاداه و ضاعِف العذاب علی من شرک
فی دمه اللهم صل علی محمد بن علی امام المسلمین و والِ من والاه و عادِ من عاداه
و ضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل علی علی بن محمد امام المسلمین و والِ
من والاه و عادِ من عاداه و ضاعف العذاب علی من ظلمه اللهم صل علی الحسن
بن علی امام المسلمین و والِ من والاه و عادِ من عاداه و ضاعف العذاب علی
من ظلمه اللهم صل علی الخلف من بعده امام المسلمین و والِ من والاه و عادِ من
عاداه و عجّل فرجه اللهم علی القاسم و الطاهر ابنی نبیک اللهم صل علی رقیة بنت
نبیک والعن من آذی نبیک فیها اللهم صل علی ام کلثوم بنت نبیک والعن
من آذی نبیک فیها اللهم صل علی ذریة نبیک اللهم اخلف نبیک فی اهل بیته
اللهم مکن لهم فی الارض اللهم اجعلنا من عددهم و مددهم و انصارهم علی الحق
فی السر و العلانیة اللهم اطلب بذحلهم و وترهم و دمائهم و کف عنا و عنهم
و عن کل مؤمن و مؤمنة بأس کل باغ و طاغ و کل دابة انت آخذ بناصیتها انک
انت اشد بأسا و اشد تنکیلا و در اقبال و بعضی از نسخها دیگر دعا از حضرت
علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری علیهم السلام بجای علی من ظلمه
چنین است علی من شرک فی دمه و از جمله دعاها هر روز ماه مبارک رمضان
دعائیست که سید بن طاوس فضیلت بسیار از جهت او روایت کرده است

و در نسخه

و دعائیست مشتمل است بر مضامین عالیه و در استجابت دعوات مجربست
اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی سه مرتبه اللهم انی اسئلک من بهائک
بابهاه و کل بهائک بهی اللهم انی اسئلک ببهائک کله اللهم انی اسئلک من
جلالک باجله و کل جلالک جلیل اللهم انی اسئلک بجلالک کله اللهم
انی اسئلک من جمالک باجمله و کل جمالک جمیل اللهم انی اسئلک بجمالک
کله پس سه مرتبه بگوید اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس
بگوید اللهم انی اسئلک من عظمتک باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم
انی اسئلک بعظمتک کلها اللهم انی اسئلک من نورک بانوره و کل نورک
نیّر اللهم انی اسئلک بنورک کله اللهم انی اسئلک من رحمتک باوسعها
و کل رحمتک واسعة اللهم انی اسئلک برحمتک کلها پس سه مرتبه بگوید
اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللهم انی اسئلک
من کمالک باکمله و کل کمالک کامل اللهم انی اسئلک بکمالک کله اللهم انی
اسئلک من کلماتک باتمها و کل کلماتک تامة اللهم انی اسئلک بکلماتک
کلها اللهم انی اسئلک من اسمائک باکبرها و کل اسمائک کبیرة اللهم انی اسئلک
باسمائک کلها پس سه مرتبه بگوید اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی
پس بگوید اللهم انی اسئلک من عزتک باعزها و کل عزتک عزیزة اللهم انی اسئلک

بعزتك كلها اللهم اني اسئلك من مشيتك بامضاها وكل مشيتك ماضية
اللهم اني اسئلك بمشيتك كلها اللهم اني اسئلك بقدرتك التي استطلت
بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني اسئلك بقدرتك كلها
پس سه بار بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید
اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني اسئلك بعلمك
كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني اسئلك
بقولك كله اللهم اني اسئلك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك حبيبة
اليك اللهم اني اسئلك بمسائلك كلها پس سه بار بگوید اللهم اني ادعوك كما
امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسئلك من شرفك باشرفه و
كل شرفك شريف اللهم اني اسئلك بشرفك كله اللهم اني اسئلك من سلطانك
بادومه وكل سلطانك دائم اللهم اني اسئلك بسلطانك كله اللهم اني
[اسئلك] من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك بملكك كله پس سه
مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم
اني اسئلك من علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم اني اسئلك بعلائك
كله اللهم اني اسئلك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسئلك
بمنك كله اللهم اني اسئلك من آياتك باعجبها وكل آياتك عجيبة اللهم اني

اسئلك بآياتك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي
كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسئلك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل
اللهم اني اسئلك بفضلك كله اللهم اني اسئلك من رزقك باعمه وكل رزقك
عام اللهم اني اسئلك برزقك كله اللهم اني اسئلك من عطائك باهنئه وكل
عطائك هنيء اللهم اني اسئلك من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني
اسئلك بخيرك كله اللهم اني اسئلك من احسانك باحسنه وكل احسانك
حسن اللهم اني اسئلك باحسانك كله اللهم اني اسئلك بما تجيبني به حين
ادعوك فاجبني يا الله نعم دعوتك يا الله اللهم اني اسئلك بما انت فيه من
الشؤون والجبروت اللهم اني اسئلك بكل شأن وجبروت اللهم اني اسئلك
بشأنك وجبروتك كلها اللهم اني اسئلك بما تجيبني به حين اسئلك فاجبني
يا الله صل على محمد وآله پس هر حاجت که دارد بطلب پس بگو اللهم صل على
محمد وآل محمد وابعثني على الايمان بك والتصديق برسولك والولاية لعلي بن
ابي طالب عليه السلام والائتمام بالائمة من آل محمد والبراءة من اعدائهم
فاني قد رضيت بذلك يا رب اللهم صل على محمد وآل محمد واسئلك خير
الخير رضوانك والجنة واعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل
على محمد وآل محمد واحفظني من كل مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن

كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل مصيبة ومن كل امر كتبت
او تنزل من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم
وفي هذا الشهر وفي هذه السنة صل على محمد وال محمد واقسم لي من كل سرور و
من كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة و
من كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة نزلت
او تنزل من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم
وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك
وحالت بيني وبينك او غيرت حالي عندك فاني اسئلك بنور وجهك الكريم
الذي لم يطفا وبوجه حبيبك محمد المصطفى وبوجه وليك علي المرتضى
وبحق اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ولوالدي
وما ولدا وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا كلها صغيرها وكبيرها
وان تختم لنا بالصالحات وان تقضي لنا الحاجات والمهمات وصالح الدعوات
والمسئلة فاستجب لنا بحق محمد واله اللهم صل على محمد وال محمد امين امين
ما شاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله سبحان ربك رب العزة عما يصفون
وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين پس دستها را بجانب اسمان
بلند كن وميل ده كردنت را بسوى چپ خود وكريه بكن واكر نبايد خود را

بگر

بكريه پس بگو يا لا اله الا انت اسئلك بحق من حقه عليك عظيم بلا اله
الا انت يا لا اله الا انت اسئلك ببهاء لا اله الا انت اسئلك بجلال لا اله
الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بجمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت
اسئلك بنور لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بكمال لا اله الا انت يا لا
اله الا انت اسئلك بعزة لا اله الا انت اسئلك بعظم لا اله الا انت يا لا اله
الا انت اسئلك بقول لا اله الا انت يا لا اله يا لا اله الا انت اسئلك بشرف
لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بعلاء لا اله الا انت يا لا اله الا
انت اسئلك بلا اله الا انت يا لا اله الا انت يا رباه يا رباه انقدر بگويد
كه يكنفس وفا كند پس بگويد بر همان حالتيكه بود كردن كج كرده بسوى دوش
چپ اسئلك يا سيدي پس بگويد يا الله يا رباه انقدر بگويد كه يكنفس وفا كند
پس بگويد يا سيداه يا مولاه يا غياثاه يا ملجاه يا غاية رغبتاه يا ارحم الراحمين
اسئلك فليس كمثلك شيء واسئلك بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبي
مرسل او ملك مقرب او عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت
دعوته منه واتوجه اليك بمحمد نبيك نبي الرحمة واقدمه بين يدي
حوائجي يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي اتوجه بك الى الله ربك وربي
واقدمك بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه يا رباه اسئلك بك فليس كمثلك

نبي وأتوجه إليك بمحمد حبيبك وبعترته الهادية وأتقرب بهم بين يدي حوائجي وأسئلك
اللهم بحيوتك التي لا تموت وبنورك الذي لا يطفأ وبعينك التي لا تنام
وأسئلك بحق من حقه عليك عظيم أن تصلي على محمد وآل محمد قبل كل شيء و
بعد كل شيء وعدد كل شيء وزنة كل شيء وملء كل شيء اللهم إني أسئلك أن تصلي
على محمد عبدك المصطفى ورسولك المرتضى وأمينك المصطفى ونجيبك دون
خلقك وحبيبك وخيرتك من خلقك أجمعين النذير البشير السراج المنير وعلى
أهل بيته الطيبين الطاهرين المطهرين الأخيار الأبرار وعلى ملائكتك
الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى أنبيائك الذين ينبئون
بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين أدخلتهم في رحمتك الأئمة
المهتدين الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وملك الموت
ورضوان خازن الجنة ومالك خازن النار وروح القدس وحملة العرش
ومنكر ونكير وعلى الملكين الحافظين علي بالصلوة التي تحب أن تصلي بها عليهم
صلوة كثيرة طيبة مباركة زاكية نامية طاهرة شريفة فاضلة تبين بها
فضلهم على الأولين والآخرين اللهم إني أسئلك أن تسمع صوتي وتجيب دعوتي
وتغفر ذنوبي وتنجح طلبتي وتقضي حاجاتي وتنجز لي ما وعدتني
وتقيلني عثرتي وتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتعفو عن جرمي وتقبل علي

ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا تبتليني وترزقني من أطيب الرزق
وأوسعه وأهنئه وأمرئه وأسبغه وأكثره ولا تحرمني يا رب النظر إلى وجهك الكريم
والفوز بالجنة والعتق من النار وأقض عني يا رب ديني وأماناتي وضع عني وزري
ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا مولاي وأدخلني في كل خير أدخلت فيه محمدا وآل
محمد وأخرجني من كل سوء أخرجتهم منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين أبدا في
الدنيا والآخرة پس سه مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني
پس بگوید اللهم إني أسئلك قليلا من كثير مع حاجة بي إليه عظيمة وغناك
عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير فامنن به علي إنك على كل
شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فأدخلنا وفي عليين فارفعنا وبكأس من
معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين فزوجنا ومن الولدان المخلدين
كأنهم لؤلؤ مكنون فأخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فأطعمنا ومن ثياب
السندس والحرير والإستبرق فألبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام و
قتلا في سبيلك مع وليك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا
يا خالقنا اسمع واستجب لنا وإذا جمعت الأولين والآخرين يوم القيمة فارحمنا وبراءة من
النار وأمانا من العذاب فاكتب لنا وفي جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في
النار فلا تقرنا وفي هوانك وعذابك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا

أطعمنا وفي النار على وجوهنا فلا تكبّنا ومن شراب النار وسرابيل القطران
فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا إله إلا أنت بحق لا إله إلا أنت فنجّنا اللهم إني
أسألك ولم يُسأل مثلك وأرغب إليك ولم يُرغب إلى مثلك أنت موضع
مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين أسألك بأفضل أسمائك كلها
وأنجحها يا الله يا رحمن باسمك المخزون المصون الأعز الأجل الأعظم الذي تحبّه
وتهواه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك يا رب أن لا تحرم
سائلك اللهم إني أسألك بكل اسم هو لك دعاك به عبد هو لك في برّ أو بحر
أو سهل أو جبل أو عند بيتك الحرام أو في شيء من سبلك فادعوك يا رب دعاء
من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف كدحه وأشرف على الهلكة
نفسه ولم يثق بشيء من عمله ولم يجد لما هو فيه سادّاً ولا لذنبه غافراً ولا لعثرته
مقيلاً غيرك هارباً إليك متعوذاً بك متعبداً لك غير مستنكف ولا مستكبر
ولا مستحسر ولا متجبّر ولا متعظّم بل بائس فقير خائف مستجير أسألك يا الله يا
رحمن يا حنان يا منان يا بديع السماوات والأرض يا ذا الجلال والإكرام أن
تصلي على محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة مباركة نامية زاكية أسألك اللهم
أن تغفر لي في شهري هذا وتعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير ما أعطيت
أحداً من خلقك وخير ما أنت معطيه ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك

منذ

منذ أسكنتني أرضك إلى يومي هذا بل اجعله علي نعمة وأتمم عافية وأوسعه
رزقاً وأجزله وأهناه اللهم إني أعوذ بك وبوجهك الكريم وملكك العظيم أن
تغرب الشمس من يومي هذا أو ينقضي بقية هذا اليوم أو يطلع الفجر من ليلتي هذه
أو يخرج هذا الشهر ولك قبلي تبعة أو ذنب أو خطيئة تريد أن تقايسني بها
أو تؤاخذني بها أو توقفني بها موقف خزي في الدنيا والآخرة أو تعذبني يوم
ألقاك يا أرحم الراحمين اللهم إني أدعوك لهمّ لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال
إلا بك ولكرب لا يكشفه إلا أنت ولرغبة لا تبلغ إلا بك ولحاجة لا تقضى
دونك اللهم فكما كان من شأنك ما أردتني به من مسألتك ورحمتني به من ذكرك
فليكن من شأنك الإجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما فزعت إليك منه
يا ملين الحديد لداود يا كاشف الضر والكرب العظام عن أيوب ومفرج غم
يعقوب ومنفس كرب يوسف صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما أنت أهله
فإنك أهل التقوى وأهل المغفرة اللهم أنت ثقتي في كل كرب ورجائي في كل
شدة وأنت لي في كل أمر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف منه الفؤاد
وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق ويشمت فيه العدو وأنزلته
بك وشكوته إليك رغبة مني فيه إليك عمن سواك ففرجته وكشفته و
كفيته فأنت ولي كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة أعوذ بكلمات

الله الناما ت من شر ما خلق من نبيء اللهم عافني في يومي هذا حتى امسي اللهم اني
اسئلك بركة يومي هذا وما نزل فيه من عافية ومغفرة ورحمة ورضوان
ورزق واسع حلال تبسطه علي وعلى والدي وولدي واهلي وعيالي واهل
حزانتي ومن احببت واحبني وولدت وولدني اللهم اني اعوذ بك من الشك
والشرك والحسد والبغي والحمية والغضب اللهم رب السموات السبع و
رب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم صل على محمد و
اله واكفني المهم من امري عافيتك وكيف شئت پس بخوان سوره حمد واية
الكرسي را وبگو اللهم انك قلت لنبيك صلى الله عليه واله ولسوف يعطيك
ربك فترضى اللهم ان نبيك ورسولك وحبيبك من خلقك لا يرضى بان تعذب
احدا من امته دانت بموالاته وموالاة الائمة من اهل بيته وان كان مذنبا
خاطئا في نار جهنم فاجرني يا رب من جهنم وعذابها وهبني لمحمد وال محمد يا ارحم
الراحمين يا جامعا بين اهل الجنة على تالف بين القلوب وشدة المحبة ونازع
الغل من صدورهم وجاعلهم اخوانا على سرر متقابلين ويا جامعا بين اهل
طاعته وبين من خلقها له ويا مفرج حزن كل محزون ويا مونس كل غريب يا راحم
غربتي وفي كل احوالي بحسن الحفظ والكلاءة لي يا مفرج ما بي من الضيق
والخوف صل على محمد وال محمد واجمع بيني وبين احبتي وقادتي وسادتي وهداني

وموالي يا مؤلفا بين الاحباء صل على محمد وال محمد ولا تفجعني بانقطاع رؤية محمد
وال محمد عني ولا بانقطاع رؤيتي عنهم فبكل مسائلك يا رب ادعوك الهي فاستجب
دعائي اياك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك بانقطاع حجتي ووجوب حجتك
ان تغفر لي اللهم اني اعوذ بك من خزي يوم الحشر ومن شر ما بقي من الدهر و
ومن شر الاعداء وصغر الفناء وعضال الداء وخيبة الرجاء وزوال النعمة
وفجاءة النقمة اللهم اجعل لي قلبا يخشاك كانه يراك الى يوم يلقاك ودور
نيست كه در اوقات ديگر هر گاه شدتي رو دهد يا حاجت ضروري بهم رسد
اين دعا را توان خواند **فصل ششم** در اعمال مختصه شبها و روزهای مخصوص
اين ماه مبارك است در روايتي وارد شده است كه انجيل بر حضرت عيسى در سيم
اين ماه نازل شد و بروايت در ششم و بروايت معتبر ديگر در دوازدهم و شيخ
مفيد ره نقل كرده است كه در روز ششم اين ماه مامون خليفه ملعون با حضرت
امام رضا بيعت كرد و روايت شده است كه هر كه در اين روز دو ركعت
نماز كند و در هر ركعت بعد از حمد بيست و پنج مرتبه قل هو الله بخواند شكر
نعمت ظاهر شدن حق انحضرت را ادا كرده خواهد بود و بروايت معتبر از
حضرت صادق منقولست كه در شب سيزدهم دو ركعت نماز بگذارد
و در هر ركعت بعد از حمد سوره يس و تبارك الذي بيده الملك و قل

در اعمال مختصه شبها و روزهای ماه مبارك

هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام بهمین نحو که گفته شد و شب پانزدهم
شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت و شب پانزده از لیالی متبرکات است و غسل
و زیارت حضرت امام حسین مستحب است و در آن چنانچه مذکور شد بود و در
حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که حضرت رسول فرمود هر که در شب
نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حق تعالی
ده ملک بفرستد بسوی او که دفع کنند از او دشمنان او را از جنیان
و آدمیان و در وقت مردن سی ملک بفرستد که او را بشارت دهند
به بهشت و سی ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضا از آنحضرت منقول است هر که
در شب نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین بکند و بعد از نماز
عشاء ده رکعت نماز بر دستور آنحضرت بکند و در هر رکعتی سوره حمد و ده مرتبه
سوره قل هو الله بخواند پس در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند
او را به بهشت و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم
نیز شب بسیار مبارکیست در آن شب لشکر حضرت رسول با لشکر قریش
ملاقات کردند ... و در روز آن جنگ بدر شد و حق تعالی لشکر آن
حضرت را بر کافران ظفر داد و از اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت

درآن

اعمال رمضان

در آن شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی
میفرماید انا انزلناه فی لیلة القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر
یعنی شبیکه حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد و تقدیر امور سال در
اینشب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه و ما ادریک
ما لیلة القدر و چه چیز ترا اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر
لیلة القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادة
در آن بهتر است از عبادة در هزار ماه تنزل الملائکة و الروح فیها فرود
میایند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است در این شب باذن ربهم
برخصت پروردگار ایشان من کل امر بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار
وارد شده است که ملائکه و روح در اینشب بر امام زمان نازل میشوند
و آنچه از برای هر کس در اینشب مقدر شده است بر امام عرض میکنند
سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی سلام است این شب از جمیع بدیها تا طلوع
صبح یا سلام میکنند بر امام و بر مؤمنان که در اینشب عبادة میکنند
تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب قدر خلاف بسیار است بعضی
از سنیان گفته اند که شب قدر در زمان حضرت رسول بود و بعد از
آنحضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند تا روز قیامت باقیست پس بعضی

گفته‌اند که در تمام سال پنهان است و در همهٔ شبها احیا باید کرد تا فضیلت
شب قدر را دریابند و بعضی گفته‌اند که در ماه شعبان و رمضان پنهان است
و بعضی گفته‌اند که شب نیمهٔ شعبان است و بعضی گفته‌اند که شب اول
ماه رمضان است و بعضی گفته‌اند شب نیمه است و بعضی شب هفدهم
و بعضی بیست و یکم و بعضی بیست و سیم و بعضی بیست و نهم و بعضی شب
آخر گفته‌اند و اکثر سنیان در این زمان اتفاق کرده‌اند بر شب بیست و هفتم
و علمای شیعهٔ امامیه اجماع کرده‌اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست
یکم و بیست سیم بیرون نیست و بعضی متردد میان شب بیست و یکم و بیست
سیم مانده‌اند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه از
این سه شب بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست
سیم را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی احادیث
معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده است و در بعضی تعیین
خصوص بیست و سیم واقع شده است و منقولست که آن شب جهنی آن
و او اعرابی بود به حضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است از مدینه
میخواهم شبی را از برای من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت
تو بیایم حضرت شب بیست و سیم را از برای او تعیین فرمود و او پیوسته

دران

در آن شب با اهل و اهل‌بیت خود احیا مینمود تا اهل مدینه بیدار شدند و چون صبح میشد
بر میگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه شب قدر اند و در شب
اول تقدیر امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادت ممکن است بعضی
تغییر یابد و در شب سیم حتم میشود و تغییر نمی‌یابد یا بسیار کم تغییر می‌یابد
یا آنکه شب سیم مانند ارقام یادداشتهاست که اول تعلیق میشود و تغییر در آن
است بعد از آن ثبت دفاتر میشود تغییر در آن دشوارتر است اما تا مهر
امضا و تزیین نکرده‌اند باز ممکن است تغییر یابد و چون بمهر اشرف رسید جزم و
حتم است تغییر در غایت صعوبت است و حکمتها در ابهام بعضی
از امور هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی
که بهترین نمازهاست و ساعت استجابت در هر شب و در روز جمعه و عمل
مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها
آنست که بر همهٔ اسمای مقدسهٔ الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همهٔ
نمازها و در همهٔ ساعات شب و روز جمعه دعا بکنند و سعی در همهٔ اعمال
خیر بکنند شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب قدر شبهائی که احتمال
دارد که همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند بود مثل
آنکه اگر اسم اعظم را همه کس بدانند گاه باشد بعضی از نفوس شریره از او وسیله

حصول مطالب دنیویه است چنانچه از بلعم نقل کرده اند و همچنین شب قدر وساعت
استجابت اگر بخصوص آنها را بدانند ممکن است که امور غیر مشروعه یا ضرر
عظیم از مسلمانان است دعا کنند و اگر بخصوص ندانند باید البته مستجاب گردد
دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که از بیان
آنها بیش ذکر آنها نداریم پس باید مؤمن این سه شب را احیا کند و اهتمام در عبادت
و دعا بکند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در دو شب آخر اهتمام بیشتر
بکند و در شب بیست و سیم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص آن
وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر بکند و فواید عبادت شب قدر
بسیار است از انجمله چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن زیاده
از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است از برای او مقرر
میفرمایند دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و فرزند و عزت
و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود اصلاح احوال
تمام سال خود را در این شب کرده خواهد بود و ممکن است که نام او در دیوان
اشقیا نوشته باشد و در این شب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته
شود چنانچه این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است
دیگر آنکه چون امام او حضرت صاحب الامر در تمام این شب با ملائکه بنزد

مجاوران

مجاوران در موج بخدمت او میآیند و بر او سلام میکنند و تقدیرات
که از برای او و سایر خلق شده است عرض میکنند پس او را زینت که در چنین
شبی تا صبح با امام خود نکند و بغفلت بسر آورد و از حضرت رسول منقولست
که چون شب قدر میشود فرود میآیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکن
اند و از جمله ایشان جبرئیل با خود علمها میآورد یک علم بر قبر منور من نصب
میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور
سینا و نمیگذارند هر مؤمن و زن مؤمنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند
و ایضا از حضرت رسول منقولست که بهشت را هر سال از برای داخل شدن
ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر
عرش میوزد که آن را مثیره میگویند بصدا میآورد درختان و حلقهای
درهای بهشت را پس نغمه از آن میشنوند که هرگز شنوندگان از آن خوشتر
نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون میآیند و ندا میکنند
که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا باعمال صالحه نمود پس
از رضوان خازن بهشت میپرسند که این چه شب است رضوان میگوید
لبیک ای نیکو رویان نیکوکار این شب اول ماه رمضان است درهای
بهشت گشوده شده است برای روزه داران از امت محمد پس حق تعالی

فرماید که ای رضوان بگشا درهای بهشت را برای امت محمد و ببند درهای جهنم
را از روزه داران امت محمد ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرد
را و غلها در گردن ایشان کن و در دریاها بینداز تا فاسد نکنند بر امت حبیب
من روزهای ایشان را و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه
رمضان سه ندا میفرماید که آیا سؤال کننده هست که سؤال او را عطا کنم آیا توبه
کننده هست که توبه او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهش را
بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان نمیشود
و وفا کننده است بوعدهای خود و ستم نمیکند و فرمود که در آخر هر روز
از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از
آتش جهنم آزاد میکند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعت
هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که هر یک مستوجب عذاب
شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد
کرده است آزاد میکند و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل
را که بزمین میاید با لشکر عظیمی از ملائکه و با خود علم سبزی میآورد
و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بال او
را نمیگشاید مگر در شب قدر و چون در شب قدر آن دو بال را میگشاید

مشرق و مغرب را [illegible] میکند جبرئیل ملائکه را در این شب در اطراف
زمین پس سلام میکنند بهر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا
باشند و با ایشان مصافحه میکنند و چون ایشان دعا میکنند ملائکه
آمین میگویند و پیوسته مشغول این کارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع
شد ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان شوید پس
ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مؤمنان از امت محمد
جبرئیل میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسی که همیشه شراب خورد
یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت کند و چون
شب عید فطر میشود آن شب را شب جوائز میگویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان
ماه رمضان را بی حساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه
بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بزمین میآیند و بر سر کوچها و بازارها
و راهها می ایستند و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه
پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ میبخشد و گناهان عظیم را میآمرزد پس
چون بمصلی میروند برای نماز عید حق تعالی بملائکه میگوید ای ملائکه چیست
جزای مزدور هرگاه عمل خود را بکند ملائکه میگویند ای خداوند ما وفای
ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود حق تعالی میفرماید ای ملائکه

مومنان اگر ... میکنیم که ثواب ایشان از ... روزه داران ماه رمضان در شبها
شبهای آن ماه گواه باشم که از ایشان راضی شدیم و گناهان ایشان را آمرزیدیم پس
ندا میفرماید مومنان اگر در این جمع حاضر شده اید که [illegible] کان من هر چه
خواهید از من سؤال کنید بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که در این جمع
شما هر حاجت که برای آخرة و دنیای خود سؤال کنید البته عطا میکنم
عیبهای شما را میپوشانم تا از من روگردان نشوید و من عیبهای شما را عفو
میکنم و شما را در میان گناهکاران رسوا نمیکنم برگردید از مصلی آمرزیده
شده باشید که خشنود کردانیدید مرا و خشنود شدیم از شما پس ملائکه مسرور
و شاد میشوند و یکدیگر را بشارت میدهند بآنچه حق تعالی بامت
محمد عطا کرده و در حدیث معتبر از امام محمد منقولست که هر که احیا
کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هرچند بعدد ستارهای
آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد اما اعمال این سه شب بر دو
نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دویم آنکه مخصوص است
بهر شبی اما اول از حضرت رسول منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعتی بعد از سوره حمد هفت مرتبه سوره قل هو الله
احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب

الیه میگوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد
و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی
بفرستد بسوی بهشت که درختها برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا
کنند و نهرها برای او جاری کنند و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده
نماید و غسل در این سه شب سنت موکدست و غسل این شبها را
مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز شام را با غسل بکند و سنت موکد
است در این شبها که قرآن مجید را بدست بگیرد و بگشاید و این دعا را
بخواند اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل و ما فیه و فیه اسمک الاکبر و اسمائک
الحسنی و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من عتقائک من النار و تقضی حوائجی
للدنیا و الاخرة پس حاجات خود را طلب نماید که ان شاء الله برآورده
و این دعا از حضرت امام محمد باقر منقولست که مصحف را بگیر و بر سر بگذار
و بگو اللهم بحق هذا القرآن و بحق من ارسلته به و بحق کل مؤمن مدحته فیه
و بحقک علیهم فلا احد اعرف بحقک منک پس ده مرتبه بگو بک یا الله
و ده مرتبه بمحمد و ده مرتبه بعلی و ده مرتبه بفاطمة و ده مرتبه بالحسن
و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه بعلی بن الحسین و ده مرتبه بمحمد بن علی
و ده مرتبه بجعفر بن محمد و ده مرتبه بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی و ده

مرتبه یا محمد بن علی و ده مرتبه یا علی بن محمد و ده مرتبه یا حسن بن علی و ده
مرتبه یا حجة پس هر حاجت که داری بطلب و زیارت حضرت امام
حسین علیه السلام در این شب مستحب مؤکد است و در شب نوزدهم و شب
بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر
رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و در بعضی از روایات
مطلق وارد شده است که در هفت رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه و باقی یک
مرتبه قل هو الله اکتفا میتواند کرد و احادیث بسیار در فضیلت این
صد رکعت وارد شده است و باید که این صد رکعت غیر نافله شب بوده
باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند کرد و بهترین اعمال در
این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و
مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده ایشان و اذکار و صلوات بر
محمد و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که
دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب بخوانند اما دیگر پس اعمال
شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه و
صد مرتبه اللهم العن قتلة امیر المؤمنین و این دعا بخواند اللهم اجعل فیما
تقضی و تقدر من الامر المحتوم و فیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر من

شب نوزدهم

القضاء الذی لا یرد و لا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم
المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم و اجعل فیما تقضی و
تقدر ان تطیل عمری و توسع علی رزقی و تفعل بی ... فی جمیع امور
دنیای و آخرتی یا ارحم الراحمین و بجای کذا حاجت خود را
طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از شب نوزدهم است و غسل
و اعمال سابقه را باید بعمل آورد و در روایتی آمده است که و بهتر است
جامعه مستحب است و همه اینها از مستحبات است و بسند معتبر از حضرت
امام موسی کاظم منقولست که در شب بیست و یکم و شب بیست و سیم صد رکعت
نماز بکن و در هر رکعت ده مرتبه قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر
دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر شبها احیا میکرد و در نصف
اول شب مشغول دعا میشد و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثق
از حضرت صادق مرویست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و
سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر سیزده رکعت نماز
شب و نافله صبح و تا صبح بیدار باش و مستحب است که مشغول نماز و
دعا و تضرع باشی بدرستیکه امید شب قدر در یکی از اینها هست
و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است از عمل در هزار

شب بیست و یکم

بیست و سیم

ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر میکردد و دعای
این شب در ضمن دعاهای دهه آخر مذکور خواهد شد انشاء الله و اما
شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه شب قدر است
و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت
صادق فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است و در آن شب جمیع امور از
روی حکمت مقدر میکردد و در آن شب مقدر میشود بلیها و بلاها و عطاها
و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر دیگر پس
خوشا حال بندهٔ که احیا کند این شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در
رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود را در برابر دیدهای خود ممثل
کرداند و بر آنها بکرید و چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر
محروم نکردد انشاء الله و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در
هر روز ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم
گناهان گذشته و آینده شما را در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر
قبول میکنم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میکردانم مگر کسیکه
روزه را افطار کند بر مست کننده و یا کینه مؤمنی را در دل داشته باشد
و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که سوره عنکبوت و

روم را

روم را در شب بیست و سیم بخواند والله که از اهل بهشت است و استثنا
نمیکنم در این سخن و نمیترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد
و از برای این دو سوره نزد حق تعالی منزلت عظیم هست و ایضا از آنحضرت
منقولست که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک هزار مرتبه سوره انا
انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص
ما است از کرامتها در این شب بسبب آنچه در خواب ببیند و سوره حم
دخان را نیز سنت است که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد باقر
منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین را در شب بیست و
سیم که امید شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه
کند با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در آن شب رخصت
میطلبند از حق تعالی در زیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام
محمد باقر روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه
مبارک را و صد رکعت بکند حق تعالی روزی او را فراخ کرداند در
دنیا و شر دشمنان را از او کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن
و خانه بر سر خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و از شر درندگان و
دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و از او نوری باشد که

روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست [illegible]
برای او برات بیزاری از آتش جهنم و کتابت [illegible] از صراط و ایمنی از عذاب
و داخل بهشت شود بی حساب و [illegible] از [illegible]
[illegible] و [illegible] کرده [illegible]
شب را از جمله دعاها این دعا [illegible] اللهم
امدد لی فی عمری واوسع لی فی رزقی واصح لی جسمی وبلغنی املی وان کنت من
الاشقیاء فاکتبنی من السعداء فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک صلوات
الله علیه وآله یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب [illegible] اللهم
اجعلنی من [illegible] کل خیر انزلته فی هذه اللیلة [illegible]
نور تهدی به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه او ضر تکشفه
واکتب لی ما کتبت لاولیائک الصالحین الذین استوجبوا منک الثواب و
امنوا برضاک عنهم منک العقاب یا کریم یا کریم صل علی محمد وآل محمد وافعل
بی ذلک برحمتک یا ارحم الراحمین و هر مقدار از قرآن که ممکن باشد در این
شب بخوانند و دعای صحیفه کامله را بخوانند خصوصا دعای مکارم الاخلاق
و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز باید محترم داشت به عبادت
و تلاوت قرآن و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است

کردن

گر [illegible] مثل شب قدر [illegible] شب بیست [illegible]
نیز مخصوص [illegible] و در شب [illegible] پنجم نیز [illegible] است
و احادیث [illegible] غسل [illegible]
کند خدای عزوجل در این شب [illegible]
را از [illegible] ماه رمضان [illegible]
[illegible] بیست و هفتم نیز غسل وارد شده
است و منقول است که حضرت امام زین العابدین در این شب [illegible]
دعا میخواندند از اول شب تا آخر شب اللهم ارزقنی التجافی [illegible]
والانابة الی دار الخلود والاستعداد للموت قبل حلول الفوت [illegible]
بیست و نهم نیز غسل مخصوص وارد شده است و همچنین در شب آخر ماه
سنت است و زیارت حضرت امام حسین را سنت است و وداع ماه
مبارک رمضان سنت مؤکد است برای اظهار آنکه روزه و عبادات
این ماه بر ما گران و دشوار نبوده و ما خواهان او بوده ایم و از مفارقت آن
آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته است [illegible] آزاد
دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی [illegible] اشتیاق باید
این ماه و افراط البرکات را بسوی وداع کند که عزیزان [illegible] در هنگام

مفارقت و وداع میکنند و معلوم است که بنا بر آنکه از حضرت نبوت شاد و خوشحال
باشند از آن جهت است ولیکن چشمها را ... گذارند از این خدمت
که دیگر آن را نبینند و دعای وداع را در شب آخر ماه تمام خوانند
و اگر هر روز وداع بخوانند خوبست و در حدیث است که اگر آخر ماه شب
باشد در شب بیست و نهم احتیاط آن است که بخواند و دعاهای وداع
بسیار است و بعضی در دعاهای صحیفه کامله است و این بنده
بسنده خبر از حضرت امام جعفر صادق منقول است این دعای وداع
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انک قلت فی کتابک المنزل علی لسان نبیک
المرسل صلواتک علیه و آله و قولک الحق شهر رمضان الذی انزل فیه
القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان و هذا شهر رمضان
قد تصرم فاسئلک بوجهک الکریم و کلماتک
التامة ان کان بقی علی ذنب لم تغفره لی او تُرید ان تعذبنی علیه او تقایسنی
به ان یطلع فجر هذه اللیلة او یتصرم هذا الشهر الا و قد غفرته لی یا ارحم
الراحمین اللهم لک الحمد بمحامدک کلها اولها و آخرها ما قلت لنفسک منها
و ما قال لک الخلائق الحامدون المجتهدون المعدودون الموثرون فی ذکرک
و الشکر لک الذین اعنتهم علی اداء حقک من اصناف خلقک من الملائکة

المقربین و النبیین و المرسلین و اصناف الناطقین المسبحین لک من جمیع العالمین
علی انک بلغتنا شهر رمضان و علینا من نعمک و عندنا من جزیل قسمک
و احسانک و تظاهر امتنانک فبذلک لک منتهی الحمد الخالد الدائم الراکد
المخلد السرمد الذی لا ینفد طول الابد جل ثناؤک اعنتنا علیه حتی قضیت
عنا صیامه و قیامه من صلوة و ما کان منا فیه من بر او شکر او ذکر اللهم
فتقبله منا باحسن قبولک و تجاوزک و عفوک و صفحک و غفرانک و حقیقة
رضوانک حتی تظفرنا فیه بکل خیر مطلوب و جزیل عطاء موهوب و توقینا
فیه من کل امر مرهوب و ذنب مکسوب اللهم انی اسئلک بعظیم ما سئلک به
احد من خلقک من کریم اسمائک و جمیل ثنائک و خاصة دعائک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر رمضان مر علینا منذ
انزلتنا الی الدنیا برکة فی عصمة دینی و خلاص نفسی و قضاء حاجتی و تشفعنی
فی مسائلی و تمام النعمة علی و صرف السوء عنی و لباس العافیة لی و ان تجعلنی
برحمتک ممن حزت له لیلة القدر و جعلتها له خیرا من الف شهر فی اعظم الاجر
و کرائم الذخر و طول العمر و حسن الشکر و دوام الیسر اللهم و اسئلک
برحمتک و طولک و عفوک و نعمائک و جلالک و قدیم احسانک و امتنانک
ان لا تجعله آخر العهد لشهر رمضان حتی تبلغناه من قابل علی احسن حال

وأن تعرّفني هلاله مع الناظرين إليه والمعترفين له في أعفى عافيتك وأنعم نعمتك
وأوسع رحمتك وأجزل قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون
هذا الوداع مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من قابل في
أسبغ النعم وأفضل الرخاء وأنا لك على أحسن الوفاء إنك سميع الدعاء اللهم
اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي واستكانتي وتوكلي عليك وأنا لك
مسلم لا أرجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا إلا بك ومنك فامنن
علي جل ثناؤك وتقدست أسماؤك بتبليغي شهر رمضان وأنا معافى من كل
مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله الذي أعاننا على صيام هذا الشهر
وقيامه حتى بلغنا آخر ليلة منه اللهم إني أسألك بأحب ما دعيت به وأحب
ما رضيت به عن محمد صلى الله عليه وآله أن تصلي على محمد وآل محمد ولا تجعل
وداعي شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا وداع آخر عبادتك فيه
ولا آخر صومي لك وارزقني العود فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين
ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من ألف شهر رب الليل
والنهار والجبال والبحار والظلم والأنوار والأرض والسماء يا بارئ يا مصور
يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا قيوم يا بديع السماوات لك الأسماء
الحسنى والأمثال العليا والكبرياء والآلاء أسألك باسمك بسم

الله الرحمن الرحيم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة
في السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني في عليين وإساءتي مغفورة
وأن تهب لي يقينا تباشر به قلبي وإيمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي و
أن تؤتيني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وأن تقيني عذاب النار
الحريق اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الأمر المحتوم وفيما تفرق من الأمر
الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ولا يغير أن
تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم
المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي وتقدر أن تطيل عمري وأن تعتق
رقبتي من النار يا أرحم الراحمين اللهم إني أسألك ولم يسأل العباد مثلك
جودا وكرما وأرغب إليك ولم يرغب إلى مثلك أنت موضع مسألة السائلين
ومنتهى رغبة الراغبين أسألك بأعظم المسائل كلها وأفضلها وأنجحها
التي ينبغي للعباد أن يسألوك بها يا الله يا رحمن وبأسمائك ما علمت منها
وما لم أعلم وبأسمائك الحسنى وأمثالك العليا ونعمتك التي لا تحصى
بأكرم أسمائك عليك وأحبها إليك وأشرفها عندك منزلة وأقربها
منك وسيلة وأجزلها منك ثوابا وأسرعها لديك إجابة وباسمك
المكنون المخزون الحي القيوم الأكبر الأجل الذي تحبه وتهواه وترضى عمن

دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك ان لا تخيب سائلك واسئلك بكل
اسم هو لك في التورية والانجيل والزبور والفرقان وبكل اسم دعاك به
حملة عرشك وملائكة سمواتك وجميع الاصناف من خلقك من نبي او صديق
او شهيد وبحق الراغبين اليك المتقربين منك المتعوذين بك وبحق مجاوري
بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين في سبيلك وبحق
كل عبد متعبد لك في بر او بحر او سهل او جبل ادعوك دعاء من قد اشتد
فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه دعاء من لا يجد لنفسه سادا
ولا لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبد
لك غير مستكبر ولا مستنكف خائفا بائسا فقيرا مستجيرا بك اسئلك بعزتك
وعظمتك وجبروتك وسلطانك وبملكك وبهائك وجودك وكرمك
وبآلائك وحسنك وجمالك وبقوتك على ما اردت من خلقك ادعوك يا رب
خوفا وطمعا ورهبة ورغبة وتخشعا وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا
لك لا اله الا انت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله
يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب يا رب
اعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبر المتعال واسئلك بجميع ما
دعوتك به وباسمائك التي يملأ اركانك كلها ان تصلي على محمد وآل محمد و

اغفر لي ذنبي وارحمني واوسع علي من فضلك العظيم وتقبل مني شهر رمضان
وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله
آخر شهر رمضان صمته لك وعبادتك فيه ولا تجعل لي وداعي اياه وداع
خروجي من الدنيا اللهم اوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وجنتك
افضل ما اعطيت احدا من عبادك فيه اللهم لا تجعلني اخس من سئلك فيه
واجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدم من ذنبه
وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك وامل منك يا ارحم الراحمين اللهم
ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني ممن يتوب اليك في هذا
الشهر من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المغفور لهم ذنبهم المتقبل عنهم
آمين آمين آمين رب العالمين اللهم لا تدع لي فيه ذنبا الا غفرته ولا خطيئة
الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا دينا الا قضيته ولا عيلة الا اغنيتها
ولا هما الا فرجته ولا فاقة الا سددتها ولا عريانا الا كسوته ولا مرضا الا شفيته
ولا داء الا اذهبته ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا قضيتها على
افضل املي ورجائي فيك يا ارحم الراحمين اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا
ولا تذلنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا
ولا تفقرنا بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا بعد اذ

رزقتنا ولا تغيّر شيئاً من نعمك علينا واحسانك الينا لشيء كان من ذنوبنا ولا
لما هو كائن منّا فانّ في كرمك وعفوك وفضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر
لنا وتجاوز عنّا ولا تعاقبنا عليها يا ارحم الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا
كرامة لا تهينني بعدها ابداً واعزّني عزّاً لا تذلّني بعده ابداً وعافني عافية لا
تبتليني بعدها ابداً وارفعني رفعة لا تضعني بعدها ابداً واصرف عنّي شرّ
كل شيطان مريد وشرّ كل جبّار عنيد وشرّ كل قريب وبعيد وشرّ كل صغير
او كبير وشرّ كل دابّة انت آخذ بناصيتها انّ ربّي على صراط مستقيم اللهم ما
كان في قلبي من شكّ او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او بطر او بذخ او
خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او معصية او
شيء لا تحبّ عليه ولياً لك فاسئلك ان تصلّي على محمد وآل محمد وان تمحوه
من قلبي وتبدّلني مكانه ايماناً بوعدك ورضاً بقضائك ووفاءً بعهدك و
وجلاً منك وزهداً في الدنيا ورغبة فيما عندك وثقة بك وطمأنينة
اليك وتوبة نصوحاً اليك اللهم ان كنت بلّغتناه والّا فاخّر عنّا آجالنا الى
قابل حتى تبلّغناه في يسر منك وعافية يا ارحم الراحمين وصلّى الله على محمد
وآله كثيراً ورحمة الله وبركاته عليهم و در جمعه آخر نيز وداع جمعها بد
نيست و از جابر بن عبد الله انصاري منقولست كه گفت رفتم بخدمت

حضرت

اعمال رمضان

حضرت رسول در جمعه آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود
كه اين آخر جمعه ايست از ماه مبارك رمضان پس از او وداع كن و بگو اللهم
لا تجعله آخر العهد من صيامنا اياه فان جعلته فاجعلني مرحوماً ولا تجعلني محروماً
زيرا كه هر كه اين دعا را در اين روز بخواند يكي از دو خصلت نيكو ظفر يابد
يا رسيدن ماه رمضان اينده يا با امرزش خدا و رحمت بهشتها و بسند معتبر
از حضرت صادق منقولست كه هر كه در شب آخر ماه رمضان اين دعا
بخواند اللهم لا تجعله آخر العهد من صيامي لشهر رمضان واعوذ بك ان
يطلع فجر هذه الليلة الا وقد غفرت لي حق تعالى پيش از صبح او را بيامرزد و
او را توبه و انابه روزي كند و ايضاً سنت است كه اين دعا بخواند اللهم
اني اسئلك باحبّ ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن محمد وعن اهل
بيت محمد عليه وعليهم السلام ان تصلّي عليه وعليهم ولا تجعل وداعي شهري
هذا وداع خروجي من الدنيا ولا وداع آخر عبادتك ووفّقني فيه لليلة
القدر واجعلها لي خيراً من الف شهر مع تضاعف الاجر والاجابة والعفو
عن الذنب برضى الرّب و از جمله چيزها كه سنت است در شب آخر آزاد كردن
بندهاست زيرا كه شب است كه حق تعالى بندهء بسيار از اتش جهنم ازاد مي
كرداند هر گاه بندهء ضعيف فرومايه بندگان از قيد رقيت ازاد كند تمه

هست که خداوند بین وال با از وسعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد کرد اند و تا
او را از جوار بد عاصیان محو نماید چنانچه منقول است که حضرت امام زین العابدین
بنده ها که در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم در شب
آخر رمضان آزاد مینمود و میفرمود که شماها را آزاد کردم بامید آنکه خداوند
رحیم از تقصیرات من در گذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد کند چون روز عید میشد
جایزه های عظیم بایشان میبخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن
از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار
هفتاد هزار هزار کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند
و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ
غلام و کنیز را زیاده از یک سال خدمت نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز
بنده های خود را آزاد میفرمود و در روایتی وارد شده است که سنت است
که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس بخواند و صد مرتبه بگوید استغفر
الله واتوب الیه **مفصد** در دعاهای مخصوص دهه آخر ماه مبارک
بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که آنحضرت در هر شب از شبهای
دهه آخر این دعا را میخواندند اللهم انک قلت فی کتابک شهر رمضان
الذی انزل فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان

فعظمت حرمة شهر رمضان بما انزلت فیه من القرآن وخصصته بلیلة
القدر وجعلتها خیرا من الف شهر اللهم وهذه ایام شهر رمضان قد انقضت
ولیالیه قد تصرمت وقد صرت یا الهی منه الی ما انت اعلم به منی واحصی لعدده
من الخلق اجمعین فاسئلک بما سئلک به ملائکتک المقربون وانبیائک
المرسلون وعبادک الصالحون ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفک رقبتی
من النار وتدخلنی الجنة برحمتک وان تتفضل علی بالامن یوم الخوف من
کل هول اعددته لیوم القیمة الهی واعوذ بوجهک الکریم وبجلالک العظیم
ان تنقضی ایام شهر رمضان ولیالیه ولک قبلی تبعة او ذنب تواخذنی
به او خطیئة ترید ان تقتصها منی لم تغفرها لی سیدی سیدی سیدی
اسئلک یا لا اله الا انت اذ لا اله الا انت ان کنت رضیت عنی فی هذا
الشهر فازدد عنی رضا وان لم تکن رضیت عنی فمن الان فارض عنی یا ارحم
الراحمین یا الله یا احد یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد و
بسیار میگفتند یا ملین الحدید لداود علیه السلام یا کاشف الضر والکرب
العظام عن ایوب علیه السلام ای مفرج غم یوسف علیه السلام صل
علی محمد وآل محمد کما انت اهله ان تصلی علیهم اجمعین وافعل بی ما انت اهله
ولا تفعل بی ما انا اهله بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که در همه شب

از دعاها که باید خواند اعوذ بجلال وجهك الكريم ان ينقضي عني شهر رمضان
او يطلع الفجر من ليلتي هذه ويبقى لك عندي تبعة او ذنب تعذبني عليه
يوم القاك و بسندهای معتبر دیگر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوص
از حضرت صادق وارد شده است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتمل دعای
شب بیست و یکم يا مولج الليل في النهار ويا مولج النهار في الليل ومخرج الحي
من الميت ومخرج الميت من الحي يا رازق من يشاء بغير حساب يا الله يا رحمن
يا الله يا رحيم يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا و
الكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في
هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني
بما قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
وارزقنا فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوفيق لما وفقت
له محمدا وال محمد عليه وعليهم السلام شب بیست و دوم يا سالخ النهار من الليل
فاذا نحن مظلمون ومجري الشمس لمستقرها بتقدير يا عزيز يا عليم ومقدر
القمر منازل حتى عاد كالعرجون القديم يا نور كل نور ومنتهى كل رغبة و
ولي كل نعمة يا الله يا رحمن يا الله يا قدوس يا احد يا واحد يا فرد يا الله يا الله

يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان
تصلي على محمد واهل بيته وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء
وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي
يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتنا
في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني
فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له
محمدا وال محمد عليه وعليهم السلام شب بیست و سوم يا رب ليلة القدر وجاعلها
خيرا من الف شهر ورب الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار
والارض والسماء يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم
يا الله يا بديع يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا و
الكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في
هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي
مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني
بما قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
والتوفيق لما وفقت له محمدا وال محمد صلواتك عليه وعليهم شب بیست و چهارم

يا فالق الاصباح وجاعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا يا عزيز يا عظيم يا ذ
المن والطول والقوة والحول والفضل والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله
يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت لك الاسماء
الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك ان تصلي على محمد وال
محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء و
احساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي و
ايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتنا في الدنيا وفي الاخرة حسنة
وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة
والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وال محمد صلوات عليه وعليهم شب بيست پنجم
يا جاعل الليل لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال اوتادا يا الله يا قاهر
يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب يا الله يا مجيب يا الله يا الله يا الله
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والالاء والكبرياء اسئلك ان تصلي
على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني
في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي يذهب الشك
عني وترضيني بما قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا
عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة

والتوبة

والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وال محمد عليه وعليهم السلام شب بيست ششم
يا جاعل الليل والنهار ايتين يا من محى اية الليل وجعل اية النهار مبصرة لتبتغوا
فضلا منه ورضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا يا الله يا ماجد يا وهاب يا الله
يا جواد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء و
الالاء اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة و
ان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت
لي واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق و
ارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق
لما وفقت له محمدا وال محمد عليه وعليهم السلام شب بيست هفتم يا ماد الظل
ولو شئت لجعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا ثم قبضته اليك
قبضا يسيرا يا ذا الحول والطول والكبرياء والالاء لا اله الا
انت عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا اله الا انت يا قدوس يا سلام
يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله
يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك
ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء

وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا
تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا
حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک
والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی
الله علیه وعلیهم **شب هشتم** یا خازن اللیل فی الهواء وخازن النور فی السماء
ومانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا یا علیم یا غفور
یا دائم یا الله یا وارث یا باعث من فی القبور یا الله یا الله یا الله لک الاسماء
الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی
فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب
الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک و
التوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم **شب نهم**
یا مکور اللیل علی النهار ومکور النهار علی اللیل یا علیم یا حکیم یا رب الارباب
وسید السادات لا اله الا انت یا من هو اقرب الی من حبل الورید یا الله
یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسئلک

ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی
مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا تباشر
به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة
وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنا فیها ذکرک وشکرک
والرغبة الیک والتوبة والانابة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی
الله علیه وعلیهم **شب دهم** الحمد لله لا شریک له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه
وعز جلاله وکما هو اهله یا قدوس یا نور یا نور القدس یا سبوح یا منتهی التسبیح
یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا کبیر یا الله یا لطیف یا جلیل یا الله یا الله یا
سمیع یا بصیر یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء و
الآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة
فی السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة و
ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی بما قسمت
لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی
فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت له
محمدا وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم اجمعین **فصل هشتم** در بیان نمازهای شبها
و روزها که مشهورات و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و بر دو قسم

معتبر نیست شب اوّل چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه
توحید دویم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انّا انزلناه
سیم ده رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت و در
هر رکعت حمد و بیست مرتبه انّا انزلناه پنجم دو رکعت و در هر رکعت حمد
و پنجاه مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل
محمّد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سورهٔ تبارک الّذی بیده الملک شب
هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انّا انزلناه هشتم دو رکعت
در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان
الله نهم شش رکعت میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه
آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد دهم بیست رکعت
در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست
مرتبه انّا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه
انّا انزلناه سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید
شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت در
دو رکعت اوّل حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه
توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر

دو رکعت

هفدهم دو رکعت در رکعت اوّل حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دویم حمد
و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الّا الله هجدهم چهار
رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انّا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه
رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت
یک مرتبه بخواند زیرا که مشکل است در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه خواندن
بیست و یکم و بیست و دویم و بیست و سیم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت به هر سوره که میسّر شود بیست و پنجم هشت
رکعت و در هر رکعت ده مرتبه توحید ۲۶ هشت رکعت در هر رکعت حمد
و ده مرتبه توحید ۲۷ چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک و اگر
نتواند بیست و پنج مرتبه توحید ۲۸ شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد
صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از
نماز صد مرتبه بر محمّد و آل محمّد ۲۹ دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست
مرتبه توحید ۳۰ دوازده رکعت و در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید
و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمّد و آل محمّد و این نمازها
چنانکه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است و امّا دعاهای روزانه از ابن عبّاس
روایت کرده اند که حضرت رسول صلعم فضیلت بسیار از برای روزه هر روز
ماه مبارک بیان فرموده و از برای هر روز دعای مخصوص با فضیلت

و ثواب بسیار برای آن دعا ذکر کرده و ما با صل دعاها اکتفا مینماییم دعای روز
اول اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین و قیامی فیه قیام القائمین
و نبهنی فیه عن نومة الغافلین و هب لی جرمی فیه یا اله العالمین و اعف
عنی یا عافیا عن المجرمین دوم اللهم قربنی فیه الی مرضاتک و جنبنی فیه من سخطک
و نقماتک و وفقنی فیه لقراءة آیاتک برحمتک یا ارحم الراحمین سیم اللهم ارزقنی
فیه الذهن و التنبیه و باعدنی فیه من السفاهة و التمویه و اجعل لی
نصیبا من کل خیر تنزل فیه یا اجود الاجودین چهارم اللهم قونی فیه علی اقامة
امرک و اذقنی فیه حلاوة ذکرک و اوزعنی فیه لاداء شکرک بکرمک و احفظنی
بحفظک و سترک یا ابصر الناظرین پنجم اللهم اجعلنی فیه من المستغفرین و
اجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین و اجعلنی فیه من اولیائک المقربین
برافتک یا ارحم الراحمین ششم اللهم لا تخذلنی فیه لتعرض معصیتک و لا تضربنی
بسیاط نقمتک و زحزحنی فیه من موجبات سخطک بمنک و ایادیک یا منتهی
رغبة الراغبین هفتم اللهم اعنی علی صیامه و قیامه و جنبنی فیه من هفواته
و آثامه و ارزقنی ذکرک بدوامه بتوفیقک یا هادی المضلین هشتم اللهم ارزقنی
فیه رحمة الایتام و اطعام الطعام و افشاء السلام و صحبة الکرام بطولک
یا ملجا الآملین نهم اللهم اجعل لی فیه نصیبا من رحمتک الواسعة و اهدنی

فیه

فیه لبراهینک الساطعة و خذ بناصیتی الی مرضاتک الجامعة بمحبتک یا
امل المشتاقین دهم اللهم اجعلنی فیه من المتوکلین علیک و اجعلنی فیه من الفائزین
لدیک و اجعلنی فیه من المقربین الیک باحسانک یا غایة الطالبین ۱۱ اللهم
حبب الی فیه الاحسان و کره الی فیه الفسوق و العصیان و حرم علی فیه السخط
و النیران بعونک یا غیاث المستغیثین ۱۲ اللهم زینی فیه بالستر و العفاف و
استرنی فیه بلباس القنوع و الکفاف و احملنی فیه علی العدل و الانصاف
و آمنی فیه من کل ما اخاف بعصمتک یا عصمة الخائفین ۱۳ اللهم طهرنی فیه
من الدنس و الاقذار و صبرنی فیه علی کائنات الاقدار و وفقنی فیه للتقی
و صحبة الابرار بعونک یا قرة عین المساکین ۱۴ اللهم لا تؤاخذنی فیه بالعثرات
و اقلنی فیه من الخطایا و الهفوات و لا تجعلنی فیه غرضا للبلایا و الآفات
بعزتک یا عز المسلمین ۱۵ اللهم ارزقنی فیه طاعة الخاشعین و اشرح فیه صدری
بانابة المخبتین بامانک یا امان الخائفین ۱۶ اللهم وفقنی فیه لموافقة الابرار
و جنبنی فیه مرافقة الاشرار و آونی فیه برحمتک الی دار القرار بالهیتک
یا اله العالمین ۱۷ اللهم اهدنی فیه لصالح الاعمال و اقض لی فیه الحوائج
و الآمال یا من لا یحتاج الی التفسیر و السؤال یا عالما بما فی صدور العالمین
۱۸ اللهم نبهنی فیه لبرکات اسحاره و نور فیه قلبی بضیاء انواره و خذ بکل

اعضائی الی اتباع آثاره بنورك یا منور قلوب العارفین ۱۹. اللهم وفر فیه حظی
من برکاتك وسهل سبیلی الی خیراتك ولا تحرمنی قبول حسناتك یا هادیا الی
الحق المبین ۲۰. اللهم افتح لی فیه ابواب الجنان واغلق عنی فیه ابواب النیران ووفقنی
فیه لتلاوة القرآن یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین ۲۱. اللهم اجعل لی
فیه الی مرضاتك دلیلا ولا تجعل للشیطان فیه علی سبیلا واجعل الجنة
لی منزلا ومقیلا یا قاضی حوائج الطالبین ۲۲. اللهم افتح لی فیه ابواب فضلك
وانزل علی فیه برکاتك ووفقنی فیه لموجبات مرضاتك واسکنی فیه بحبوحات
جناتك یا مجیب دعوة المضطرین ۲۳. اللهم اغسلنی فیه من الذنوب وطهرنی
فیه من العیوب وامتحن قلبی فیه بتقوی القلوب یا مقیل عثرات المذنبین ۲۴.
اللهم انی اسئلك فیه ما یرضیك واعوذ بك مما یؤذیك واسئلك التوفیق
فیه لان اطیعك ولا اعصیك یا جواد السائلین ۲۵. اللهم اجعلنی فیه محبا
لاولیائك ومعادیا لاعدائك مستنا بسنة خاتم انبیائك یا عاصم قلوب
النبیین ۲۶. اللهم اجعل سعیی فیه مشکورا وذنبی فیه مغفورا وعملی فیه مقبولا
وعیبی فیه مستورا یا اسمع السامعین ۲۷. اللهم ارزقنی فیه فضل لیلة القدر
وصیر اموری فیه من العسر الی الیسر واقبل معاذیری وحط عنی الوزر
یا رؤفا بعباده الصالحین ۲۸. اللهم وفر حظی فیه من النوافل واکرمنی فیه

باحضار

اعمال ماه شوال و ماه ذی القعده

باحضار المسائل وقرب فیه وسیلتی الیك من بین الوسائل یا من لا یشغله
الحاح الملحین ۲۹. اللهم غشنی فیه بالرحمة وارزقنی فیه التوفیق والعصمة و
طهر قلبی من غیاهب التهمة یا رحیما بعباده المؤمنین ۳۰. اللهم اجعل صیامی
فیه بالشکر والقبول علی ما ترضاه ویرضاه الرسول محکمة فروعه بالاصول
بحق سیدنا محمد وآله الطاهرین والحمد لله رب العالمین مؤلف گوید در تقدیم
وتاخیر دعاها وعبادات هر باب در کتب دعوات مختلف ذکر کرده اند چون
روایتش را معتبر نمیدانم متعرض ذکر آنها نشدم ودعای روز بیست و هفتم
را کفعمی در بیست و نهم ذکر کرده است وموافق مذهب شیعه در روز بیست
ونهم خواندن دور نیست که انسب باشد والله اعلم باب چهارم در اعمال لیالی
وایام متبرکه ماه شوال وماه ذی القعده است از جمله ایام متبرکه ماه شوال
روز عید فطر است وشبش از لیالی شریفه است ودر فضیلت و
ثواب وعبادت واحیاء آن احادیث بسیار است واز حضرت رسول صلی
الله علیه وآله منقولست که هر که احیا کند شب عید نمیرد دل او در
روزی که دلها از ترس بمیرد واز حضرت امام محمد باقر مرویست که گفت پدرم
علی بن الحسین شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح ودر تمام آن شب در مسجد
میماند ومیگفت ای فرزندان امشب کمتر از شب قدر نیست وغسل در این شب

در اعمال ماه شوال و ذی القعده

سنت است و شخصی بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم میگویند که
آمرزش میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب عید حضرت فرمود
که کارکنان مزد شان را نمیدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن شب عید است
راوی گفت که چه کار سزاوار است که در آن شب بکنیم فرمود که چون آفتاب غروب
کند غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافلهٔ آن را بجای آوری دستها را بسوی
آسمان بلند کن و بگو یا ذا المن و الطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد و ناصره صل
علی محمد و آل محمد واغفر لی کل ذنب احصیته و هو عندک فی کتاب مبین
پس بسجود برو و صد مرتبه در سجود بگو اتوب الی الله پس هر حاجتی که داری
از حق تعالی طلب کن که انشاء الله بر آورده است و بسند معتبر منقول
است که حضرت امیر المؤمنین در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند
و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله و در رکعت
دوم یکمرتبه میخواندند پس برکوع و سجود میرفتند و بعد از سلام بسجده
میرفتند و صد مرتبه میگفتند اتوب الی الله پس میگفتند یا ذا المن و الجود
یا ذا المن و الطول یا مصطفی محمد صلی الله علیه و آله صل علی محمد و آله پس
حاجات خود را از خدا مطلبیدند پس سر از سجود بر میداشتند و میفرمودند
بحق خداوندی که جانم بدست قدرت او است که هر که این نماز را بکند هر حاجت

که از

اعمال شوال

که از حق تعالی بطلبد البته او را عطا کند و اگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته
باشد خدا بیامرزد و بعد از نماز سنت است که این دعا بخوانند یا الله یا الله
یا الله یا رحمن یا الله یا ملک یا الله یا قدوس یا الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله
یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا خالق یا الله یا بارئ
یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا
حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا
الله یا واحد یا الله یا ولی یا الله یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع
یا الله یا شدید یا الله یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد
یا الله یا ماجد یا الله یا علی یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات
یا الله یا اول یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله یا
قاهر یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله
یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا ودود یا الله یا نور یا الله یا دافع یا الله یا مانع یا
الله یا فاتح یا الله یا نفاع یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله یا شهید یا الله یا
شاهد یا الله یا حبیب یا الله یا فاطر یا الله یا مطهر یا الله یا مالک یا الله
یا مقتدر یا الله یا قابض یا الله یا باسط یا الله یا محیی یا الله یا ممیت یا الله یا
مجیب یا الله یا باعث یا الله یا معطی یا الله یا مفضل یا الله یا منعم یا الله یا

حق یا الله یا مبین یا الله یا طبیب یا الله یا محسن یا الله یا معید یا الله یا باری
یا الله یا بدیع یا الله یا هادی یا الله یا نور یا الله یا شافی یا الله یا علی یا الله
یا ضار یا الله یا منان یا الله یا ذا الطول یا الله یا متعالی یا الله یا عدل یا
الله یا ذا المعارج یا الله یا صادق یا الله یا دیان یا الله یا باقی یا الله یا ذا
الجلال یا الله یا ذا الاکرام یا الله یا معبود یا الله یا محمود یا الله یا صانع
یا الله یا معین یا الله یا مکون یا الله یا فعال یا الله یا لطیف یا الله یا جلیل
یا الله یا غفور یا الله یا شکور یا الله یا نور یا الله یا حنان یا الله یا قدیر
یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله
یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا الله اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد
و تمن علی برضاک و تعفو عنی بحلمک و توسع علی من رزقک الحلال الطیب
من حیث احتسب و من حیث لا احتسب فانی عبدک لیس لی احد سواک و لا
احد اسئله غیرک یا ارحم الراحمین ما شاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم
پس بسجده میروی و میگوئی یا الله یا رب یا الله یا رب یا الله یا رب یا
الله یا منزل البرکات بک تنزل کل حاجة اسئلک بکل اسم فی مخزون الغیب
عندک و الاسماء المشهورات عندک المکتوبة علی سرادق عرشک ان تصلی
علی محمد و آل محمد و ان تقبل منی شهر رمضان و تکتبنی فی الوافدین الی

البیت

البیت الحرام و تصفح لی عن الذنوب العظام و تستخرج یا رب کنوزک یا رحمن
و در روایت دیگر بجای هفتاد مرتبه سوره قل هو الله صد مرتبه نیز وارد
شده است و ایضا سنت موکد است که بعد از نماز شام و خفتن و صبح
عید و نماز عید این تکبیرات بخواند الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله
اکبر الله اکبر و لله الحمد الله اکبر علی ما هدانا **اول** اعمال روز عید پس زکوة
فطر واجب موکد است و ترکش با تحقق شرایط وجوب گناه کبیره است و
شرط قبول روزه ماه مبارک چنانچه از حضرت صادق منقول است که از
تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از
تمام نماز است زیرا که هر که روزه بدارد و زکوة فطر ندهد روزه او مقبول
نیست هرگاه عمدا ترک کند و اگر صلوة بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد
نماز نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا
که فرموده است قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی یعنی بتحقیق که رستگاری
یافت هر که زکوة فطر داد و پروردگار خود را یاد کرد با آن تکبیرات که مذکور
شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکی مال
میشود و مال از تلف محفوظ میماند چنانکه منقول است که هیچ مالی در بر و
بحر تلف نمیشود مگر به ندادن زکوة همچنین فطر زکوة بدن است و بدن را

پاکیزه میکرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها
حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق با معتب وکیل
خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما بده و یکی
از ایشان را ترک مکن که او را ندهی زیرا که اگر زکوة یکی را ترک کنی میترسم که در عرض
سال بمیرد و بدانکه زکوة فطر بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمیشود و
اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجبست که فطره ایشان را بدهد
و زکوة بنده را آقا میدهد بنابر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری باشند
و اظهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرطست و ان موافق مشهور
آنست که قوت سالیانه خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد
که وفا بمعیشت او و عیال او کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زاید
بر قوت خود و عیال خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجبست و اظهر
آنست که بر او سنتست و اگر فقیر یکسر فطره را با عیال خود دست بدست
بگرداند و بعد از آن بفقیر دیگر بدهند همه ثواب فطره را مییابند و باید
که غنی اخراج فطره کند از خود و از هر کس که واجب النفقه او باشد بشرط
آنکه عیال دیگری نباشد در شب فطر که اگر عیال دیگری شده باشد بر او
واجبست و همچنین باید بدهد از هر کس که در خانه او باشد از مهمان

احکام متفرقه

و غیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آن خانه باشد و افطار
کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا نکند واجب نیست بر صاحب
خانه و اگر پیش از شام داخل شود و افطار از ما او نکند احوط آنست که هر دو
بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربة الی الله و اگر شخصی
عیال او نباشد اما نفقه و کسوه او را دهد و در خانه دیگری باشد زکوة
او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از شام از جهت مهمانیها
طعامی بفرستند یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان
باشد و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام افطار کرده بخانه
او آید یا چیزی نخورده باشد و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست
و احوط آنست که در صورت اخیر هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی
باشد خود نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور
شام شب عیدست تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تمام روز عید
و احوط آنست که در شب جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر صبح جدا
کند نیز خوبست و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد از آن در آن روز یا روز
دیگر برای حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصوری ندارد و
اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند

واگر از روز عید بگذرد بقصد قربت بدهد و بقصد خصوص فطره نکند یا
آنکه قصد کند که اینرا میدهم که اگر قضای فطره بر من واجب باشد فطره باشد
والا صدقه باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزندان و فرزندزادگان
هرگاه فقیر باشند نفقه ایشان بر او واجبست پس اگر نفقه او را بخورند
فطره بر اوست و اگر عیال شخص دیگر باشد بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری
نیز نباشد اشهر و احوط آنست که او فطره ایشان را بدهد و اما جنس فطره پس
آنست که هرچه قوت غالب و باشد میتوان داد و احوط آنست که جو یا گندم
یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز
و بعد از آن هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهری که غالب قوت
ایشان نان گندم است بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دهات که غالبا
نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث است که اگر یکصاع خرما در فطره
بدهم دوستر میدارم از آنکه یکصاع طلا بدهم و اما مقدار فطره از هر شخصی
یکصاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یکمن تبریز و چهارده مثقال
و ربع مثقالست و احوط آنست که یکمن و نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط
آنست که یکمن شاه بدهند و باید بکسی بدهند که قوت سالیانه خود و عیال
خود را نداشته باشد و سائل بکف نباشد و احوط آنست که متظاهر

بفسق

بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام علیه السلام
بمجتهد جامع الشرائط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف
او بهتر میداند و بعضی از علما اینرا واجب دانسته اند و احوط آنست که بفقیر
کمتر از یکصاع ندهند و بیک کس چند صاع میتوان داد و فطره را بواجب النفقه
نمیتوان داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن
بهمسایگان پس ایشان و بعد از آن بکسانیکه فاضلتر و صالحتر و پریشانتر
باشد و فطره غیر سید را بسید نمیتوان داد و فطره سید را بسید و غیر
سید هر دو میتوان داد و سنت است که در روز عید پیش از نماز عید در
اول روز افطار کند و سنت است که بخرما افطار کنند و غسل روز عید
سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق ع منقولست
که غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان مکن و پیش از غسل بگو اللهم
ایمانا بک و تصدیقا بکتابک و اتباع سنة نبیک صلی الله علیه و آله
پس بسم الله بگو و غسل بکن و چون از غسل فارغ شوی بگو اللهم اجعله
کفارة لذنوبی و طهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس و زیارت حضرت امام حسین ع
در این روز سنت مؤکد است و ثواب بسیار در آن وارد شده است و نماز
عید در زمان حضور امام ع واجب است و در زمان غیبت امام اکثر علما

سنت میدانند و بجماعت کردن را سنت میدانند و میگویند تنها نمیتوان کردن و بگمان فقیر روا میباشد که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد باید حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن سنت است و نماز عید دو رکعت است و در رکعت اول بعد از قرائة پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت میخواند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند و قنوت مخصوص ندارد و اگر کسی آنها را نداند آنچه در قنوت نمازهای دیگر میخواند بخواند و هرگاه بجماعت کنند پیش از نماز دو خطبه بعد از نماز میخوانند و قنوت مخصوص نماز عید اینست اللّهم اهل الکبریاء والعظمة اهل الجود والجبروت واهل العفو والرحمة واهل التقوی والمغفرة اسئلك بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا ولمحمد صلی الله علیه وآله ذخرا ومزیدا ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا وآل محمد وان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا وآل محمد صلواتك علیه وعلیهم اللّهم انی اسئلك خیر ما سئلك به عبادك الصالحون واعوذ بك مما استعاذ منه عبادك الصالحون و بعد از نماز عید دعای بسیار وارد شده است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که در روز جمعه و عید فطر

و عید قربان در هنگامیکه مهیای رفتن بسوی نماز جمعه و عید میشوی این دعا را بخوان اللّهم من تهیّأ فی هذا الیوم او تعبّأ او اعدّ واستعدّ لوفادة الی مخلوق رجاء رفده ونوافله وفواضله وعطایاه فانّ الیك یا سیدی تهیئتی وتعبئتی واعدادی واستعدادی رجاء رفدك وجوائزك ونوافلك وفواضلك وفضائلك وعطایاك وقد غدوت الی عید من اعیاد امّة نبیّك محمد صلی الله علیه وآله ولم افد الیك الیوم بعمل صالح اثق به قدّمته ولا توجّهت بمخلوق امّلته ولکن اتیتك خاضعا مقرّا بذنوبی واسائتی الی نفسی فیا عظیم یا عظیم اغفر لی العظیم من ذنوبی فانّه لا یغفر الذنوب الا انت یا لا اله الا انت یا ارحم الراحمین و در حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا بخواند اللّهم انی توجّهت الیك بمحمد امامی وعلیّ من خلفی وعن یمینی وائمّتی عن یساری استتر بهم من عذابك واتقرّب الیك زلفی لا اجد احدا اقرب الیك منهم فهم ائمّتی فآمن بهم خوفی من عقابك وسخطك وادخلنی برحمتك فی عبادك الصالحین اصبحت بالله مؤمنا مخلصا علی دین محمد وسنّته وعلی دین علیّ وسنّته وعلی دین الاوصیاء وسنّتهم آمنت بسرّهم وعلانیتهم وارغب الی الله فیما رغب فیه الیه محمد وعلیّ والاوصیاء ولا حول ولا قوة الا بالله ولا عزّة ولا منعة ولا سلطان

الا الله الواحد القهار العزيز الجبار توكلت على الله ومن يتوكل على الله فهو حسبه
ان الله بالغ امره اللهم اني اريدك فاردني واطلب ما عندك فيسره لي واقض
لي حوائجي فانك قلت في كتابك وقولك الحق شهر رمضان الذي انزل فيه القران
هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فعظمت حرمة شهر رمضان
بما انزلت فيه من القران وخصصته وعظمته بتصييرك فيه ليلة القدر
فقلت ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة والروح فيها باذن
ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر اللهم وهذه ايام شهر رمضان قد
انقضت ولياليه قد تصرمت وقد صرت منه يا الهي الى ما انت اعلم به
مني واحصى لعدده من عددي فاسئلك يا الهي بما سئلك به عبادك الصالحون
ان تصلي على محمد وال محمد واهل بيت محمد وان تتقبل مني ما تقربت به اليك
وتتفضل علي بتضعيف عملي وقبول تقربي وقرباتي واستجابة دعائي وهب
لي منك عتق رقبتي من النار ومن علي بالفوز بالجنة والامن يوم الخوف
من كل فزع ومن كل هول اعددته ليوم القيمة اعوذ بحرمة وجهك الكريم و
حرمة نبيك وحرمة الصالحين ان ينصرم هذا اليوم ولك قبلي تبعة تريد
ان تؤاخذني بها او ذنب تريد ان تقايسني به وتشقيني وتفضحني به او خطيئة
تريد ان تقايسني بها وتقتصها مني لم تغفرها لي واسئلك بحرمة وجهك الكريم

الفعال

الفعال لما يريد الذي يقول للشيء كن فيكون لا اله الا هو اللهم اني اسئلك
بلا اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر ان تزيد فيما بقي من عمري
رضا وان كنت لم ترض عني في هذا الشهر فمن الان فارض عني الساعة الساعة
الساعة واجعلني في هذه الساعة وفي هذا المجلس من عتقائك وطلقائك
من جهنم وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني
اسئلك بحرمة وجهك الكريم ان لا تجعل شهري هذا اخر شهر رمضان
عبدتك فيه وصمته لك وتقربت به اليك منذ اسكنتني فيه اعظمه
اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واكمله رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم
لا تجعله اخر شهر رمضان صمته لك وارزقني العود فيه ثم العود حتى ترضى
وبعد الرضى وحتى تخرجني من الدنيا سالما وانت عني راض وانا لك مرضي
اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم الذي لا يرد ولا يبدل ان تكتبني
من حجاج بيتك الحرام في هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور سعيهم
المغفور ذنوبهم المتقبل مناسكهم المعافين على اسفارهم المقبلين على نسكهم
المحفوظين في انفسهم واموالهم وذراريهم وكلما انعمت به عليهم اللهم اقلبني
من مجلسي هذا في شهري هذا في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا
ذنبي معافا من النار ومعتقا منها عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب

الارباب اللهم انی اسئلک ان تجعل فیما شئت واردت وقضیت وقدرت
وحتمت وانفذت ان تطیل عمری وتنسئ فی اجلی وان تقوی ضعفی وان
تجبر فاقتی وان ترحم مسکنتی وان تعز ذلی وان ترفع ضعتی وان تغنی عائلتی و
ان تونس وحشتی وان تکثر قلتی وان تدر رزقی فی عافیة ویسر وخفض و
ان تکفینی ما اهمنی من امر دنیای واخرتی ولا تکلنی الی نفسی فاعجز عنها ولا
الی الناس فیرفضونی وان تعافینی فی دینی وبدنی وجسدی وروحی وولدی
واهلی واهل مودتی واخوانی وجیرانی من المؤمنین والمؤمنات والمسلمین و
المسلمات الاحیاء منهم والاموات وان تمن علی بالامن والایمان ما ابقیتنی فانک
ولیی ومولای وثقتی ورجائی ومعدن مسئلتی وموضع شکوای ومنتهی
رغبتی فلا تخیبنی فی رجائی یا سیدی ومولای ولا تبطل طمعی ورجائی فقد
توجهت الیک بمحمد وال محمد وقدمتهم الیک امامی وامام حاجتی وطلبتی وتضرعی
ومسئلتی فاجعلنی بهم وجیها فی الدنیا والاخرة ومن المقربین فانک مننت علی بهم
فاختم لی بالسعادة والسلامة والامن والایمان والمغفرة والرضوان والسعادة
والحفظ یا الله انت لکل حاجة لنا فصل علی محمد واله وعافنا ولا تسلط علینا
احدا من خلقک لا طاقة لنا به واکفنا کل امر من امر الدنیا والاخرة یا ذا الجلال
والاکرام صل علی محمد وال محمد وترحم علی محمد وال محمد وسلم علی محمد وال محمد

کافضل

اعمال ماه شوال

کافضل ما صلیت وبارکت وترحمت وتحننت علی ابرهیم وال ابرهیم انک حمید مجید.
واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از عید در بعضی روایات وارد
ونهی نیز وارد شده است وظاهر ان روزه داشتن محمول بر تقیه است نکاح
در میان شبان مشهور است وترکش بهتر است وهمچنین کراهت نکاح
کردن در میان عید فطر وعید قربان اصلی ندارد وشاید اصلش از
عامه بوده باشد ودر ماه شوال چون عقد عایشه در آن واقع شده است
اکثر مفاسد بر آن مترتب شد واز بعضی روایات کراهت مستفاد میشود
واگر در خصوص شوال احتراز کند بهتر است اعمال ماه ذی القعده بدانکه آن
اول ماههای حرام است که حق تعالی در قران یاد فرموده است وان ها ذو القعده
وذو الحجه ومحرم وماه رجب است ودر این ماهها ابتداء قتال با کافران
نباید کرد وشیخ مفید رحمه الله وغیر او از حضرت رسول روایت کرده
اند که هر که در یکی از ماههای حرام پنجشنبه وجمعه وشنبه را روزه بدارد
ثواب نهصد سال عبادة از برای او نوشته شود ودر روایتی از حضرت
رسول منقول است که در شب پانزدهم ذی القعده حق تعالی بسوی بندگان
مؤمن نظر رحمت میکند که بکه آن شب را بعبادة بسر اورد ثواب صد
عابد با وعطا کند که در یک چشم زدن معصیت خدا نکرده باشد چون نصف

شب یکشنبه شروع کنی بعبادت و نماز و حاجات خود را از حق تعالی طلب کنی
که هر حاجت که طلب کنی مستجاب میگردد و بعضی از علما گفته اند که در روز
بیست و سیم ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا از دور و نزدیک سنت است
و روز بیست و پنجم ذی القعده روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از
کعبه بر روی آب و روز با برکتیست و کلینی از محمد بن عبد الله روایت
که حضرت امام رضا در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذی قعده بیرون آمد
و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من روزه ام گفتم فدای تو شوم این روز
چه روزیست فرمود روزیست که رحمت در این روز منتشر گردیده است
و زمین در این روز پهن شده است و کعبه در این روز نصب شده است و
حضرت آدم در این روز بزمین فرود آمده است و ابن بابویه روایت کرده
است وشا گفت با پدرم در خدمت حضرت امام رضا شام خوردیم در
شب بیست و پنجم ذی القعده پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی
متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روزش را روزه
بدارد چنان باشد که شصت ماه را روزه داشته باشد و حضرت قائم در
این روز ظاهر خواهد شد و از حضرت رسول منقول است که حق تعالی رحمت
خود را بر بندگان در این روز فرستاده است و روزه اش مثل روزه هفتاد

سال

سال است و بروایت دیگر رحمت از آسمان در این شب نازل شده و تعظیم کعبه
بر آدم در این روز نازل شده است هر که این روز را روزه بدارد هر چه در میان
آسمان و زمین است برای او استغفار کنند و طلب آمرزش نمایند و از حضرت
امیر المؤمنین روایت است که اول رحمتی که از آسمان نازل شد در بیست و پنجم ماه
ذی القعده بود هر که این روز را روزه بدارد و شب آنرا بعبادت بایستد
برای او عبادت صد ساله نوشته شود که روزها روزه داشته باشد
و شبها را بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتی که در این روز جمع شوند
برای ذکر پروردگار خود پیش از آنکه متفرق گردند حاجات ایشان بر آورده
شود و در این روز هزار هزار رحمت از جانب حق تعالی بر بندگان نازل می
گردد نود و نه رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول
گردند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند و در روایتی
وارد شده است که مستحب است که در این روز در وقت چاشت دو رکعت
نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنج نوبت سوره والشمس بخواند
و بعد از سلام این دعا بخواند لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُقِيلَ
الْعَثَرَاتِ أَقِلْنِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ اِسْمَعْنِي وَ
وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ و شیخ طوسی ره گفته است

که مستحب است که در این روز این دعا بخوانند اللهم داحی الکعبة وفالق الحبة
وصارف اللزبة وکاشف کل کربة اسألک فی هذا الیوم من ایامک التی
اعظمت حقها واقدمت سبقها وجعلتها عند المؤمنین ودیعة والیک
ذریعة وبرحمتک الوسیعة ان تصلی علی محمد عبدک المنتجب فی المیثاق
القریب یوم التلاق فاتق کل رتق وداع الی کل حق وعلی اهل بیته الاطهار
الهداة المنار دعائم الجبار وولاة الجنة والنار واعطنا فی
یومنا هذا من عطائک المخزون غیر مقطوع ولا ممنوع تجمع لنا به التوبة
وحسن الاوبة یا خیر مدعو واکرم مرجو یا کفی یا وفی یا من لطفه خفی الطف
لی بلطفک واسعدنی بعفوک وایدنی بنصرک ولا تنسنی کریم ذکرک بولاة امرک
وحفظة سرک احفظنی من شوائب الدهر الی یوم الحشر والنشر واشهدنی اولیاءک
عند خروج نفسی وحلول رمسی وانقطاع عملی وانقضاء اجلی اللهم واذکرنی
علی طول البلی اذا حللت بین اطباق الثری ونسینی الناسون من الوری
واحللنی دار المقامة وبوئنی منزل الکرامة واجعلنی من مرافقی اولیائک
واهل اجتبائک واصطفائک وبارک لی فی لقائک وارزقنی حسن العمل
قبل حلول الاجل بریئا من الزلل وسوء الخطل اللهم واوردنی حوض نبیک
محمد صلی الله علیه وآله واسقنی منه مشربا رویا سائغا هنیئا لا اظما

بعده ولا احلأ ورده ولا اعنه ازاده واجعله لی خیر زاد واوفی میعاد یوم یقوم
الاشهاد اللهم والعن جبابرة الاولین والآخرین وبحقوق اولیائک المستاثرین
اللهم واقصم دعائمهم واهلک اشیاعهم وعاملهم وعجل مهالکهم واسلبهم ممالکهم
وضیق علیهم مسالکهم والعن مساهمهم اللهم وعجل فرج اولیائک واردد
علیهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم واجعله لدینک منتصرا وبامرک فی اعدائک
مؤتمرا اللهم احففه بملائکة النصر وبما القیت الیه من الامر فی لیلة القدر
منتقما لک حتی ترضی ویعود دینک به وعلی یدیه جدیدا غضا ویمحض الحق
محضا ویرفض الباطل رفضا اللهم صل علیه وعلی جمیع آبائه واجعلنا
من صحبه واسرته وابعثنا فی کرته حتی نکون فی زمانه من اعوانه اللهم ادرک
بنا قیامه واشهدنا ایامه وصل علیه واردد الینا سلامه والسلام علیه
ورحمة الله وبرکاته **باب پنجم** در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک ذی الحجه
و در آن پنج فصل است **فصل اول** در بیان فضایل ماه ذی الحجه و دهه اول و
اعمال آنست ایام این دهه در نهایت فضیلت و برکت است و حق تع فرموده
واذکروا الله فی ایام معدودات یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده
شده یعنی کم و باز فرموده است ویذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی
ما رزقهم من بهیمة الانعام یعنی اعلام کن مردم را تا بیایند نزد تا انکه ببینند

منفعتهای دنیا و آخرت و یاد کنند خدا را در روزی چند معلوم برای آنکه
روزی کرده است ایشان را از گوشت چهارپایان که گاو و شتر و گوسفند و بز است
و در احادیث معتبره بسیار از ائمه صلوات الله علیهم منقولست که ایام معلومات
ده روز اول ماه ذی الحجه است و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم
و سیزدهم ماه ذی الحجه است و از حضرت رسول منقولست که عمل خیر و عبادت
در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوبتر نیست از ده روز اول ذی الحجه و چون این ماه داخل
میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند و بسند معتبر
منقولست از حضرت امام جعفر صادق که پدرم امام محمد باقر با من گفت ای فرزند
گرامی البته در هر شب اول دهه ذی الحجه دو رکعت نماز بجا آور در میان
نماز شام و خفتن در هر رکعت یکمرتبه قل هو الله احد و این آیه را بخوان وَوَاعَدْنا
مُوسیٰ ثَلٰثِینَ لَیْلَةً وَأَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِیقاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِینَ لَیْلَةً وَقالَ مُوسیٰ
لِأَخِیهِ هٰرُونَ اخْلُفْنِی فِی قَوْمِی وَأَصْلِحْ وَلا تَتَّبِعْ سَبِیلَ الْمُفْسِدِینَ چون چنین
کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هر چند بحج نروی و روز اول
ذی الحجه روز مبارکیست و روایت وارد شده است که حضرت ابرهیم خلیل
در این روز متولد شده است و در این روز حضرت ابرهیم را خلیل خود کردانید
و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هر که روز اول ذی

الحجه

الحجه روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب هشتاد روزه بنویسد و از حضرت
امام موسی منقولست که هر که نه روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی
ثواب روزه تمام عمر او از برای او بنویسد و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته
است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه مستحب است و اگر نتواند روز
اول را روزه بدارد و در روز اول حضرت رسالت پناه حضرت فاطمه علیها
السلام را بحضرت امیر المؤمنین تزویج نمود و بروایت دیگر روز ششم تزویج
نمود بدانکه قضای ماه رمضان را از اول ماه تا روز نهم میتوان چنانچه علما
گفته اند و احادیث صحیحه بر آن دلالت دارد و بعضی از روایات منع وارد
شده است مستند آنها معتبر نیست و محمول است بر تقیه چنانچه در کتب
مبسوطه دلایل آنرا ایراد نموده ایم و باز شیخ رحمه الله گفته است در روز
اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام را بجا آورد و در روایتی وارد شده است
که آن چهار رکعتست مثل نماز حضرت امیر المؤمنین بدو سلام و در هر
رکعت بعد از حمد پنجاه قل هو الله احد میخواند و این تسبیح را بخواند تسبیح اینست
سُبْحانَ ذِی الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحانَ ذِی الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظِیمِ سُبْحانَ ذِی
الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدِیمِ سُبْحانَ مَنْ یَرَی أَثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفا سُبْحانَ مَنْ یَرَی وَقْعَ
الطَّیْرِ فِی الْهَواءِ سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰکَذا وَلا هٰکَذا غَیْرُهُ مؤلف گوید که بعد از این

انشاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت
است رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه است و در رکعت دویم صد
مرتبه قل هو الله احد و اگر هر دو را بعمل آورد و این دعا را بعد از هر یک بخواند
بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را
بخواند و بعد از آن این دعا را بخواند شاید بهتر باشد و بعضی از روایات وارد
شده است که مستحب است که در روز اول پنج ساعت پیش از زوال دو رکعت
نماز بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه
آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه را بخواند و در روایتی دیگر وارد شده است
که هر که از ظالمی ترسد در روز اول ذی الحجه بگوید حسبی حسبی حسبی من
سؤالی علمک بحالی حق تعالی کفایت شر آن ظالم از او بکند و شیخ کفعمی و
سید ابن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر
صادق در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت
غروب آفتاب پیش از شام این دعا میخواندند اللهم هذه الایام التی فضلتها
علی غیرها من الایام و شرفتها قد بلغتنیها بمنک و رحمتک فانزل علینا من
برکاتک واسبغ علینا فیها من نعمائک اللهم انی اسئلک ان تصلی علی محمد و آل
محمد فیها و ان تهدینا فیها سبیل الهدی و ترزقنا فیها التقوی و العفاف

والغنی

والغنی والعمل فیها بما تحب و ترضی اللهم انی اسئلک یا موضع کل شکوی و یا سامع
کل نجوی و یا شاهد کل ملاء و یا عالم کل خفیة ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تکشف عنا فیها البلاء و تستجیب لنا فیها الدعاء و تقوینا فیها و تعیننا و توفقنا فیها
لما تحب ربنا و ترضی و علی ما افترضت علینا من طاعتک و طاعة رسولک و
اهل ولایتک اللهم انی اسئلک یا ارحم الراحمین ان تصلی علی محمد و آل محمد و
ان تهب لنا فیها الرضا انک سمیع الدعاء و لا تحرمنا خیر ما نزل فیها من السماء
و طهرنا من الذنوب یا علام الغیوب و اوجب لنا فیها دار الخلود اللهم صل
علی محمد و آل محمد و لا تترک لنا فیها ذنبا الا غفرته و لا هما الا فرجته و لا دینا
الا قضیته و لا غائبا الا ادیته و لا حاجة من حوائج الدنیا و الآخرة الا
سهلتها و یسرتها انک علی کل شیء قدیر اللهم یا عالم الخفیات یا راحم العبرات یا
مجیب الدعوات یا رب الارضین و السموات یا من لا تتشابه علیه الاصوات
صل علی محمد و آل محمد و اجعلنا فیها من عتقائک و طلقائک من النار و الفائزین
بجنتک الناجین برحمتک یا ارحم الراحمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین
و شیخ مفید و سید ابن طاوس بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر روایت کرده
اند که جبرئیل از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی پنج دعا را هدیه
آورد که یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول ذی الحجه بخوان بدرستیکه

هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوب‌تر نیست از عبادت کردن در این دهه اول اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل
شیء قدیر دوم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم یتخذ صاحبة
ولا ولدا سیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر پنجم
حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی اشهد لله بما دعا وانه
بریء ممن تبرء وان لله الآخرة والاولی پس حواریون گفتند یا روح الله چه ثواب
دارد کسی که این کلمات را بگوید حضرت عیسی گفت که هر که دعای اول را صد مرتبه
بخواند عمل هیچ یک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آن روز و در روز قیامت
حسنات او زیاده از همه کس باشد و هر که دعای دوم را صد مرتبه بخواند
چنان باشد که دوازده مرتبه توریة و انجیل را خوانده باشد و ثواب انبیا را
باو بدهند حضرت عیسی گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریة و انجیل چیست
جبرئیل گفت طاقت برداشتن یک حرف توریة و انجیل نداشت هر که در آسمانهای
هفتگانه است از ملائکه تا آنکه مبعوث شدیم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل
اول بنده بود که گفت لا حول ولا قوة الا بالله و هر که سیم را صد مرتبه بخواند

حق تع

حق تعالی بنویسد از برای او یابنده عاده هزار هزار حسنه و محو کند از او هزار
هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار هزار درجه و فرود آیند
از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها برداشته و صلوات فرستند بر کسی که
این کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسی گفت که ای جبرئیل با ملائکه صلوات
میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان آورد بآنچه پیغمبران از جانب
خدا آورده اند و تغییر ندهند شریعت ایشان را حق تعالی ثواب پیغمبران باو
عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند آن دعا را استقبال
نماید ملکی و بالا برد بسوی حق تعالی پس خدا نظر کند بسوی گوینده آن دعا
برحمت و هر که را خدا نظر رحمت بر او بکند هرگز شقی و بد عاقبت نگردد پس حضرت
عیسی گفت یا جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعای منست و حق
تعالی مرا رخصت نداده است که ثواب آن را بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر
یک از این دعا را ده مرتبه بخواند دور نیست که عمل یا بنده و آن کرده باشد و اگر
هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ ابن بابویه و سید
ابن طاوس رضی الله عنهما از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده اند که هر که در
هر روز از دهه اول ذی الحجة این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا
کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان هر دو درجه

تا درجهٔ دیگر صد سال راه باشد بر فتار سوار تیز رفتار و در هر درجهٔ
شهری بوده باشد و در آن شهر قصری باشد از یک گوهر که در آن فصلی نباشد
و در هر شهر از آن شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها
و تختها و حوریان و نهالیها و متکاها و خوانها و خدمتکاران و درختها و
نهرها و زیورها و حلها بوده باشد که وصف کنندهٔ قادر بر وصف آنها
نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدنش نوری ساطع باشد و مبادرت
نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش روی و جانب راست و چپ
او راه روند تا او را به بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را مقدم
دارند و ملائکه از عقب او روند تا آنکه بشهری برسد که بیرون آن از یاقوت
سرخ باشد و اندرون آن از زبرجد سبز و در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که
حق تعالی در بهشت خلق کرده است پس بگویند ای دوست خدا میدانی این
شهر چیست گوید نه پس گویند که شما کیستید گویند ما ملکی چندیم که حاضر
بودیم در هنگامی که تو آن تهلیلها را میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه در
آن هست از نعمتهای الهی بثواب تواست بر خواندن آن تهلیلها و بشارت باد
ترا به بهتر از این ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام
که بلائی و غمی و مکروهی در آن نمیباشد و نعمتها و رحمتهای الهی هرگز از تو

منقطع نمیگردد و تهلیلات اینست لا اله الا الله عددَ اللیالی والدهور لا
اله الا الله عددَ امواجِ البحور لا اله الا الله ورحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله
عددَ الشوک والشجر لا اله الا الله عددَ الشعر والوبر لا اله الا الله عددَ الحجر و
المدر لا اله الا الله عددَ لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس والصبح اذا
تنفس لا اله الا الله عددَ الریاح فی البراری والصخور لا اله الا الله من الیوم الی یوم
ینفخ فی الصور و از بعضی روایات مستفاد میشود که بیکمرتبه نیز اکتفا می
توان کرد والله یعلم **فصل دویم** در اعمال روز ترویه و روز عرفات روز ترویه
روز هشتم ذی الحجه است روز مبارکیست و ابن بابویه از حضرت امام موسی ع
روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها
چهار روز را روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضاً
از حضرت صادق ع روایت کرده است که روزهٔ روز ترویه کفارهٔ شصت سال
گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول منقول است که در
شب عرفه دعا مستجابست و کسیکه آن شب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد
سال عبادت دارد و آن شب مناجات با قاضی الحاجات است و هر که در آن شب توبه کند
توبه اش مقبولست و از حضرت صادق ع منقولست که هر که در شب عرفه یا در شبهای
جمعه این دعا را بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد اللهم یا شاهد کل

بجوى وموضع كل شكوى وعالم كل خفية ومنتهى كل حاجة يا مبتدئا بالنعم
على العباد يا كريم العفو يا حسن التجاوز يا جواد من لا يوارى منه ليل داج ولا
بحر عجاج ولا سماء ذات ابراج ولا ظلم ذات ارتتاج يا من الظلمة عنده ضياء
اسئلك بنور وجهك الكريم الذى تجليت به للجبل فجعلته دكا وخر موسى
صعقا وباسمك الذى رفعت به السموات بلا عمد وسطحت به الارض على وجه
ماء جمد وباسمك المكنون المخزون الطاهر الذى اذا دعيت به اجبت واذا
سئلت به اعطيت وباسمك السبوح القدوس البرهان الذى هو نور على
كل نور ونور من نور يضيء منه كل نور اذا بلغ الارض انشقت واذا بلغ السموات
فتحت ولو بلغ العرش اهتز وباسمك الذى ترتعد منه فرائص ملائكتك و
اسئلك بحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل وبحق محمد المصطفى صلى الله عليه
واله وعلى جميع الانبياء وجميع الملائكة وبالاسم الذى مشى به الخضر على قلل
الماء كما مشى به على جدد الارض وباسمك الذى فلقت به البحر لموسى واغرقت
فرعون وقومه وانجيت به موسى بن عمران ومن معه وباسمك الذى دعاك
به موسى من جانب الطور الايمن فاستجبت له والقيت عليه محبة منك و
باسمك الذى احيا به عيسى بن مريم الموتى وتكلم فى المهد صبيا وابرئ الاكمه
والابرص باذنك وباسمك الذى دعاك به حملة عرشك وجبرئيل وميكائيل

واسرافيل

واسرافيل وحبيبك محمد صلى الله عليه واله وملائكتك المقربون وانبياؤك
المرسلون وعبادك الصالحون من اهل السموات والارضين وباسمك الذى دعاك
به ذو النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى فى الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من الغم وكذلك
ننجى المؤمنين وباسمك الذى دعاك به داود وخر لك ساجدا فغفرت له ذنبه و
باسمك الذى دعتك به اسية امراة فرعون اذ قالت رب ابن لى عندك بيتا
فى الجنة ونجنى من فرعون وعمله ونجنى من القوم الظالمين فاستجبت لها دعائها وباسمك
الذى دعاك به ايوب اذ حل به البلاء فعافيته واتيته اهله ومثلهم معهم
رحمة من عندك وذكرى للعابدين وباسمك الذى دعاك به يعقوب فرددت
عليه بصره وقرة عينه يوسف وجمعت شمله وباسمك الذى دعاك به سليمان
فوهبت له ملكا لا ينبغى لاحد من بعده انك انت الوهاب وباسمك الذى سخرت
به البراق لمحمد صلى الله عليه واله وسلم اذ قال تعالى سبحان الذى اسرى
بعبده ليلا من المسجد الاقصى وقوله سبحان الذى سخر لنا هذا وما كنا له
مقرنين وانا الى ربنا لمنقلبون وباسمك الذى نزل به جبرئيل على محمد صلى الله
عليه واله وباسمك الذى دعاك به ادم فغفرت له ذنبه واسكنته جنتك
واسئلك بحق القران العظيم وبحق خاتم النبيين وبحق ابرهيم وبحق فصلك يوم

القضاء وبحق الموازين اذا نصبت والصحف اذا نشرت وبحق القلم وما جرى و
اللوح وما احصى وبحق الاسم الذي كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق
والدنيا والشمس والقمر بالفي عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
وان محمدا عبده ورسوله واسئلك باسمك المخزون في خزائنك الذي
استأثرت به في علم الغيب عندك لم يظهر عليه احد من خلقك لا ملك
مقرب ولا نبي مرسل ولا عبد مصطفى واسئلك باسمك الذي تشقق به
البحار وقامت به الجبال واختلف به الليل والنهار وبحق السبع المثاني
والقرآن العظيم وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه ويس وكهيعص وحمعسق و
بحق توراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه و
آله وعلى جميع الرسل وبراهيا شراهيا اللهم اني اسئلك بحق تلك المناجاة
التي كانت بينك وبين موسى بن عمران فوق جبل طور سيناء واسئلك
باسمك الذي علمته ملك الموت لقبض الارواح واسئلك باسمك الذي كتب
على ورق الزيتون فخضعت النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كوني بردا وسلاما
واسئلك باسمك الذي كتبته على سرادق المجد والكرامة يا من لا يحفيه سائل
ولا ينقصه نائل يا من به يستغاث واليه يلجأ اسئلك بمعاقد العز من عرشك
ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات

العلى اللهم رب الرياح وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت و
الشياطين وما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل حق هو عليك حق وبحق الملائكة
المقربين والروحانيين والكروبيين والمسبحين لك بالليل والنهار لا يفترون
وبحق ابرهيم خليلك وبحق كل ولي يناديك بين الصفا والمروة وتستجيب له دعاءه
يا مجيب اسئلك بهذه الاسماء الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا
وما اسررنا وما اعلنا وما ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم به منا انك
على كل شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس كل وحيد
يا قوة كل ضعيف يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس كل مستوحش
يا صاحب كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب وخطيئة يا غياث
المستغيثين يا كاشف كرب المكروبين يا فارج هم المهمومين يا بديع السموات
والارضين يا صريخ المستصرخين يا منتهى غاية الطالبين يا مجيب دعوة
المضطرين يا ارحم الراحمين يا رب العالمين يا ديان يوم الدين يا اجود الاجودين
يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا اقدر القادرين
اغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر
لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تورث السقم واغفر لي الذنوب
التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي تحبس

فطر السماء واغفر لی الذنوب التی تعجل الفناء واغفر لی الذنوب التی تجلب الشقاء
واغفر لی الذنوب التی تظلم الهواء واغفر لی الذنوب التی تکشف الغطاء واغفر
لی الذنوب التی لا یغفرها غیرک یا الله واحمل عنی کل تبعة لاحد من خلقک و
اجعل لی من امری فرجا ومخرجا ویسرا وانزل یقینک فی صدری ورجائک
ورجائک فی قلبی حتی لا ارجو غیرک اللهم احفظنی وعافنی فی مقامی هذا و
اصحبنی فی لیلی ونهاری ومن بین یدی ومن خلفی وعن یمینی وشمالی ومن
فوقی ومن تحتی ویسر لی السبیل واحسن لی التیسیر ولا تخذلنی فی العسیر و
اهدنی یا خیر دلیل ولا تکلنی الی نفسی فی الامور ولقنی کل سرور واقلبنی الی
اهلی بالفلاح والنجاح محبورا فی العاجل والآجل انک علی کل شیء قدیر وارزقنی
من فضلک واوسع علی من طیبات رزقک واستعملنی فی طاعتک واجرنی
من عذابک ونارک واقلبنی اذا توفیتنی الی جنتک برحمتک اللهم انی اعوذ بک من
زوال نعمتک ومن تحویل عافیتک ومن حلول نقمتک ومن نزول عذابک واعوذ
بک من جهد البلاء ودرک الشقاء ومن سوء القضاء وشماتة الاعداء ومن
شر ما ینزل من السماء ومن شر ما فی الکتاب المنزل اللهم لا تجعلنی من الاشرار و
لا من اصحاب النار ولا تحرمنی صحبة الاخیار واحینی حیوة طیبة وتوفنی
وفاة طیبة تلحقنی بالابرار وارزقنی مرافقة الانبیاء فی مقعد صدق عند

ملیک مقتدر اللهم لک الحمد علی حسن بلائک وصنعک ولک الحمد علی الاسلام واتباع
السنة یا رب کما هدیتهم لدینک وعلمتهم کتابک فاهدنا وعلمنا ولک الحمد علی حسن
بلائک وصنعک عندی خاصة کما خلقتنی فاحسنت خلقی وعلمتنی فاحسنت تعلیمی وهدیتنی فاحسنت
هدایتی فلک الحمد علی انعامک علی قدیما وحدیثا فکم من کرب یا سیدی قد
فرجته وکم من غم یا سیدی قد نفسته وکم من هم یا سیدی قد کشفته وکم من
بلاء یا سیدی قد صرفته وکم من عیب یا سیدی قد سترته فلک الحمد علی کل حال
فی کل مثوی وزمان ومنقلب ومقام وعلی هذه الحال وکل حال اللهم اجعلنی
من افضل عبادک نصیبا فی هذا الیوم من خیر تقسمه او ضر تکشفه او سوء تصرفه
او بلاء تدفعه او خیر تسوقه او رحمة تنشرها او عافیة تلبسها فانک علی کل شیء
قدیر وبیدک خزائن السموات والارض وانت الواحد الکریم المعطی الذی
لا یرد سائله ولا یخیب امله ولا ینقص نائله ولا ینفد ما عنده بل یزداد کثرة
وطیبا وعطاء وجودا وارزقنی من خزائنک التی لا تفنی ومن رحمتک الواسعة
ان عطاءک لم یکن محظورا وانت علی کل شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین

واحادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین؏ در شب و روز
عرفه وارد شده است و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام
و زیارت دور ان شاء الله بعد از این مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت

آنحضرت مذکور شد و اما روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسیکه توفیق یابد
که در عرفات باشد او را عید است و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز
دعاست حتی مستحب است که جمع کند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت
و نافله و اذان عصر ساقط میشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد
تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه
در حدیث صحیح منقولست که ابرهیم بن هاشم گفت من عبد الله بن جندب را دیدم
در موقف عرفات و حال هیچکس را از او بهتر ندیدم پیوسته دستهای خود را
بسوی آسمان بلند کرده بود و آب دیده اش بر رویش جاری بود تا بزمین میرسید
چون مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچکس را بهتر از وقوف تو ندیدم گفت
بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران خود زیرا که از حضرت امام
موسی علیه السلام شنیدم که هر که دعا کند از برای برادر مؤمن در غیبت او از عرش
ندا باو رسد که از برای تو صد هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست
بردارم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجاب است برای یک دعای
خود که نمیدانم که مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز
عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین علیه السلام باشد ثوابش کمتر نیست
از کسیکه در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانکه از حضرت صادق علیه السلام

منقولست که هر که در روز عرفه زیارت آنحضرت بکند و حق آنحضرت را شناسد
و او را امام واجب الاطاعه داند بنویسد حق تعالی از برای او ثواب دو هزار
حج و دو هزار عمره مقبول و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل یا با امام عادل
کند بجاست ثواب موقف عرفات حضرت او و روی غضب نظر بسوی او کند
و فرمود که بدرستیکه بنده مؤمن چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر
شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت شود هر گامی که بر میدارد ثواب
یک حج و عمره برای او مینویسند و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه
حق تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السلام میکند و گناهان
ایشان را میآمرزد و حاجات ایشان را برمیآورد و بعد از آن متوجه اهل
عرفات میگردد زیرا که در میان زوار آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست
و در میان اهل عرفات هست و کسیکه توفیق هیچیک از اینها را نیافته باشد
باید که در سایر بلاد غسل بکند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت
حضرت بکند و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس
مشغول دعا شوند و تا شام مشغول ذکر و دعا باشند تا در ثواب آنها شریک
چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست و احادیث در باب روزه روز عرفه
مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث باین روش کرده اند که اگر اشتباهی

در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نکند سنت است والا مکروه است
یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزه عرفه برابر است
با روزه یکسال و اگر اشتباه در ماه باشد یا با روزه از دعا کردن ضعیف
شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق منقول است که هر که در روز
عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان
و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فایز گردد
بثواب اهل عرفات و گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده گردد و شیخ مفید
رحمة الله علیه این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است
که این نماز مخصوص جمعیست که در اطراف باشند و در عرفات نباشند
و در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که چون خواهد مشغول دعا
شود اول صد مرتبه اللهُ اکبرُ و صد مرتبه اَلْحَمدُ لِلّهِ و صد مرتبه سُبحانَ
اللهِ و صد مرتبه لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ و صد مرتبه قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدٌ و صد مرتبه
سوره اِنّا اَنْزَلْناهُ بخواند و در روایت دیگر فرمود که صد مرتبه آیةَ الکُرسی
بخواند و صد مرتبه لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ بگوید و صد مرتبه اَللّهُمَّ
صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفه
کامله است از با خشوع و خضوع و تأنی و توقف بخواند که مشتمل است

بجمیع

فا ۱۵ ذی الحجه ۲۲

بجمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی رحمه الله بسند معتبر از حضرت
صادق روایت کرده است که حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین گفت
میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعای پیغمبران پیش از منست
میگوئی لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ لَهُ المُلْکُ وَلَهُ الحَمْدُ یُحْیی وَیُمیتُ
وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الخَیْرُ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّهُمَّ لَکَ الحَمْدُ کَالَّذی تَقُولُ
وَخَیْراً مِمّا نَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ وَفَوْقَ ما یَقُولُ القائِلُونَ اَللّهُمَّ لَکَ صَلوتی
وَنُسُکی وَمَحْیایَ وَمَماتی وَلَکَ بَرائَتی وَبِکَ حَوْلی وَمِنْکَ قُوَّتی اَللّهُمَّ اِنّی
اَعُوذُ بِکَ مِنَ الفَقْرِ وَمِنْ وَسْواسِ الصَّدْرِ وَمِنْ شَتاتِ الاَمْرِ وَمِنْ عَذابِ القَبْرِ
اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ الرِّیاحِ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ ما تَجیءُ بِهِ الرِّیاحُ وَاَسْئَلُکَ
خَیْرَ اللَّیْلِ وَخَیْرَ النَّهارِ اَللّهُمَّ اجْعَلْ فی قَلْبی نُوراً وَفی سَمْعی نُوراً وَفی بَصَری
نُوراً وَفی لَحْمی نُوراً وَفی دَمی وَعِظامی وَعُرُوقی وَمَقامی وَمَقْعَدی وَمَدْخَلی
وَمَخْرَجی نُوراً وَاَعْظِمْ لِیَ النُّورَ یا رَبِّ یَوْمَ اَلْقاکَ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ و از حضرت
امام رضا منقول است که این دعا را در روز عرفه بخوانند اَللّهُمَّ کَما سَتَرْتَ
عَلَیَّ ما لَمْ اَعْلَمْ فَاغْفِرْ لی ما تَعْلَمُ وَکَما وَسِعَنی عِلْمُکَ فَلْیَسَعْنی عَفْوُکَ وَکَما بَدَأْتَنی
بِالاِحْسانِ فَاَتِمَّ نِعْمَتَکَ بِالغُفْرانِ وَکَما اَکْرَمْتَنی بِمَعْرِفَتِکَ فَاشْفَعْها بِمَغْفِرَتِکَ
وَکَما عَرَّفْتَنی وَحْدانِیَّتَکَ فَاَکْرِمْنی بِطاعَتِکَ وَکَما عَصَمْتَنی مِمّا لَمْ اَکُنْ اَعْتَصِمُ مِنْهُ

الا بعصمتک فاغفر لی ما لو شئت عصمتنی منه یا جواد یا کریم یا ذا الجلال و
الاکرام و از حضرت امام موسی این دعا منقولست اللهم انی عبدک
و ابن عبدک ان تعذبنی فبامور قد سلف منی و انا بین یدیک برمتی و
ان تعف عنی فاهل العفو انت یا اهل العفو یا احق من عفی اغفر لی و
لاخوانی و از جمله دعاهای مشهور در روز عرفه دعای حضرت سید
الشهداء امام حسین صلوات الله علیه است بشر و بشیر پسران غالب اسدی
روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت آنحضرت بودیم
پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان
خود با نهایت تذلل و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک
بسوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی
که طعام طلبد و این دعا را بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم الحمد
لله الذی لیس لقضائه دافع ولا لعطائه مانع ولا کصنعه صنع صانع و هو
الجواد الواسع فطر اجناس البدائع و اتقن بحکمته الصنائع ولا تخفی علیه
الطلائع ولا تضیع عنده الودائع جازی کل صانع و رائش کل قانع و راحم کل
ضارع و منزل المنافع و الکتاب الجامع بالنور الساطع و هو للدعوات سامع
و للمطیعین نافع و للدرجات رافع و للکربات دافع و للجبابرة قامع و راحم

عبرة کل ضارع و رافع ضر عنه کل ضارع فلا اله غیره ولا شیء یعدله ولیس کمثله
شیء و هو السمیع البصیر اللطیف الخبیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم انی ارغب الیک
و اشهد بالربوبیة لک مقرا بانک ربی و ان الیک مردی ابتدأتنی بنعمتک قبل
ان اکون شیئا مذکورا و خلقتنی من التراب ثم اسکنتنی الاصلاب آمنا لریب المنون
و اختلاف الدهور فلم ازل ظاعنا من صلب الی رحم فی تقادم الایام الماضیة
و القرون الخالیة لم تخرجنی لرأفتک بی و لطفک لی و احسانک الی فی دولة
ایام الکفرة الذین نقضوا عهدک و کذبوا رسولک لکنک اخرجتنی رأفة منک و
تحننا علی للذی سبق لی من الهدی الذی له یسرتنی و فیه انشأتنی و من قبل ذلک
رؤفت بی بجمیل صنعک و سوابغ نعمک فابتدعت خلقی من منی یمنی ثم
اسکنتنی فی ظلمات ثلث بین لحم و جلد و دم و لم تشهدنی بخلقی و لم تجعل الی
شیئا من امری ثم اخرجتنی الی الدنیا تاما سویا و حفظتنی فی المهد طفلا صبیا
و رزقتنی من الغذاء لبنا طریا و عطفت علی قلوب الحواضن و کفلتنی الامهات
الرواحم و کلأتنی من طوارق الجان و سلمتنی من الزیادة و النقصان فتعالیت
یا رحیم یا رحمن حتی اذا استهللت ناطقا بالکلام اتممت علی سوابغ الانعام
و ربیتنی زائدا فی کل عام حتی اذا کملت فطرتی و اعتدلت مریرتی اوجبت
علی حجتک بان الهمتنی معرفتک و روعتنی بعجائب فطرتک و انطقتنی لما ذرأت

في سماواتك وارضك من بدائع خلقك ونبهتني لذكرك وشكرك وواجب طاعتك
وعبادتك وفهمتني ما جاءت به رسلك ويسرت لي تقبل مرضاتك ومننت
علي جميع ذلك ولطفك ثم اذ خلقتني من خير الثرى لم ترض لي يا الهي نعمة دون
اخرى ورزقتني من انواع المعاش وصنوف الرياش بمنك العظيم علي واحسانك
القديم الي حتى اذا اتممت علي جميع النعم وصرفت عني كل النقم لم يمنعك جهلي
وجرأتي عليك ان دللتني على ما يقربني اليك ووفقتني لما يزلفني لديك فان
دعوتك اجبتني وان سألتك اعطيتني وان اطعتك شكرتني وان شكرتك
زدتني كل ذلك اكمالا لانعمك علي واحسانك الي فسبحانك سبحانك من مبدئ
معيد حميد مجيد تقدست اسماؤك وعظمت آلاؤك فاي نعمك يا الهي احصي
عددا او ذكرا ام اي عطاياك اقوم بها شكرا وهي يا رب اكثر من ان يحصيها
العادون او يبلغ علما بها الحافظون ثم ما درأت وصرفت عني اللهم من
الضر والضراء اكثر مما ظهر لي من العافية والسراء وانا اشهد يا الهي
بحقيقة ايماني وعقد عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي وباطن مكنون
ضميري وعلائق مجاري نور بصري واسارير صفحة جبيني وخرق مسارب
نفسي وخذاريف مارن عرنيني ومسارب صماخ سمعي وما ضمت واطبقت
عليه شفتاي وحركات لفظ لساني ومغرز حنك فمي وفكي ومنابت

اضراسي وبلوغ حبائل بارع عنقي ومساغ مأكلي ومشربي وحمالة ام رأسي
وجمل حمائل حبل وتيني وما اشتمل عليه تامور صدري ونياط حجاب قلبي
وافلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف اضلاعي وحقاق مفاصلي و
اطراف انامل وقبض عواملي ودمي وشعري وبشري وعصبي وقصبي ومخي وعروقي
وجميع جوارحي وما انتسج على ذلك ايام رضاعي وما اقلت الارض مني ونومي
ويقظتي وسكوني وحركتي وحركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت واجتهدت
مدى الاعصار والاحقاب لو عمرتها ان اؤدي شكر واحدة من انعمك ما استطعت
ذلك الا بمنك الموجب علي شكرا انفا جديدا وثناء طارفا عتيدا اجل ولو
حرصت والعادون من انامك ان نحصي مدى انعامك سالفة وآنفة لما
حصرناه عددا ولا احصيناه ابدا هيهات انى ذلك وانت المخبر عن نفسك
في كتابك الناطق والنبأ الصادق وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها صدق
كتابك اللهم وانباؤك وبلغت انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم من وحيك
وشرعت لهم من دينك غير اني يا الهي اشهد بجدي وجهدي ومبالغ طاقتي و
وسعي واقول مؤمنا موقنا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون موروثا ولم يكن
له شريك في الملك فيضاده فيما ابتدع ولا ولي من الذل فيرفده فيما صنع
سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا وتفطرتا فسبحان

الله الواحد الحق الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد الحمد
لله حمدا يعدل حمد ملائكته المقربين وانبيائه المرسلين وصلى الله على خيرته
من خلقه محمد خاتم النبيين وآله الطيبين الطاهرين المخلصين پس شروع فرمود
آنحضرت در سؤال واهتمام نمود در دعا وآب از دیدهای مبارکش جاری بود
پس گفت اللهم اجعلني اخشاك كاني اراك واسعدني بتقواك ولا تشقني
بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك حتى لا احب تعجيل ما اخرت
ولا تاخير ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي واليقين في قلبي والاخلاص
في عملي والنور في بصري والبصيرة في ديني ومتعني بجوارحي واجعل سمعي و
بصري الوارثين مني وانصرني على من ظلمني وارزقني فيه مآربي وثاري و
اقر بذلك عيني اللهم اكشف كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي واخسا شيطاني
وفك رهاني واجعل لي يا الهي الدرجة العليا في الآخرة والاولى اللهم لك
الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك الحمد كما برأتني فعدلت فطرتي رب
بما انشأتني فاحسنت صورتي يا رب بما احسنت بي وفي نفسي عافيتني رب
بما كلأتني ووفقتني رب بما انعمت علي فهديتني رب بما اطعمتني وسقيتني رب
بما اغنيتني واقنيتني رب بما اعنتني وعززتني رب بما البستني من ذكرك الصافي
ويسرت لي من صنعك الكافي صل على محمد وآل محمد واعني على بوائق الدهر

وصروف الايام والليالي ونجني من اهوال الدنيا وكربات الآخرة واكفني شر ما
يعمل الظالمون في الارض اللهم ما اخاف فاكفني وما احذر فقني وفي نفسي وديني
فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي اهلي ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني
فبارك لي وفي نفسي فذللني وفي اعين الناس فعظمني ومن شر الجن والانس
فسلمني وبذنوبي فلا تفضحني وبسريرتي فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك
فلا تسلبني والى غيرك فلا تكلني الهي الى من تكلني الى القريب فيقطعني ام الى
البعيد فيتجهمني ام الى المستضعفين لي وانت ربي ومليك امري واشكو
اليك غربتي وبعد داري وهواني على من ملكته امري اللهم فلا تحلل بي
غضبك فان لم تكن غضبت علي فلا ابالي سواك غير ان عافيتك اوسع لي يا رب
فاسألك بنور وجهك الذي اشرقت والارض والسموات وانكشفت به
الظلمات وصلح عليه امر الاولين والآخرين ان لا تميتني على غضبك ولا
تنزل في سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك لا اله الا انت رب البلد
الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي احللته البركة وجعلته
للناس امنا يا من عفى عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من اسبغ النعم بفضله
يا من اعطى الجزيل بكرمه يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي
في كربتي يا مونسي في حفرتي يا ولي نعمتي يا الهي واله آبائي ابرهيم واسمعيل

وإسحق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل وإسرافيل ورب محمد خاتم النبيين
وآله المنتجبين ومنزل التورية والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن
الحكيم أنت كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق علي الأرض برحبها و
لولا رحمتك لكنت من الهالكين وأنت مقيل عثرتي ولولا سترك إياي لكنت
من المفضوحين وأنت مؤيدي بالنصر على الأعداء ولولا نصرك إياي لكنت من
المغلوبين يا من خص نفسه بالسمو والرفعة فأولياؤه بعزه يتعززون يا من
جعلت له الملوك نير المذلة على أعناقهم فهم من سطواته خائفون يعلم
خائنة الأعين وما تخفي الصدور وغيب ما تأتي به الأزمان والدهور
يا من لا يعلم كيف هو إلا هو يا من لا يعلمه إلا هو يا من كبس الأرض على الماء و
سد الهواء بالسماء يا من له أكرم الأسماء يا ذا المعروف الذي لا ينقطع أبدا يا مقيض
الركب ليوسف في البلد القفر ومخرجه من الجب وجاعله بعد العبودية ملكا
يا راد يوسف على يعقوب بعد أن ابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم يا كاشف
الضر والبلاء عن أيوب يا ممسك يدي إبرهيم من الذبح عن ابنه بعد أن كبر
سنه وفني عمره يا من استجاب لزكريا فوهب له يحيى ولم يدعه فردا وحيدا
يا من أخرج يونس من بطن الحوت يا من فلق البحر لبني إسرائيل فأنجاهم وجعل
فرعون وجنوده من المغرقين يا من أرسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته

يا من

يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه يا من استنقذ السحرة من بعد طول الجحود وقد
غدوا في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون غيره وقد حادوه ونادوه وكذبوا
رسله يا بديء لا بدء لك يا دائما لا نفاد لك يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا
من هو قائم على كل نفس بما كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني وعظمت عند
خطيئتي فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يشهرني يا من حفظني في صغري
يا من رزقني في كبري يا من أياديه عندي لا تحصى يا من نعمه عندي لا
تجازى يا من عارضني بالخير والإحسان وعارضته بالإساءة والعصيان
يا من هداني بالإيمان قبل أن أعرف شكر الامتنان يا من دعوته مريضا
فشفاني وعريانا فكساني وجائعا فأطعمني وعطشانا فأرواني وذليلا
فأعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا فكثرني وغائبا فردني ومقلا فأغناني
ومنتصرا فنصرني وغنيا فلم يسلبني وأمسكت عن جميع ذلك فابتدأني فلك
الحمد يا من أقال عثرتي ونفس كربتي وأجاب دعوتي وستر عورتي وغفر
ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على عدوي وإن أعد نعمك ومننك وكرائم
منحك لا أحصيها يا مولاي أنت الذي أنعمت أنت الذي أحسنت أنت الذي
أفضلت أنت الذي مننت أنت الذي أكملت أنت الذي رزقت أنت الذي
وفقت أنت الذي أعطيت أنت الذي أغنيت أنت الذي أقنيت أنت الذي

آويت انت الذي كفيت انت الذي هديت انت الذي عصمت انت الذي سترت
انت الذي اقلت انت الذي مكنت انت الذي اعززت انت الذي اعنت انت
الذي عضدت انت الذي ايدت انت الذي نصرت انت الذي شفيت انت الذي
عافيت انت الذي اكرمت تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر
واصبا ثم انا يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي انا الذي اسأت انا الذي
اغفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت انا الذي سهوت انا الذي اعتمدت
انا الذي تعمدت انا الذي وعدت انا الذي اخلفت انا الذي نكثت انا الذي اقررت
انا يا الهي اعترف بنعمتك عندي وابوء بذنوبي فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب
عباده وهو الغني عن طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته
فلك الحمد الهي امرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت نهيك فاصبحت لا ذا براءة
فاعتذر ولا ذا قوة فانتصر فبأي شيء استقبلك بسمعي ام ببصري ام بسمعي ام
بلساني ام بيدي ام برجلي اليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك فلك
الحجة والسبيل علي يا من سترني من الآباء والامهات ان يزجروني ومن العشائر
والاخوان ان يعيروني ومن السلاطين ان يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي
على ما اطلعت عليه مني اذا ما انظروني ولرفضوني وقطعوني فها انا ذا
بين يديك يا سيدي خاضعا ذليلا حصيرا حقيرا لا ذو براءة فاعتذر

ولا

ولا ذو قوة فانتصر ولا حجة لي فاحتج بها ولا قائل لم اجترح ولا اعمل سوءا وما
عسى الجحود لو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف واني ذلك وجوارحي كلها شاهدة
علي بما قد عملت وعلمت يقينا غير ذي شك انك سائلي عن عظائم الامور وانك
الحكم العدل الذي لا تجور وعدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فان
تعذبني فبذنوبي يا الهي بعد حجتك علي وان تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من المستغفرين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الموحدين لا اله الا
انت سبحانك اني كنت من الخائفين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الوجلين
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من العاملين لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الراغبين الراجين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من المهللين المسبحين
لا اله الا انت ربي ورب آبائي الاولين اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا و
اخلاصي لذكرك موحدا واقراري بآلائك معددا وان كنت مقرا اني لا احصيها
لكثرتها وسبوغها وتظاهرها وتقادمها الى حادث ما لم تزل تتعهدني
به معها مذ خلقتني وبرأتني من اول العمر من الاغناء بعد الفقر وكشف
الضر وتسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية في البدن
والسلامة في الدين ولو رفدني على قدر ذكر نعمك علي جميع العالمين من

الاولين والآخرين لما قدرت ولا فهم على ذلك تقدست وتعاليت من رب
عظيم كريم رحيم لا تحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل
على محمد وآل محمد واتمم علينا نعمك واسعدنا بطاعتك سبحانك لا اله
الا انت اللهم انك تجيب دعوة المضطر اذا دعاك وتكشف السوء وتغيث
المكروب وتشفي السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين
الكبير وليس دونك ظهير ولا فوقك قدير وانت العلي الكبير يا مطلق
المكبل الاسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك
له ولا وزير صل على محمد وآل محمد واعطني في هذه العشية افضل ما
اعطيت وانلت احدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية
تصرفها وكربة تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها
انك لطيف خبير وعلى كل شيء قدير اللهم انك اقرب من دعي واسرع من اجاب
واكرم من عفى واوسع من اعطى واسمع من سئل يا رحمن الدنيا والآخرة و
رحيمهما ليس كمثلك مسؤل ولا سواك مامول دعوتك فاجبتني وسئلتك
فاعطيتني ورغبت اليك فرحمتني ووثقت بك فنجيتني وفزعت اليك
فكفيتني اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وعلى آله الطيبين
الطاهرين اجمعين وتمم لنا نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا لك شاكرين

ولآلائك

ولآلائك ذاكرين آمين آمين رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر
فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين ومنتهى امل الراجين
يا من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين رأفة ورحمة وحلما اللهم انا نتوجه
اليك في هذه العشية التي شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك و
خيرتك من خلقك وامينك على وحيك اللهم صل على البشير النذير السراج
المنير الذي انعمت به على المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل على
محمد وآله كما محمد اهل ذلك يا عظيم فصل عليه وعلى آل محمد المنتجبين الطيبين
الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك عجت الاصوات بصنوف اللغات
واجعل لنا في هذه العشية نصيبا من كل خير تقسمه ونور تهدي به ورحمة
تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين اللهم
اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من القانطين
ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين
ولا من بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله
من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين ويا اكرم الاكرمين اليك اقبلنا موقنين
ولبيتك الحرام آمين قاصدين على مناسكنا واكمل لنا حجنا واعف
اللهم عنا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلة الاعتراف موسومة

اللهم فاعطنا في هذه العشية ما سألناك واكفنا ما استكفيناك فلا كافي
لنا سواك ولا رب لنا غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك
اقض لنا الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم الذخر ودوام اليسر
واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف عنا رأفتك
ورحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا الوقت ممن سألك فاعطيته
وشكرك فزدته وتاب اليك فقبلته وتنصل اليك من ذنوبه كلها فغفرتها
له يا ذا الجلال والاكرام اللهم ونقنا وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا
يا خير من سئل ويا ارحم من استرحم يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون ولا لحظ
العيون ولا ما استقر في المكنون ولا ما انطوت عليه مضمرات القلوب الا كل
ذلك قد احصاه علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعاليت عما يقول الظالمون
علوا كبيرا تسبح لك السموات السبع والارضون ومن فيهن وان من شيء الا يسبح
بحمدك فلك الحمد والمجد وعلو الجد يا ذا الجلال والاكرام والفضل والانعام
والايادي الجسام وانت الجواد الكريم الرؤوف الرحيم اللهم اوسع علي من
رزقك الحلال وعافني في بدني وديني وآمن خوفي واعتق رقبتي من النار
اللهم لا تستدرجني ولا تخذلني وادرأ عني شر فسقة الجن والانس پس سر و
دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرد و از دیدهٔ مبارکش آب میریخت مانند

دو دستان و بصدای بلند گفت یا اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین ویا اسرع
الحاسبین ویا ارحم الراحمین صل علی محمد وآل محمد السادة المیامین واسئلك
اللهم حاجتی التی ان اعطیتنیها لم یضرنی ما منعتنی وان منعتنیها لم ینفعنی ما
اعطیتنی اسئلك فكاك رقبتی من النار لا اله الا انت وحدك لا شریك لك
لك الملك ولك الحمد وانت علی كل شیء قدیر یا رب یا رب یا رب پس مكرر میگفت
یا رب و صدای گریه بلند شد و بار كردند و روانه جانب مشعر الحرام شدند
و سید بن طاوس ره بسند معتبر روایت كرده است از حضرت امام جعفر صادق ع
كه در روز عرفه چون زوال شمس شود نماز ظهر و عصر را بكن پس برو بمحل وقوف
و صد مرتبه الله اكبر و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله
و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس
این دعا را بخوان لا اله الا الله الحلیم الكریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان
الله رب السموات السبع ورب الارضین السبع وما فیهن وما بینهن ورب
العرش العظیم والحمد لله رب العالمین اللهم ایاك اعبد وایاك استعین اللهم
انی ارید ان اثنی علیك وما عسی ان ابلغ من مدحك مع قلة عملی وقصر رأیی و
انت الخالق وانا المخلوق وانت المالك وانا المملوك وانت الرب وانا العبد
وانت العزیز وانا الذلیل وانت القوی وانا الضعیف وانت الغنی وانا الفقیر

وانت المعطي وانا السائل وانت الغفور وانا الخاطئ وانت الحي الذي لا يموت
وانا خلق اموت اللهم انت الله لا اله الا انت رب العالمين وانت الله لا اله
الا انت العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا انت العلي العظيم وانت الله لا اله
الا انت الغفور الرحيم وانت الله لا اله الا انت مالك يوم الدين وانت الله
لا اله الا انت منك بدء الخلق واليك يعود وانت الله لا اله الا انت لم
تزل ولا تزال وانت الله لا اله الا انت خالق الجنة والنار وانت الله لا
اله الا انت خالق الجن والبشر وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد الفرد الصمد
لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد وانت الله لا اله الا انت عالم الغيب و
الشهادة الرحمن الرحيم وانت الله لا اله الا انت الملك القدوس السلام المؤمن
المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون وانت الله لا اله الا
انت الخالق البارئ المصور لك الاسماء الحسنى يسبح لك ما في السموات
والارض وانت العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا انت الكبير المتعال و
الكبرياء رداؤك اللهم انك سابغ النعماء حسن البلاء جزيل العطاء مقسط
القضاء باسط اليدين بالرحمة فتاح بالخيرات كاشف الكربات رفيع الدرجات
منزل الآيات من فوق سبع سموات عظيم البركات مخرج من في الظلمات الى
النور مبدل السيئات حسنات وجاعل الحسنات درجات اللهم انك

في ذي الحجة

دنوت في علوك وعلوت في دنوك فدنوت فليس دونك شيء وارتفعت فليس
دونك شيء وارتفعت فليس فوقك شيء ترى ولا ترى وانت بالمنظر الاعلى
فالق الحب والنوى لك ما في السموات العلى ولك الكبرياء في الآخرة و
الاولى اللهم انك غافر الذنب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا انت اليك
المصير وسعت رحمتك كل شيء وبلغت حجتك ولا معقب لحكمك وانت لا
تخيب سائلك انت الذي لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت انت الذي
اثبت كل شيء بحكمتك واحصيت كل شيء بعلمك وابرمت كل شيء بحكمك
ولا يفوتك شيء بعلمك ولا يمتنع عنك شيء انت الذي لا يعجزك هاربك
ولا ينفع صريعك ولا ينجي قبيلك انت علوت فقهرت وملكت فقدرت
وبطنت فخبرت وعلى كل شيء ظهرت علمت خائنة الاعين وما تخفي الصدور
وتعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار
انت الذي لا تنسى من ذكرك ولا تضيع من توكل عليك انت الذي لا يشغلك
ما في جو ارضك عما في جو سمواتك عما في جو ارضك انت الذي تعززت في
ملكك ولم يشركك احد في جبروتك انت الذي على كل شيء ملكك وملك
كل شيء امرك انت الذي ملكت الملوك بقدرتك واستعبدت الارباب بعزتك
وانت الذي قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بفضلك انت الذي لا

يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت الذي لا يصفك الواصفون
عظمتك ولا يستطيع المزايلون تحويلك انت شفاء لما في الصدور وهدى
ورحمة للمؤمنين انت الذي لا يخيب سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحك
مادح ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون لكل شيء والكائن بعد كل شيء
انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد ولم يكن له كفوا احد ولم تتخذ صاحبة
ولا ولدا السموات ومن فيهن لك والارضون ومن فيهن لك وما بينهن وما
تحت الثرى احصيت كل شيء واحطت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء
وانت لا تسأل عما تفعل وهم يسألون وانت الفعال لما تريد وانت القريب
وانت البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الماجد وانت الواحد و
انت العليم وانت الحكيم وانت الغني وانت الكريم وانت البار وانت الرحيم
وانت القادر وانت القاهر لك الاسماء الحسنى كلها وانت الجواد الذي
لا تبخل وانت العزيز الذي لا تبخل وانت العزيز الذي لا تذل وانت ممتنع لا
ترام يسبح لك ما في السموات والارض وانت بالخير اجود منك بالشر انت
ربي ورب آبائي الاولين انت تجيب المضطر اذا دعاك انت نجيت نوحا من الغرق
وانت غفرت لداود ذنبه وانت نفست عن ذي النون كربه وانت كشفت
عن ايوب ضره وانت رددت موسى على امه وانت صرفت قلوب السحرة اليك

فا ذي الحجة

حتى قالوا آمنا برب العالمين وانت نعمة الصالحين لا يذكر منك الا الحسن الجميل
وما لا يذكر اكثر لك الآلاء والنعم وانت المحسن المجمل لا نبلغ مدحتك ولا الثناء
عليك انت كما اثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك تباركت اسماؤك وجل
ثناؤك ما اعظم شأنك واجل مكانك وما اقربك من عبادك والطف
بخلقك وامنعك بقوتك انت اعز واجل واسمع وابصر واعلى واكبر و
اظهر واشكر واقدر واعلم واجبر واكبر واعظم واقرب واملك واوسع و
امنع واعطى واحكم وافضل واحمد من ان يدرك العباد عظمتك او يصف
الواصفون صفتك او يبلغوا غايتك اللهم انت الله الذي لا اله الا انت
اجل من ذكر واشكر من عبد وارءف من ملك واجود من سئل واوسع من
اعطى تحلم بعد ما تعلم وتعفو وتغفر بعد ما تقدر لم تطع قط الا باذنك
ولم تعص قط الا بعلمك تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا فتغفر اللهم
انت اقرب حفيظ وادنى شهيد حلت بين القلوب واخذت بالنواصي واحصيت
الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك المقادير والقلوب اليك مفضية والسر
عندك علانية والمهتدي من هديت والحلال ما احللت والحرام ما
حرمت والدين ما شرعت والامر ما قضيت تقضي ولا يقضى عليك اللهم
انت الاول فليس قبلك شيء وانت الآخر فليس بعدك شيء وانت الظاهر

فلیس فوقک شیء وانت الباطن فلیس دونک شیء وانت العزیز الحکیم اللهم
بیدک مقادیر اللیل والنهار وبیدک مقادیر النصر والخذلان وبیدک
مقادیر الدنیا والاخرة وبیدک مقادیر الموت والحیوة وبیدک مقادیر
الخیر والشر صل علی محمد وال محمد واغفر لی کل ذنب اذنبته فی ظلم اللیل و
ضوء النهار عمدا او خطاء سرا وعلانیة انک علی کل شیء قدیر وهو علیک سهل
یسیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انی اثنی علیک باحسن ما اقدر
علیه واشکرک بما مننت به علی وعلمنی من شکرک اللهم لک الحمد بمحامدک کلها
علی نعمائک کلها وعلی جمیع خلقک حتی ینتهی الحمد لک الی ما تحب ربنا وترضی
اللهم لک الحمد عدد ما خلقت لک الحمد وعدد ما ذرأت ولک الحمد عدد ما
برأت ولک الحمد عدد ما احصیت ولک الحمد عدد ما فی السموات والارضین
ولک الحمد ملاء الدنیا والاخرة پس ده مرتبه بکو لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل
شیء قدیر ده مرتبه بکو استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب
الیه پس بکو یا الله یا الله ده مرتبه بکو یا رحمن یا رحمن ده مرتبه بکو
یا رحیم یا رحیم ده مرتبه یا بدیع السموات والارض ده مرتبه بکو یا ذا الجلال
والاکرام ده مرتبه بکو یا حنان یا منان ده مرتبه بکو یا حی یا قیوم ده مرتبه

بکو

فائده مجربه

بکو بسم الله الرحمن الرحیم ده مرتبه بکو اللهم صل علی محمد وال محمد پس بکو اللهم لک
الحمد ولی الحمد وفی العهد عزیز الجند قدیم المجد الحمد لله الذی کان عرشه علی
الماء حین لا شمس تضیء ولا قمر یسری ولا بحر یجری ولا ریاح تذری ولا سماء مبنیة
ولا ارض مدحیة ولا لیل یجن ولا نهار یکن ولا عین تدمع ولا صوت یسمع ولا
جبل مرسی ولا سحاب منشی ولا انس مبرو ولا جن مذرو ولا ملک کریم ولا شیطان
رجیم ولا ظل ممدود ولا شیء معدود الحمد لله الذی استحمد الی من استحمد من اهل
محامده لیحمدوه علی ما بذل من نوافله الذی فاق مدح المادحین مآثر محامده
وعلا وصف الواصفین هیبة جلاله هو اهل لکل حمد ومنتهی کل رغبة
وقاضی کل حاجة الواحد الذی لا بدء له الملک الذی لا زوال له الرفیع الذی
لیس فوقه ناظر ذو المغفرة والرحمة المحمود لبدء نواله المعبود لحسن جلاله
المذکور بحسن الائه المنان بنعمه وفواضله المرغوب الیه فی تمام المواهب
من خزائنه العظیم الشأن الکبیر فی سلطانه العلی فی مکانه المحسن فی امتنانه
الجواد فی فواضله الحمد لله باری خلق المخلوقین بعلمه ومصور اجساد العباد
بقدرته ومخالف صور من خلق من خلقه ونافخ الارواح فی خلقه بعلمه
ومعلم من خلق من عباده اسمه ومدبر خلق السموات والارض بعظمته الذی
وسع کل شیء خلق کرسیه وعلا بعظمته فوق الاعلین وقهر الملوک بجبروته

الجبار المعبود وسلطانه المتسلط بقوته المتعالى فى دنوه المتدانى من كل
شىء فى ارتفاعه الذى نفذ بصره فى خلقه وحارت الابصار لشعاع نوره
الحمد لله الحليم الرشيد القوى الشديد المبدئ المعيد الفعال لما يريد الحمد
لله منزل الايات وكاشف الكربات ومولى الموالات الحمد لله فى كل مكان و
فى كل زمان وفى كل اوان الحمد لله الذى لا ينسى من ذكره ولا يخيب من دعاه
ولا يبدله من الاء الذى يجزى بالاحسان احسانا وبالصبر نجاتا الحمد لله الذى
له ما فى السموات وما فى الارض وله الحمد فى الاخرة وهو الحكيم الخبير الحمد لله
فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولى اجنحة مثنى وثلاث ورباع
يزيد فى الخلق ما يشاء ان الله على كل شىء قدير سبحان الله والحمد لله ولا اله الا
الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم وسبحان الله حين تمسون
وحين تصبحون وله الحمد فى السموات والارض وعشيا وحين تظهرون وسبحان
الله اناء الليل واطراف النهار وسبحان الله بالغدو والاصال وسبحان ربك
رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين والحمد لله
كما يحب ربنا وكما ينبغى حمدا كثيرا طيبا وسبحان الله كلما سبح الله شىء وكما يحب
الله ان يسبح والحمد لله كلما حمد الله شىء وكما يحب الله ان يحمد ولا اله الا الله
كلما هلل الله شىء وكما يحب الله ان يهلل والله اكبر كلما كبر الله شىء وكما يحب الله

ان يكبر ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم يس يقول ابتداء دعاء محزون اللهم
انى اسئلك يا الله يا رحمن هفت مرتبه باسمائك الرضية المرضية المكنونة يا
الله اللهم انى اسئلك باسمائك الكبيرة الكبرى يا الله اللهم انى اسئلك باسمائك
العزيزة المنيعة واسئلك باسمائك التامة الكاملة المشهورة يا الله واسئلك
باسمائك التى هى رضاك يا الله واسئلك باسمائك التى لا يرد سائلها ولا يخيب
يا الله واسئلك من مسائلك بما عاهدتنا وفى العهد يا الله ان لا تخيب يا الله
يا الله واسئلك بجملة مسائلك التى لا يفى بحملها شىء غيرك يا الله هفت مرتبه
واسئلك بكل اسم اوجبته وكل اسم هو لك وكل مسئلة حتى تنتهى الى اسمك
الاعظم الاعظم الاكبر الاكبر العلى الاعلى الذى استويت به على عرشك و
استقللت به على كرسيك وهو اسمك الفاضل الكامل الذى فضلته على
جميع اسمائك يا رحمن هفت مرتبه واسئلك بما لا اعلمه ما لو علمته لسئلتك
به يا الله وبكل اسم استاثرت به فى علم الغيب عندك يا رحمن يا رحمن ان تصلى
على محمد عبدك ورسولك ونبيك وامينك وحبيبك وصفوتك من خلقك
وخاصتك من بريتك ونجيك ونجيبك وحبيبك وصفيك وعلى اهل بيت
محمد وترحم على محمد واهل بيت محمد كافضل واجمل وازكى واطهر واعظم و
اكثر واتم ما صليت على احد من انبيائك ورسلك يا ذا الجلال والاكرام اللهم

صل على محمد وآل محمد في الأولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين وصل على
محمد وآل محمد في الملأ الأعلى وصل على محمد وآله في النبيين والمرسلين اللهم
أعط محمدا صلوات الله عليه وآله الوسيلة والفضيلة والشرف والدرجة
الرفيعة اللهم أكرم مقامه وشرف بنيانه وعظم نوره وبرهانه وبيض و
وأعل كعبه وأبلج حجته وأظهر عذره ودعوته وتقبل شفاعته كما بلغ رسالاتك
وتلا آياتك وأمر بطاعتك وأتمر بها ونهى عن معصيتك وانتهى عنها في سر
وعلانية ونصح وجاهد حق الجهاد فيك وعبدك مخلصا حتى أتاه اليقين صلواتك
عليه وعلى أهله اللهم ابعثه مقاما محمودا يغبطه عليه الأولون والآخرون
من النبيين والمرسلين اللهم استعملنا بسنته وتوفنا على ملته وابعثنا في
شيعته واحشرنا في زمرته واجعلنا من شيعته ولا تحجبنا عن رؤيته ولا
تحرمنا مرافقته حتى تسكننا غرفه وتحلنا في جوار ربنا أحببته وأحبنا
لذلك ولا تفرق بيني وبينه طرفة عين في الدنيا والآخرة اللهم صل على
محمد وآل محمد الذين أذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم افتح لهم فتحا
يسيرا وانصرهم نصرا عزيزا واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا اللهم مكن لهم
في الأرض واجعلهم أئمة واجعلهم الوارثين اللهم أرهم في عدوهم ما يأملون
وأر عدوهم منهم ما يحذرون اللهم اجمع بينهم في خير وعافية اللهم عجل الروح

والفرج

والفرج لآل محمد اللهم اجمع على الهدى أمرهم واجعل قلوبهم على قلوب خيارهم
وأصلح ذات بينهم إنك حميد مجيد اللهم إني أسألك أن تصلي على محمد وأن
تغفر لي ولوالدي وما ولدا وأعتقهما من النار وارحمهما وارضهما عني
واغفر لكل والد لي دخل في الإسلام ولأهلي وولدي وجميع قراباتي إنك
على كل شيء قدير اللهم اجعلني وجميع ورثة أبي وإخواني قبلي من أهل ولايتك
ومحبتك فإنه لا يقدر على ذلك غيرك يا رحمن اللهم أوزعني أن أشكر لك وأشكر
نعمتك التي أنعمت علي وعلى والدي وأن أعمل صالحا ترضيه وأصلح لي في
ذريتي إني تبت إليك وإني من المسلمين واجز والدي خير ما جزيت والدا عن
ولده واجعل ثوابهما عني جنات النعيم ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان ولا تجعل
في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا إنك رؤوف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين و
المؤمنات الأحياء منهم والأموات اللهم أصلح ذات بينهم واجمع على الهدى
أمرهم واجعلني وإياهم على طاعتك ومحبتك اللهم والمم شعثهم واحقن دماءهم
وول أمرهم خيارهم أهل الرأفة والعدل بينهم إنك على كل شيء قدير يا رب
يا رب يا ربا اللهم بديع السموات والأرض عالم الغيب والشهادة ذا الجلال
والإكرام والجود والقوة والسلطان والجبروت والملكوت والكبرياء و
العظمة والقدرة والمدحة والرهبة والرغبة والجود والعلو والجاه و

والطاعة والعبادة والامر والخلق وكل شيء لك يا رب العالمين يا رب يا رب يا
رب اسألك يا رب سؤال الضار عين المتضرع عين المساكين المستكينين الراغبين
الراهبين الذين لا يجدون سواك يا من يجيب المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعي
يعطي السائل اسألك يا رب سؤال من لم يجد لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا
ولا لفقره سادا غيرك اسألك سؤال من اشتدت فاقته وضعفت قوته وكثرت
ذنوبه يا ذا الجلال والاكرام يا رب يا رب يا رب اسألك يا رب مسئلة كل
سائل ورغبة كل راغب تبذل اذا دعيت اجبت وبحق السائلين عليك و
بحق صفوتك من عبادك ومنتهى العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك ان
لا تشدد رجمي بخطيئتي ولا تجعل مصيبتي في ديني واذكرني يا رب برضاك ولا تنسني
حين تنشر رحمتك واقبل علي بوجهك الكريم وامنن علي بكرامتك يا كريم العفو
واستجب دعائي وارحم تضرعي فاني يا رب فقير خائف مستجير من عذابك لا اثق
بعملي ولكني اثق برحمتك يا رب يا رب يا رب اللهم كن بي حفيا ولا تجعلني بدعائك
رب شقيا وامنن علي بعافيتك واعتق رقبتي من النار فاني لا استغيث بغيرك
واستجير بك فاجرني من كل هول ومشقة وخوف فآمن خوفي وثبت جبني وقو ضعفي
وسد فاقتي واصلح لي جميع اموري يا رب اعوذ بك من هول المطلع ومن شدة
الموقف يوم الدين فانك بر ولا يجار عليك يا رب يا رب يا رب اللهم لا تعرض

عني

عني حين ادعوك ولا تصرف عني وجهك حين اسألك فلا ارى بلي سواك واعظم
مسئلتي وآمن خوفي يوم القاك اللهم اني اعوذ بك فاعذني فاني ضعيف خائف
مستجير يا اكرم قدير يا رب يا رب يا رب اللهم اكشف ضر ما استعيذك منه و
البسني رحمتك وجللني عافيتك وآمني برحمتك فانك تجير ولا يجار عليك اللهم
اني اعوذ بك من وحشة القبر ومن خلوته ومن ظلمته وضيقه وعذابه ومن
هول ما اتخوف بعده يا رب العالمين يا رب يا رب يا رب اللهم اني اسألك
ان تصلي على محمد واهل بيته صفوتك وخيرتك من خلقك وان تستجيب لي
دعائي وتعطيني سؤلي واكفني امر آخرتي ودنياي وارحم فاقتي واغفر ذنوبي
ما تقدم منها وما تأخر وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك
عذاب النار اللهم ارزقني صلة قرابتي وحجا مقبولا وعملا صالحا مبرورا وارضا
بمن عملي به واصلح لي اهلي وولدي واسألك ان تجعل لي عقبا صالحا تلحقني
من دعائهم رضوانا ومغفرة وزيادة في كرامتك انك على كل شيء قدير وانت
ارحم الراحمين يا رب يا رب اللهم وكلما كان في قلبي من شك او ريبة
او جحود او قنوط او فرح او مرح او بطر او فخر او خيلاء او جبن او رياء او سمعة
او شقاق او كفر او فسوق او عصيان او عظمة او شيء مما لا تحب علانية او في
فاسألك بحق محمد وآل محمد ان تمحو ذلك من قلبي وتبدل لي مكانه ايمانا وعدلا

ومن هموم الدنيا والآخرة وأهوالهما واكفني اللهم نوائب عزها ونصر في جميع
شرها وثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي الآخرة إنك رؤف رحيم
وصلى الله على محمد وآله وسلم كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل يا رب يا رب يا
رب اللهم إني أسألك أن تصرف عني شر كل جبار عنيد وشيطان مريد وشر
كل ضعيف من خلقك أو شديد ومن شر السامة والهامة والأعين واللامة
والعامة ومن شر كل حمة أو كبيرة بالليل والنهار ومن شر فسقة العرب
والعجم ومن شر فسقة الجن والإنس إنك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة إلا
بالله العلي العظيم وصلى الله على خير مخلوق دعا إلى الخير ... اللهم ربنا
آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار يا رب
يا رب يا رب اللهم وما كان من خير أو عمل صالح أسألك به وأكون في رضوانك
وعافيتك وما صلح من ذلك من البر فامنن علي به إني إليك راغب وبك مستجير
اللهم ما استغفرتك منه وما لم أستغفرك منه ويوجب علي به النار وسخطك
فعافني منه وما عذبت من الخلائق يوم القيامة وسوء المطلع إلى ما في القبور
فأعذني منه اللهم وما أندم عليه من فعل له وأجازى عليه يوم المعاد
أو يرى أني في الدنيا على الحال التي تورث سخطك فأسألك بوجهك الكريم
أن تعظم عافيتي من جميع ذلك يا ولي العافية يا رب يا رب وأسألك

ورضا بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا منك وزهدا في الدنيا ورغبة
فيما عندك وثقة بك وطمأنينة إليك وتوبة إليك نصوحا يا رب يا رب
يا رب اللهم لك الحمد كما خلقتني ولم أك شيئا مذكورا أغنني عن أمر الدنيا
وبوائق الدهر ونكبات الزمان وكرور الأيام ومصيبات الليالي والأيام
واكفني شر ما يعمل الظالمون في الأرض اللهم بارك لي في قدرك ورضني بقضائك
اللهم افتح مسامع قلبي لذكرك وارزقني شكرا وتوفيقا وعبادة وخشية يا رب
العالمين يا رب يا رب يا رب اللهم الحقني إلى يوم الطاعة تدخلني بها الجنة اللهم
استجب دعائي واقبله مني واجعله دعاء جامعا أبواب رضاك فإن كل
شيء عندك بمقدار اللهم واجعله من شأنك فإنك كل يوم في شأن اللهم
واكتبه لي في عليين في كتاب لا يمحى ولا يبدل بأن تقول قد غفرت لعبدي
ما تقدم من ذنبه وما تأخر واستجبت دعوته ووهبته واصطفيته لنفسي
وكرمته وفضلته وعصمته وهديته وزكيته وأصلحته واستخلصته
وغفرت له وعفوت عنه آمين يا رب يا رب يا رب اللهم إني أتوجه إليك
بنبيك نبي الرحمة محمد صلى الله عليه وآله في خلاصي وخلاص والدي وما
ولدا وأهلي وولدي وجميع ذرية أبي وإخواني فيك وجميع المؤمنين
والمؤمنات وكل ولي دخل في الإسلام من أهوال يوم القيامة ومن شر عذاب

القبر

يا رب مع ذلك العافية من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء و
ان تحملني ما لا طاقة لي به وان تسلط علي ظالما او تبتليني بما لا طاقة لي به وتناقشني
الحساب يوم الحساب بمناقشة تساوي احوج ما اكون الى عفوك وتجاوزك
اسئلك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي في جميع ذلك يا ولي العافية اي من عفا
عن السيئات ولم يجاز بها ارحم عبدك يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله
نفسي نفسي ارحم عبدك يا سيداه عبدك بين يديك يا مولاه يا ويلاه يا مستغوثاه
يا مجري الدم في عروق عبدك يا سيداه يا مالك عبده يا سيداه يا مولاه
يا هو يا رباه لا حيلة لي ولا غناء لي عن نفسي ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا
رجاء لي ولا اجد احدا اصانعه تقطعت اسباب الخدائع عني واضمحل عني كل
باطل افردني الدهر اليك فهمت هذا المقام الهي بعلمك فكيف انت صانع بي
ليت شعري ولا اشعر كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول لا فان قلت لا فيا
ويلتاه يا ويلتاه يا ويلتاه يا عولتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه
يا شقوتاه يا ذلتاه يا ذلتاه يا ذلتاه الى من والى عند من او كيف وبماذا او الى اي
شيء ومن ارجو ومن يعود علي ان رفضتني يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما الظن
بك فطوبى لي انا السعيد فطوبى لي انا المسعود فطوبى لي انا المرحوم يا مترحم
يا مترئف يا متعطف يا متحنن يا متملك يا متسلط لا عمل لي ارجو به نجاح حاجتي

ولا

ولا احدا افقر مني اليك يا من عرفني نفسه يا من امرني بطاعته يا من دعوا المسئول
يا مطلوب اليه رفضت وصيتك التي اوصيتني ولو اطعتك لكفيتني ما قمت
اليك فيه من قبل ان اقوم وانا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما رجوت
واردد يدي ملأى من خيرك بحقك يا سيدي اولى انا من قد عرفت شر عبد و
انت خير رب يا مخشي الانتقام يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا محيط
بملكوت السموات والارض واصلح لي دنياي واصلح لي اخرتي واصلح لي اهلي
واصلح لي ولدي واصلح لي ما خولتني يا الهي واصلح لي من خطاياي باحسان يا منان
تفضل علي برحمتك وامنن علي باجابتك وصلى الله على محمد النبي واهله وسلم
وحل بيني وبين ما حلت بينه وبين اهل بيت محمد من الباطل واتنا في الدنيا
حسنة وفي الاخرة حسنة يا ارحم الراحمين ربكو بسم الله الرحمن الرحيم
والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا
تاخذه سنة ولا نوم له ما في السموات وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده
الا باذنه يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما
شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم
الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا
اله الا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا اننا امنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا

عذاب النار الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين
بالأسحار شهد الله أنه لا إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائما بالقسط
لا إله إلا هو العزيز الحكيم إن الدين عند الله الإسلام الله لا إله إلا هو
ليجمعنكم إلى يوم القيامة لا ريب فيه ومن أصدق من الله حديثا ذلكم الله ربكم
لا إله إلا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل اتبع ما أوحي إليك
من ربك لا إله إلا هو وأعرض عن المشركين قل يا أيها الناس إني رسول الله إليكم
جميعا الذي له ملك السموات والأرض لا إله إلا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله
ورسوله النبي الأمي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما
أمروا إلا ليعبدوا إلها واحدا لا إله إلا هو سبحانه عما يشركون لقد جاءكم رسول
من أنفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم فإن تولوا فقل
حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى إذا أدركه الغرق
قال آمنت أنه لا إله إلا الذي آمنت به بنوا إسرائيل وأنا من المسلمين فإن لم
يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله وأن لا إله إلا هو فهل أنتم مسلمون قل هو
ربي لا إله إلا هو عليه توكلت وإليه متاب أن أنذروا أنه لا إله إلا هو
أنا فاتقون الله لا إله إلا هو له الأسماء الحسنى فاستمع لما يوحى إنني أنا الله
لا إله إلا أنا فاعبدني وأقم الصلوة لذكري إنما إلهكم الله الذي لا إله إلا

هو وسع كل شيء علما وما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحي إليه أنه لا إله إلا
أنا فاعبدون وذا النون إذ ذهب مغاضبا فظن أن لن نقدر عليه فنادى في
الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك
نجي المؤمنين فتعالى الله الملك الحق لا إله إلا هو رب العرش الكريم الله لا إله
إلا هو رب العرش العظيم وهو الله لا إله إلا هو له الحمد في الأولى والآخرة وله
الحكم وإليه ترجعون يا أيها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق غير الله
يرزقكم من السماء والأرض لا إله إلا هو فأنى تؤفكون إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلا الله
يستكبرون ذلكم الله ربكم له الملك لا إله إلا هو فأنى تصرفون غافر الذنب وقابل
التوب شديد العقاب ذي الطول لا إله إلا هو إليه المصير ذلكم الله ربكم
خالق كل شيء لا إله إلا هو فأنى تؤفكون تبارك الله رب العالمين لا إله إلا هو
يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الأولين فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر لذنبك
وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثواكم لو أنزلنا هذا القرآن على
جبل لرأيته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس
لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن
الرحيم هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء

الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو وعلى
الله فليتوكل المؤمنون رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا یوصف
زیکو وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من
حكيم حميد زیکو امنا بالله وما انزل الينا وما انزل الى ابرهيم واسمعيل واسحق
ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى وما اوتي النبيون من ربهم لا
نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون ربنا رب السموات والارض لن ندعو من
دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي
لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق صلى الله عليهم اجمعين زیکو
السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا نبي الله السلام عليك يا خيرة
الله من خلقه وامينه على وحيه السلام عليك يا مولاي يا امير المؤمنين
انت حجة الله على خلقه وامينه على وحيه وباب علمه ووصي نبيه والخليفة
من بعده في امته لعن الله امة غصبتك حقك وقعدت مقعدك انا بريء
منهم ومن شيعتهم اليك السلام عليك يا فاطمة البتول السلام عليك يا زين
نساء العالمين السلام عليك يا بنت رسول رب العالمين صلى الله عليك
وعليه السلام عليك يا ام السبطين الحسن والحسين لعن الله امة غصبتك
حقك ومنعتك ما جعله الله لك حلالا انا بريء اليك منهم ومن شيعتهم

السلام عليك يا مولاي يا ابا محمد الحسن الزكي لعن الله امة قتلتك وبايعت
في امرك وشايعت انا بريء اليك منهم ومن شيعتهم السلام عليك يا مولاي يا
ابا عبد الله الحسين بن علي صلوات الله عليك وعلى اهل بيتك وجدك محمد المصطفى
صلى الله عليه واله لعن الله امة استحلت دمك ولعن الله امة قتلتك
واستباحت حريمك ولعن الله اشياعهم واتباعهم ولعن الله الممهدين لهم
بالتمكين من قتالكم انا بريء الى الله واليك منهم السلام عليك يا مولاي يا
ابا محمد علي بن الحسين السلام عليك يا مولاي يا ابا جعفر محمد بن علي السلام عليك
يا مولاي يا ابا عبد الله جعفر بن محمد السلام عليك يا مولاي يا ابا الحسن
موسى بن جعفر السلام عليك يا مولاي يا ابا الحسن علي بن موسى الرضا السلام
عليك يا مولاي يا ابا جعفر محمد بن علي السلام عليك يا مولاي يا ابا الحسن
علي بن محمد السلام عليك يا مولاي يا ابا القاسم الحجة بن الحسن صاحب الزمان
صلى الله عليك وعلى عترتك الطاهرة الطيبة يا موالي كونوا شفعائي الى الله
في حط وزري وخطاياي امنت بالله وبما انزل اليكم واتوالى اخركم بما اتوالى
اولكم وبرئت من الجبت والطاغوت واللات والعزى يا موالي انا سلم لمن
سالمكم وحرب لمن حاربكم وعدو لمن عاداكم وولي لمن والاكم الى يوم القيمة ولعن
الله ظالميكم وغاصبيكم ولعن الله اشياعهم واتباعهم واهل مذهبهم وابرء الى الله

والبكم منهم اللهم اني اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد محمدا صلى الله عليه وآله
وعليا والائمة من ذريتهما والثمانية حملة عرشك والاربعة الاملاك خزنة علمك
اني بريء من اعدائهم فصل على محمد وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين الصلوة والسلام
اللهم فرد علي بصلاته وصلوة اهل بيته واجعل ما هديتني اليه من الحق
والمعرفة بهم مستقرا ولا مستودعا يا ارحم الراحمين اللهم وعرفني نفسك وعرفني
رسلك وعرفني ملائكتك وعرفني ولاة امرك اللهم اني لا آخذ الا ما اعطيت
ولا اوقى الا ما وقيت اللهم لا تحرمني منازل اوليائك ولا تزغ قلبي بعد اذ هديتني
وهب لي من لدنك رحمة انك انت الوهاب وهيئ لي من امري رشدا وعلمني ما احب
الكتن بله وخلصني من المهالك اللهم وخلصني من الشيطان وحزبه ومن السلطان
وجنده ومن الجبت وانصاره بحق محمد المحمود وبعلي المقصود وبحق شبر وشبير
وبحق اسمائك الحسنى صل على محمد افضل الصلوة انك على كل شيء قدير وانت
بكل شيء محيط يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه
يا سيداه يا سيداه يا مولاه يا مولاه يا عماد من لا عماد له ويا سند من لا سند له
ويا ذخر من لا ذخر له انت ربي وانا عبدك على عهدك ووعدك اللهم اجعله
موقفا محمودا ولا تجعله آخر العهد منا واشركنا في صالح دعاء من دعاك بمنى
وعرفات ومزدلفة وعند قبر نبيك عليه السلام وعند زمزم والمقام اللهم

لك

لك الحمد حمدا يرفع اقدارنا عن شدائد النائبات في الاوساط والخواتيم والاعقاب
ولك الحمد حمدا لم تجعلنا نادمين مضطلين ولا لمدعيه تاركين من ناصبين ولا معاندين
ولا عن اهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله منحرفين اللهم كما بلغتنا هذا اليوم
المبارك من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلغنا آخرها في عافية وبلغنا
اعواما كثيرة برحمتك يا ارحم الراحمين يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله
يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا مولاه يا مولاه يا مولاه
اللهم وما قسمت لي في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي
هذه السنة من خير او بركة او عافية او مغفرة او رحمة او عتق من النار او
رزق واسع حلال طيب وتوبة نصوح فاجعل لنا في ذلك اوفر النصيب
واجزل الحظ اللهم وما انزلت في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر
وفي هذه السنة من حرق او شرق او غرق او هدم او ردم او خسف او قذف
او رجف او مسخ او صيحة او زلزلة او فتنة او صاعقة او برد او جنون او
جذام او برص او اكل سبع او ميتة سوء وجميع انواع البلاء في الدنيا و
الآخرة فاصرفه عنا كيف شئت واني شئت وعن جميع المؤمنين في كل دار و
منزل في شرق الارض وغربها عز جارك وجل ثناؤك ولا اله غيرك وحدك
لا شريك لك فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة رب كل شيء و

ملیکم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا صلی الله علیه
وآله عبده ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار حق وان الساعة آتیة
لا ریب فیها وان الله یبعث من فی القبور اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
شریک له علیها احیا وعلیها اموت وعلیها ابعث حیا ان شاء الله رضیت
بالله ربا وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه وآله نبیا وبعلی ولیا و
بالقرآن اماما وبالکعبة قبلة وبابرهیم علیه السلام لنبینا ابا وبمحمد صلی
الله علیه نبیا وبامیر المؤمنین صلوات الله علیه للحق موضحا وللجنة و
النار قاسما وبالمؤمنین من شیعته اخوانا لا اشرک بالله شیئا ولا اتخذ من
دونه ولیا ولا ادعو معه الها لا اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا
فردا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا اللهم انی اسئلک بالعظیم من الآئک والعظیم
من نعمائک والمخزون من اسمائک وبما واریت الحجب من بهائک وبمعاقد العز من
عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک وبک وحدک لا شریک لک ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان ترحم هذه النفس الجزوعة وهذا البدن الهلوع الذی لا
یطیق حر شمسک فکیف حر نارک ان تعافینی لا یزید فی ملکک شیء وان تعف
عنی لا ینقص من ملکک شیء انت یا رب بخلقک ارحم وبعبادک اعلم وبسلطانک
ارأف وبملکک اقدم وبعفوک اکرم وعلی عبادک انعم لا یزید فی ملکک طاعة

المطیعین

المطیعین ولا ینقص منه معصیة العاصین واعف عنی یا اکرم الاکرمین و
یا ارحم الراحمین لوذ بعزتک واستظل بفنائک واستجیر بقدرتک واستغیث
برحمتک واعتصم بحبلک ولا اثق الا بک ولا الجاء الا الیک یا عظیم الرجاء
یا کاشف البلاء ویا اخا من تجاوز وعفا اللهم ان ظلمی مستجیر بعفوک وخوفی
مستجیر بامانک وفقری مستجیر بغناک ووجهی البالی الفانی مستجیر بوجهک الدائم
الباقی الذی لا یفنی ولا یزول یا من لا یشغله شأن عن شأن لا تجعل مصیبتنا
فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا وعد بحلمک
علی جهلنا وباحسانک علی اسائتنا وبقوتک علی ضعفنا وبغناک علی فقرنا
واعذنا من الاذی والقذی والضر وسوء القضاء وشماتة الاعداء وسوء
المنظر فی المال والدین والاهل والولد وعند معاینة الموت اللهم یا رب
نشکو غیبة نبینا عنا وقلة ناصرنا وکثرة عدونا وشدة الزمان علینا و
وقوع الفتن وتظاهر الخلق علینا اللهم صل علی محمد وآل محمد وافرج ذلک
بفرج منک تعجله ونصر تعزه وحق تظهره اللهم وابعث بقائم آل محمد صلی الله
علیه وآله للنصر لدینک واظهار حجتک والقیام بامرک وتطهیر ارضک
من ارجاسها برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم انی اعوذ بک ان اوالی لک عدوا
او اعادی لک ولیا او اسخط لک رضا او ارضی لک سخطا او اقول للحق هذا

باطل وانزل الباطل فقد الحق وانزل للذین کفروا هؤلاء اهدی من الذین
آمنوا سبیلا اللّهم صلّ علی محمّد وآله وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة
وقنا برحمتک عذاب النار و سابقا مذکور شد که عمل استفتاح را نیز در این
روز بعمل آوردن مستحب است **فصل** در بیان اعمال آخر و شب عید قربان
و روزش ایام تشریق است یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید
اضحی از جمله چهار شب است که احیای آنها سنّت مؤکّدست و منقولست
که در این شب درهای آسمان بسته نمیشود برای آنکه صداهای دعای حاجیان
بالا رود و صدای ایشان در آسمانها پیچیده است مانند صدای مگس
عسل در میان کندو و حق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما
و شمائید بندگان من و حق مرا ادا کردید و بر من لازمست که دعای شما را
مستجاب گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همه گناهان او را میامرزد و هر که
سزاوار آمرزش نیست گناهانش را کم میکند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا
شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت
امام حسین عم در این شب سنّتست و منقولست که هر که آنحضرت را در این شب
زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود **و امّا اعمال** روز عید
غسل در آن سنّت مؤکّدست و بعضی واجب دانسته اند و بهتر آنست که پیش

ماه ذی الحجة

از نماز غسل کند و نماز عید بنابر مشهور در زمان غیبت امام علیه السلام
سنّت مؤکّدست و بگمان فقیر واجبست بشرایط مقرّره و نمازش همان
کیفیّت است که در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید
آنجا مذکور شد و دعای بسیار پیش از نماز و بعد از آن وارد شده آن
و اینها یکجا ذکر نمیتوان کرد و بهترین دعاها دعای چهل و هشتم صحیفه
کامله است که اوّلش اینست اللّهم هذا یوم مبارک و اگر دعای چهل و ششم را
که اوّلش یا من یرحم من لا یرحمه العباد است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی
از نسخ قدیمه صحیفه استحباب خواندن این دعا نیز وارد شده است و دعای
ندبه بهترین دعاهاست و در این روز و سایر اعیاد سنّت است خواندن
چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور خواهد شد و در روز
عید سنّت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود **اضحیه** احکام روز
عید قربانیست و از سنّتهای مؤکّدست و بعضی از علما واجب دانسته اند اگر
قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق عم منقولست که اضحیه واجبست
بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود البتّه بکن و از برای عیال خود اگر
خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از امّ سلمه زوجهٔ حضرت رسول الله منقولست
که بآنحضرت عرض کرد عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم

ایا قرض کنم واضحیه بکنم حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند
وبهتر آنست که در روز عید بکشد ودر روز یازدهم ودوازدهم نیز میتوان
کشت واگر در منی باشد روز سیزدهم نیز میتوان کشت وبهتر آنست که در دهه
ذی الحجه خریده باشد ومکروهست قربانی کردن حیوانیکه در خانه تربیت
کرده باشد ومیباید که شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد وحیوانات
دیگر را قربانی نمیتوان کرد واگر شتر باشد میباید پنجسال تمام داشته باشد
یا زیاده واگر گاو یا بز باشد میباید که یکسالش تمام باشد وداخل در سال
دوم شده باشد واگر دو سال تمام داشته باشد بهتر است واگر گوسفند
باشد شش ماهه کافیست واگر هفت ماه تمام داشته باشد بهتر است ومی
باید نقصی در اعضایش نبوده باشد وکور بیک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد
وبسیار لنگ نباشد که راه رفتن بر ان دشوار باشد وگوشش بریده نباشد
واگر شق شده باشد وجدا نشده باشد باکی نیست واگر شق نباشد بهتر
است وباید مغز شاخش نشکسته باشد واگر پوستش نیز نشکسته باشد
بهتر است وبهتر آنست که بیمار وبسیار پیر نباشد وسنت است که فربه
باشد وباید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش نباشد وباید خصی
نباشد یعنی خصیه اش را نبریده باشند ومکروه است که خصیه اش مالیده

باشند

فائده ذی الحجه

باشند واگر خصی بهم نرسد خصی را قربانی میتوان کرد وسنت است که اگر قربانی
شتر یا گاو باشد ماده باشد واگر گوسفند یا بز باشد نر باشد وسنت است
که خود بکشد واگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد ومدتی بکند
وطریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه
در گودال مابین گردنش فرو برد واگر بعوض ان ذبح کند حرام میشود وواجب
است که رو بقبله بدارد از او ونام خدا را ببرد وسنت است که از ایستاده
بدارد رو بقبله وهر دو دستش را از سر پا تا زانو بریسمانی اشتر بیکدیگر
بپیچد وانکه نحر میکند در جانب راست شتر بایستد وحربه را در نحرش
فرو برد واگر گاو یا گوسفند یا بز باشد باید که چهار رگ را از گردنش ببرد
وبعضی حلقوم ودو رگ بزرگ که در دو جانب حلقوم است ورگی که در
پشت حلقوم است که آب وعلف از آن رگ بجوف ان میرود واگر اینها را نحر
کند حرام میشود وسنت است که دعا بخواند در وقت کشتن چنانکه بسند
صحیح از حضرت صادق منقول است که چون قربانی را نحری روی آن بقبله کن
ودر وقت نحر یا ذبح بگو وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِیفًا
مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ إِنَّ صَلٰوتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ اَللّٰهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ

اگر بتواند نحر یا ذبح بکند و بگوید اللهم تقبل منی و فرمود که تا نمیرد سرش را جدا
مکن و چون پوست بکند سنت است که یک حصه را خود و اهل خانه اش بخورند
و بهتر است که خود با آن افطار کند و یک حصه را برای همسایگان بهدیه بفرستند
و اگر پریشان باشد بهتر است و یک حصه را بفقرا و سؤال کنندگان بدهد
و اگر اکثر را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنت است که پوست و کله و جمیع
اجزای حلال آن را تصدق کند و تصرف نکند و بقصاب ندهد مگر آنکه
قصاب پریشان باشد و بتصدق باو بدهد و در حدیث صحیح وارد شده
است که پوستش را میتواند دباغت کند و بر روی او نماز کند و بنشیند
و اگر گوسفند یافت نشود سنت است که قیمت وسطش را تصدق کند و
اگر یک حیوان برای خود و عیال بکشد کافیست و اگر یکی برای خود و یکی
از برای عیال بکشد بهتر است و اگر بعدد عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد
بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن
خوبست و اگر از برای حضرت رسول و ائمه صلوات الله علیهم قربانی کند تمام
خوبست و منقولست که حضرت رسول دو گوسفند قربانی کردند و در اولی
فرمودند که خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من
و در دویم فرمودند که خداوندا این از من و از هر که قربانی نکرده است از امت

من وحضرت

من و حضرت امیر المؤمنین هر سال اول یک گوسفند قربانی میکرد و میفرمود
که خداوندا این از پیغمبر تو است پس یک گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود
و اگر جمعی قادر نباشند که هر یک قربانی جدا بکنند جایز است که با یکدیگر شریک
شوند تا هفت نفر بلکه تا هفتاد نفر و حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در
ایام معدودات یعنی در روز چند شمرده شده و در احادیث چند معتبر
منقولست که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقیب
پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح روز سیزدهم و
در سایر شهرها عقیب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم
و مشهور استحبابست و بعضی واجب دانسته اند و افضلش بعد از هر نماز تکبیره
است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق
تکبیر موافق حدیث صحیح اینست اللهُ اکبرُ اللهُ اکبرُ لا اله الا اللهُ واللهُ اکبرُ اللهُ
اکبرُ ولله الحمدُ اللهُ اکبرُ علی ما هدانا اللهُ اللهُ اکبرُ علی ما رزقنا من بهیمة الانعام
والحمدُ لله علی ما ابلانا **فصل چهارم** در فضایل و اعمال شب و روز عید غدیر
است و عید غدیر که مجملهم اینها هست و عظیم ترین اعیادات و احادیث از
طرق عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد و احصاست
و در این مقام بچند حدیث اکتفا مینماید بسند معتبر از حضرت امام رضا

منقولست که چون روز قیامت شود چهار روز را بسوی عرش الهی برند بآن زینت
تمام مانند عروس بکاور اینخانه داماد این روز عید اضحی و روز عید فطر
و روز جمعه و روز عید غدیر و روز غدیر در میان آنها ماه باشد در میان
ستارکان و آن روزیست که ابراهیم خلیل الله را از آتش نجات داد و این روزرا
روزه داشت برای شکر چون این روزیست که خدا در آن روز کامل کردانید
دین را بآنکه حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین را نصب کرد بخلافت و فضیلت
او را و وصی بودن او را ظاهر کردانید برای مردم پس روزه داشت این روزرا
و این روز کامل شدن دینست و روزیست که بینی شیطان بر خاک مالیده
شده است و روزیست که اعمال شیعیان و دوستداران آل محمد در این روز
مقبول میشود و این روزیست که حق تعالی عملهای مخالفان و سیئات ایشانرا باطل میکرداند
مانند ذرهها که در میان هوا پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز و جل
امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت خدا را بر بیت المعمور و جبرئیل
بر آنکرسی بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا می
کنند بر محمد و آل محمد و استغفار میکنند برای شیعیان امیر المؤمنین و ائمه
طاهرین علیهم السلام و دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست
که امر میکند حق تعالی ملائکه نویسندکان اعمال را که قلم را بردارند از محبان

اهل بیت

اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز عید غدیر و ننویسند هیچ خطا
و کناه ایشان از برای کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که
خدا مخصوص محمد و آل او و شیعیان ایشان کردانیده و این روزیست که خدا
زیاده میکرداند مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد
روزی بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را آزاد میکرداند از آتش جهنم
و این روزیست که خدا سعی شیعیانرا شکر میکند یعنی مزد میدهد و کناه
ایشانرا میامرزد و عمل ایشانرا قبول و این روزیست که خدا غمهای شیعیانرا
زایل میکرداند و کناه ایشانرا کم میکند و روز بخشش است و فیروزی و روز عظیمست
و روز پهن کردن علم امت و روز بشارتست و روز عید بزرکست و روزیست
که دعاها در آن مستجاب میکردد و روز موقف بزرکست و روز پوشیدن جامهای
نیکوست و روز بخشیدن کناهان شیعیان امیر المؤمنین است و روزیست که
بسیار صلوات باید فرستاد بر محمد و آل محمد و روز خشنودی است و روز
عید اهل بیت محمد است و روز قبول اعمالست و روز طلب زیادتی ثوابست
و روز استراحت مؤمنانست و روز سودای ایشانست و روز دوستی کردن
شیعیانست با یکدیکر و روز رسیدن رحمت خداست و روز [illegible] و
کناهانست و روز عبادتست و روز افطار فرمودن روزه داران است پس

هر که روزه دارد در این روز افطار فرماید چنان است که ده فئام را اطعام کرده
باشد و هر فئامی صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکباد است پس هر
مؤمن که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید الحمد لله الذی جعلنا من
المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة علیهم السلام یعنی حمد و سپاس خداوند
را سزاست که گردانید ما را از آنها که چنگ زده اند در ولایت و محبت پادشاه
مؤمنان و ائمه علیهم السلام و این روز تبسم است در روی مؤمنان پس هر که تبسم
کند در روی برادر مؤمن خود در روز غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت
بسوی او برحمت و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او
قصری از در سفید و روی او را نورانی گرداند و این روز زینت است
پس هر که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او هر گناهی
که کرده است از صغیره و کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که
بنویسند برای او حسنات و بلند گردانند برای او درجات تا سال آینده
مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته باشد
و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعامی دهد در این روز
مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که
دیدن کند مؤمنی را در این روز داخل گرداند خدا در قبر او هفتاد نور و

قبرش

قبرش را گشاده گرداند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار ملک
و بشارت دهند او را به بهشت و چون روز غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت
و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانهای هفتگانه پس پیشی گرفتند باقرار آن
اهل آسمان هفتم پس زینت داد آن را بعرش پس بعد از آن سبقت گرفتند اهل آسمان
چهارم پس زینت داد آن را ببیت المعمور پس سبقت گرفت باقرار آن اهل آسمان
اول پس آن را زینت بخشید بستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها
پس پیشی گرفت بآن مکه معظمه پس زینت داد آن را بکعبه پس پیشی گرفت مدینه
طیبه پس زینت داد آن را بمحمد مصطفی پس سبقت گرفت بسوی آن شهر کوفه
پس زینت داد آن را بقبر حضرت امیر المؤمنین پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها
پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت
و باین سبب این جواهر در آنها بهم رسید پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و
باین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها گردیدند و هر یک که اقرار
نکرد معدن هیچ چیز نگردید و باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را
بر آبها هر چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس
عرض کرد ولایت ما را بر مرغان پس هر مرغ که قبول کرد سخن گو و خوش آواز
و هر یک که قبول نکرد لال و بد آواز گردید و مثل مؤمنان در قبول کردن

ولایت امیرالمؤمنین در روز غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن
سجده حضرت آدم و مثل آنها که قبول ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر
مانند مثل شیطانست در قبول نکردن سجده آدم و در روز غدیر این آیه
نازل شد اَلْیَوْمَ اَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَرَضِیتُ لَکُمُ الْاِسْلامَ
دِیناً یعنی امروز کامل کردانیدم از برای شما دین شما را و تمام کردانیدم بر شما
نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای شما پس حضرت فرمود که نفرستاد
خدا پیغمبری را مگر آنکه وصی و خلیفه خود را در این روز نصب کرده است
و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق پرسیدند که آیا
مسلمانان را عیدی هست بغیر جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که
از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت که کدام عید است فرمود که آن روزیست
که نصب کرد رسول خدا امیرالمؤمنین را بخلافت خود و فرمود که هر کرا من
مولا و آقای اویم علی مولا و آقا و پیشوای اوست و آن روز هژدهم ذی الحجه
است راوی گفت که چکار در آن روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید
و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت
کرد رسول خدا امیرالمؤمنین را که این روز را عید کردانند و هر پیغمبری وصی
خود را وصیت میکرد که این روز را عید کردانند و در روایت دیگر فرمود

که روزه روز غدیر کفاره شصت ساله است و در روایت دیگر منقولست
که مفضل از حضرت صادق پرسید که امر میکنی مرا که روز غدیر را روزه
بدارم فرمود آری والله آری والله آری والله بدرستیکه در این روز خدا
توبه حضرت آدم را قبول کرد و بشکر آن این روز را روزه داشت و در این
روز خدا حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و بشکر آن این روز را روزه داشت
و در این روز حضرت موسی هرون را وصی خود کردانید و این روز را بشکر این
نعمت روزه داشت و در این روز حضرت عیسی وصیت وصی خود شمعون
الصفا را ظاهر کردانید و این روز را بشکر حق تعالی روزه داشت و در این روز
حضرت رسول حضرت امیرالمؤمنین را خلیفه و جانشین خود کردانید و
این روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روزه داشتن است و
روز عبادتست و روز طعام دادنست و روز نیکو کردنست با برادر
مؤمن و روزیست که خدا از مؤمنان خشنود میکردد و بینی شیطان بر خاک
مالیده میشود و بسند معتبر از ابی نصر منقولست که گفت روزی در
خدمت امام رضا بودیم و جماعت بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر
مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرش
روایت کرد که روز غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین و بدرستیکه خدا

باید در فردوس اعلی قصری هست که یک خشت از طلاست و یک خشت از نقره و در
آن قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت
سبز و خاکش مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب
و نهری از آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور آن درختان از
انواع میوه‌ها و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند بدنهای آنها از
مروارید است و بالهای آنها از یاقوت و بانواع نغمها خوانندگی میکنند
چون روز عید غدیر میشود در آن قصر حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها
و تسبیح و تقدیس و تهلیل خدا میکنند و آن مرغان پرواز میکنند در میان
آب فرو میروند و بر آن مشک و عنبر میغلطند و چون ملائکه جمع شدند
پرواز میکنند مشک و عنبر بر سر ایشان میافشانند و در این روز نثار
حضرت فاطمه صلوات الله علیها را که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی
و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر بهدیه میفرستند و چون آخر
روز میشود از جانب رب اعلی ندا بایشان میرسد که برگردید بسوی درجها
و مرتبهای خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه و خطا و لغزش تا مثل این روز
از سال آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما پس حضرت فرمود
ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیرالمؤمنین حاضر

شوی بدرستیکه خدا در این روز میامرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه
شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد
کرده است در ماه رمضان و شب قدر و یک درهم که در این روز به برادران
مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن
در این روز به برادران مؤمن خود و شاد گردان هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را بخدا
سوگند که اگر مردم فضیلت این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه دست
ملائکه با ایشان مصافحه کنند و زیارت حضرت امیرالمؤمنین در این روز
فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و موافق روایت صفوانی و غیر آن
اگر از دور زیارت کنند دو رکعت نماز بجا آورند و در رکعت اول سورهٔ
انا انزلناه و در رکعت دویم سورهٔ قل هو الله بخوانند پس این دعا را بخوانند
اللّهمّ صلّ علی ولیّک و اخی نبیّک و وزیره و حبیبه و خلیله و موضع سرّه
و خیرته من اسرته و وصیّه و صفوته و خالصته و امینه و ولیّه و اشرف
عترته الّذین آمنوا به و ابی ذرّیّته و باب حکمته و النّاطق بحجّته و الدّاعی
الی شریعته و الماضی علی سنّته و خلیفته علی امّته سیّد المسلمین
و امیر المؤمنین و قائد الغرّ المحجّلین افضل ما صلّیت علی احد من خلقک و
اصفیائک و اوصیاء انبیائک اللّهمّ انّی اشهد انّه قد بلّغ عن نبیّک صلّی

الله عليه وآله ما حمل ورعى ما استحفظ وحفظ ما استودع وحلل حلالك
وحرم حرامك وأقام أحكامك ودعا إلى سبيلك ووالى أولياءك وعادى
أعداءك وجاهد الناكثين عن سبيلك والقاسطين والمارقين عن أمرك
صابراً محتسباً مقبلاً غير مدبر لا تأخذه في الله لومة لائم حتى بلغ في ذلك
الرضا وسلم إليك القضاء وعبدك مخلصاً ونصح لك مجتهداً حتى أتاه اليقين
فقبضته إليك شهيداً سعيداً ولياً تقياً رضياً زكياً هادياً مهدياً اللهم
صل على محمد وعليه أفضل ما صليت على أحد من أنبيائك وأصفيائك يا
رب العالمين واگر اشاره کند بانگشت شهادت بجانب قبر شریف آنحضرت
واین زیارت بخواند بهتر است السلام عليك يا أمير المؤمنين ورحمة الله
وبركاته السلام عليك يا أمين الله في أرضه وحجته على عباده أشهد أنك قد
جاهدت يا أمير المؤمنين في الله حق جهاده وعملت بكتابه واتبعت سنن
نبيه صلى الله عليه وآله حتى دعاك الله إلى جواره فقبضك إليه باختياره
لك كريم ثوابه وألزم أعداءك الحجة في قتلهم إياك مع ما لك من الحجج البالغة
على جميع خلقه اللهم صل على محمد وآله واجعل نفسي مطمئنة بقدرك راضية
بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة أوليائك محبوبة في أرضك
وسمائك صابرة عند نزول بلائك شاكرة لفواضل نعمائك ذاكرة لسوابغ

آلائك مشتاقة إلى فرحة لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن
أوليائك مفارقة لأخلاق أعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم
إن قلوب المخبتين إليك والهة وسبل الراغبين إليك شارعة وأعلام القاصدين
إليك واضحة وأفئدة العارفين منك فازعة وأصوات الداعين إليك صاعدة
وأبواب الإجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاك مستجابة من أناب إليك مقبولة
وعبرة من بكى من خوفك مرحومة والإغاثة لمن استغاث بك موجودة والإعانة
لمن استعان بك مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلل من استقالك
مقالة وأعمال العاملين لديك محفوظة وأرزاقك إلى الخلائق من لدنك نازلة
وعوائد المزيد إليهم واصلة وذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج خلقك
عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة وعوائد المزيد متواترة و
عوائد المستطعمين معدة ومناهل الظماء لديك مترعة اللهم فاستجب دعائي
واقبل ثنائي واجمع بيني وبين أوليائي واحبائي بحق محمد وعلي وفاطمة و
الحسن والحسين والأئمة من ذرية الحسين أجمعين إنك ولي نعمائي ومنتهى
مناي وغاية رجائي في منقلبي ومثواي واگر بعد از نماز اول این زیارت را
بعمل آورد و آخر این دعا را بخواند شاید بهتر باشد و شب غدیر شب بسیار
مبارکیست و در شب مناسب است که این زیارت بعمل آورند و نمازی در

ایت وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم واما فضیلت
روزه داشتن وتصدق کردن وافطار روزه دار نمودن در این روز و
در ابواب احادیث بسیار است از جمله انها این روایت که حضرت
صادق فرمود که روزه روز عید غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر
کسی بقدر تمام دنیا عمر یابد وروزه بدارد روزه این روز برابر است با
ثواب آن روزه این برابر است نزد خدا با صد حج وصد عمره واین عید بزرگ
خداست وخدا نفرستاده است پیغمبری را مگر انکه این روز را عید کرده است
وحرمت انرا دانسته است ونامش در اسمان روز عید معهود است ونامش
در زمین روز میثاق ماخوذ وجمع مشهود است وهر که در این روز مومنی
را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد که هر فئام صد
هزار کس است وثواب کسی دارد که طعام دهد واب دهد وباین عدد
که مذکور شد از پیغمبران واوصیای ایشان وشهیدان در سال قحط
ویک درهم که در این روز تصدق کنند برابر است با صد هزار درهم که در
روزهای دیگر تصدق کنند پس فرمود که شاید گمان کنی که خدا روزی
خلق کرده است که حرمتش از این روز بیشتر باشد نه والله نه والله نه والله
وبروایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است با شصت ماه از ماههای

حرام که روزه بدارند وفرمود که روز عید وسرور وشادیست وبسند
معتبر از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز عید غدیر در خدمت
حضرت امام رضا بودم وانحضرت در ان روز مخصوصان وخویشان
واصحاب خود را جمع کرده بود وایشان را نگاه داشته بود که در شب افطار
کنند وبخانهای ایشان طعام وزرها وخلعتها فرستاد حتی انگشتر
وکفش نیز فرستاد وبرای ایشان خلعتهای فاخر شفقت فرمود وملازمان
وخدمتکاران خود را جامههای نو بسیار نفیس پوشانیده بود وفضیلت
این روز را از برای مردم نقل میفرمود از جمله آنها گفت در بعضی از
سالهای خلافت حضرت امیر المومنین روز جمعه با عید غدیر در یک
روز جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت
وخطبه طولانی خواند وفضایل روز عید غدیر را بسیار بیان فرمود
ونامهای بسیار از برای این روز ذکر کرد پس فرمود که بعد از انقضاء
این مجمع برگردید بخانهای خود وتوسعه کنید بر عیال خود واحسان ونیکی
کنید نسبت ببرادران مومن خود ودر خانهای خود برادران مومن را جمع
کنید ونیکوئی کنید نسبت بایشان ویکدیگر را تهنیت ومبارکباد بگوئید
ونیکی واحسان کردن در این روز مال وعمر را زیاد میکند ومهربانی با

یکدیگر کردن موجب مزید رحمت الهیست و باید اینها نیز بسیاری احسان کنند
با عیال خود و برادران مؤمن خود را اظهار شادی و خوشحالی کنند و هر که
امید احسان از شما دارد در حق او تقصیر مکنید و ضعیفان و فقیران
و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید بدرستیکه دادن یکدرهم در این روز
برابر است با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده بر عطا میکند و روزه
این روز را حق تعالی سنت کردانیده و ثواب او را مانند ثواب کسی کردانیده که
از اول دنیا تا آخر دنیا عبادت کند بانکه روزها روزه بدارد و شبها
بعبادت بایستد و کسیکه اوی در حاجت برادر مؤمن را پیش از آنکه اظهار
کند و از روی رغبت و خواهش با او نیکی کند چنان باشد که این روز را
روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر که در این شب مؤمنی
را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و شهید و صدیق را
افطار فرموده باشد پس چگونه باشد ثواب کسیکه متکفل احوال چند
نفر از مردان مؤمن و زنان مؤمنه شود و هر گاه چنین کند من ضامنم بر
خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آنشب یا در آن روز
یا بعد از آن تا عید آینده بدون آنکه کبیره بنا بربدی بکند البته آمرزیده
است و هر که قرضی بکند در این روز برای برادران خود من ضامنم بر خدا که

اگر ادا

که اگر او را زنده بدارد با تمام ادای قرضش را از او متحمل شود و از دوشش بردارد
و چون با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه کنید و بر این نعمتهای یکدیگر را تهنیت
بگوئید و آنچه گفتم حاضران بغایبان بگوئید و توانگران رعایت کنند
فقیران را و قوی با دستگیری کنند ضعیفان را حضرت رسول خدا مرا بهمه آنها
امر فرموده و بدانکه غسل در اول این روز سنت مؤکدات و اما کیفیت نماز
روز عید غدیر نماز مشهور چنانست که از حضرت صادق روایت کرده اند
که در این روز نیم ساعت پیش از زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر
رکعت سوره حمد یکمرتبه و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ و اِنّا اَنْزَلْناهُ و آیة الکرسی تا هُمْ
فِیها خالِدُونَ هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار
حج و صد هزار عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرة که از خداوند کریم
سوال کند البته باسانی و عافیت برآورده شود و چون برادر مؤمن را
ملاقات کنی بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی اَکْرَمَنا بِهذَا الْیَوْمِ وَجَعَلَنا مِنَ الْمُوفِینَ بِعَهْدِهِ
الَّذی عَهِدَهُ اِلَیْنا وَمِیثاقِهِ الَّذی واثَقَنا بِهِ مِنْ وِلایَةِ وُلاةِ اَمْرِهِ وَالْقُوّامِ
بِقِسْطِهِ وَلَمْ یَجْعَلْنا مِنَ الْجاحِدِینَ وَالْمُکَذِّبِینَ بِیَوْمِ الدِّینِ یعنی سپاس خدا
وندیرا سزاست که ما را گرامی داشت در این روز و گردانید ما را از ایمان
آورندگان و گردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد گرفته

است بر ما و پیمانی که محکم کرد اید بر ما که ولایت والیان امر ایشانست
و آنها که حکم میکنند بعد الک در میان خلق و نکردانید ما را از انکار
کنندکان و تکذیب کنندکان بر روز جوار فرزند که بعد از نماز این دعا
بخواند ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا
فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا
علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک و
کفی بک شهیدا واشهد ملائکتک وانبیائک وحملة عرشک وسکان سمواتک
وارضک بانک انت الله لا اله الا انت المعبود فلا نعبد سواک فتعالیت
عما یقول الظالمون علوا کبیرا واشهد ان محمدا عبدک ورسولک واشهد ان
امیر المؤمنین عبدک ومولانا ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادی رسولک
صلی الله علیه وآله اذ نادی بندآء عنک بالذی امرته ان یبلغ ما انزلنا
الیه من ولایة ولی امرک فحذرته وانذرته ان لم یبلغ ما امرته به ان تسخط
علیه ولما بلغ رسالاتک عصمته من الناس فنادی مبلغا عنک الا من
کنت مولاه فعلی مولاه ومن کنت ولیه فعلی ولیه ومن کنت نبیه فعلی
امیره ربنا قد اجبنا داعیک النذیر محمدا عبدک ورسولک الی الهادی
المهدی عبدک الذی انعمت علیه وجعلته مثلا لبنی اسرائیل علی امیر

المؤمنین ومولاهم وولیهم ربنا واتبعنا مولانا وولینا وهادینا وداعینا و
داعی الانام وصراطک المستقیم وحجتک البیضاء وسبیلک الداعی الیک
علی بصیرة هو ومن اتبعه وسبحان الله عما یشرکون واشهد انه الامام
الهادی الرشید امیر المؤمنین الذی ذکرته فی کتابک وقولک الحق وانه
لدیک وانه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم اللهم فانا نشهد بانه عبدک
الهادی بعد نبیک النذیر المنذر وصراطک المستقیم وامیر المؤمنین و
قائد الغر المحجلین وحجتک البالغة ولسانک المعبر عنک فی خلقک وانه
القائم بالقسط فی بریتک ودیان الدین وخازن علمک وامینک المامون
الماخوذ میثاقه ومیثاق رسولک علیهما السلام من جمیع خلقک وبریتک
شاهدا بالاخلاص لک والوحدانیة والربوبیة بانک انت الله لا اله
الا انت وان محمدا عبدک ورسولک وان علیا امیر المؤمنین جعلته ولیک
والاقرار بولایته تمام وحدانیتک وکمال دینک وتمام نعمتک علی جمیع
خلقک وبریتک فقلت وقولک الحق الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم
نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا فلک الحمد بموالاته واتمام نعمتک علینا
بالذی جددت من عهدک ومیثاقک وذکرتنا وجعلتنا من اهل الاخلاص
والتصدیق بمیثاقک ومن اهل الوفاء بذلک ولم تجعلنا من اتباع المغیرین

والمبدلين والمحرفين والمنكبين اذان الانعام والمغيرين خلق الله ومن الذين
استحوذ عليهم الشيطان فانسيهم ذكر الله وصدهم عن السبيل والصراط المستقيم
اللهم العن الجاحدين الناكثين والمغيرين والمبدلين والمكذبين بيوم الدين
من الاولين والآخرين اللهم فلك الحمد على انعامك علينا بالهدى الذي هديتنا
به وولاية امرك من بعد نبيك صلى الله عليه وآله الائمة الهداة الراشدين
واعلام الهدى ومنار القلوب والتقوى والعروة الوثقى وكمال دينك و
تمام نعمتك ومن بهم وبموالاتهم لنا الاسلام دينا ربنا فلك الحمد آمنا و
صدقنا بمنك علينا بالرسول النذير المنذر والينا وليهم وعادينا عدوهم
وبرئنا من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما كان ذلك من شانك
يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو كل يوم في شان اذ اتممت علينا
نعمتك بموالاة اوليائك المسئول عنهم عبادك فانك قلت ثم لتسئلن يومئذ
عن النعيم وقلت وقولك الحق وقفوهم انهم مسئولون ومننت علينا بشهادة
الاخلاص وبولاية اوليائك الهداة بعد النذير المنذر السراج المنير
فاكملت لنا بهم الدين واتممت علينا النعمة وجددت لنا عهدك وذكرتنا
ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك ايانا وجعلتنا من اهل الاجابة ولم
تنسنا ذكرك فانك قلت واذ اخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم

على

على انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك فانك انت الله لا اله
الا انت ربنا ومحمد عبدك ورسولك نبينا وعلي امير المؤمنين عبدك
الذي انعمت به علينا وجعلته آية لنبيك صلى الله عليه وآله وآيتك الكبرى
وصراطك المستقيم والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعنه مسئولون
اللهم فكما كان من شانك ان انعمت علينا بالهداية الى معرفتهم فليكن من شانك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا به و
ذكرتنا فيه عهدك وميثاقك واكملت ديننا واتممت علينا نعمتك و
جعلتنا بمنك من اهل الاجابة والبراءة من اعدائك واعداء اوليائك
المكذبين بيوم الدين فاسئلك يا رب تمام ما انعمت وان تجعلنا من الموفين
ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا قدم صدق مع المتقين واجعلنا من المتقين
اماما يوم ندعوا كل اناس بامامهم واحشرنا في زمرة اهل بيت نبيك الائمة
الصادقين واجعلنا من البراءة من الذين هم دعاة الى النار ويوم القيمة
هم من المقبوحين واحينا على ذلك ما احييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلا
واجعل لنا قدم صدق في الهجرة اليهم واجعل محيانا خير المحيا ومماتنا خير
الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك
حتى توفانا وانت عنا راض قد اوجبت لنا جنتك برحمتك يا ارحم الراحمين

والمثوبة من جوارك في دار المقامة من فضلك لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا
فيها لغوب ربنا اغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا
وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد اللهم
اشهدنا مع الائمة الهداة من آل رسولك نؤمن بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم
وغائبهم اللهم اني اسئلك بالحق الذي جعلته عندهم وبالذي فضلتهم
على العالمين جميعا ان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا فيه بالموافاة
بعهدك الذي عهدته الينا وبالميثاق الذي واثقتنا به من موالاة اوليائك
والبرائة من اعدائك ان تتم علينا نعمتك ولا تجعله مستودعا واجعله مستقرا
ولا تسلبناه ابدا ولا تجعله مستعارا وارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي
الى الهدى وتحت لوائه وفي زمرته شهداء صادقين على بصيرة من دينك انك
على كل شيء قدير واگر این عمل براو دشوار باشد این روایت عمل کند که شیخ
مفید و دیگران از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که در روز غدیر
دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد و اگر نزدیک بزوال بکند که در
آن ساعت حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین را در غدیر خم برای مردم بامامت
وخلافت نصب کرد بهتر است یعنی هر سوره که خواهد و اگر در رکعت اول
انا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله بخواند چنانچه در روایت معتبر

آمده است پس بسجده رود و صد مرتبه شکرا لله یا شکرا بگوید و چون سر از
سجده بر دارد این دعا را بخواند اللهم اني اسئلك بان لك الحمد وحدك لا شريك
لك وانك واحد احد صمد لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد وان محمدا عبدك
ورسولك صلواتك عليه وآله يا من هو كل يوم في شأن كما كان من شأنك
ان تفضلت علي بان جعلتني من اجابتك واهل دينك دعوتك ووفقتني لذلك
في مبتداء خلقي تفضلا منك وكرما وجودا ثم اردفت الفضل فضلا والجود
جودا والكرم كرما رأفة منك ورحمة الى ان جددت ذلك العهد لي تجديدا
بعد تجديدك خلقي وكنت نسيا منسيا ناسيا ساهيا غافلا فاتممت نعمتك
بان ذكرتني ذلك ومننت به علي وهديتني له فليكن من شأنك يا الهي
وسيدي ومولاي ان تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى توفاني على ذلك وانت
عني راض فانك احق المنعمين ان تتم نعمتك اللهم سمعنا واجبنا داعيك
فلك الحمد غفرانك ربنا واليك المصير آمنا بالله وحده لا شريك له وبرسوله
محمدا صلى الله عليه وآله وصدقنا واجبنا داعي الله واتبعنا الرسول
في موالاة مولانا ومولى المؤمنين امير المؤمنين علي بن ابي طالب عبد الله
واخي رسوله والصديق الاكبر والحجة على بريته المؤيد به نبيه ودينه
الحق المبين علما لدين الله وخازنا لعلمه وعيبة غيب الله وموضع سر الله

وأمين الله على خلقه وشاهده في بريته اللهم ربنا إننا سمعنا مناديا
ينادي للإيمان أن آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا
وتوفنا مع الأبرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة
إنك لا تخلف الميعاد فإنا يا ربنا بمنك ولطفك أجبنا داعيك واتبعنا
الرسول وصدقناه وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا بالجبت والطاغوت
فولنا ما تولينا واحشرنا مع أئمتنا فإنا بهم مؤمنون موقنون ولهم مسلمون
آمنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم وحيهم وميتهم ورضينا بهم أئمة
وقادة وسادة وحسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا نبتغي بهم
بدلا ولا نتخذ من دونهم وليجة وبرئنا إلى الله من كل من نصب لهم حربا من الجن
والإنس من الأولين والآخرين وكفرنا بالجبت والطاغوت والأوثان
الأربعة وأشياعهم وأتباعهم وكل من والاهم من الجن والإنس من أول
الدهر إلى آخره اللهم إنا نشهدك أنا ندين بما دان به محمد وآل محمد صلى الله عليه
وعليهم وقولنا ما قالوا وديننا ما دانوا به ما قالوا به قلنا وما دانوا به دنّا
وما أنكروا أنكرنا ومن والوا والينا ومن عادوا عادينا ومن لعنوا لعنا ومن
تبرؤوا منه تبرأنا منه ومن ترحموا عليه ترحمنا عليه آمنا وسلمنا ورضينا
واتبعنا موالينا صلوات الله عليهم اللهم فتمم لنا ذلك ولا تسلبناه واجعله

مستقرا ثابتا عندنا ولا تجعله مستعارا وأحينا ما أحييتنا عليه وأمتنا إذا
أمتنا عليه آل محمد أئمتنا فبهم نأتم وإياهم نوالي وعدوهم عدو الله نعادي
فاجعلنا معهم في الدنيا والآخرة ومن المقربين فإنا بذلك راضون يا أرحم
الراحمين دیگر باز سجده رود و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکر الله
بگوید پس حضرت فرمود که هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که
در روز غدیر نزد حضرت رسول حاضر شده باشد و با حضرت رسول و
امیر المؤمنین صلوات الله علیهما بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد و
درجه او در بهشت با درجه راستگویان و تصدیق کنندگان باشد که
تصدیق خدا و رسول هر آینه نموده از روی اخلاص کرده مانند سلمان و
ابوذر و مقداد رضی الله عنهم و مانند کسی باشد که شهید شده باشد با
حضرت رسول الله و امیر المؤمنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم و مانند
کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر و در زیر خیمه آنحضرت بوده
باشد از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آنحضرت و ایضا شیخ مفید
روایت کرده است که سنت است این دعا را در روز غدیر بخوانند اللهم
إني أسألك بحق محمد نبيك وعلي وليك والشأن والقدر الذي خصصتهما
به دون خلقك أن تصلي على محمد وعلي وأن تبدأ بهما في كل خير عاجل اللهم

صل على محمد الائمة القادة والدعاة السادة والنجوم الزاهرة والاعلام الباهرة و
ساسة العباد وارکان البلاد والناقة المرسلة والسفينة الناجية الجارية
في اللجج الغامرة اللهم صل على محمد وال محمد خزان علمك وارکان توحيدك ودعائم
دينك ومعادن کرامتك وصفوتك من بريتك وخيرتك من خلقك الاتقياء النجباء
الابرار والباب المبتلى به الناس من اتاه نجا ومن اباه هوى اللهم صل على محمد وال
محمد اهل الذکر الذين امرت بمسألتهم وذوي القربى الذين امرت بمودتهم وفرضت
حقهم وجعلت الجنة معاد من اقتص آثارهم اللهم صل على محمد وال محمد کما امروا
بطاعتك ونهوا عن معصيتك ودلوا عبادك على وحدانيتك اللهم اني اسئلك
بحق محمد نبيك ونجيبك وصفوتك واميتك ورسولك الى خلقك وبحق امير
المؤمنين ويعسوب الدين وقائد الغر المحجلين الوصي الوفي والصديق الاکبر و
الفاروق بين الحق والباطل والشاهد لك والدال عليك والصادع
بامرك والمجاهد في سبيلك لم تاخذه فيك لومة لائم ان تصلي على محمد وال محمد
وان تجعلني في هذا اليوم الذي عقدت فيه لوليك العهد في اعناق خلقك
واکملت لهم الدين من العارفين بحرمته والمقرين بفضله ومن عتقائك وطلقائك
من النار ولا تشمت بي حاسدي النعم اللهم فکما جعلته عيدك الاکبر وسميته
في السماء يوم العهد المعهود وفي الارض يوم الميثاق الماخوذ والجمع المسئول

من

صل على محمد وال محمد واقرر به عيوننا واجمع به شملنا ولا تضلنا بعد اذ هديتنا
واجعلنا لانعمك من الشاکرين يا ارحم الراحمين الحمد لله الذي عرفنا فضل هذا اليوم
وبصرنا حرمته وکرمنا به وشرفنا بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول الله يا امير المؤمنين
عليکما وعلى عترتکما وعلى محبيکما مني افضل السلام ما بقي الليل والنهار وبکما اتوجه
الى الله ربي وربکما في نجاح طلبتي وقضاء حوائجي وتيسير اموري اللهم اني اسئلك
بحق محمد وال محمد ان تصلي على محمد وال محمد وان تلعن من جحد حق هذا اليوم وانکر
حرمته فصد عن سبيلك لاطفاء نورك فابى الله الا ان يتم نوره اللهم فرج عن
اهل بيت محمد نبيك واکشف عنهم وبهم عن المؤمنين الکربات اللهم املا الارض بهم
عدلا کما ملئت ظلما وجورا وانجز لهم ما وعدتهم انك لا تخلف الميعاد واگر بعد
از این دعا بسجده رود وصد مرتبه شکرا وصد مرتبه الحمد لله بگوید وصد
مرتبه یا آنچه تواند بگوید الحمد لله على اکمال الدين واتمام النعمة ورضى الرب
الکريم الحمد لله رب العالمين والصلوة على خير خلقه محمد وعترته الطاهرين
بهتر خواهد بود چنانکه سید ابن باقی وکفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید
این زیادتی را نقل کرده است **فصل پنجم** در فضیلت واعمال روز مباهله
تا اخر ماه در تعیین روز مباهله میان علما خلاف واشهر واقوی آنست
که روز بیست وچهارم است وبعضی بیست وپنجم وبعضی بیست وهفتم وبعضی

بیست و یکم بیست گفته‌اند و اکثر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورند بجز آن
و آنچه مشهورست بیست و چهارم است و فضیلت روزه باهل آنست
که چون حضرت رسول رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که اعظم
نصارای عرب بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت
رسالت که در کتب پیغمبران مشاهده کردند حب دنیا بر اکثر علمای ایشان
غالب شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علما و عظمای خود را فرستادند
که صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت دیده‌اند مشاهده نمایند و بینند
دانسته شدند و صفات را موافق یافتند و حضرت رسول حجتهای شافی بر ایشان
تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه
کردند در ایمان آوردن و حق تعالی این آیه کریمه فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ
مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا
وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که با تو مجادله کند
در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و القا کردی بر ایشان
و قبول نکردند پس بگو ای محمد بیایید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را یعنی زنان
خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها را که بمنزله جان
ما اند و بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا و نفرین کنیم و دعا کنیم لعنت و دوری از رحمت

خدا را

خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول عبای بر دوش مبارک
گرفتند و حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را
در زیر عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که
مخصوص ترین خلق بوده‌اند باو خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف
کن شک و گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه
کریمه را در شأن ایشان آورد إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ
وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا یعنی نیست جز این که اراده دارد حق تعالی که زایل گرداند از شما
اهل بیت بدی و شک را و پاک گرداند شما را از گناهان پاک کردنی پس حضرت
رسول علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود بیرون برد
از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند و بعلم
ایشان دیدند آنحضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب را در
زمین و آسمان ظاهر شد و عالمی از علمای ایشان گفت بخدا سوگند که من رویی
چند می‌بینم که اگر دعا کنند که کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد جرات نه
کردند بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند قبول کردند که هر سال
جزیه بدهند و حضرت ایشان را نفرین نکرد و بامر الهی بر ایشان قرار داد و
حضرت فرمود که بخدا سوگند که هلاک و عذاب او بخته شد بر اهل نجران

واگر مباهله میکردیم هر اینه همه ایشان مسخ میمون و خوک میشدند و این وادی
بر ایشان آتش مبعوث و سرایت میکرد بنجران و همه ساکنان نجران بسوخت
و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی زمین
زنده نمیماند و این سبب چند از امور عالمیان ظاهر شد اول حقیت آن
حضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل خود را
در معرض مباهله بدر نمیآورد و اگر جماعت حقیت آنحضرت بر ایشان ظاهر
نشده بود مباهله میکردند و مذلت و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند
دویم آنکه ظاهر شد که آل عبا علیهم السلام بزرگوارترین خلق بودند که
ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید سیم آنکه ایشان عزیزترین
خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشان را در معرض تفرین
در آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را بمهالک میافکند اما اعزه
عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب کشاف
و غیر او از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه حسن و حسین
صلوات الله علیهما فرزند حقیقی آنحضرت بودند و رتبه ایشان از سایر اصحاب
بیشتر بوده است نزد خدا و رسول با آن صغر سن پنجم آنکه حضرت فاطمه
بهترین زنان بوده و از زوجات و سایر قرابات بآنحضرت اخص و اقرب بوده

رضی الله عنها و نیز محقق است از همه بیشتر ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه در مباهله داخل بود و داخل ابنا و نسا
نیست پس باید داخل انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود
که اتحاد دو نفس محالست پس مراد آنست که اختصاص آنحضرت بحضرت
رسالت در کمالات و صفات بمرتبه بود که بمنزله نفس و جان آنحضرت
بود پس هر کمالی که در حضرت بود باید که در آنحضرت باید که در آنحضرت
باشد بغیر از پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران
بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد بآنحضرت و اعز خلق باشد
نزد او و در روایات مفصله اینقصه شریفه و فواید بسیار از آن مستفاد
میشود در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر اینها
ندارد و از جمله اموری که در روز بیست و چهارم واقع شده و موجب
مزید فضل گردیده آنست که در این روز حضرت امیر المؤمنین در رکوع
نماز انگشترین خود را بسایل بخشید و این آیه کریمه نازل شد و امامت آن
حضرت بر اصحاب بصیرت هویدا گردید اِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُوا
الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلٰوةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکٰوةَ وَهُمْ رَاکِعُونَ یعنی نیست ولی بامر
شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را

برپا میدارند و چنانچه باید بجا میاورند و زکوة میدهند در رکوع و این
نص صریح است بر امامت آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و
در این روز غسل سنت است و زیارة حضرت امیر المؤمنین در این روز ذکر
کرده اند و خواندن زیارت جامعه مناسب است و روزه این روز مستحب است
و بنا بر هولای خود امیر المؤمنین که من بر فقرا و ارباب حاجات آنچه مقدور
و میسر باشد عمل اول این روز نمازیست اول شیخ طوسی ره از حضرت صادق
روایت کرده است که در این روز پیش از زوال بیک ساعت دو رکعت نماز
بکنند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت بعد از سوره حمد ده بار
از سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلناه
را ده مرتبه بخواند اگر این نماز را بعمل آورد من دخلبان است با صد هزار
حج و صد هزار عمره و هر حاجتی که از حاجتهای دنیا و آخرة از حق تعالی سوال
کند البته بر آورده شود هر چند عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان
نماز است که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد عمل دوم از اعمال این روز
دعاییست که شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله روحهما بسند معتبر
از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار
خود امام محمد باقر روایت کرده است که آنحضرت فرمود که اگر کوهی کردار این

دعا اسم اعظم حق تعالی هست هر آینه راست گفته ام و اگر مردم بدانند که
این دعا در اجابت چگونه تاثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور بسعی نمایند
در تحصیل آن هر چند باید که قتال و مرافعات که عارض میشود باشد عمل
میخوانم و بعد از آن حاجت خود را میطلبم و البته مستجاب میگردد و این
دعاییست که در روزیکه آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند
جلیل بر حضرت سید رسل نازل شد و این دعا را آورد و گفت برای
مباهله بیرون رو و وصی خود علی بن ابیطالب را و سیدة النساء فاطمه
زهرا و دو نور دیده و فرزندان دلبند خود حسن و حسین صلوات الله
علیهم را با خود ببر و این دعا را بخوان و با نصارا از مباهله و بر ایشان
نفرین کن پس حضرت امام جعفر صادق گفت که هر گاه این دعا را خوانند
جهد و سعی کنید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود کردانید در حاجتها
و از کسیکه اهلش نباشد از سفیهان و منافقان در پنهان دارید و با ایشان تعلیم منمائید
که از علمهای مخزون است و هر کس که قابل نیکو هر کرا نباشد بدهید و دعا اینست
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ بَهٰائِكَ بِاَبْهٰاهُ وَكُلُّ بَهٰائِكَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِبَهٰائِكَ
كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ جَلاٰلِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلاٰلِكَ جَلیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ
مِنْ جَمٰالِكَ بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمٰالِكَ جَمیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی بِجَمٰالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ

كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من عظمتك بأعظمها وكل
عظمتك عظيمة اللهم إني أسألك بعظمتك كلها اللهم إني أسألك من نورك
بأنوره وكل نورك نيّر اللهم إني أسألك بنورك كله اللهم إني أسألك من رحمتك
بأوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم إني أسألك برحمتك كلها اللهم إني
أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من كمالك بأكمله
وكل كمالك كامل اللهم إني أسألك بكمالك كله اللهم إني أسألك من كلماتك
بأتمها وكل كلماتك تامة اللهم إني أسألك بكلماتك كلها اللهم إني أسألك
من أسمائك بأكبرها وكل أسمائك كبيرة اللهم إني أسألك بأسمائك كلها اللهم
إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من عزتك بأعزها
وكل عزتك عزيزة اللهم إني أسألك بعزتك كلها اللهم إني أسألك من مشيتك
بأمضاها وكل مشيتك ماضية اللهم إني أسألك بمشيتك كلها اللهم
إني أسألك بقدرتك التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة
اللهم إني أسألك بقدرتك كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما
وعدتني اللهم إني أسألك من علمك بأنفذه وكل علمك نافذ اللهم إني أسألك
بعلمك كله اللهم إني أسألك من قولك بأرضاه وكل قولك رضيّ اللهم إني
أسألك بقولك كله اللهم إني أسألك من مسائلك بأحبها وكل مسائلك

حبيبة اللهم إني أسألك بمسائلك كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي
كما وعدتني اللهم إني أسألك من شرفك بأشرفه وكل شرفك شريف اللهم إني أسألك
بشرفك كله اللهم إني أسألك من سلطانك بأدومه وكل سلطانك دائم اللهم
إني أسألك بسلطانك كله اللهم إني أسألك من ملكك بأفخره وكل ملكك فاخر
اللهم إني أسألك بملكك كله اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني
اللهم إني أسألك من علائك بأعلاه وكل علائك عالٍ اللهم إني أسألك بعلائك
كله اللهم إني أسألك من آياتك بأعجبها وكل آياتك عجيبة اللهم إني أسألك
بآياتك كلها اللهم إني أسألك من منّك بأقدمه وكل منّك قديم اللهم إني
أسألك بمنّك كله اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني
أسألك بما أنت فيه من الشؤون والجبروت اللهم إني أسألك بكل شأن وكل
جبروت لك اللهم إني أسألك بما تجيبني به أسألك يا الله يا لا إله إلا أنت
أسألك ببهاء لا إله إلا أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بجلال لا إله إلا
أنت يا لا إله إلا أنت أسألك بلا إله إلا أنت اللهم إني أدعوك كما أمرتني
فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من رزقك بأعمه وكل رزقك عام اللهم
إني أسألك من عطائك بأهنئه وكل عطائك هنيء اللهم إني أسألك بعطائك
كله اللهم إني أسألك من خيرك بأعجله وكل خيرك عاجل اللهم إني أسألك بخيرك

فائدة نجيبة

كله اللهم انى اسئلك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم انى
اسئلك بفضلك كله اللهم انى ادعوك كما امرتنى فاستجب لى كما وعدتنى اللهم
صل على محمد وآل محمد وابعثنى على الايمان بك والتصديق برسولك عليه
وآله السلام والولاية لعلى بن ابى طالب والبراءة من عدوه والائتمام بالائمة
من آل محمد عليهم السلام فانى قد رضيت بذلك يا رب اللهم صل على محمد
عبدك ورسولك فى الاولين وصل على محمد وآل محمد فى الآخرين وصل على
محمد فى الملأ الاعلى وصل على محمد وآله فى المرسلين اللهم اعط محمدا الوسيلة
والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة اللهم صل على محمد وآل محمد وقنعنى
بما رزقتنى وبارك لى فيما اعطيتنى واحفظنى فى غيبتى وفى كل غائب هو لى
اللهم صل على محمد وآل محمد واسئلك خير الخير رضوانك والجنة واعوذ
بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد واحفظنى من كل
مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل
شر ومكروه ومن كل مصيبة ومن كل آفة نزلت او تنزل من السماء الى الارض
فى هذه الساعة وفى كل ساعة وفى هذه الليلة وفى هذا اليوم وفى هذا
الشهر وفى هذه السنة اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لى من كل سرور ومن
كل بهجة ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل كرامة ومن كل

رزق

رزق واسع حلال طيب ومن كل رحمة ومن كل نعمة ومن كل سعة نزلت او تنزل من
السماء الى الارض فى هذه الساعة وفى هذه الليلة وفى هذا اليوم وفى هذا
الشهر وفى هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبى قد اخلقت وجهى عندك وحالت
بينى وبينك وغيرت حالى عندك فانى اسئلك بنور وجهك الذى لا يطفا
وبوجه محمد حبيبك المصطفى وبوجه وليك على المرتضى وبحق اوليائك الذين
انتجبتهم ان تصلى على محمد وآل محمد وان تغفر لى ما مضى من ذنوبى وان تعصمنى
فيما بقى من عمرى واعوذ بك اللهم ان اعود فى شىء من معاصيك ابدا ما ابقيتنى
حتى تتوفانى وانا لك مطيع وانت عنى راض وان تختم لى عملى باحسنه وتجعل لى ثوابه
الجنة وان تفعل بى ما انت اهله يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة صل على محمد
وآل محمد وارحمنى برحمتك يا ارحم الراحمين وبعد از ان هر حاجت كه دارى از حق
تعالى طلب كه بر آورده ميشود ان شاء الله مؤلف گويد كه خواندن اين دعا در غير
مباهله انسب است وشيخ طوسى ره نيز در اين روز روايت كرده است و از
روايات مذكوره معلوم ميشود كه در همه وقت ميتوان خواندن ودر دعا اختلاف
هست ميان روايات وانچه را اينجا ذكر شده است موافق روايت شيخ است و
روايت ديگر را با ترجمه در رساله ديگر ايراد نموده ام وشبيه باين دعا در
سحرهاى ماه مبارك رمضان وروزهاى ان نيز وارد شده است با فضيلت

بسیار و از عظیم‌تر این دعا است سنت آن که شیخ طوسی و دیگران باسند معتبر
از حضرت موسی بن جعفر روایت کرده‌اند که روز مباهله روز بیست و چهارم
ماه ذی الحجه است و در این روز هرچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز که
بکنی بعد از آن هفتاد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه بگو پس
ایستاده در موضع سجود خود نظر بکنی و این دعا را بخوانی و باید که با غسل باشی
در روایت دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است باید که
این روز را روزه بداری برای شکر حق تعالی بر این نعمت عظمی و غسل بکنی و پاکیزه
ترین جامه‌های خود را بپوشی و آنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کنی و
باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن
ضریح مقدس شوی و الا بجای خلوتی بروی یا بر کوه بلندی برآیی یا بصحرایی
بروی و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و بهترین جامه‌های خود را
بپوشد چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و
شرایط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب
آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از آن فرمود که پس هر دعایی که خواهی
بکنی باز دو رکعت نماز کن و دعا بکن و دعا این است الحمد لله رب العالمین الحمد
لله فاطر السموات والارض الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض

الحمد

فائده مجربه

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا
بربهم يعدلون الحمد لله الذي عرفني ما كنت به جاهلا ولولا تعريفه اياي لكنت
هالكا اذ قال وقوله الحق قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى فبين
لي القرابة وقال سبحانه انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا
فبين لي اهل البيت بعد القرابة ثم قال تعالى مبينا عن الصادقين الذين امرنا بالكون معهم
والرد اليهم بقوله سبحانه يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين فاوضح عنهم وابان
عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا و
انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين فلك الشكر يا رب ولك المن حيث هديتني و
ارشدتني حتى لم يخف علي الاهل والبيت والقرابة فعرفتني نساءهم واولادهم ورجالهم
اللهم اني اتقرب اليك بذلك المقام الذي لا يكون اعظم منه فضلا للمؤمنين ولا اكثر رحمة
لهم بتعريفك اياهم شانه وابانتك فضل اهله الذين بهم ادحضت باطل اعدائك وثبت
بهم قواعد دينك ولولا هذا المحمود الذي انقذتنا به ودللتنا على اتباع المحقين من اهل
بيت نبيك الصادقين عنك الذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الافعال لحتم اهل
الاسلام وظهرت كلمة اهل الالحاد وفعل ولي العناد فلك الحمد ولك المن ولك الشكر على
نعمائك واياديك اللهم صل على محمد وآل محمد الذين افترضت علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا
ولايتهم واكرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفوناه فاعنا

على الاخذ بما امرتناه واجز محمدا عنا افضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالاتك
واخطر بنفسه في اقامة دينك وعلى اخيه ووصيه والهادي من بعده الى دينه والقيم بسنته علي
امير المؤمنين وصل على الائمة من ابنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم
دار الكرامة يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب الكساء يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا واسئلك
بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود ان تغفر لي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم اللهم اني اشهد ان
ارواحهم وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب اصلها وفرعها واغصانها واوراقها اللهم ارحمنا
بحقهم واجرنا من مواقف الخزي في الدنيا والآخرة بولايتهم واوردنا مورد الامن من اهوال يوم القيمة
بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم واهتدائنا بهداهم واعتقادنا ما عرفوناه من توحيدك
وما وقفونا عليه من تعظيم شانك وتقديس اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات ان تحلك
والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك اقمتهم حججا على خلقك ودلائل على توحيدك
وهداة تنبه على امرك وتهدي الى دينك وتوضح ما اشكل على عبادك وبابا للمعجزات التي
يعجز عنها غيرهم من خلقك وتدعوا الى تعظيم السفير بينك وبين خلقك وانت
المتفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك واختصصتهم بسرك واصطفيتهم لوحيك واورثتهم
غوامض تأويلك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك وحنانا على بريتك وعلما بما تنطوي
عليه ضمائر امنائك وما يكون من شان صفوتك وطهرتهم في منشأهم ومبتدئهم وحرستهم
من نفث نافث اليهم وان يريهم بهتانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا لامرك وشغلوا انفسهم

بطاعتك

بطاعتك وملؤوا اجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك وجزؤا اوقاتهم فيما يرضيك
واخلوا دخائلهم من معاريض الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك و
عقولهم مناصب لامرك ونهيك والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك حتى فضلتهم
من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم بوحيك وانزلت اليهم كتابك وامرتنا
بالتمسك بهم والرد اليهم والاستنباط منهم اللهم فانا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك
صلواتك عليهم الذين اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم اللهم فانا قد تمسكنا بهم فارزقنا
شفاعتهم حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق حميم واجعلنا من الصادقين
المصدقين لهم المنتظرين لايامهم الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا بعد اذ هديتنا وهب
لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب آمين رب العالمين اللهم صل على محمد نبيك
وصنوه امير المؤمنين وقبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين
الذين فخر بهم الروح الامين وباهل الله بهم المباهلين فقال وهو اصدق القائلين
فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا
ونساءكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الامام المخصوص بمواخاته
يوم الاخاء والمؤثر بالقوت بعد ضر الطوى ومن شكر الله سعيه في هل اتى
ومن شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جاحدوه مولى الانام ومكلم الا[illegible]
ومن لم تاخذه لومة لائم صلى الله عليه واله ما طلعت شمس النهار واورق

الأشجار و علی النجوم المشرقات من عترته والحجج الواضحات من ذریته و این دعا با
سند و متن اصح ادعیه است و دیگر از ایام متبرکه روز بیست و پنجم است و مشهور
آنست که در این روز سوره کریمهٔ هل اتی در شان حضرت امیر المؤمنین و فاطمهٔ
زهرا و امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم نازل شده بسبب آنکه حسن
و حسین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسول بعیادهٔ ایشان رفت و امر
فرمود که حضرت امیر و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نذر کردند که اگر خدا ایشان
را عافیت دهد سه روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت کرد آنجناب بزرگوار
با فضه خادمهٔ ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس آنحضرت
مقداری پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه هر روز ثلث آن پشم را
بریسد و یکصاع از آن جو را مزد بر دارد پس در روز اول حضرت فاطمه ثلث آن پشم را
گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو برداشت و آرد کرد و پنج گرده نان پخت و چون
حضرت امیر با حضرت رسول نماز شام کرد و بخانه برگشت و حضرت فاطمه پنج گرده نان را
حاضر کرد و خواستند افطار نمایند مسکینی بر در خانه گفت السلام علیکم ای اهل
بیت محمد من مسکینی ام از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را از مائدهای
بهشت طعام دهد پس حضرت امیر المؤمنین ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را دادم و
سایر اهل بیت تاسی بآنحضرت موافقت کردند و نانهای خود را بسائل دادند و باب افطار

کردند و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه در رشتن یک ثلث دیگر
از پشم یکصاع دیگر را برداشت و آرد کرد و پنج گرده دیگر پخت و چون خواستند افطار
کنند سائلی بر در خانه آمد و صدا زد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من یتیمی ام از
اولاد مهاجرین و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را
از خوانهای بهشت طعام دهد پس حضرت امیر مؤمنان اول نان خود را داد و بعد از آن
فاطمه زهرا و بعد از او دو گوشوارهٔ عرش خدا و بعد از آن فضه سعادتمند همگی نانهای
خود را به یتیم دادند و باب افطار نمودند و در روز سیم روزه داشتند و باز حضرت سیدة
النساء در روز سیم بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و در آسیا خورد کرد
و باز پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام
را حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام
علیکم ای اهل بیت محمد ما را اسیر میکنید و می بندید و طعام نمیدهید بخوریم
پس همه نانهای خود را بآن اسیر دادند و باب بحت افطار نمودند چون
صبح شد حق تعالی سورهٔ کریمهٔ هل اتی در شان ایشان فرستاد و در آن سوره اشاره
باین قصه نمود که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ
عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا
إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا یعنی وفا میکنند بنذر و میترسند از روزیکه

شان اکثر خلق را فرا کرفته است و میخورانند طعام را با خواهش و محبت آن با از
برای محض محبت مسکین و یتیم و اسیر و میکویند بعضی در دل خود و نیت ایشان
اینست که ما طعام نمیدهیم شما را مکر از برای رضای خدا نمیخواهیم از شما نه جزا و
نه پاداشی را و نه شکر و ثنا بر این آمین هم از روز قیامت که در نهایت شدة و هول است
و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود سوره هل اتی در مدح ایشان
نازل شد حضرة رسول بخانه اهل بیت آمد و ایشانرا با آن شدة کرسنکی و انحال غریب
مشاهده نمود دلکیر شد و فرمود که اینچه حالتست که در شما مشاهده مینمایم و امام حسن
و امام حسین را دید که از نقاهت بیماری و از کرسنکی مانند جوجه که از تخم بیرون
آید میلرزند و حضرة فاطمه در محراب عبادت ایستاده و از کرسنکی شکم مبارکش به
پشت چسبیده بود و چشمها فرو رفته بود و چون از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی از
بهشت برای فاطمه فرستاد که در آن کاسه بود و کوشت و ثرید کرم در میان آن
بود که میجوشید و بوئی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه
خوان را نزد حضرة رسول آورد و حضرة فرمود ای فاطمه این از کجا آوردی کفت
از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد روزی میدهد بیحساب حضرت
فرمود الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم
پس از آن تناول نمودند و تا هفت روز از آن میخوردند و آخر نمیشد و حضرة صادق

فرمود که آن کاسه نزد حضرة صاحب الامر است ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت
از آن تناول خواهد نمود و سنیان نیز این روایت با نزول مائده بطرف دیار
نقل کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسبست که
شیعیان اهل بیت در این ایام تاسی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مسکینان
و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید گفته است که مستحب است
که این روز را روزه بدارند برای شکر نعمت نزول سوره هل اتی در شان آل
عبا و ایضا مناسبست غسل زیارة و زیارة ائمه و زیارة جامعه را خواندن
در این روز مناسبست و چون بعضی از علما این روز را روز مباهله میدانند
دعای مباهله را در این روز خواندن نیز خوبست و روز بیست ششم بنابر مشهور
عمر علیه اللعنه را خنجر بر شکم زدند و باین سبب نهایت برکت دارد و در
روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای امیه است بجهنم واصل شد و دولت
ملعونین بنی امیه لعنهم الله بر طرف شد پس در این روز شکر این نعمت باید کرد
و بعضی گفته اند که حضرة امام علی نقی در این روز متولد شده است و در
روز بیست نهم بنابر مشهور عمر باسفل درک سقر منتقل شده است و باین سبب
فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر سال عربیست روایت کرده
اند که سنتست که دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد

وده مرتبه سوره قل هو الله و ده مرتبه آیة الکرسی بخواند و بعد از سلام این دعا
بخواند اللهم فی هذه السنة من عمل نهیتنی عنه و لم ترضه و لم انسه و لم تنسه و دعوتنی الی
التوبة بعد اجترائی علیک اللهم فانی استغفرک منه فاغفر لی و ما عملت من عمل یقربنی الیک
فاقبله منی و لا تقطع رجائی منک یا کریم **باب ششم** در بیان اعمال ماه محرم است و در آن
سه فصلست **فصل اول** در اعمال دهه اول محرم است از حضرت امام رضا منقولست
که حضرت رسول در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ
میشدند دست بدعا بر میداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند اللهم انت
الاله القدیم و هذه سنة جدیدة فاسئلک فیها العصمة من الشیطان الرجیم و القوة
علی هذه النفس الامارة بالسوء و الاشتغال بما یقربنی الیک یا کریم یا ذا الجلال و الاکرام
یا عماد من لا عماد له یا ذخیرة من لا ذخیرة له یا حرز من لا حرز له یا غیاث من لا غیاث له یا
سند من لا سند له یا کنز من لا کنز له یا حسن البلاء یا عظیم الرجاء یا عز الضعفاء
یا منقذ الغرقی یا منجی الهلکی یا منعم یا مجمل یا مفضل یا محسن انت الذی سجد لک سواد
اللیل و نور النهار و ضوء القمر و شعاع الشمس و دوی الماء و حفیف الشجر یا الله لا
شریک لک اللهم اجعلنا خیرا مما یظنون و اغفر لنا ما لا یعلمون و لا تؤاخذنا بما یقولون
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم آمنا به کل من عند ربنا
و ما یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک

اعمال ماه محرم

رحمة انک انت الوهاب و چون حضرت سید الشهدا در دهم این ماه بسعادت شهادت فایز گردید
و در اکثر این دهه محزون و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید باید
که شیعیان ایشان در مجموع این دهه روز بلوازم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و
محزون و اندوهناک باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصایب ایشانست
بخوانند و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام رضا منقولست
که ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام میدانستند و منافقان
این امت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند و زنان و فرزندان
ما را اسیر کردند و آتش در خیمهای ما زدند و اسباب و اموال ما را غارت کردند و
حرمت حضرت رسالت پناه را در باب ما رعایت نکردند بدرستیکه مصیبت امام
حسین چشمهای ما را مجروح گردانید و آب دیدهای ما را جاری ساخت و عزیز
ما را ذلیل گردانید و واقعه کربلا کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت
پس باید که بر مصیبت آنحضرت گریه کنند گریه کنندگان بدرستیکه گریه بر آنحضرت
گناهان بزرگ را بر طرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی چون ماه محرم داخل
میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در
مجموع دهه اول ماه و چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود
و میگفت امروز روز شهادت حسین است و در حدیث دیگر فرمود که چون جد

حسین شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید پس اگر بر آنحضرت افتد گریه کنی که آب
دیده بر روی تو جاری گردد حق تعالی همه گناهان کوچک و بزرگ تو را بیامرزد
پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری و هیچ گناهی بر تو نباشد زیارت کن امام حسین
و اگر خواهی که در غرفهای بهشت با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان
حسین را و اگر خواهی که ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را
بیاد آوردی بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی ای کاش که میبودم با ایشان پس
رستگاری میافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیه بهشت با ما باشی
از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش و بدانکه روزه روز
اول ماه محرم مستحب است و از حضرت امام رضا منقول است که در روز اول محرم حضرت
ذکریا دعا کرد و از خدا فرزندی طلبید و حق تعالی دعای او را مستجاب گردانید و حضرت
یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز را روزه دارد و دعا کند حق تعالی دعای او را
مستجاب گرداند چنانکه دعای ذکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید ره گفته است که روز
سیم محرم روز مبارکیست و در آن روز حضرت یوسف از چاه بیرون آمد هر که این
را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب بر او آسان گرداند و غمهای او را زایل گرداند و بهتر
آنست که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه علیهم اللعنه آن روز را از برای برکت و شماتت
بر قتل آنحضرت روزه میداشته‌اند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز

و روزه آنها بر حضرت رسول بسته‌اند و از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث بسیار در مذمت
روزه این دو روز خصوصا روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی امیه علیهم اللعنه
از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشورا در خانه ذخیره میکرده‌اند لهذا
از حضرت امام رضا منقول است که هر که ترک کند سعی در حوایج خود را در روز عاشورا
و پی کاری نرود حق تعالی حوایج دنیا و آخرت او را بر آورد و هر که روز عاشورا روز
مصیبت و اندوه و گریه او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی
او گرداند و دیده‌اش در بهشت بما روشن گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت
نامد و از برای منزل خود چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند
و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة
محشور گردد پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای
دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه خود را
که تعزیه آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند چنانچه در ماتم عزیزترین
کذ ع اولاد و اقارب خود میباشند و در آن روز امساک از خوردن و آشامیدن
بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه بشربت
آبی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزه واجبی داشته
باشد که بسبب نذر یا مثل آن بر او واجب شده باشد که این روزه باید بگیرد و

ندّر آن روز نا دو و در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار
مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند و بگوید اللّهمّ العن قتلة الحسین و در روایت
وارد شده است از حضرت صادق که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه سورة
قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او بکند و هر که خداوند
رحمن نظر رحمت بسوی او کند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا نیز
باید که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تأسی بحضرت امام حسین صلوات
الله علیه و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر
از کافران بیدار تا صباح احیا کردند و عبادت و تهیهٔ سعادت میکردند

فصل دوم در زیارت مشهور آنحضرت در روز عاشورا و فضیلت زیارت
آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند معتبر از حضرت صادق منقولست
که هر که در شب عاشورا در قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت
کند در روز قیامت محشور گردد بخون خود آلوده و بهیئت شهدای کربلا
در میان ایشان محشور گردد و هر که در شب و روز عاشورا زیارت کند آن
حضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند صحیح
از آنحضرت منقولست که هر که حضرت امام حسین را در روز عاشورا زیارت کند
بهشت او را واجب گردد و اما زیارت مشهور شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان

ره روایت کرده اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه و غیر او از محمد بن اسمعیل و علقمة
ابن محمد حضرمی و غیره و از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر فرمود که هر که زیارت
کند حضرت امام حسین را در روز دهم محرم تا آنکه نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات کند
خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار
جهاد که هر یک را با رسول خدا و ائمه طاهرین کرده باشد مالک گفت فدای تو شوم
چه ثواب برای کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی
قبر آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالا رود
یا بر بام بلندی در خانه خود و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین
کردن بر قاتلان آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را در اول
روز پیش از پیشین پس ندبه و نوحه و گریه کند بر حسین و امر کند هر که در خانه
او است و از او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه خود مصیبتی بر پا دارد
با اظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود
بگریه کردن و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا
که هر گاه این کار را بکنند حق تعالی جمیع این ثوابها را با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو
ضامنی و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود بلی پرسید که چگونه یکدیگر را تعزیه
بگویند فرمود که میگویند عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالحُسَینِ وَ جَعَلَنا وَ اِیّاکُم مِنَ الطّالِبِینَ

بثار و بهم مع ولیکم الامام المهدی من آل محمد علیهم السلام و اگر بتوانی در آن روز از برای هیچ کار از
خانه بیرون نروی که آن روز نحس است که حاجت هیچ مؤمنی در آن روز برآورده نمیشود و اگر برآورده
شود از برای او مبارک نیست و در آن خیری و رشدی نخواهد بود و ذخیره مکن از برای منزل
خود چیزی که هر که در این روز از برای منزل خود ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره
کرده است و اهل او که از برای ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود از برای او پس
کسی که چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و ثواب هزار هزار عمره و هزار
هزار جهاد که همه را با رسول خدا کرده باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبر
و رسولی و وصی و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتی که خدا دنیا را
تا روز قیامت علقمة بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر که تعلیم نما بمن دعائی که
بخوانم در این روز که هرگاه که خواهم که آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائی که هرگاه
که در شهرهای دور خواهم که اشاره کنم و آنحضرت را زیارت کنم بخوانم فرمود ای علقمه هر
گاه بکنی آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت بسلام
و گفته باشی بعد از اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده
خواهی بود بدعائی که ملائکه میخوانند در وقتی که زیارت آنحضرت میکنند و مینویسد
خدا برای تو بآن زیارت هزار هزار حسنه و محو میکند از تو هزار هزار گناه و بلند میکند
از برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده باشند با حسین علی

چیزی

خلق کرده است

تا آنکه

تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و شناخته شوی در نور ایشان اکر از آنها
که با آنحضرت شهید شده اند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی
و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده است از روزی که شهید شده است
میگوئی السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام
علیک یا ابن امیر المؤمنین و ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء
سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور السلام
علیک و علی الارواح التی حلت بفنائک علیکم منی جمیعا سلام الله ابدا ما بقیت
و بقی اللیل و النهار یا ابا عبد الله لقد عظمت الرزیة و جلت المصیبة بک
علینا و علی جمیع اهل الاسلام و جلت و عظمت مصیبتک فی السموات علی جمیع
اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم و الجور علیکم اهل البیت و لعن
الله امة دفعتکم عن مقامکم و ازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم الله فیها و لعن الله امة
قتلتکم و لعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم برئت الی الله و الیکم منهم و من
اشیاعهم و اتباعهم و اولیائهم یا ابا عبد الله انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم
الی یوم القیامة و لعن الله آل زیاد و آل مروان و لعن الله بنی امیة قاطبة و لعن
الله ابن مرجانة و لعن الله عمر بن سعد و لعن الله شمرا و لعن الله امة اسرجت و
الجمت و تنقبت و تهیأت لقتالک بابی انت و امی لقد عظم مصابی بک فاسئل

الله الذي أكرم مقامك وأكرمني بك أن يرزقني طلب ثارك مع إمام منصور من أهل
بيت محمد صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين في الدنيا
والآخرة يا أبا عبد الله إني أتقرب إلى الله وإلى رسوله وإلى أمير المؤمنين وإلى
فاطمة وإلى الحسن وإليك بموالاتك وبالبراءة ممن قاتلك ونصب لك الحرب
وبالبراءة ممن أسس أساس الظلم والجور عليكم وأبرأ إلى الله وإلى رسوله ممن أسس
أساس ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره عليكم وعلى أشياعكم
برئت إلى الله وإليكم منهم وأتقرب إلى الله ثم إليكم بموالاتكم وموالاة وليكم و
بالبراءة من أعدائكم والناصبين لكم الحرب وبالبراءة من أشياعهم وأتباعهم إني
سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولى لمن والاكم وعدو لمن عاداكم فأسأل الله
الذي أكرمني بمعرفتكم ومعرفة أوليائكم ورزقني البراءة من أعدائكم أن يجعلني
معكم في الدنيا والآخرة وأن يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا والآخرة
وأسأله أن يبلغني المقام المحمود لكم عند الله وأن يرزقني طلب ثاري مع إمام الذي
مهدي ظاهر ناطق بالحق منكم وأسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده
أن يعطيني بمصابي بكم أفضل ما يعطي مصابا بمصيبته ما أعظمها وأعظم رزيتها بالمصيبة
في الإسلام وفي جميع أهل السماوات والأرض اللهم اجعلني في مقامي هذا ممن
تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل محياي محيا محمد وآل محمد

ومماتي ممات محمد وآل محمد اللهم إن هذا يوم تبركت به بنو أمية وابن آكلة الأكباد
اللعين ابن اللعين على لسان نبيك صلى الله عليه وآله في كل موطن وموقف وقف
فيه نبيك صلواتك عليه وآله اللهم العن أبا سفيان ومعاوية بن أبي سفيان
ويزيد بن معاوية عليهم منك اللعنة أبد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد
وآل مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم ضاعف عليهم اللعن منك
والعذاب اللهم إني أتقرب إليك في هذا اليوم وفي موقفي هذا وأيام حياتي
بالبراءة منهم واللعنة عليهم وبالموالاة لنبيك وآل نبيك عليهم السلام
پس صد مرتبه ميگوئى اللهم العن أول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على
ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشايعت وبايعت وتابعت على
قتله اللهم العنهم جميعا پس صد مرتبه ميگوئى السلام عليك يا أبا عبد الله
وعلى الأرواح التي حلت بفنائك عليك مني سلام الله أبدا ما بقيت وبقي
الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد مني لزيارتك السلام على الحسين و لزيارتكم
على علي بن الحسين وعلى أولاد الحسين وعلى أصحاب الحسين پس ميگوئى
اللهم خص أنت أول ظالم باللعن مني وابدأ به أولا ثم الثاني ثم الثالث ثم
الرابع اللهم العن يزيد بن معاوية خامسا والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة
وعمر بن سعد وشمرا وآل أبي سفيان وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيامة

ومماتي

پس بسجده میروی و میگوئی اللهم لک الحمد حمد الشاکرین لک علی مصابهم الحمد
لله علی عظیم رزیتی اللهم ارزقنی شفاعة الحسین علیه السلام یوم الورود و
ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین و اصحاب الحسین الذین بذلوا مهجهم
دون الحسین علیهم السلام علقمه گفت که امام محمد باقر علیه السلام فرمود که
اگر توانی هر روز آنحضرت را باین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع این ثوابها از برای
تو حاصل بود و روایت کرده محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت با صفوان
جمال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق
بیرون رفته بودند از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی
قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه و گفت زیارت کنید حضرت امام حسین را
از اینمکان از بالای سر امیر المؤمنین صلوات الله علیه که حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام چنین کرد در وقتیکه من در خدمت آنحضرت باینمکان شریف
آمده بودم پس خواند صفوان آن زیارتی که علقمه از حضرت امام محمد باقر برای
روز عاشورا روایت کرده است پس دو رکعت نماز کرد نزد سر حضرت امیر المؤمنین
و وداع کرد بعد از نماز امیر المؤمنین را و روی بجانب قبر امام حسین علیه
السلام کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد و از جمله دعاها که بعد از دو رکعت

خواند این دعا بود یا الله یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین یا کاشف کرب
المکروبین یا غیاث المستغیثین و یا صریخ المستصرخین و یا من هو اقرب الی من
حبل الورید و یا من یحول بین المرء و قلبه و یا من هو بالمنظر الاعلی و بالافق المبین
و یا من هو الرحمن الرحیم علی العرش استوی و یا من یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور
و یا من لا یخفی علیه خافیة و یا من لا تشتبه علیه الاصوات و یا من لا تغلطه
الحاجات یا من لا یبرمه الحاح الملحین یا مدرک کل فوت و یا جامع کل شمل و یا بارئ
النفوس بعد الموت یا من هو کل یوم فی شان یا قاضی الحاجات یا منفس الکربات
یا معطی السؤلات یا ولی الرغبات یا کافی المهمات یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی
منه شیء فی السموات و الارض اسئلک بحق محمد و علی و بحق فاطمة بنت نبیک
و بحق الحسن و الحسین فانی بهم اتوجه الیک فی مقامی هذا و بهم اتوسل و بهم
اتشفع الیک و بحقهم اسئلک و اقسم و اعزم علیک و بالشان الذی لهم عندک
و بالقدر الذی لهم عندک و بالذی فضلتهم علی العالمین و باسمک الذی جعلته
عندهم و به خصصتهم دون العالمین و به ابنتهم و ابنت فضلهم من فضل
العالمین حتی فاق فضلهم فضل العالمین ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تکشف
عنی غمی و کربی و تکفینی المهم من اموری و تقضی عنی دینی و تجیرنی من الفقر و
تجیرنی من الفاقة و تغنینی عن المسئلة الی المخلوقین و تکفینی هم من اخاف همه

ربطه من اخاف عسره وحزونة من اخاف حزونته وشر من اخاف شره ومكر من
اخاف مكره وبغي من اخاف بغيه وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف
سلطانه وكيد من اخاف كيده ومقدرة من اخاف بلاء مقدرته علي وترد
عني كيد الكيدة ومكر المكرة اللهم من ارادني بسوء فارده ومن كادني فكده و
اصرف عني كيده ومكره وباسه وامانيه وامنعه عني كيف شئت وانى شئت
اللهم اشغله عني بفقر لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم لا
تعافيه وذل لا تعزه وبمسكنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل نصب عينيه
وادخل عليه الفقر في منزله والعلة والسقم في بدنه حتى تشغله عني بشغل
شاغل لا فراغ له وانسه ذكري كما انسيته ذكرك وخذ عني بسمعه وبصره و
لسانه ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه وادخل عليه في جميع ذلك السقم
ولا تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا به عني وعن ذكري واكفني يا كافي
من لا يكفي سواك فانك الكافي لا كافي سواك ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا
مغيث سواك وجار لا جار سواك خاب من كان رجاؤه سواك ومغيثه سواك
ومفزعه الى سواك ومهربه وملجاه الى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك فانت ثقتي
ورجائي ومفزعي ومهربي وملجاي ومنجاي فبك استفتح وبك استنجح وبمحمد و
آل محمد اتوجه اليك واتوسل واتشفع فاسئلك يا الله يا الله يا الله فلك الحمد

ولك

ولك الشكر واليك المشتكى وانت المستعان فاسئلك يا الله بحق محمد وال محمد
ان تصلي على محمد وال محمد وان تكشف عني غمي وهمي وكربي في مقامي هذا كما كشفت
عن نبيك همه وغمه وكربه وكفيته هول عدوه فاكشف عني كما كشفت عنه وفرج
عني كما فرجت عنه واكفني كما كفيته واصرف عني هول ما اخاف هوله ومؤنة
ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف همه بلا مؤنة على نفسي من ذلك واصرفني بقضاء
حوائجي وكفاية ما اهمني همه من امر آخرتي ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله
عليكما مني سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد
من زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم احيني حيوة محمد وذريته وامتني مماتهم
وتوفني على ملتهم واحشرني في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في
الدنيا والآخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله اتيتكما زائرا ومتوسلا الى الله
ربي وربكما ومتوجها اليه بكما ومستشفعا بكما الى الله في حاجتي هذه فاشفعا
لي فان لكما عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة
اني انقلب عنكما منتظرا لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما
لي الى الله في ذلك فلا اخيب ولا يكون منقلبي منقلبا خائبا خاسرا بل يكون
منقلبي منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا لي بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى
الله انقلبت على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله مفوضا امري الى الله ملجئا

ظهری الی الله متوکلاً علی الله واقول حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا لیس لی
وراء الله وورائکم یا سادتی منتهی ما شاء ربی کان وما لم یشأ لم یکن ولا حول
ولا قوة الا بالله استودعکما الله ولا جعله الله آخر العهد منی الیکما انصرفت
یا سیدی یا امیر المؤمنین ومولای وانت یا ابا عبد الله یا سیدی وسلامی
علیکما متصل ما اتصل اللیل والنهار واصل ذلک الیکما غیر محجوب عنکما سلامی
ان شاء الله واسئله بحقکما ان یشاء ذلک ویفعل فانه حمید مجید انقلبت
یا سیدی عنکما تائبا حامدا لله شاکرا راجیا للاجابة غیر آیس ولا قانط آئبا
عائدا راجعا الی زیارتکما غیر راغب عنکما ولا من زیارتکما بل راجع عائد ان شاء
الله ولا حول ولا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما والی زیارتکما بعد ان زهد
فیکما وفی زیارتکما اهل الدنیا فلا خیبنی الله مما رجوت وما املت فی زیارتکما انه
قریب مجیب سیف بن عمیره گفت که من بصفوان گفتم که علقمه این زیارت را از امام
محمد باقر از برای ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد صفوان گفت که وارد شدم
با سید خود امام جعفر صادق با همین مکان پس کرد مثل آنچه ما کردیم در
زیارت و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه آن دو رکعت نماز را
کرده بود وداع را بجا آورد بعد از آن صفوان گفت که حضرت صادق ع گفت
که تعاهد نما این زیارت را و بخوان این دعا را و با این نحو زیارت بکن که من ضامنم

بر خدا

بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور آنکه زیارتش
مقبول باشد و سعیش پسندیده شود و سلامش بآنحضرت برسد و محجوب
نگردد و هر حاجت که از خدا بطلبد بر آورده شود هر چند حاجتش بزرگ
باشد ای صفوان این زیارت را با همین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن
الحسین با همین ضامنی واو از امام حسین واو از امام حسن با همین ضامنی و
او از پدرش امیر المؤمنین با همین ضامنی و امیر المؤمنین از رسول خدا با همین ضامنی
و رسول خدا از جبرئیل با همین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی
و بتحقیق که حق تعالی قسم بذات مقدسه خود خورده است که هر که حضرت امام
حسین را بآن روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند زیارت
او را قبول کنم و هر حاجت که طلب نماید بر آورم هر چند بزرگ باشد و هر سؤال
که بکند عطا کنم و از درگاه من نا امید بر نگردد و او را بر گردانم شاد و خوشحال
بسبب بر آمدن حاجتش و فایز شدن به بهشت و آزاد شدن از جهنم و از برای هر که
شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و
گواه گرفت خدا ما را بر آنچه گواه گرفته بود ملائکه ملکوت خود را پس جبرئیل
گفت یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و
سرور و خوشحالی تو و بشارت و شادی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و

حسین و امامان از فرزندان او زیارت و زیارت نامه در حضرت صادق فرمود که
ای صفوان هرگاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد این زیارت را بکن و هر جا که باشی این دعا را
بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را طلب کن که البته بر آورده می‌شود
حق تعالی خلف وعدهٔ خود نمی‌نماید مؤلف گوید که حضرت از روی حدیث
[illegible] ابن علی ... در این مثال بسیار هست که اول زیارت السلام علیک
یا ابا عبدالله تا والنبیک علیهم السلام بخوانند و نماز زیارت را بکنند و باز
همان زیارت را اعاده کند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه لعن یک بار دیگر
نماز بکند و بعد از صد مرتبه سلام باز یک نماز کند و متصل بهم و بعد
از سجده نماز بکند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اگر اول یکی از
زیارات معتبره بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد
ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت امیر المؤمنین را با این زیارت ضم کند بهتر
است خصوصا هرگاه این زیارت را در نزد ضریح امیر المؤمنین بعمل آورد
و چون در حدیث نحو بخوبی کردن این زیارت در هر وقت وارد شده است
اگر در غیر روز عاشورا کند بجای اللّهمّ انّ هذا یوم تبرّکت به بنو امیّة بگو
اللّهمّ انّ یوم قتل الحسین صلوات الله علیه یوم تبرّکت به بنو امیّة فصل سیم
در سایر زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتی است که بسند صحیح عبدالله

در بیان باقی زیارات روز عاشورا

ابن سنان

ابن سنان روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق در روز عاشورا
و آنحضرت را شکسته رنگ و اندوهناک یافتم و آب از دیده‌های مبارک آنحضرت
مانند مروارید میریخت گفتم یابن رسول الله سبب گریهٔ شما چیست خدا هرگز
دیده‌های شما را گریان نکرداند حضرت فرمود که مگر غافلی و نمیدانی که در
مثل این روز حضرت امام حسین شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائی
در روزه امروز فرمود که روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه بکنی و افطار مکن
نه از روی شماتت و بکن روزه تمام روز مگیر و باید که افطار تو یک ساعت بعد
از نماز عصر باشد بشربتی از آب که در این وقت جنگ برطرف شد و آل محمد
و در زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بود که صاحب مصیبت
در آنها حضرت رسالت بود و اگر آنحضرت در دنیا میبود بایست آنحضرت را
برای ایشان تعزیه بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از
آب دیده‌اش تر شد پس حضرت فرمود که بهترین کاری که در این روز بکنی آنست
که جامه‌های پاکیزه بپوشی و بندها بگشائی و آستینها را تا مرفق بالا کنی بروش
مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی صحرا یا مکانی که کسی ترا نبیند
یا خانهٔ خالی از برای تقیه از دشمنان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز
بجا آوری با خشوع و خضوع و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بگوئی

و در ركعت اول بعد از حمد سوره قل يا ايها الكافرون بخوان و در ركعت دوم
سوره قل هو الله احد و در دو ركعت ديگر در ركعت اول بعد از حمد سوره احزاب
بخوانی و در ركعت دوم سوره اذا جاءك المنافقون و اگر نتوانی هر سوره
كه توانی بخوان پس بگردانی روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت
و بخاطر آوری شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب او را
و سلام كنی بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت كنی بر قاتلان ايشان و بروا
يت ديگر هزار مرتبه لعنت كنی بر قاتلان آنحضرت كه بهر لعنی هزار حسنه برای
تو نوشته ميشود و هزار گناه از تو محو ميشود و هزار درجه در بهشت برای
تو بلند ميشود و بهتر اينست كه هزار مرتبه بگويد اللهم العن قتلة الحسين
و اصحابه پس فرمود كه بعد از آن از موضعی كه ايستاده چند گام پيش بروی و
بگوئی انا لله و انا اليه راجعون رضا بقضائه و تسليما لامره و اگر هفت مرتبه
چنين كند بهتر است و فرمود كه در جميع اين احوال بايد كه محزون و غمناك
باشی پس بجای خود برگردی و بگوئی اللهم عذب الفجرة الذين شاقوا رسولك
و حاربوا اولياءك و عبدوا غيرك و استحلوا محارمك والعن القادة والاتباع
و من كان منهم فخب و اوضع معهم او رضي بفعلهم لعنا كثيرا اللهم و عجل فرج آل
محمد و اجعل صلواتك عليه و عليهم و استنقذهم من ايدي المنافقين المضلين

والكفرة

اعمال ماه محرم

والكفرة الجاحدين وافتح لهم فتحا يسيرا وافتح لهم روحا وفرجا قريبا واجعل لهم من
لدنك على عدوك وعدوهم سلطانا نصيرا پس دست بدعا بردار و نفرين كن
دشمنان آل محمد را عليهم السلام و بگو اللهم ان كثيرا من الامة ناصبت المستحفظين
من الائمة وكفرت بالكلمة وعكفت على القادة الظلمة وهجرت الكتاب والسنة
وعدلت عن الحبلين اللذين امرت بطاعتهما والتمسك بهما فاماتت الحق و
حادت عن القصد ومالأت الاحزاب وحرفت الكتاب وكفرت بالحق لما
جاءها وتمسكت بالباطل لما اعترضها وضيعت حقك واضلت خلقك
وقتلت اولاد نبيك وخيرة عبادك وحملة علمك وورثة حكمتك و
وحيك فزلزل اقدام اعدائك واعداء رسولك واهل بيت رسولك اللهم
واخرب ديارهم وافلل سلاحهم وخالف بين كلمتهم وفت في اعضادهم و
اوهن كيدهم واضربهم بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمهم بالبلاء
طما وقمهم بالعذاب قما وعذبهم عذابا نكرا وخذهم بالسنين والمثلات التي
اهلكت بها اعداءك انك ذو نقمة من المجرمين اللهم ان سنتك ضائعة و
احكامك معطلة وعترة نبيك في الارض هائمة اللهم فاعن الحق واهله ومن
علينا بالنجاة واهدنا الى الايمان وعجل فرجنا وانظمه بفرج اوليائك واجعلهم
لنا ودا واجعلنا لهم وفدا اللهم واهلك من جعل يوم قتل ابن نبيك وخيرتك

عبداً واستهل به فرجاً ومرحاً وخذ آخرهم كما اخذت اولهم وساعفهم اللهم العذاب
والتنكيل على ظالمي اهل بيت نبيك واهلك اشياعهم وقادتهم وابرحانهم و
جماعتهم اللهم وضاعف صلواتك ورحمتك وبركاتك على عترة نبيك العترة
الضائعة الخائفة المستذلة بقية من الشجرة الطيبة الزاكية المباركة
واعل اللهم كلمتهم وافلج حجتهم واكشف البلاء واللأواء وحنادس الاباطيل و
العمى عنهم وثبت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك وولايتهم ونصرتهم
وموالاتهم واعنهم وامنحهم الصبر على الاذى فيك واجعل لهم اياما مشهودة و
اوقاتا محمودة مسعودة توشك فيها فرجهم وتوجب فيها تمكينهم ونصرهم كما
ضمنت لاوليائك في كتابك المنزل فانك قلت وقولك الحق وعد الله الذين
آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من
قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم امنا
يعبدونني لا يشركون بي شيئا اللهم فاكشف غمتهم يا من لا يملك كشف الضر الا
هو يا واحد يا احد يا حي يا قيوم وانا يا الهي عبدك الخائف منك والراجع
اليك السائل لك المقبل عليك اللاجئ الى فنائك العالم بانه لا ملجأ منك
الا اليك اللهم فتقبل دعائي واسمع يا الهي علانيتي ونجواي واجعلني ممن
رضيت عمله وقبلت نسكه ونجيته برحمتك انك انت العزيز الكريم اللهم

وصل

اعمال محرم

وصل اولا واخرا على محمد وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل
محمد باكمل وافضل ما صليت وباركت وترحمت على انبيائك ورسلك و
ملائكتك وحملة عرشك بلا اله الا انت اللهم ولا تفرق بيني وبين محمد و
آل محمد صلواتك عليه وعليهم واجعلني يا مولاي من شيعة محمد وعلي و
فاطمة والحسن والحسين وذريتهم الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك بحبلهم
والرضا بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انك جواد كريم پس پيشانى بر زمين بگذار و طرف
روى خود را بر خاك بگذار و بگو يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد انت حكمت
فلك الحمد محمودا مشكورا فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فانك ضمنت اعزازهم
بعد الذلة وتكثيرهم بعد القلة واظهارهم بعد الخمول يا اصدق الصادقين
ويا ارحم الراحمين فاسئلك يا الهي وسيدي متضرعا اليك بجودك وكرمك
بسط املي والتجاوز عني وقبول قليل عملي وكثيره والزيادة في ايامي وتبليغي ذلك
المشهد وان تجعلني ممن يدعى فيجيب الى طاعتهم وموالاتهم ونصرهم وتريني
ذلك قريبا سريعا في عافية انك على كل شيء قدير پس سر خود را بسوى آسمان
بلند كن و بگو اعوذ بك ان اكون من الذين لا يرجون ايامك فاعذني يا الهي برحمتك
من ذلك چون چنين كنى اين عمل بهترين است از براى نوازشهاى بسيار و عمرهاى
بسيار در آنها صرف نمائى و بدن خود را به تعب افكنى و از اهل و عيال دور

٢ عمل ماه محرم

فرزندان خود جدا شوی و با آنکه کسیکه این مزار را زیارت کند و این عمل را
از روی اخلاص بجا آورد این عمل را باینقدر فضیلت بجا آورد حق تعالی ده خصلت
باو عطا کند که از جملهٔ آنها آنست که او را از مردنهای بد حفظ کند مانند غرق
شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و نامردان دشمنی بر
او مسلط نکرده و نگاه دارد او را از زهر دادن و خوره و پیسی در خویش و
فرزندان [illegible] و دفع شر شیطان از او و وسوسهٔ ایشان و باز دارد شر [illegible] سلاطین
کرده اند او در نسل او با اجابت **زیارت دیگر** زیارتیست که مشتمل است بر زیارت
شهدا و متضمن زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم
و مناسب است که در این روز خوانده شود و اگر در اکثر روزها خوانده شود شاید
انسب باشد **زیارت** السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک
یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل الله السلام علیک
یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک
یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا وارث علی امیر المؤمنین السلام علیک
یا وارث الحسن الشهید سبط رسول الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام
علیک یا ابن البشیر النذیر و ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء
سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا خیرة

الله و ابن خیرته السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره السلام علیک ایها الوتر
الموتور السلام علیک ایها الامام الهادی الزکی و علی ارواح حلت بفنائک
و اقامت فی جوارک و وفدت مع زوارک السلام علیک منی ما بقیت و بقی
اللیل و النهار فلقد عظمت بک الرزیة و جل المصاب فی المؤمنین و المسلمین
و فی اهل السموات اجمعین و فی سکان الارضین فانا لله و انا الیه راجعون
و صلوات الله و برکاته و تحیاته علیک و علی آبائک الطیبین المنتجبین و علی
ذراریهم الهداة المهدیین السلام علیک یا مولای و علیهم و علی روحک و علی
ارواحهم و علی تربتک و علی تربتهم اللهم لقهم رحمة و رضوانا و روحا و ریحانا
السلام علیک یا مولای یا ابا عبد الله یا ابن خاتم النبیین و یا ابن سید الوصیین
و یا ابن سیدة نساء العالمین السلام علیک یا شهید ابن الشهید یا اخا الشهید
یا ابا الشهداء اللهم بلغه عنی فی هذه الساعة و فی هذا الیوم و فی هذا الوقت
و فی کل وقت تحیة کثیرة و سلاما سلام الله علیک و رحمة الله و برکاته
یا ابن سید العالمین و علی المستشهدین معک سلاما متصلا ما اتصل اللیل
و النهار السلام علی الحسین بن علی الشهید السلام علی علی ابن الحسین
الشهید السلام علی العباس بن امیر المؤمنین الشهید السلام علی الشهداء
من ولد امیر المؤمنین السلام علی الشهداء من ولد الحسن السلام

من ولد الحسين السلام على الشهداء من ولد جعفر بن عقيل السلام على
من تنهيه بصر من المؤمنين اللهم صل على محمد وآل محمد وبلغهم عني تحية كثيرة
وسلاما السلام عليك يا رسول الله احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين
السلام عليك يا فاطمة احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك
يا امير المؤمنين احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام عليك يا ابا
محمد الحسن احسن الله لك العزاء في اخيك الحسين يا مولاي يا ابا عبد الله انا
ضيف الله وضيفك وجار الله وجارك ولكل ضيف وجار قرى وقراي في هذا الوقت
ان تسئل الله تعالى ربنا وتسالي ان يرزقني فكاك رقبتي من النار انه سميع الدعاء
قريب مجيب و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در شب بیست و یکم
ماه محرم زفاف حضرت فاطمه و امیر المؤمنین صلوات الله علیه واقع شد باید
که روز آن برای شکر این نعمت عظمی شیعیان روزه بدارند و شیخ طوسی ره
گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب فیل که بجهت خراب کردن
کعبه آمده بودند کشته شدند و عذاب بر ایشان نازل شده و در روز بیست
پنجم اینماه حضرت امام زین العابدین بعالم اعلی ارتحال نمود باب هفتم
در اعمال ماه صفر است و اینماه مشهور است بنحوست و دو وجه منقول
است اول آنکه موافق قول علماء شیعه وفات حضرت رسالت پناه در

اینماه واقع شده است دویم آنکه در بسیار ماه شوالی که اشهر حرم اند چون عرب
قتال نمیکردند و در اینماه شروع بقتال میکردند لهذا نحس شمرده و در
احادیث شیعه ندیده ام چیزی که دلالت بر نحوست کند و در روایات غیر
معتبره عامه وارد شده است و سید بن طاوس رضی الله عنه از بعضی کتب
معتبره روایت کرده است که در روز سیم اینماه مستحب است که دو رکعت نماز
بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا خوانند و در دویم
توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگویند اللهم صل على محمد وآل محمد و صد
مرتبه اللهم العن آل ابی سفیان و صد مرتبه استغفر الله واتوب الیه و در روز
بیستم اینماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم حضرت سید الشهداء
و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری روایت کرده اند که علامت مؤمن
پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت از فریضه و نافله در شب و روز و زیارت
اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده شکر بر خاک
گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن و کیفیت زیارت بسند معتبر منقول
از صفوان جمال که گفت مولای من حضرت صادق بمن گفت در زیارت اربعین
که زیارت میکنی در هنگامیکه روز بلند شده باشد و میگوئی السلام على
ولي الله وحبيبه السلام على خليل الله ونجيبه السلام على صفي الله و

ابن صفيك السلام على الحسين المظلوم الشهيد السلام على اسير الكربات وقتيل
العبرات اللهم اني اشهد انه وليك وابن وليك وصفيك وابن صفيك الفائز
بكرامتك اكرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة واجتبيته بطيب الولادة و
جعلته سيدا من السادة وقائدا من القادة وذائدا من الذادة واعطيته مواريث الانبياء
وجعلته حجة على خلقك من الاوصياء فاعذر في الدعاء ومنح النصح وبذل مهجته
فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرته
الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى آخرته بالثمن الاوكس وتغطرس وتردى
في هواه واسخطك واسخط نبيك واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة
الاوزار المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابرا محتسبا حتى سفك في طاعتك
دمه واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعنا وبيلا وعذبهم عذابا اليما السلام عليك
يا بن رسول الله السلام عليك يا بن سيد الاوصياء اشهد انك امين الله و
ابن امينه عشت سعيدا ومضيت حميدا ومت فقيدا مظلوما شهيدا و
اشهد ان الله منجز لك ما وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك و
اشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله حتى اتاك اليقين فلعن
الله من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت
به اللهم اني اشهدك اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه بابي انت وامي يا بن

رسول الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام الطاهرة لم
تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات من ثيابها واشهد انك من دعائم
الدين واركان المسلمين ومعقل المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي الرضي
الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى
والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع
ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع ونصرتي لكم معدة حتى
ياذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم و
اجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم آمين يا رب العالمين و دو رکعت
نماز بکنی و هر دعا که خواهی میکنی و بر میگردی و سید بن طاوس ره گفته است
که من برای این زیارت وداعی یافته ام که مخصوص است باین زیارت بایست
پیش روی ضریح و بگوی السلام عليك يا بن رسول الله السلام عليك
يا بن علي المرتضى وصي رسول الله السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء سيدة
نساء العالمين السلام عليك يا وارث الحسن الزكي السلام عليك يا حجة
الله في ارضه وشاهده على خلقه السلام عليك يا ابا عبد الله الشهيد
السلام عليك يا مولاي وابن مولاي اشهد انك قد اقمت الصلوة وآتيت
الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله حتى اتاك

الیقین و اشهد انک علی بینة من ربک اتیتک یا مولای زائراً وافداً راغباً مقرّاً
لک بالذنوب هارباً الیک من الخطایا لتشفع لی عند ربک یا ابن رسول الله
صلی الله علیک حیاً و میتاً فان لک مقاماً معلوماً و شفاعة مقبولة
لعن الله من ظلمک و لعن الله من حرمک و غصب حقک و لعن الله من قتلک
و لعن الله من خذلک و لعن الله من دعوته فلم یجبک و لم یعنک و لعن الله من
منعک من حرم الله و حرم رسوله و حرم ابیک و اخیک و لعن الله من [illegible]
لعناً کثیراً یتبع بعضها بعضاً اللهم فاطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة
انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب
ینقلبون اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارته و ارزقنیه ابداً ما بقیت و حییت
یا رب و اذا مت فاحشرنی فی زمرته یا ارحم الراحمین و اکثر زیارات آخر روز
عاشورا را در این روز بخوانند مناسبست و بدانکه مشهور آنست که سبب
تأکید زیارت آنحضرت در این روز آنست که حضرت امام زین العابدین با سایر
اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام بکربلای معلی وارد شدند و
سرهای مقدس شهدا را به بدنهای مطهر ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید
است از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند در این روز
اهل بیت علیهم السلام وارد مدینه طیبه شدند و این نیز بسیار بعید است

و بعضی

و بعضی گفته اند که شاید حضرت امام زین العابدین باعجاز طی الارض مخفی
بکربلا رفته باشند از شام و سرها را به بدنها ملحق کرده باشند و این
ممکن است اما روایتی در این باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی از روایات
منافی اینست فی الجمله باین دار دو وجه که از احادیث ظاهر میشود آنست که اول
کسیکه از صحابه معتبر بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن
عبدالله انصاری بوده و او در این روز بکربلا رسیده و مخصوص باشد
زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و التماس این امر عظیم را کرده
میتواند بود که بسبب این زیادتی فضل زیارت آنحضرت در این روز ثابت شده باشد
و وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد و چون فرموده اند که در این روز
زیارت کنیم باید کرد و مخصوص سبب ضرور نیست و مشهور میان علماء امامیه
آنست که وفات حضرت سید انبیاء در روز بیست و هشتم ماه صفر واقع
شد و شیخ طوسی و جمع دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی نیز در
این روز واقع شد پس قیام بمراسم تعزیت ایشان در این روز و زیارت ایشان
از نزدیک و دور مناسبست و بدانکه در عوام بلکه خواص نحوست چهار
شنبه آخر ماه صفر شهرت دارد و در کتب معتبره عامه و خاصه چیزی که دلالت
بر این کند بنظر نرسیده و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا

جمعی از شیعه آن حضرت [illegible] روایت شده است چون امام [illegible] مشغول
شده فی الجمله خوشحالی او ممکن است که چهار شنبه آخر آن از سایر چهار
شنبه‌ها نحوستش بیشتر باشد که در آن روز از قبیل اعراض طیره است دفع بلایا
بتصدقات و ادعیه و استعاذات که از ائمه معصومین صلوات الله علیهم
وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس الهی که آن کفاره
این است مناسبت را که بلایای متوجه باشد اینها دفع میشود نه آنکه
روش جهال عجم متابعت مجوسان کنند بلهو و لعب و سرور و ساز و اعمال
شنیعه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی
گردد **باب هشتم** در فضایل اعمال ماه ربیع الاول [illegible] و در آن دو فصل است
فصل اول در فضیلت و اعمال روز اول تا روز شانزدهم است شیخ مفید
و شیخ طوسی و دیگران رضی الله عنهم گفته اند که حضرت رسالت در شب
اول اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در آن شب بغار
رفت و حضرت امیر المؤمنین جان شریف خود را فدای جان مقدس حضرت
رسول گردانیده در جای آنحضرت خوابید و از شمشیرهای کفار قبایل مشرکین
نیندیشید و فضل او بر جمیع است بلکه بر جمیع عالمیان بر همگنان ظاهر گردید
و حق تعالی با ملائکه سموات با آنحضرت مباهات نمود و آیه کریمه و من الناس

من یشری

من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله در شان او نازل گردید چنانکه تفصیلش در
حیوة القلوب مذکور است و چون حق تعالی آنحضرت را نجات بخشید از کید
کافران حفظ کرد گفته اند که روزش اگر روز اول ماه ربیع الاول مستحب است
که برای شکر نعم عظیم روزه بدارند و هر چند علماء در این روز زیارتی ذکر
نکرده اند زیارت حضرت رسول و حضرت امیر صلوات الله علیهما در این روز
مناسب است بجهت آنکه مذکور شد و شیخ طوسی ره گفته است در مصباح
که در روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری بعالم بقا رحلت نمود و
حضرت صاحب الامر بمنصب جلیل امامت فایز گردید پس زیارت آن دو
امام عالی مقام در این روز مناسب است اما شیخ ره در تهذیب و کلینی و
محمد بن جریر طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید ره و غیر ایشان گفته اند که
وفات عسکری در روز هشتم این ماه بوده پس در آن روز زیارت ایشان و امام
علیهما السلام انسب است و **ثانیا** روز نهم این ماه بدانکه میان علمای خاصه و عامه
در تاریخ قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب خلاف است و مشهور
میان فریقین آنست که قتل آن ملعون در روز بیست و ششم ماه ذی الحجه
شد چنانچه سابقا اشاره باز شد و بعضی بیست و هفتم نیز گفته اند
و مستند ایشان و قول نقل مورخان است و از کتب معتبره چنان معلوم می

شود که چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است قتل او در نهم ماه
ربیع الاول واقع شده است و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز
چنین مشهور بوده است سید بزرگوار علی بن طاوس رضی الله عنه در
کتاب اقبال اشاره نموده است بآنکه ابن بابویه ره روایتی از حضرت امام
جعفر صادق ع روایت کرده است که آن ملعون در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک
اسفل جحیم متوجه شده است و از نقل او چنان مفهوم میشود که شیخ صدوق
چنین اعتقاد داشته است هر چند سید خود آن حدیث را تاویلات نموده
است و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عجم پیوسته این روز
را بآن سبب تعظیم و تکریم مینموده اند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس در
کتاب زوائد الفوائد بهمین مذهب تقویت کرده است و روایت معتبری در
این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است که روایت کرده اند که محمد
بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد جریج بغدادی گفتند روزی ما منازعه کردیم
در باب عمر بن الخطاب علیه اللعنة والعذاب و رفتیم در شهر قم و بنزد
احمد بن اسحق قمی که از خواص اصحاب حضرة امام علی نقی و امام حسن عسکری
بود و بخدمت صاحب الامر نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم دختر
عراقیه بیرون آمد و احوال احمد را از او پرسیدیم گفت او امروز مشغول

اعمال عیدهاست و امروز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای
مؤمنان چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه گفت
دختر گفت احمد بن اسحق از حضرت امام علی نقی روایت میکند که امروز
روز عید است و بهترین عیدهاست نزد اهل بیت رسالت علیهم السلام
و شیعیان ایشان ما گفتیم که رخصت بطلب تا بنزد او رویم چون اندرون او رفت
خبر کرد بیرون آمد و لنگی بسته بود و عبائی بر خود پیچیده بود و بوی
مشک از او ساطع بود ما گفتیم این چه حالتست که در تو مشاهده میکنیم
گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم امروز مگر عید است گفت بلی
و ما را بخانه خود درآورد و بر روی کرسی نشاند و گفت روزی با جمعی از
برادران خود بنزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری ع در سر من رای
رفتیم در مثل این روز که شما بنزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت حضرت
رسیدیم که مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته است و بدست
مبارک خود عود در آن می انداخت و مجلس خود را مزین کرده است و بر
غلامان و خدمتکاران خود جامههای فاخر پوشانیده است گفتیم یابن رسول
الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه
روی داده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش از این روز نزد اهل

بیت عظیمست بدرستی که خبر داد مرا پدرم که حذیفه بن یمان در روز
نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا حذیفه گفت که دیدم
حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله
علیهم را که با حضرت رسالت پناه طعام تناول میفرمودند و آنحضرت روی
ایشان تبسم میفرمود و بامام حسن و امام حسین میفرمود بخورید گوارا باد
از برای شما برکت و سعادت این روز بدرستیکه این روزیست که حق تعالی هلاک
میکند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب میگرداند در این
روز دعای مادر شما را بخورید که این روزیست که حق تعالی در این روز قبول می
کند اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که این روزیست که ظاهر میشود
راستی گفته خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی خانهای ایشان
که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته
میشود در این روز شوکت دشمن جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید
که این روزیست که در این روز هلاک میشود فرعون اهل بیت من و ستم کننده
بر ایشان و غصب کننده حق ایشان بخورید که حق تعالی در این روز عملهای
دشمنان شما را باطل و هبا میگرداند حذیفه گفت که من گفتم یا رسول الله آیا
در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود که

ای حذیفه بتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و دعوی ریاست
در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود دعوت خواهد نمود و تازیانه
ظلم و ستم بر دوش خواهد کشید و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد و کتاب
خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزندان مرا متصرف
خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی بن
ابی طالب خواهد کرد و مالهای خدا را بناحق بر خود حلال خواهد کرد و در
غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من علی را بدروغ
نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد دانید پس دختر من او را
نفرین خواهد کرد و حق تعالی نفرین او را در این روز مستجاب خواهد کرد دانید حذیفه
گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک گرداند
حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرأت کنم بر قضای خدا و از
او طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است ولیکن از حق تعالی سؤال کردم که
فضیلت دهد آن روز را که او بجهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه احترام
آن روز سنتی گردد در میان دوستان من و دوستان و شیعیان اهل بیت
من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد در علم سابق من گذشته است که در
یابد تو را و اهل بیت تو را محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غصب

اعمال ماه صفر

کنند کان از بندگان من از متابعت نفاق ایشان که تو بعضی از احوال ایشان کردی و با تو خباثت
کردند و تو با ایشان رامی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان
صاف بودی و ایشان دشمنی تو را بدل گرفتند تو ایشان را خشنود کردی ایشان
را ایشان تو را تکذیب کردند تو ایشان را برگزیدی و ایشان تو را در بلا گذاشتند
سوگند یاد میکنم بحول و قوت و پادشاهی خود که البته بکشایم بر روح کسی که
غصب کند حق علی را که وصی تست بعد از تو هزار در از درکات نیران طبقهای
جهنم که او را فیلوق میگویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان
از رفعت خود بر او مشرف شود و او را لعنت کند و از منافقی او را در قیامت
عبرتی گردانم برای فرعونهای که در زمان پیغمبران دیگر بوده اند و برای سایر
دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را بسوی جهنم برم با دیدهای کبود
و رویهای ترش با نهایت مذلت و خواری و پشیمانی و ایشان را ابد الاباد
در عذاب خود بدارم ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر با نچه میرسد با و
از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرات میکنند بر من و کلام
مرا بدل میکنند و شریک بمن میاورند و مردم را منع میکنند از راه رضای من
و گوساله برای امت تو برپا میکنند که آن را بپرستند و کافر میشوند بمن
در عرش عظمت و جلال من بدرستیکه من امر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را

کرده

که برای شیعیان و محبان بهمین شبها عید کنند آن روز که آن ملعون کشته
میشود و امر کرده ام ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت
المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از
فرزندان آدم و امر کرده ام ملائکه که نویسندگان اعمالند که از آن روز تا سه روز
قلم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو ای محمد این روز را
عیدی گردانیدم برای تو و اهل بیت تو و برای هرکه تابع ایشان باشد از مومنان
و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بخود بعزت و جلال خود و علو و منزلت
مکان خود که عطا کنم کسی که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها که بدور عرش
احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاد کنم مال او را اگر کشاده دستی
دهد بر خود و عیال در این روز و هر سال در این روز صد هزار کس از موالیان
و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد گردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را
بیامرزم حذیفه گفت که پس برخواست رسول خدا و بخانه ام سلمه رفت و من
و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد از وفات حضرت رسول
خدا دیدم که او چه فتنها برانگیخت و کفر اصلی خود را ظاهر نمود و از دین برگشت
و دامان بیحیائی و وقاحت برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف
کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت

پیغمبر را نفرین و ادعو بنت آنحضرت را بدا کرد و شهادت حضرت امیر المؤمنین را رد
کرد و فاطمه دختر رسول خدا را بیدروغ داد و نسبت داد و فدک را غصب کرد و خمس
و صدقات رسول را از خود را ضبط کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و غضبناک
جوید اهل بیت رسالت نکرد و جمیع سنتهای رسول را بر طرف کرد و بدبختی کشتن
امیر المؤمنین کرد و جور و ستم در میان مردم علانیه کرد و هر چه خدا حلال
کرده بود حرام کرد و هر چه حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر
دینار و درهم بسازند و خرج کنند و در پهلو و شکم فاطمه زهرا زد و منبر حضرت
رسالت بغصب و جور بالا رفت و بر حضرت امیر المؤمنین افترا بست و با آن
حضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت نسبت داد حذیفه گفت که
پس حق تعالی دعای پیغمبر و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب کرد آنید
و قتل او را بر دست کشنده او رحمة الله علیه جاری ساخت پس رفتم بخدمت
حضرت امیر المؤمنین که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد بگویم بانکه آن منافق کشته
شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون حضرت مرا دید گفت ای حذیفه یاد داری
داری آن روز را که آمدی بنزد سید من رسول خدا و من و دو سبط او حسن و حسین
نزد او نشسته بودیم و با او طعام میخوردیم پس تو را او لال کرد بر فضیلت این روز
گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت فرمود که بخدا سوگند که این روز است که حق

دران

صفر
اعمال ماه

دران دیده رسول الله را روشن کرد انتقام مومنان از ایشان را و این روز هفتاد و دو نام دارد
دارد حذیفه گفت یا امیر المؤمنین میخواهم که آن نامها را از تو بشنوم حضرت
فرمود که این روز استراحت است که مومنان از شر آن منافق استراحت یافتند
و روز زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم است و روز تخفیف گناهان
شیعیان است و روز اختیار نیکو برای مؤمنان است و روز بر طرف شدن قلم از شیعیان
و روز برهم شکستن بنای کفر و عدوان است و روز عافیت است و روز برکت
و روز طلب خونهای مؤمنان است و روز عید بزرگ خداست و روز مستجاب
شدن دعاست و روز موقف اعظم است و روز وفای بعهد است و روز شرط
و روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت ظالم است و روز شکسته شدن
شوکت مخالفان است و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز عرض اعمال
انکافرات و روز ظهور قدرت خداست و روز عفو از گناه شیعیان است
و روز فرح ایشان است و روز توبه است و روز انابه بسوی حق تعالی است و روز
و روز زکوة بزرگست و روز طرد بدعت است و روز اندوه اغیار است و روز
که شدن آب دهان در گلوی مخالفان است و روز خشنودی مؤمنان است و روز
عید اهل بیت است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعون است و روز مقبول
شدن اعمال شیعیان است و روز بیش فرستادن صدقات است و روز زیادتی

مثوبات است و روز قتل منافق است و روز توفیق معلوم است و روز سرور اهل
بیت است و روز میوه است و روز قهر بر دشمن است و روز خراب شدن
بنیان ضلالت است و روز برکت که ظالم انگشت ندامت بدندان میگزد و روز
تنبیه است و روز نشاط و روز خنک شدن دلهای مؤمنان است
و روز شهادت است و روز در گذشتن از گناه مؤمنان است و روز تازگی بوستان
اهل ایمان است و روز شیرینی کلام ایشان است و روز خوشی دلهای مؤمنان
و روز بر طرف شدن پادشاهی منافقان است و روز توفیق اهل ایمان
و روز رهائی مؤمنان از شر کافران است و روز مظاهره است و روز مفاخره
است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم است و روز نحله و عطا است
و روز شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومان است و روز زیارت کردن مؤمنان
و روز محبت کردن ایشان است و روز رسیدن برحمتهای الهی است و روز
پاک گردانیدن اعمالست و روز فاش کردن رازهاست و روز بر طرف
شدن بدعتهاست و روز ترک گناهان کبیره است و روز ندا کردن بحجابت
و روز عبادت است و روز موعظه و روز نصیحت است و روز انقیاد
پیشوایان دین است حذیفه گفت که من از خدمت امیر المؤمنین برخواستم و گفتم
که اگر دریابم از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز

و دانستن

و دانستن و فضیلت این امر را به منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی
راویان حدیث گفتند که چون این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم بهر این بر
خواستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر میکنیم خداوندی را که بر انگیخت
ترا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانیدی پس بخانهای خود برگشتیم
و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب زوائد الفوائد گفته است که این حدیث
از خط علی بن محمد بن طی رحمه الله نوشتم و در کتب دیگر که تتبع کردیم چندین روایت موافق
این یافتم پس اعتماد بر این روایت نمودم و سزاوار است شیعیان که این روز را تعظیم
نمایند و اظهار سرور و شادی در این روز بکنند و شیخ ابراهیم بن علی کفعمی در
کتاب مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است
که هر که در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد
و مستحب است در این روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو گردانیدن ایشان و
توسعه دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر و
عبادت حق تعالی و این روز بر طرف شدن غمهاست و روز روشن داشتن دلهاست
مؤلف گوید که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت این روز و وقوع
این قصه مبارکه در آن احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار
سابقه میان شیعه مشهور بوده است و بر خلافش روایتی بنظر قاصر

رسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبر معارضه نمیکند
و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که رسیده چون جمعی در روز آن
کرده‌اند چون مشتبه گردیده مخفی ماند جواب آنست که این واقعه از وقایع
وفات حضرت رسالت و شهادت حضرت امیر المؤمنین عظیم‌تر نیست و در
هر یک از اینها اختلاف بسیار است آنچه در روایات عامه هست و در روایات اول اقوال
دارند علمای عامه بر خلاف آنچه مذهب شیعه است و اگر گویند که باعث اخفای
ایشان در اینجا چیست جواب میگوییم که شبهه در هر دو جاری است و باعث
قوی در اینجا هست زیرا که ممکن است که برای شماتت شیعیان اخفای
آن نموده باشند علی ای حال چون مدار علما بر آنست و علما بر آنست که
در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک میشوند بنابر احادیث صحیحه که از
ائمه طاهرین وارد شده است که هر که ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و آن را بجا آورد
او ثواب باو داده میشود هر چند چنان نباشد که باو رسیده است پس
اگر اعمال این روز را اگر نوعی از تبرع واقع شده باشد که مخالف با آیات
و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب
خواهد گردید و بعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنه در این روز
بجهنم واصل شده است اگر چنین باشد این شرافت نیز برای او کافیست

و شیخ

و شیخ مفید ره گفته است که در این روز دهم ماه حضرت رسول خدیجه کبری
را تزویج نمود و مستحب است برای شکر این فضیلت عظیم البرکه شیعیان روزه
بدارند و گفته است که در روز دوازدهم این ماه حضرت رسول داخل مدینه
طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید و بیمن این روز مبارک گشت و انقضای
دولت بنی مروان که از شعبه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام
بودند در این روز دولت ایشان بنهایت رسید و زایل گردید و این نیز فضیلت
دیگر است برای این روز و اکثر شیعیان ولادت با سعادت حضرت رسول را
در این روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی ره از علمای امامیه نیز در کتاب
کافی چنین قایل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق فتوای بعضی از
روایات این را اظهر میدانند و اگر چه خلاف مشهور میان امامیه است
لیکن اگر روزه و غسل و زیارت و سایر اعمالی که در هفدهم مذکور خواهد
شد در این روز نیز بعمل آورند باحتیاط اقرب است و سید بن طاوس ره
از بعضی از علمای عجم روایت کرده است که مستحب است که در روز دوازدهم این ماه
دو رکعت نماز بجا آورند در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قُل یا اَیُّهَا
الکافِرُون و در رکعت دوم بعد از حمد سه مرتبه قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ بخوانند و ایضا
شیخ مفید و شیخ طوسی رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که یزید پلید

فضیلت و اعمال روز هفدهم ماه ربیع الاول

علیه اللعنة و العذاب الشدید در روز چهارم این ماه باسفل درک جهنم
منتقل شده است که شیعیان این روز را روز خود مبارک دانند و شکر حق تعالی
بر این نعمت عظمی بجا آورند و نزد بعضی روزه این روز را سنت **هفدهم** در
دو ایل اعمال روز هفدهم این ماه است و مشهور میان علمای شیعه آنست که
ولادت کثیر البشارت حضرت رسالت در روز جمعه هفدهم ماه ربیع
الاول واقع شده و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت
باسمان نیز در شب هفدهم واقع شده است شب و روزش هر دو مبارکست
و در هر دو زیارت حضرت رسالت و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما
مناسبت و علما ذکر کرده اند و روزه این روز فضیلت بسیار دارد و شیخ
مفید ره گفته است که این روز شریفیست و پیوسته فرقه محقه شیعه
از قدیم الایام الی الان تعظیم آن میکرده اند و حق آن را میشناخته اند و روزه
میداشته اند و از ائمه هدی علیهم السلام روایت کرده اند که هر که این روز را
روزه دارد ثواب روزه یکسال برای او نوشته شود و مستحب است که
تصدقات بارباب حاجات بدهند و مؤمنان و مؤمنات را شاد گردانند
و زیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت
و ضریح منور حضرت امیر المؤمنین و شیخ مفید و شیخ شهید و سید بن طاوس

رضی

ماه ربیع الاول

زیارت پیغمبر

رضی الله عنهم گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول را
زیارت کنی غسل بکن و شبیه قبری در پیش روی خود بساز و اسم مبارک آن
حضرت را بر آن بنویس و بایست و دل خود را متوجه آنحضرت گردان و بگو اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و انه
سید الاولین و الآخرین و انه سید الانبیاء و المرسلین اللهم صل علیه و علی
اهل بیته الائمة الطیبین **پس بگو** السلام علیک یا رسول الله السلام علیک
یا خلیل الله السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا صفی الله السلام
علیک یا رحمة الله السلام علیک یا خیرة الله السلام علیک یا حبیب الله
السلام علیک یا نجیب الله السلام علیک یا خاتم النبیین السلام علیک
یا سید المرسلین السلام علیک یا قائما بالقسط السلام علیک یا فاتح الخیر
السلام علیک یا معدن الوحی و التنزیل السلام علیک یا مبلغا عن الله
السلام علیک ایها السراج المنیر السلام علیک یا مبشر السلام علیک
یا نذیر السلام علیک یا منذر السلام علیک یا نور الله الذی یستضاء به
السلام علیک و علی اهل بیتک الطیبین الطاهرین الهادین المهدیین السلام
علیک و علی جدک عبد المطلب و علی ابیک عبد الله السلام علیک و علی
امک آمنة بنت وهب السلام علی عمک حمزة سید الشهداء السلام علی عمک

وكفيلك أبي طالب السلام على ابن عمك جعفر الطيار في جنان الخلد السلام
عليك يا محمد السلام عليك يا أحمد السلام عليك يا حجة الله على الأولين
والآخرين والسابق إلى طاعة رب العالمين والمهيمن على رسله والخاتم
لأنبيائه والشاهد على خلقه والشفيع إليه والمكين لديه والمطاع في
ملكوته الأحمد من الأوصاف المحمد لسائر الأشراف الكريم عند الرب و
المكلم من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت عن اللحاق تسليم عارف بحقك
معترف بالتقصير في قيامه بواجبك غير منكر ما انتهى إليه من فضلك موقن
بالمزيدات من ربك مؤمن بالكتاب المنزل عليك محلل حلالك محرم حرامك
أشهد يا رسول الله مع كل شاهد وأتحملها عن كل جاحد أنك قد بلغت رسالات
ربك ونصحت لأمتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت بأمره واحتملت
الأذى في جنبه ودعوت إلى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة
وأديت الحق الذي كان عليك وأنك قد رؤفت بالمؤمنين وغلظت على
الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى أتاك اليقين فبلغ الله بك أشرف محل
المكرمين وأعلى منازل المقربين وأرفع درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق
ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق ولا يطمع في إدراكك طامع الحمد لله الذي
استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة ونورنا بك من الظلمة فجزاك

الله

الله يا رسول الله من مبعوث أفضل ما جازى نبيا عن أمته ورسولا عمن أرسل إليه
بأبي أنت وأمي يا رسول الله زرتك عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا بضلالة
من خالفك وخالف أهل بيتك عارفا بالهدى الذي أنت عليه بأبي أنت وأمي
ونفسي وأهلي ومالي وولدي أنا أصلي عليك كما صلى الله عليك وصلى عليك
ملائكته وأنبياؤه ورسله صلاة متتابعة وافرة متواصلة لا انقطاع
لها ولا أمد ولا أجل صلى الله عليك وعلى أهل بيتك الطيبين الطاهرين كما أنتم
أهله ونماز را بگذار وبگو اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامي بركاتك و
فواضل خيراتك وشرائف تحياتك وتسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوات
ملائكتك المقربين وأنبيائك المرسلين وأئمتك المنتجبين وعبادك الصالحين
وأهل السماوات والأرضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الأولين والآخرين
على محمد عبدك ورسولك وشاهدك ونبيك ونذيرك ونجيبك وحبيبك
وخليلك وصفيك وصفوتك وخاصتك وخالصتك ورحمتك وخير
خيرتك من خلقك نبي الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير والبركة ومنقذ العباد
من الهلكة بإذنك وداعيهم إلى دينك القيم بأمرك أول النبيين ميثاقا وآخرهم
مبعثا الذي غمسته في بحر الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة الرفيعة
والمرتبة الخطيرة وأودعته الأصلاب الطاهرة ونقلته منها إلى الأرحام

المطهرة لطفا منك له وتحننا منك عليه باذنك وكلفنا الصلوة به وحولنا الاسم وحظه
وحياطته من قذر ذلك عينا عاصمة تحجب بها عنه مدانس العهر ومعايب السفاح
حتى رفعت به نواظر العباد واحييت به ميت البلاد بان كشفت عن نور ولادته
ظلم الاستار والبسته حرمك به حلل الانوار اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة
الكريمة وذخر هذه المنقبة العظيمة صل عليه كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك
وقاتل اهل الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر في اعزاز دينك ولبس ثوب البلوى
في مجاهدة اعدائك واوجبت له بكل اذى مسه او كيد احس به من الفئة التي حاولت
قتله فضيلة تفوق الفضائل وتملك بها الجزيل من نوالك وقد اسر الحسرة واخفى
الزفرة وتجرع الغصة ولم يتخط ما مثل له وحيك اللهم صل عليه وعلى اهل بيته
صلوة ترضيها لهم وبلغهم منا تحية كثيرة وسلاما واتنا من لدنك في موالاتهم
فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو الفضل العظيم پس چهار رکعت نماز زیارت
بکن بدو سلام با هر سوره که خواهی وچون فارغ شوی تسبیح حضرت فاطمه ع
را بخوان پس بگو اللهم انك قلت لنبيك محمد صلى الله عليه وآله ولو انهم اذ ظلموا
انفسهم جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما ولم
احضر زمان رسولك عليه وآله السلام اللهم وقد زرته راغبا تائبا من سيئ
عملي ومستغفرا لك من ذنوبي ومقرا لك بها وانت اعلم بها مني ومتوجها اليك

بنبيك

بنبيك نبي الرحمة صلواتك عليه وآله فاجعلني اللهم بمحمد واهل بيته عندك وجيها في
الدنيا والآخرة ومن المقربين يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي يا نبي الله يا سيد خلق الله
اني اتوجه بك الى الله ربك وربي ليغفر لي ذنوبي ويتقبل مني عملي ويقضي لي حوائجي فكن
لي شفيعا عند ربك وربي فنعم المسؤول المولى ربي ونعم الشفيع انت يا محمد عليك وعلى
اهل بيتك السلام اللهم واوجب لي منك المغفرة والرحمة والرزق الواسع الطيب النافع
كما اوجبت لمن اتى نبيك محمدا صلواتك عليه وآله وهو حي فاقر له بذنوبه واستغفر
له رسولك عليه وآله السلام فغفرت له برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد املتك
ورجوتك وقمت بين يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد املت جزيل ثوابك
واني لمقر غير منكر وتائب اليك مما اقترفت وعائذ بك في هذا المقام مما قدمت
من الاعمال التي تقدمت الي فيها ونهيتني عنه واوعدت عليها العقاب واعوذ
بكرم وجهك ان تقيمني مقام الخزي والذل يوم تهتك فيه الاستار وتبدو فيه
الاسرار والفضائح وترعد فيه الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم الآفكة
يوم الآزفة يوم التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين الف سنة
يوم النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض يوم يقوم
الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه وصاحبته وبنيه يوم
تشقق الارض واكناف السماء يوم تاتي كل نفس تجادل عن نفسها يوم يردون الى

اللّه فينبّئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الّا من رحم اللّه انّه
هو العزيز الرّحيم يوم يردّون الى عالم الغيب والشّهادة يوم يردّون الى اللّه مولاهم الحقّ
يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانّهم الى نصب يوفضون وكانّهم جراد منتشر مهطعين
الى الدّاع الى اللّه يوم الواقعة يوم ترجّ الارض رجّا يوم تكون السّماء كالمهل وتكون
الجبال كالعهن ولا يسئل حميم حميما يوم الشّاهد والمشهود يوم تكون الملائكة صفّا صفّا
اللّهمّ ارحم موقفي في ذلك اليوم بموقفي في هذا اليوم ولا تخزني في ذلك الموقف بما جنيت
على نفسي واجعل يا ربّ في ذلك اليوم مع اوليائك منطلقي وفي زمرة محمّد واهل
بيته عليهم السّلام محشري واجعل حوضه موردي وفي الغرّ الكرام مصدري
واعطني كتابي بيميني حتّى افوز بحسناتي وتبيضّ به وجهي وتيسّر به حسابي وترجّح
به ميزاني وامضي مع الفائزين من عبادك الصّالحين الى رضوانك وجنانك و
اله العالمين اللّهمّ انّي اعوذ بك من ان تفضحني في ذلك اليوم بين يدي الخلائق بجريرتي
او ان القى الخزي والنّدامة بخطيئتي او ان تظهر فيه سيّئاتي على حسناتي او ان
تنوّه بين الخلائق باسمي يا كريم يا كريم العفو العفو السّتر السّتر اللّهمّ واعوذ بك من
ان يكون في ذلك اليوم في مواقف الاشرار موقفي او في مقام الاشقياء مقامي
واذا ميّزت بين خلقك فسقت كلّا باعمالهم زمرا الى منازلهم فسقني برحمتك في عبادك
الصّالحين وفي زمرة اوليائك المتّقين الى جنّاتك يا ربّ العالمين پس وداع کن

آنحضرترا

ماه ربيع الاول

آنحضرترا و بگو السّلام عليك يا رسول اللّه السّلام عليك ايّها البشير النّذير السّلام
عليك ايّها السّراج المنير السّلام عليك ايّها السّفير بين اللّه وبين خلقه اشهد
يا رسول اللّه انّك كنت نورا في الاصلاب الشّامخة والارحام المطهّرة لم تنجّسك
الجاهليّة بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمّات ثيابها واشهد يا رسول اللّه انّي
مؤمن بك وبالائمّة من اهل بيتك موقن بجميع ما اتيت به راض مؤمن واشهد انّ
الائمّة من اهل بيتك اعلام الهدى والعروة الوثقى والحجّة على اهل الدّنيا اللّهمّ
لا تجعله اخر العهد من زيارة نبيّك عليه واله السّلام فان توفّيتني فانّي اشهد
في مماتي على ما اشهد عليه في حيوتي انّك انت اللّه لا اله الّا انت وحدك لا شريك لك
وانّ محمّدا عبدك ورسولك وانّ الائمّة من اهل بيته اوليائك وانصارك وحججك
على خلقك وخلفائك في عبادك واعلامك في بلادك وخزّان علمك وحفظة
سرّك وتراجمة وحيك اللّهمّ صلّ على محمّد وال محمّد وبلّغ روح نبيّك محمّد واله في
ساعتي هذه وفي كلّ ساعة تحيّة منّي وسلاما والسّلام عليك يا رسول اللّه و
رحمة اللّه وبركاته لا جعله اللّه اخر تسليمي عليك مؤلّف گويد كه اين زيارت اگر
چه سندش بنظر فقير نرسيده ولهذا در نسخهٔ الن بن نكرده ام اما زيارت
جامع كامليست ودر همه اوقات ميتوان بجا آورد واگر كسى نتواند زيارت مختصر
كه بعد از اين ان شاء الله مذكور خواهد بعمل آورد وعلما ذكر كرده اند كه زيارت

زیارت امیرالمؤمنین در هفدهم ربیع الاول

حضرت امیرالمؤمنین در این روز سنت است و خصوص این زیارت در این روز
ذکر کرده اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم نمیشود و لیکن
زیارات است از جهت لفظ و معنی و سند بسیار معتبر منقولست و در همه ایام
و اوقات از دور و نزدیک بهتر آنکه مخصوصا در این روز چنانکه شیخ مفید
و شیخ شهید و سید بن طاوس رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه زیارت کرد حضرت امیرالمؤمنین را در هفدهم ماه
ربیع الاول باین زیارت و تعلیم فرمود زیارت را بابو ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم
ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیرالمؤمنین غسل زیارة بکن و پاکیزه ترین
جامهای خود را بپوش و بقدری بوی خوش خود را خشبوکن و بر تو باد بار آرام
دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام یعنی درگاه روضه مقدسه که نزدیک
نمایان میشود پس رو بقبله بایست و سی مرتبه بگو الله اکبر و بگو السلام
علی رسول الله السلام علی خیرة الله السلام علی البشیر النذیر السراج المنیر و
رحمة الله و برکاته السلام علی انبیاء الله المرسلین و عباد الله الصالحین
السلام علی ملائکة الله الحافین بهذا الحرم و بهذا الضریح اللائذین به پس نزدیک
قبر و بگو السلام علیک یا وصی الاوصیاء السلام علیک یا عماد الاتقیاء السلام
علیک یا ولی الاولیاء السلام علیک یا سید الشهداء السلام علیک یا آیة الله

العظمی

ماه ربیع الاول

العظمی السلام علیک یا خامس اهل العباء السلام علیک یا قائد الغر المحجلین الاتقیاء
السلام علیک یا عصمة الاولیاء السلام علیک یا زین الموحدین النجباء السلام
علیک یا خالص الاخلاء السلام علیک یا والد الائمة الامناء السلام علیک یا صاحب
الحوض و حامل اللواء السلام علیک یا قسیم الجنة و لظی السلام علیک یا من شرف
به مکة و منی السلام علیک یا بحر العلوم و کهف الفقراء السلام علیک یا من
ولد فی الکعبة و زوج فی السماء بسیدة النساء و کان شهودها الملائکة
الاصفیاء السلام علیک یا مصباح الضیاء السلام علیک یا من خصه النبی
بجزیل الحباء السلام علیک یا من بات علی فراش خاتم الانبیاء و وقاه بنفسه
شر الاعداء السلام علیک یا من ردت له الشمس فسامی شمعون الصفا السلام
علیک یا من انجی الله سفینة نوح باسمه و اسم اخیه حیث التطم الماء حولها
و طمی السلام علیک یا من تاب الله به و باخیه علی آدم اذ غوی السلام علیک
یا فلک النجاة الذی من رکبه نجی و من تأخر عنه هوی السلام علیک یا من خاطب
الثعبان و ذئب الفلا السلام علیک یا امیرالمؤمنین و رحمة الله و برکاته
السلام علیک یا حجة الله علی من کفر و اناب السلام علیک یا امام ذوی
الالباب السلام علیک یا معدن الحکمة و فصل الخطاب السلام علیک
یا من عنده علم الکتاب السلام علیک یا میزان یوم الحساب السلام علیک

يا فاصل الحكم الناطق بالصواب السلام عليك ايها المتصدق بالخاتم في المحراب
السلام عليك يا من كفى الله المؤمنين القتال به يوم الاحزاب السلام عليك
يا من اخلص لله الوحدانية واناب السلام عليك يا قاتل خيبر وقالع الباب السلام
عليك يا من دعاه خير الانام للمبيت على فراشه فاسلم نفسه للمنية واجاب السلام
عليك يا من له طوبى وحسن مآب ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا ولي عصمة
الدين ويا سيد السادات السلام عليك يا صاحب المعجزات السلام عليك يا من
نزلت في فضله سورة العاديات السلام عليك يا من كتب اسمه في السماء على
السرادقات السلام عليك يا مظهر العجائب والآيات السلام عليك يا امير الغزوات
السلام عليك يا مخبرا بما غبر وبما هو آت السلام عليك يا مخاطب ذئب الفلوات
السلام عليك يا خاتم الحصى ومبين المشكلات السلام عليك يا من عجبت من
حملاته في الوغى ملائكة السماوات السلام عليك يا من ناجى الرسول فقدم بين
يدي نجواه الصدقات السلام عليك يا والد الائمة البررة السادات ورحمة الله
وبركاته السلام عليك يا تالي المبعوث السلام عليك يا وارث علم خير موروث
ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا امام المتقين السلام عليك يا غياث
المكروبين السلام عليك يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين
السلام عليك يا طه ويس السلام عليك يا حبل الله المتين السلام عليك

يا من

ماه ربيع الأول

يا من تصدق في صلواته بخاتمه على المسكين السلام عليك يا قالع الصخرة عن فم
القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين الله الناظرة ويده الباسطة و
لسانه المعبر عنه في بريته اجمعين السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع
علم الاولين والآخرين وصاحب لواء الحمد وساقي اوليائه من حوض خاتم النبيين
السلام عليك يا يعسوب الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الائمة المرضيين ورحمة
الله وبركاته السلام على اسم الله الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه
السوي السلام على الامام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري السلام
على الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام على الامام الهدى ومصابيح
الدجى وعلم التقى ومنازل الهدى وذوي النهى وكهف الورى والعروة الوثقى
والحجة على اهل الدنيا ورحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار وحجة
الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الآثار المدمر على
الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الاوزار السلام على المخصوص
بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في البيت ذي الاستار المزوج في السماء
بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة الاطهار ورحمة الله وبركاته السلام
على النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسألون السلام
على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله وبركاته السلام عليك يا

ولیّ الله وحجته وخالصة الله وخاصته اشهد یا ولیّ الله لقد جاهدت فی
سبیل الله حقّ جهاده واتبعت منهاج رسول الله صلی الله علیه وآله وحللت حلال الله
وحرّمت حرامه وشرعت احکامه واقمت الصلوة وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف
ونهیت عن المنکر وجاهدت فی سبیل الله صابراً ناصحاً مجتهداً محتسباً عند الله
عند الله عظیم الاجر حتی اتاک الله الیقین فلعن الله من دفعک عن حقک وازالک
عن مقامک ولعن الله من بلغه ذلک فرضی به اشهد الله وملائکته وانبیاءه
ورسله انی ولیّ لمن والاک وعدوّ لمن عاداک السلام علیک ورحمة الله و
برکاته خود را بقبر بچسپان وقبر را ببوس وبگو اشهد انک تسمع کلامی و
تشهد مقامی واشهد لک یا ولیّ الله بالبلاغ والاداء یا مولای یا حجة الله یا
امین الله یا ولیّ الله ان بینی وبین الله عز وجل ذنوباً قد اثقلت ظهری ومنعتنی
من الرقاد ذکرها یقلقل احشائی وقد هربت الی الله عز وجل والیک فبحق
من ائتمنک علی سرّه واسترعاک امر خلقه وقرن طاعتک بطاعته وموالاتک
بموالاته کن لی الی الله شفیعاً ومن النار مجیراً وعلی الدهر ظهیراً پس باز خود را
بقبر بچسپان وقبر را ببوس وبگو یا ولیّ الله یا حجة الله یا باب حطة الله ولیک
وزائرک واللائذ بقبرک والنازل بفنائک والمنیخ رحله فی جوارک یسئلک
ان تشفع له الی الله فی قضاء حاجته ونجح طلبته فی الدنیا والآخرة فان

لک

ماه ربیع الاول

لک عند الله الجاه العظیم والشفاعة المقبولة فاجعلنی یا مولای من همّک وادخلنی
فی حزبک والسلام علیک وعلی ضجیعیک آدم ونوح والسلام علیک وعلی
ولدیک الحسن والحسین وعلی الائمة الطاهرین من ذریتک ورحمة الله وبرکاته
پس از روی تضرع وخشوع هر حاجت که داری از حق تعالی طلب مؤلف گوید که چون
از دور زیارت کند بهذا الحرم وبهذا الضریح بجهت روضه وضریح حضرت
امیر المؤمنین ع میکند وزیارتها ودعاها را متصل بیکدیگر میخوانند ونزدیک
رفتن وبوسیدن نمیباشد اعنی بعوض آنها در کار نیست که چیزی بعمل آورد
وسید بن طاوس رضی الله گفته است که مستحب است در این روز دو رکعت
نماز بکند ودر هر رکعتی بعد از سورهٔ فاتحه ده مرتبه انا انزلناه وده مرتبه
قل هو الله احد بخواند وچون سلام بگوید در جای نماز خود بنشیند وابتهال
بخواند انت حیّ لا یموت وخالق لا یغلب وبدیء لا ینفد وقریب لا یبعد و
قادر لا یضادّ وغافر لا یظلم وصمد لا یطعم وقیّوم لا ینام وعالم لا یعلّم وقویّ
لا یضعف وعظیم لا یوصف ووفیّ لا یخلف وغنیّ لا یفتقر وحکیم لا یجور و
منیع لا یقهر ومعروف لا ینکر ووکیل لا یخفی وغالب لا یغلب وفرد لا یستشیر
ووهّاب لا یملّ وسریع لا یذهل وجواد لا یبخل وعزیز لا یذلّ وحافظ لا یغفل
وقائم لا یزول ومحتجب لا یری ودائم لا یفنی وباق لا یبلی وواحد لا یشبه ومقتدر

لا تنازع اللهم إني أسألك بعلم الغيب عندك وقدرتك على الخلق أجمعين أن
تحييني ما علمت الحياة خيرا لي وأن تتوفاني إذا كانت الوفاة خيرا لي وأسألك
الخشية في الغيب والشهادة وأسألك اللهم كلمة الحق في الغضب والرضا
وأسألك الرضا بعد القضاء وأسألك برد العيش بعد الموت وأسألك
لذة النظر إلى وجهك الكريم آمين رب العالمين اللهم إني أسألك بنبيك الكريم
وفضلك العظيم أن تغفر لي وترحمني يا لطيفا لطف بي في كل ما تحب وترضى
اللهم إني أسألك فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين ومخالطة الصالحين
وأن تغفر لي وترحمني وإذا أردت بقوم فتنة فنجني غير مفتون وأسألك حبك
وحب من يحبك وحب كل عمل يقربني إلى حبك اللهم بحق محمد صلى الله حبيبك و
بحق إبراهيم خليلك وصفيك وبحق موسى كليمك وبحق عيسى روحك وأسألك
بصحف إبراهيم وتوراة موسى وإنجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه
وآله وأسألك بكل وحي أوحيته وبحق كل قضاء قضيته وبكل سائل أعطيته
وأسألك بكل اسم أنزلته في كتابك وأسألك بأسمائك التي استقل بها عرشك
وأسألك بأسمائك التي وضعتها على الليل فأظلم وأسألك بأسمائك التي وضعتها على
النهار فأضاء وأسألك بأسمائك التي وضعتها على الأرض فاستقرت وأسألك
باسمك الأحد الصمد الذي ملأ أركان كل شيء وأسألك باسمك الطهر الطاهر

المبارك

المبارك الحي القيوم لا إله إلا هو الرحمن الرحيم وأسألك بمعاقد العز من عرشك و
منتهى الرحمة من كتابك وبأسمائك العظام وجدك الأعلى وكلماتك التامات أن
ترزقنا حفظ القرآن والعمل به والطاعة لك والعمل الصالح وأن تثبت ذلك في
أسماعنا وأبصارنا وأن تخلط ذلك بلحمي ودمي ومخي وشحمي وأن تستعمل بذلك بدني
وقوتي فإنه لا يقوى على ذلك إلا أنت وحدك لا شريك لك يا الله الواحد الرب
القديم يا الله الخالق البارئ المصور يا الله الباعث الوارث يا الله الفتاح
العزيز العليم يا الله الملك القادر المقتدر اغفر لي وارحمني إنك أنت أرحم
الراحمين اللهم إنك قلت وقولك الحق ادعوني أستجب لكم فأسألك يا الله باسمك
الذي دعاك به آدم صلى الله عليه فأوجبت له الجنة وأسألك باسمك الذي
دعاك به شيث بن آدم فجعلته وصي أبيه بعده أن تستجيب دعاءنا وأن ترزقنا
إنفاذ كل وصية لأحد عندنا وأن تقدم وصيتنا أمامنا وأسألك باسمك
الذي دعاك به إدريس فرفعته مكانا عليا وأن ترفعنا إلى أحب البقاع إليك
وتمن علينا برضائك وتدخلنا الجنة برحمتك وأسألك باسمك الذي دعاك
به نوح فنجيته من الغرق وأهلكت القوم الظالمين أن تنجينا مما نحن فيه من
البلاء وأسألك باسمك الذي دعاك به هود عليه السلام فنجيته من الريح
العقيم أن تنجينا من بلاء الدنيا والآخرة وعذابهما وأسألك باسمك الذي دعاك

به صالح فنجيته من خزي يومئذ أن تنجينا من خزي الدنيا والآخرة وعذابها
وأسألك باسمك الذي دعاك به لوط فنجيته من المؤتفكة والمطر السوء أن تنجينا
من مخازي الدنيا والآخرة وأسألك باسمك الذي دعاك به شعيب فنجيته من
عذاب يوم الظلة أن تنجينا من العذاب إلى روحك ورحمتك وأسألك باسمك
الذي دعاك به إبراهيم فجعلت النار عليه بردا وسلاما أن تخلصنا كما خلصته
وأن تجعل ما نحن فيه بردا وسلاما كما جعلتها عليه وأسألك باسمك الذي دعاك
به إسمعيل عند العطش وأخرجت من زمزم الماء الروي أن تجعل مخرجنا إلى خير
وأن ترزقنا المال الواسع برحمتك وأسألك باسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت
عليه بصره وولده وقرة عينه أن تخلصنا وتجمع بيننا وبين أولادنا وأهالينا و
أسألك باسمك الذي دعاك به يوسف فأخرجته من السجن أن تخرجنا من السجن
وتملكنا نعمتك التي أنعمت بها علينا وأسألك باسمك الذي دعاك به الأسباط
فتبت عليهم وجعلتهم أنبياء أن تتوب علينا وترزقنا طاعتك وعبادتك
والخلاص مما نخاف منه وأسألك باسمك الذي دعاك به أيوب إذ حل به البلاء
فقال ربي إني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين فاستجبت له وكشفت عنه ضره
ورددت عليه أهله ومثلهم معهم رحمة منك وذكرى للعالمين اللهم إني
أقول كما قال ربي إني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين فاستجب لنا وارحمنا وخلصنا

ورد علينا أهلنا ومالنا ومثلهم معهم رحمة منك واجعلنا من العابدين لك
وأسألك باسمك الذي دعاك به موسى وهرون فقلت عز من قائل قد أجيبت
دعوتكما أن تستجيب دعاءنا وتنجينا كما نجيتهما وأسألك باسمك الذي دعاك به داود
فغفرت له ذنبه وتبت عليه أن تغفر ذنبي وتتوب علي إنك أنت التواب الرحيم
وأسألك باسمك الذي دعاك به سليمان فرددت عليه ملكه وأمكنته من علو
وسخرت له الجن والإنس والطير أن تخلصنا من عدونا وترد علينا نعمتك وتخرج
لنا من أيديهم حقنا وتخلصنا منهم إنك على كل شيء قدير وأسألك باسمك الذي دعاك
به الذي عنده علم من الكتاب على عرش ملكة سبأ أن يحمل إليه فإذا هو مستقر عنده
أن تحملنا من عامنا هذا إلى بيتك الحرام حجاجا وزوار قبر نبيك عليه وآله
السلام وأسألك باسمك الذي دعاك به يونس في الظلمات أن لا إله إلا
أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من بطن الحوت ومن الغم
وقلت عز من قائل وكذلك ننجي المؤمنين فنشهد أنا مؤمنون ونقول كما قال
لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجب لي من غم الدنيا والآخرة كما
ضمنت أن تنجي المؤمنين وأسألك باسمك الذي دعاك به زكريا وقال رب لا تذرني
فردا وأنت خير الوارثين فاستجبت له ووهبت له يحيى وأصلحت له زوجه وجعلتهم
يسارعون في الخيرات ويدعونك رغبا ورهبا وكانوا لك خاشعين فإني أقول

كما قال رب لا تذرني فردا وانت خير الوارثين فاستجب لي واصلح لي شاني وجميع
ما انعمت به علي وخلصني مما انا فيه وهب لي كرامة الدنيا والاخرة واولادا
صالحين يرثوني واجعلنا ممن يدعوك رغبا ورهبا ومن الخاشعين المطيعين
لك واسئلك باسمك الذي دعاك به يحيى فجعلته برا بالقيامة ولم تجعله
ولكنهم بها ان تحرمني لذنب انا العاصي حتى انما كظالم من ليس لك ولينا
نسبته اسئلك باسمك الذي دعتك به مريم فطهرتها ولكمالها تجيبها ان توفقنا
وتخلصنا بمحبتنا عندك وعند كل ملمة حتى تظهر محبتنا على ظالمينا واسئلك
باسمك الذي دعاك به عيسى ابن مريم فاحييت به الموتى وابرء الاكمه والابرص ان
تخلصنا وتبرئنا من كل سوء وافزع الينا وتحيينا حيوة طيبة في الدنيا والاخرة وان
ترزقنا في ابداننا واسئلك باسمك الذي به الحواريون فاعنتهم حتى بلغوا
على ما امرتهم به وصرفت عنهم كيد الجبارين وتوليتهم ان تخلصنا وتجعلنا من
الدعاة الى طاعتك واسئلك باسمك الذي دعاك به جرجيس فرفعت عنه الم
العذاب في الدنيا والاخرة وان لا تبتلينا وان ابتليتنا فصبرنا والعافية احب
الينا واسئلك باسمك الذي دعاك به الخضر حتى ابقيته ان تفرج عنا وتنصرنا
على من ظلمنا وتردنا الى مامنك واسئلك باسمك الذي دعاك به حبيبك محمد
صلى الله عليه واله فجعلته سيد المرسلين وايدته بعلي سيد الوصيين

ان تصلي عليهما وعلى ذريتهما الطاهرين وان تقيلني في هذا اليوم عثرتي وتغفر
لي ما سلف من ذنوبي وخطاياي ولا تصرفني من مقامي هذا الا بسعي مشكور وذنب
مغفور وعمل مقبول ورحمة ومغفرة ونعيم موصول بنعيم الاخرة برحمتك يا حنان
يا منان يا ذا الجلال والاكرام انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم **باب پنجم در اعمال** ماه ربيع الثاني وجمادي الاولى وجمادي الثانيه
ودر ان سه فصلست فصل **اول** در اعمال ماه ربيع الثاني شيخ ابن طاوس
رضي الله عنه روايت كرده است كه در روز اول اين ماه مستحب است كه اين دعا بخوانند
اللهم انت اله كل شيء وخالق كل حي ورب كل شيء اسئلك بالعروة الوثقى والغاية
والمنتهى وبما خالفت بين الانوار والظلمات والجنة والنار والدنيا والاخرة
وباعظم اسمائك في اللوح المحفوظ واتم اسمائك في التورية نبلا واظهر اسمائك
في الزبور عزا واجل اسمائك في الانجيل قدرا وارفع اسمائك في القران ذكرا و
اعظم اسمائك في الكتب المنزلة وافضلها واشرف اسمائك في نفسك الذي لم يطلع
نبي واسئلك بعزتك وقدرتك وبالعرش العظيم وما حمل وبالكرسي الكريم
وما وسع ان تصلي على محمد وال محمد وتنجح لي من عندك فرجا القريب العظيم الاعظم
اللهم انعم على احسانك القديم الاقدم وتابع الي معروفك الدائم الادوم وانجح
بعز جلالك الكريم الاكرم والحكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله

باب پنجم در اعمال

إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم الم الله لا إله إلا هو الحي القيوم هو
الذي يصوركم في الأرحام كيف يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم شهد الله أنه لا إله
إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائما بالقسط لا إله إلا هو العزيز الحكيم الله لا إله إلا هو
ليجمعنكم إلى يوم القيمة لا ريب فيه ذلكم الله ربكم لا إله إلا هو خالق كل شيء فاعبدوه
وهو على كل شيء وكيل اتبع ما أوحي إليك من ربك لا إله إلا هو وأعرض عن المشركين
قل يا أيها الناس إني رسول الله إليكم جميعا الذي له ملك السموات والأرض
لا إله إلا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله ورسوله النبي الأمي الذي يؤمن بالله وكلماته
واتبعوه لعلكم تهتدون وما أمروا إلا ليعبدوا إلها واحدا لا إله إلا هو سبحانه
عما يشركون فإن تولوا فقل حسبي الله لا إله إلا هو عليه توكلت وهو
رب العرش العظيم حتى إذا أدركه الغرق قال آمنت أنه لا إله إلا الذي آمنت
به بنوا إسرائيل وأنا من المسلمين قل هو ربي لا إله إلا هو عليه توكلت وإليه
متاب ينزل الملائكة بالروح من أمره على من يشاء من عباده أن أنذروا أنه لا إله
إلا أنا فاتقون وإن تجهر بالقول فإنه يعلم السر وأخفى الله لا إله إلا هو له الأسماء
الحسنى وأنا اخترتك فاستمع لما يوحى إنني أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدني وأقم
الصلوة لذكري إنما إلهكم الله الذي لا إله إلا هو وسع كل شيء علما وما أرسلنا
من قبلك من رسول إلا نوحي إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون وذا النون إذ

ذهب مغاضبا فظن أن لن نقدر عليه في الظلمات أن لا إله إلا أنت سبحانك إني
كنت من الظالمين فتعالى الله الملك الحق لا إله إلا هو رب العرش العظيم وهو الله
لا إله إلا هو له الحمد في الأولى والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون ولا تدع مع
الله إلها آخر لا إله إلا هو كل شيء هالك إلا وجهه له الحكم وإليه ترجعون يا
أيها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء والأرض لا
إله إلا هو فأنى تؤفكون ذلكم الله ربكم له الملك لا إله إلا هو فأنى تصرفون غافر
الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا إله إلا هو إليه المصير ذلكم
الله ربكم خالق كل شيء لا إله إلا هو فأنى تؤفكون ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب
العالمين هو الحي لا إله إلا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين
رب السموات والأرض وما بينهما إن كنتم موقنين لا إله إلا هو يحيي ويميت ربكم
ورب آبائكم الأولين فأنى لهم إذا جاءتهم ذكريهم فاعلم أنه لا إله إلا الله واستغفر
لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات هو الله لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو
الرحمن الرحيم هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون الله لا إله إلا هو وعلى الله فليتوكل المؤ
اللهم إني أسئلك عفوا ليس بعده عقوبة ورضا ليس بعده سخط وعافية
ليس بعدها بلاء وسعادة ليس بعدها شقاء وهدى لا يكون بعده ضلا

وايمانا لا يداخله كفر وقلبا لا يداخله فتنة اللهم اني اسئلك السعة في العمر
والحجة البالغة والقول الثابت وان تنزل علي الامان والفرج والسرور ونضرة
النعيم اللهم صل على محمد وال محمد وعرفني بركة هذا الشهر ويمنه وارزقني خيره و
اصرف عني شره واجعلني فيه من الفائزين برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انت وهاب
الخير فهب لي شوقا الى لقائك واشفاقا من عذابك وحياء منك وتوقيرا واجلالا
حتى يوجل من ذلك قلبي ويقشعر منه جلدي ويتجافى جنبي وتدمع منه عيني
ولا اخلو من ذكرك في ليلي ونهاري يا ارحم الراحمين اللهم اني اثني عليك وما عسى
ان تبلغ مدحتي وثنائي مع قلة عملي وقصر رائي وانت الخالق وانا المخلوق وانت المالك
وانا المملوك وانت الرب وانا المربوب وانت العزيز وانا الذليل وانت القوي وانا
الضعيف وانت الغني وانا الفقير وانت المعطي وانا السائل وانت الحي الذي
لا تموت وانا خلق اموت فاغفر لي وارحمني واعطني سؤلي في دنياي واخرتي و
تجاوز عني وعن جميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم
والاموات اللهم صل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وصفيك وخيرتك
من خلقك اللهم ارفع درجته وكرم مقامه واجزل ثوابه وافلج حجته واظهر
عذره وعظم نوره وادم كرامته والحق به امته وذريته واقرر بذلك عينه
اللهم اجعل محمدا اكرم النبيين تبعا واعظمهم منزلة واشرفهم كرامة واعلاهم

درجه

درجة وافسحهم في الجنة منزلة اللهم بلغ محمدا درجة الوسيلة وشرف بنيانه و
عظم نوره وبرهانه وتقبل شفاعته في امته وتقبل صلوة امته عليه اللهم
صل على محمد كما بلغ رسالاتك وتلا اياتك ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك
حتى اتاه اليقين اللهم زد محمدا مع كل شرف شرفا ومع كل فضل فضلا ومع كل كرا
مة كرامة ومع كل سعادة سعادة حتى تجعل محمدا في الشرف الاعلى من الدرجات العلى
اللهم صل على محمد وعلى ال محمد وسهل لي محبتي وبلغني امنيتي ووسع علي في رزقي
واغفر عني ذنبي وفرج عني غمي وكربي ويسر لي ارادتي واوصلني الى بغيتي
سريعا عاجلا يا ارحم الراحمين وشيخ مفيد رضي الله عنه گفته است كه در
روز دهم ماه ربيع الاخر سال دويست وسي ودو از هجرت نبوي حضرت امام
حسن عسكري متولد شده و روز شريف بسيار مباركيست ومستحب است كه
بشكر اين نعمت عظمى روزه بدارند مؤلف گويد بزيارت آنحضرت وساير اعمال
خير در اين روز بابركت مناسب است فصل دويم در اعمال ماه جمادي الاولى است

اعمال ماه جمادی الاولی

سيد بن طاوس رضي الله عنه از بعضي از كتب معتبره نقل كرده است كه در روز
اول اين ماه مستحب است كه اين دعا را بخوانند اللهم انت الله وانت الرحمن الرحيم
وانت الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز وانت العزيز الجبار وا
نت المتكبر وانت الخالق وانت البارئ وانت المصور وانت العزيز الحكيم وانت

الأول والآخر والظاهر والباطن لك الأسماء الحسنى أسئلك يا رب بحق هذه
الأسماء وبحق أسمائك كلها أن تصلي على محمد وعلى آل محمد وآتنا اللهم في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة واختم لنا بالسعادة والشهادة في سبيلك وعرفنا بركة شهرنا
هذا ويمنه وارزقنا أجره واصرف عنا شره واجعلنا من الفائزين وقنا برحمتك
عذاب النار يا أرحم الراحمين إنك على كل شيء قدير پس از آن بخواند الحمد
لله رب العالمين الحمد لله الذي خلق السموات والأرض وجعل الظلمات والنور
ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هو الذي خلقكم من طين ثم قضى أجلا وأجل مسمى عنده
ثم أنتم تمترون وهو الله في السموات وفي الأرض يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون
الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيما لينذر بأسا شديدا
من لدنه الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الأرض وله الحمد في الآخرة وهو
الحكيم الخبير الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رسلا أولي أجنحة مثنى
وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء إن الله على كل شيء قدير ما يفتح الله للناس
من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم الحمد
لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا
بالحق الحمد لله الذي وهب لي على الكبر إسمعيل وإسحق إن ربي لسميع الدعاء الحمد
لله بل أكثرهم لا يعلمون الحمد لله الذي نجانا من القوم الظالمين الحمد لله الذي فضلنا

على كثير من عباده المؤمنين الحمد لله سيريكم آياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما
تعملون الحمد لله الذي أذهب عنا الحزن إن ربنا لغفور شكور الحمد لله الذي
صدقنا وعده وأورثنا الأرض نتبوأ من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين
وترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضي بينهم بالحق وقيل
الحمد لله رب العالمين فلله الحمد رب السموات ورب الأرض رب العالمين وله
الكبرياء في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا و
لم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا اللهم اغفر لي ما
سلف من ذنوبي وتداركني فيما بقي من عمري وقو ضعفي للذي خلقتني له وحبب
إلي الإيمان وزينه في قلبي وقد دعوتك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم أصبحت
لك عبدا لا أستطيع دفع ما أكره ولا أملك ما أرجو وأصبحت مرتهنا بعملي فلا
فقير أفقر مني إليك يا رب العالمين أسئلك أن تعلمني عمل من استيقن حضور
أجله لا بل عمل من قد مات فرأى عمله ونظر إلى ثواب عمله إنك على كل شيء قدير
اللهم هذا مكان العائذ بحسناتك من عذابك وهذا مكان العائذ بمعافاتك
من غضبك اللهم اجعلني ممن دعاك فأجبته وسئلك فأعطيته وآمن بك
فهديته وتوكل عليك فكفيته وتقرب إليك فأدنيته وافتقر إليك فأغنيته
واستغفرك فغفرت له ورضيت عنه وأرضيته وهديته إلى مرضاتك

واستعملته بطاعتك ولذلك فرغته ابدا ما احببته فتب علي يا رب واعطني
سؤلي ولا تحرمني شيئا بما سألتك واكفني شر ما يعمل الظالمون في الارض واستغفر
الله الذي لا اله الا هو الذي لا يغفر الذنوب الا هو اللهم صل على محمد وآل محمد و
اعني على الدنيا وارزقني خيرها وكرّه الي الكفر والفسوق والعصيان واجعلني من
الراشدين اللهم قوني لعبادتك واستعملني في طاعتك وبلغني الذي ارجو من
رحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك الري يوم الظماء والنجاة يوم الفزع
الاكبر والفوز يوم الحساب والامن يوم الخوف واسئلك النظر واسئلك
الى وجهك الكريم والخلود في جنتك في دار المقامة من فضلك والسجود يوم
يكشف عن ساق والظل يوم لا ظل الا ظلك مع انبيائك ورسلك واوليائك
اللهم اغفر لي ما قدمت من ذنوبي وما اخرت وما اسررت وما اعلنت وما اسرفت
على نفسي وما انت اعلم به مني وارزقني التقى والهدى والعفاف والغنى و
وفقني للعمل بما تحب وترضى اللهم اصلح لي ديني الذي هو عصمة امري واصلح
لي دنياي التي فيها معاشي واصلح لي آخرتي التي اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة
لي في كل خير واجعل الموت راحة لي من كل سوء اللهم اني اسئلك يا رب الارباب
ويا سيد السادات ويا مالك الملوك ان ترحمني وتستجيب لي وتصلحني فانه لا يصلح
من صلح من عبادك الا انت فانك انت ربي وثقتي ورجائي ومولاي وملجاي

ولا

ولا راحم لي غيرك ولا مغيث لي سواك ولا مالك سواك ولا مجيب الا انت انا عبدك
وابن عبدك وابن امتك الخاطئ الذي وسعته رحمتك وانا العالم بحالي وحاجتي
وكثرة ذنوبي والمطلع على اموري فاسئلك بلا اله الا انت ان تغفر لي من ذنبي ما
تاخر اللهم لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا حاجة هي لك رضا الا
قضيتها ولا عيبا الا اصلحته اللهم وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار اللهم اعني على اهوال الدنيا وبوائق الدهور ومصيبات
الليالي والايام اللهم واحرسني من شر ما يعمل الظالمون في الارض فانه لا حول
ولا قوة الا بك اللهم اني اسئلك ايمانا ثابتا وعملا متقبلا ودعاء مستجابا ويقينا
صادقا وقولا طيبا وقلبا شاكرا وبدنا صابرا ولسانا ذاكرا اللهم انزع حب الدنيا
ومعاصيها وذكرها وشهوتها من قلبي اللهم انك بكرمك تشكر اليسير من عملي
فاعف لي الكثير من ذنوبي وكن لي وليا ونصيرا ومعينا وحافظا اللهم هب لي
قلبا اشد رهبة لك من قلبي ولسانا ادوم لك ذكرا من لساني وجسما اقوى
على طاعتك وعبادتك من جسمي اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك ومن فجاءة
نقمتك ومن تحول عافيتك ومن حلول غضبك واعوذ بك من جهد البلاء و
درك الشقاء ومن شماتة الاعداء وسوء القضاء في الدنيا والآخرة اللهم اني
اسئلك باسمك الكريم وعرشك العظيم وملكك القديم يا وهاب العطايا

و یا مطلق الاساری و یا فکاک الرقاب و یا کاشف العذاب اسئلک ان تخرجنی
من الدنیا سالما غانما و ان تدخلنی الجنة برحمتک آمنا و ان تجعل اول شهری هذا
صلاحا و اوسطه فلاحا و آخره نجاحا انک انت علام الغیوب **مؤلف** گوید که کلینی
بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها
هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت زنده بود پس بنا بر مشهور که وفات
حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بود باید وفات حضرت فاطمه علیها
السلام در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت
در این ایام مناسبست خصوصا در چهاردهم که ظاهرتر است و شیخ مفید
گفته است که در شب پانزدهم اینماه حضرت امام زین العابدین متولد شده است
و روز شریفیست و مستحب است که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و
تصدقات بجا آورند و شیخ گفته است فتح بصره برای امیر المؤمنین نیز در این روز
میسر شد **مؤلف** گوید که زیارت هر دو امام علیهما السلام در این روز مناسبست
و اگر زیارت جامعه در اینقسم ایام بخوانند چنانکه مذکور خواهد شد انشاء
الله تعالی بهتر است **فصل سیم** در اعمال ماه جمادی الثانیه است سید ابن طاوس
روایت کرده است که در اینماه در هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت
نماز بکند یعنی بدو سلام و در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی

بخوانند

بخوانند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دویم یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست
و پنج مرتبه قل هو الله و در رکعت سیم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه
قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و الفتح و بیست و
پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه
بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم
صل علی محمد و آل محمد پس سه مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات
پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الاکرام
یا الله یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب
نماید هر که چنین کند خدا خودش را و مالش را و زنان و فرزندان او را و دین
و دنیای او را حفظ کند و اگر در این سال بمیرد در شهادت بمیرد یعنی ثواب
شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامه
بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که ولادة با سعادة حضرت
فاطمه در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شد و شهادة آنحضرت در سیم
اینماه نیز واقع شد و شیخ طوسی و سید ابن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده اند
و اگر چه وفات منافی روایتیست که سابقا ذکر کردیم اما چون مشهور است
و روایت معتبر دارد باید که در روز سیم بمراسم تعزیة آنحضرت قیام و زیارت

انحضرت بکنند و لعن بسیار بر قاتلان انحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصا
ابوبکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم انحضرت را زیارت کنند و چنانکه
شیخ مفید گفته است اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند
و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت انحضرت بدو طریق وارد شده است
اول انکه سید بن طاوس کرده است که هرکه انحضرت را زیارت کند باین زیارت
که بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا والِدَةَ
الْحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجْمَعینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقَّها پس بگوید
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اَمَتِکَ وَابْنَةِ نَبِیِّکَ وَزَوْجَةِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ صَلوةً تُزْلِفُها فَوْقَ
زُلْفی عِبادِکَ الْمُکْرَمینَ مِنْ اَهْلِ السَّمواتِ وَاَهْلِ الْاَرَضینَ پس طلب امرزش
کند از خدا تعالی که گناهان او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند
و این زیارت مختصر معتبر است و همه وقت میتوان کردن دویم زیارت
مبسوطست که علما ذکر کرده اند در کتب زیارات و سندش بنظر نرسیده
و ان زیارت اینست اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ
نَبِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ حَبیبِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَلیلِ اللّهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ صَفِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَمینِ اللّهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِیاءِ اللّهِ اَلسَّلامُ

علیک

عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ الْبَرِیَّةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ مِنَ الْاَوَّلینَ وَ
الْآخِرینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا زَوْجَةَ وَلِیِّ اللّهِ وَخَیْرِ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکِ یا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمَّ
الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الصِّدّیقَةُ الشَّهیدَةُ اَلسَّلامُ اَیَّتُهَا الرَّضِیَّةُ
الْمَرْضِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الصّادِقَةُ الرَّشیدَةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا
الْفاضِلَةُ الزَّکِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْحَوْراءُ الْاِنْسِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
اَیَّتُهَا التَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلیمَةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
اَیَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الطّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ اَلسَّلامُ
عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَغْصُوبَةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْغَرّاءُ الزَّهْراءُ اَلسَّلامُ
عَلَیْکِ یا فاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ صَلَّی اللّهُ عَلَیْکِ
یا مَوْلاتی وَابْنَةَ مَوْلایَ وَعَلی رُوحِکِ وَبَدَنِکِ اَشْهَدُ اَنَّکِ مَضَیْتِ عَلی بَیِّنَةٍ
مِنْ رَبِّکِ وَاَنَّ مَنْ سَرَّکِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللّهِ وَمَنْ جَفاکِ فَقَدْ جَفا رَسُولَ اللّهِ
صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَمَنْ آذاکِ فَقَدْ آذی رَسُولَ اللّهِ وَمَنْ وَصَلَکِ فَقَدْ
وَصَلَ رَسُولَ اللّهِ وَمَنْ قَطَعَکِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ لِاَنَّکِ
بِضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّتی بَیْنَ جَنْبَیْهِ کَما قالَ اَفْضَلُ الصَّلوةِ وَاَکْمَلُ السَّلامِ
اُشْهِدُ اللّهَ وَمَلائِکَتَهُ اَنّی وَلِیٌّ لِمَنْ والاکِ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداکِ وَحَرْبٌ لِمَنْ

خاربک انا یا مولاتی بک وبابیک وبعلک والائمة من ولدک موقن وبولایتهم
مؤمن ولطاعتهم ملتزم اشهد ان الدین دینهم والحکم حکمهم وهم قد بلغوا عن الله
عز وجل ودعوا الی سبیل الله بالحکمة والموعظة الحسنة لا تأخذهم فی الله لومة
لائم وصلوات الله علیک وعلی ابیک وبعلک وذریتک الائمة الطاهرین
اللهم صل علی محمد واهل بیته وصل علی البتول الطاهرة الصدیقة المعصومة
التقیة النقیة الرضیة الزکیة الرشیدة المظلومة المقهورة المغصوبة حقها
الممنوعة ارثها المکسورة ضلعها المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت
رسولک وبضعة لحمه وصمیم قلبه وفلذة کبده والنخبة منک له والتحفة
خصصت بها وصیه وحبیبة المصطفی وقرینة المرتضی وسیدة النساء
ومبشرة الاولیاء حلیفة الورع والزهد وتفاحة الفردوس والخلد التی
شرفت مولدها بنساء الجنة وسللت منها انوار الائمة وارخیت دونها حجاب
النبوة اللهم صل علیها صلوة تزید فی محلها عندک وشرفها لدیک ومنزلتها
من رضاک وبلغها منا تحیة وسلاما وآتنا من لدنک فی حبها فضلا واحسانا
ورحمة ورضوانا وغفرانا انک ذو العفو الکریم وسید بن طاوس علیه الرحمة
گفته است پس نماز زیارت بکن واگر توانی نماز آنحضرت را بجا آور وآن دو رکعت
است ودر هر رکعت بعد از فاتحه شصت مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان

واگر توانی دو رکعت بکن ودر رکعت اول بعد از فاتحه یکصد مرتبه سوره قل هو الله
بخوان ودر رکعت دویم یکصد مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخوان وبعد از
نماز تسبیح آنحضرت را بگو وبعد این دعا را بخوان اللهم انی اتوجه الیک بنبینا محمد واهل
بیته صلواتک علیهم واسئلک بحقک العظیم علیهم الذی لا یعلم کنهه سواک
واسئلک بحق من حقه عندک عظیم وباسمائک الحسنی التی امرتنی ان ادعوک
بها واسئلک باسمک الذی امرت به ابراهیم ان یدعو به الطیر فاجابته وباسمک العظیم
الذی قلت للنار به کونی بردا وسلاما علی ابراهیم فکانت وباحب الاسماء
الیک واشرفها واعظمها لدیک واسرعها اجابة وانجحها طلبة وبما انت اهله
ومستحقه ومستوجبه واتوسل الیک وارغب الیک واتضرع والح علیک
واسئلک بکتبک التی انزلتها علی انبیائک ورسلک صلواتک علیهم من التوریة
والزبور والقرآن العظیم فان فیها اسمک الاعظم وبما فیها من اسمائک العظمی
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفرج عن آل محمد وشیعتهم ومحبیهم وعنی وتفتح ابواب
السماء لدعائی وترفعه فی علیین وتأذن فی هذه الساعة بفرجی واعطائی املی
وسؤلی فی الدنیا والآخرة یا من لا یعلم احد کیف هو وقدرته الا هو یا من سد
الهواء بالسماء وکبس الارض علی الماء واختار لنفسه احسن الاسماء یا من
نفسه بالاسم الذی یقضی به حاجة من یدعوه اسئلک بحق ذلک الاسم فلا

شفیع اقوی لی منه ان تصلی علی محمد وال محمد وان تقضی لی حوائجی وتشفع محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی ابن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة المنتظر لاذنک صلواتک وسلامک ورحمتک وبرکاتک علیهم صوتی لیشفعوا الی الیک تشفعهم فی ولا ترد بی خائبا بحق لا اله الا انت پس حاجتهای خود را طلب کن که بر آورده است **باب دهم** در اعمال هر ماه است

در بیان اعمال هر ماه

بدانکه در وقت دیدن ماه نو خواه در شب اول و خواه در دویم و خواه سیم مستحب است که دعاهای منقول را بخوانند و بهترین انها دعای هلال صحیفه کامله است که دعای چهل و سیم است و هفت مرتبه سورهٔ حمد خواندن برای دفع درد چشم منقولست و اندک پنیر خوردن گفته اند مستحب است و از حضرت صادق منقول است که نیکو لقمه ایست پنیر دهان را شیرین و خوشبو میکند بر اشتهای طعام میاورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد حاجت او رد نمیشود و از حضرت صادق منقول است که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه سورهٔ انعام بخواند و از حق تعالی سوال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند که نبیند در آن ماه امری که مکروه او باشد و از حضرت امام محمد تقی

منقول

اعمال دیدن هر ماه

منقولست که چون ماه تازه در اید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان پس بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی انماه را از حق تعالی خریده و در روایت دیگر وارد شده است که مستحب است که بعد از این دو رکعت این دعا را بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب مبین بسم الله الرحمن الرحیم وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء وهو الغفور الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم سیجعل الله بعد عسر یسرا ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبنا الله ونعم الوکیل وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین و بدانکه از جملهٔ سنتهای موکده که حضرت رسول الله بر ان مواظبت نمودند تا از دنیا رفت روزهٔ سه روز هر ماه است و آن موافق مشهور پنجشنبه اول ماه و پنجشنبه اخر ماه و چهارشنبه اول از دههٔ میان ماه است و در بعضی روایات عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبه اول و چهارشنبه اخر و پنجشنبه اول از دهه میان و اول اشهر و بهتر آن

و سنن آنحضرت تعالی و اجبات در فضیلت و تأکید و آنحضرت نماز سنت را
در شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرمود هشت رکعت نافله پیش
از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام
و دو رکعت و تیره بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود برابر یک
رکعت است و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش از نماز صبح و اینها تمام
فریضه اند و در ثواب و تأکید مثل آن اند و مانند فریضه اگر ترک کنند سنت
که قضا کنند و از برای ترک آن کفاره بکمد ارکندم یا جو برای نافله روز بکمد
از برای نافله شب مقرر کرده است و همچنین روزه سنت و همچنین روزه سنت
دو برابر روزه واجب است که تمام ماه شعبان و در ده ماه دیگر هر ماه سه
روز و اگر فوت شود سنت که قضا کنند و اگر در تابستان دشوار باشد
سنت که در زمستان قضا کنند و اگر دشوار باشد بدل هر روز یکمد
بدهند که بحساب زر ده دنگی سه تنکه و سه نار باشد و بحساب زر قال
ناقص این زمان احوط چهارده غاز یکیت یا یکمد کندم که بحساب و
صد درم بوزن قدیم اصفهان باشد و اگر صد درم شاه بدهند احوطست
و درهم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که حضرت
رسول الله روزه سنت افطار کرد که مردم کمان کردند که هر کرا اطا

نخواهد کرد و مدتی افطار کرد که کمان کردند که دیگر روزه سنت نخواهد کرد
پس مدتی روزه حضرت داود گرفت که یک روز روزه میداشت و یکروز افطار
میفرمود پس در آخر عمر اکتفا نمود بروزه سه روز در هر ماه بنحوی که گذشت تا آنکه
بر امتان آسان باشد متابعت آنحضرت و فرمود که این روزه ثوابش برابر است
با روزه تمام سال و وساوس شیطانی را از سینه بر طرف میکند راوی پرسید
که کدام روزهاست فرمود که پنجشنبه اول و چهارشنبه اول دهه دویم و
پنجشنبه آخر پرسید که چرا این روزها روزه میدارند فرمود برای آنکه عذاب
امتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس امر کرد که در این روزها روزه
بدارند برای دفع عذاب و در روایت دیگر فرمود که پنجشنبه را برای این روزه می
دارند که اعمال بندگان در این روز بر خدا عرض میکنند و چهارشنبه میانه را
برای این روزه میدارند که آتش جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و روزه
سپر آتش جهنم است و بروایت دیگر هر عذابی که بر امتهای گذشته نازل شده است
در چهارشنبه میان ماه نازل شده است و اگر در دهه اول دو پنجشنبه بوده
باشد اول را اگر فتن بهتر است و اگر میسر نشود پنجشنبه دویم را بگیرند و اگر در
دهه آخر دو پنجشنبه بوده باشد موافق مشهور پنجشنبه دویم افضل است
چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و در روایت دیگر وارد شده است

که پنجشنبه اول بهتر است و بعضی حمل کرده اند که در صورتیکه محتمل باشد که پنجشنبه
دویم اول ماه دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقول است که کسیکه
در هر ماه این سه روز را روزه دارد باید که با هیچکس مجادله نکند و سفاهت
و نادانی و بیخردی نکند و مبادرت نکند بسوگند خوردن بخدا و اگر کسی
با او سفاهت و بیخردی کند صبر کند و معارضه نکند و اگر در این ایام روزه
باشد و بخانه برادر مؤمن وارد شود و او را تکلیف کند افطار کردن بهتر است
از روزه داشتن بهفتاد برابر یا نود برابر چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
صادق ع منقول است و در حدیث صحیح دیگر فرموده که هر که داخل شود بخانه برادر
مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و اظهار نکند که من روزه ام که بر او منت
گذارد حق تعالی ثواب روزه یکسال برایش بنویسد و اگر سه روز را در اول ماه
یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت کرده است
و ثواب روزه سال مییابد چنانچه حق تعالی فرموده است مَن جاءَ بِالحَسَنَةِ فَلَهُ
عَشرُ اَمثالِها یعنی هر که حسنه بدرگاه خدا بیاورد برای او هست ده برابر و
این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی باشد
که اول مذکور شد و از جمله روزهای سنت هر ماه روز ایام البیض است
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه و احادیث در فضیلت این سه روز

فضیلت روزهٔ ایام البیض

از طریق

فضیلت روزهٔ ایام البیض

از طریق عامه و خاصه منقولست و در بعضی از روایات وارد شده است
که چون حضرت آدم مرتکب آن امر مکروه شد در بهشت او را بزمین فرستادند
بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه منحط سیاهی او سر تا بپای او مانده بود
چون ملائکه این حالت را در او دیدند نوحه و شیون برای او کردند و گریستند و استغاثه
کردند بدرگاه حق تعالی پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز روزه بدار و آن روز
سیزدهم ماه بود و چون روزه داشت ثلث از سیاهی بر طرف پس در روز
چهاردهم ندا رسید که امروز این روزه بدار چون روزه داشت یک ثلث
دیگر بر طرف شد پس در روز پانزدهم باز ندا رسید از آسمان که ای آدم روزه
این سه روز برای تو و فرزندان تو مقرر کردم که در هر ماه این سه روز را
روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه باشد و ابن بابویه علیه الرحمه
گفته است که روزه دو پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است و
منافات ندارد که هر دو سنت باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میانه
بهتر باشد اما اکثر احادیث ایام البیض از طریق عامه است و ابن طاوس علیه الرحمه
از حضرت رسول ص روایت کرده است که جبرئیل بر من نازل شد و گفت بگو بعلی
که روزه بدار از هر ماه سه روز تا نوشته شود برای تو بسبب روزه روز اول
روزه ده هزار سال و بروزه روز دویم سی هزار سال و بروزه روز سیم صد

هزار سال حضرت امیر المؤمنین گفت یا رسول الله این مخصوص منست یا برای همه
کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها روزه بدارد این ثواب
برای او خواهد بود گفت کدام روزهاست از ماه فرمود که سیزدهم و چهار
دهم و پانزدهم است و از جملهٔ روزهاء مرغوب روزهٔ روز چهارشنبه و پنجشنبه
و جمعه است برای کسیکه حاجتی داشته باشد چنانکه در ربیع الاسابیع در
ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده ام و مشهور میان علما آنست که هر پنجشنبه و
هر جمعه را روزه گرفتن سنتست مگر آنکه یکی از ایام محرمه واقع شود و بسند
صحیح از حضرت صادق منقولست که کسیکه ارادهٔ عمل خیری داشته باشد مانند
تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد
زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است و ابن جنید رحمه الله گفته است
که مستحب نیست روز جمعه را تنها روزه گرفتن و اگر ملحق سازد با آن یک روز
پیش یا یک روز بعد را جایز است و گفته است که استحباب روزهٔ دوشنبه
و پنجشنبه منسوخ است و روز شنبه نهی از آن وارد شده است مؤلف گوید که
اکثر آنچه ابن جنید گفته خلاف مشهور میان علماست و شیخ طوسی ره در مصباح
گفته است که ترغیب در روزهٔ روز جمعه وارد شده است و نهی از آنست
که از تنها روزه ندارد مگر آنکه یکروز پیش روزه بدارد و گمان فقیر که نهی

انها

فضیلت روزه ایام البیض

از تنها گرفتن روزهٔ روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این خبر را
از ابو هریره نقل کرده اند و بعضی از علما نهی از روز جمعه را حمل کرده اند بر آنکه
کراهت آن در صورتیست که او را ضعیف گرداند از فرایض و نوافل و دعاهای
روز جمعه و این حمل بد نیست و اما روزهٔ روز شنبه احادیث در نهی از روزهٔ
آن واقع شده است و بهتر ترک است خصوصا هر گاه بقصد برکت روزهٔ
شنبه مگر آنکه با روز متبرکی از روزهای ماه موافق شود مثل غدیر و مبعث
و مولد و امثال اینها و نهی از روزهٔ شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی
هم در روزهٔ آن بخاطر ندارم مگر آنچه شیخ مفید قدس سره روایت کرده
است که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجة
و محرم پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب
عبادت نهصد سال بنویسد **باب یازدهم** در بیان زیارات حضرت رسول
خدا و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم است بغیر از آنچه سابقا مذکور شد بدانکه
زیارت حضرت رسول خدا و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم در همهٔ اوقات از
نزدیک و دور مستحب است و اگر بعد از غسل باشد افضل است خصوصا
در شب و روز جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل
ذکر کرده ام و در این مقام بذکر چند زیارت بعید و زیارت جامعه و دعا

ند به و صلوات فرستادن بر ایشان اکتفا نمایم حضرت رسالت از
حضرت رسول منقولست که خدا را ملکی چند است که سیر کرده اند در زمین که
از امت من هر که بر من سلام میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد
باقر منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سوال نمود که هر چه بندگان خدا گویند
او بشنود با وعطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مومنان
بگوید صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ البته آن ملک میگوید وَعَلَیْکَ یعنی بر تو باد
سلام پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانیده است بر شما
پس حضرت رسول میفرماید وعلیه السلام یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر
از حضرت امیر المومنین منقولست که حضرت رسول فرمود که هر که در هر جایی که
که بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و
در حدیث حسن از حضرتی منقولست که حضرت [illegible] امر فرمود که در
مسجد رسول خدا بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود که همیشه تو را میسر نمیشود
که این مکان شریف بیابی و فرمود که نزد قبر رسول میروی گفتم بلی فرمود
که باید بشنوی که سلام که از نزدیک میکنی آنحضرت میشنود و اگر دور باشی
سلامت بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست
که بر وی بدینه و سلام کنید بر رسول خدا هر چند صلوات مومنان

درهرجا

در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست
که صلوات فرستید بر حضرت رسول در پهلوی قبر آنحضرت هر چند صلوات
مومنان در هر جا باشد بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال نماز هدیه دارد
که در نزدیک و دور نماز کنند و ثوابش را هدیه به روح مقدس آنحضرت کنند
و احادیث صلوات و سلام بر آنحضرت و زیارت آنحضرت در شهرهای دور
بسیار است و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا
عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول باید فرمود
که میگویی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صِفْوَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ رَسُولُ
اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِکَ وَجاهَدْتَ
فی سَبیلِ رَبِّکَ وَعَبَدْتَهُ حَتّی اَتاکَ الْیَقینُ فَجَزاکَ اللهُ یا رَسُولَ اللهِ اَفْضَلَ ما جَزی
نَبِیّاً عَنْ اُمَّتِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلی اِبْراهیمَ وَآلِ اِبْراهیمَ
اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ و در روایت معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که
خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول و قبر امیر المومنین و فاطمه و حسن
و حسین را قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم اجمعین و او در شهر خود

زیارت بام

باشد پس غسل کند در روز جمعه و دو جامهٔ پاکیزه بپوشد و بیرون رود
بصحرائی پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود پس ایستد
رو بقبله و بگوید السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علیک
ایها النبی المرسل والوصی المرتضی والسیدة الزهراء والسبطان المنتجبان
والاولاد الاعلام والامناء المنتجبون جئت انقطاعا الیکم والی آبائکم وولدکم
الخلف علی برکة الحق فقلبی لکم مسلم ونصرتی لکم معدة حتی یحکم الله لدینه
فمعکم معکم لا مع عدوکم انی لمن القائلین بفضلکم مقر برجعتکم لا انکر لله
قدرة ولا ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذی الملک والملکوت یسبح الله
باسمائه جمیع خلقه والسلام علی ارواحکم واجسادکم والسلام علیکم و
رحمة الله وبرکاته و در روایت دیگر وارد است که این زیارت را در بام خانه
خود بکن و زیارت حضرت فاطمه سابقا مذکور شد و اما زیارت حضرت امام حسین
بسندهای معتبر از سدیر صیرفی منقول است که گفت حضرت صادق بمن فرمود که
چه مانع است ترا از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین در هر هفته پنج نوبه یا در
هر روز یک نوبه گفتم فدای تو شوم میان ما و آنحضرت فرسخهای بسیار است
فرمود که بالا میروی ببام خود پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود
پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو بجانب قبر آنحضرت میگردانی

ومیگوئی

مقابلات

و میگوئی السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا بن رسول الله السلام
علیک و رحمة الله و برکاته تا نوشته شود برای تو ثواب حج و عمره سدیر گفت
که بسیار است که من در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند
صحیح از آنحضرت منقولست که کسیکه ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از
ما پس بالا رود ببام خانه خود و دو رکعت نماز بگذارد و اشاره بسلام بسوی قبرهای
ما کند این سلام بما میرسد و در حدیث منقولست از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم
عرض کرد بخدمت حضرت صادق که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن
بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن من نباشی چون روز جمعه
شود غسل بکن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکن و
متوجه شو بسوی من بدرستیکه هر که مرا زیارت کند در حیات من چنانست
که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسیکه مرا زیارت کند بعد از
موت چنانست که مرا زیارت کرده باشد در حیات من مؤلف گوید که این حدیث
دلالت میکند بر اینکه در این زمانها حضرت صاحب الامر را در هر موضع
زیارت توان کردن و اگر رو بسامره کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی
از زیارات مخصوصهٔ آنحضرت مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و در
حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق بسدیر فرمود که بسیار زیارت

میکنی قبر حسین بن علی علیهما السلام را گفت از بسیاری شغل بر امقدور
نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که هرگاه یکی از برای تو ثواب
زیارت انحضرت نوشته شود گفت بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در
خانهٔ خود و بالا رو ببام خانهٔ خود و اشاره کن بجانب انحضرت بسلام کردن
تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حنان
بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق و نزد انحضرت جماعتی از اصحاب
او بود پس فرمود که ای حنان زیارت امام حسین میکنی هر ماه یکمرتبه گفت
نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر سال یکمرتبه گفت نه
فرمود که چه بسیار جفا کارید نسبت بانسرور گفت یابن رسول الله بسبب
کمی توشه و دوری مسافتست فرمود که میخواهی که شما را دلالت کنم بر
زیارتیکه مقبول باشد هر چند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت
یابن رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش
پاکیزه ترین جامهای خود را و بالا رو ببلندترین بامهای خانه خود یا برو
بصحرا و رو بجانب قبر کن و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَسَیِّدی
وَابْنَ سَیِّدی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا قَتیلَ ابْنَ الْقَتیلِ الشَّهیدَ ابْنَ الشَّهیدِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَنَا زائِرُکَ یَابْنَ رَسُولِ اللهِ بِقَلْبی وَلِسانی

زیارت امام حسین عم

وجوار

وَجَوارِحی وَاِنْ لَمْ اَزُرْکَ بِنَفْسی وَالْمُشاهَدَةِ لِقُبَّتِکَ فَعَلَیْکَ السَّلامُ یا وارِثَ
آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ وَوارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ وَوارِثَ اِبْرٰهیمَ خَلیلِ اللهِ وَوارِثَ مُوسٰی
کَلیمِ اللهِ وَوارِثَ عیسٰی رُوحِ اللهِ وَکَلِمَتِهِ وَوارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ وَنَبِیِّهِ وَرَسُولِهِ
وَوارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَوَصِیِّ رَسُولِ اللهِ وَخَلیفَتِهِ وَوارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ
وَصِیِّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ لَعَنَ اللهُ قاتِلیکَ وَجَدَّدَ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ فی هٰذِهِ السّاعَةِ وَفی
کُلِّ ساعَةٍ اَنَا یا سَیِّدی مُتَقَرِّبٌ اِلَی اللهِ جَلَّ وَعَزَّ وَاِلٰی جَدِّکَ رَسُولِ اللهِ وَاِلٰی اَبیکَ
اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَاِلٰی اَخیکَ الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ یا مَوْلایَ عَلَیْکَ سَلامُ اللهِ وَرَحْمَتُهُ
وَبَرَکاتُهُ بِزِیارَتی لَکَ بِقَلْبی وَلِسانی وَجَمیعِ جَوارِحی فَکُنْ یا سَیِّدی شَفیعی
لِقَبُولِ ذٰلِکَ مِنّی وَاَنَا بِالْبَرائَةِ مِنْ اَعْدائِکَ وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ وَعَلَیْهِمْ اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَ
اِلَیْکُمْ اَجْمَعینَ فَعَلَیْکَ صَلَواتُ اللهِ وَرِضْوانُهُ وَرَحْمَتُهُ پس از اندکی میگردی
بجانب چپ خود و رو میگردانی بسوی قبر علی بن الحسین علیهما السلام که او نزد
پای پدر خود مدفونست و سلام میکنی بر او مثل آن سلام پس دعا میکنی و مطلب
حاجتهای دنیا و آخرة خود را پس چهار رکعت نماز میگذاری که نماز زیارت هشت
رکعتست یا شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهترش هشت رکعت
است پس رو میکنی بجانب قبر امام حسین و میگوئی اَنَا مُوَدِّعُکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ
مَوْلایَ وَسَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی وَمُوَدِّعُکَ یا سَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی یا عَلِیَّ

ابن الحسین و موعدکم الساعة یا معشر الشهداء فعلیکم سلام الله و رحمته و برکاته
مؤلف گوید چون عبارت این حدیث تشویش و اضطرابی دارد بهتر آنست که همین
زیارت را با وداع چنانچه روی بقبر شریف میخواند رو بقبله نیز بکند و بخواند
تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین بجای یا وارث
در جای این زیارت بخواند یا وارث قصد وراثت امامت و خلافت نکند
زیرا که آنحضرت امام نبوده است و بدانکه این حدیث دلالت میکند بر اینکه
کسانی که از دور زیارت کنند نماز زیارت نیز بعد از زیارت باید بکنند و احادیث
بسیار دلالت کند بر آنکه پیش باید بکنند و دور نیست که مخیر باشند و اگر این
زیارت را اکنند بهمین نحو که وارد شده است بکنند و از این احادیث معلوم
شد که غسل از برای زیارت بعید مستحب است و از بعضی هم مفهوم شد
که بغسل نیز میتوان اکتفا کرد و از بعضی عمومات مستفاد میشود که بهر حالی میتوان
کرد چنانکه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا صحرا واقع سازد احوط
و اولی است و در چند حدیث معتبر از حسین بن ثویر منقولست که بخدمت
حضرت صادق عرض کردم که من بسیار حضرت امام حسین را یاد میکنم در
آن وقت چه بگویم فرمود سه مرتبه بگو صلی الله علیک یا ابا عبد الله که
سلام بآنحضرت میرسد از نزدیک و دور و شیخ طوسی ره ذکر کرده است

که زیا

زیارت حسین [illegible]

که زیارت میتوان کرد ائمه علیهم السلام را از دور و چنانچه از نزدیک ایشان را
زیارت میکنند اما در جائیکه أتیتک زائرا باشد نگوید بلکه بگوید قصدتک
بقلبی زائرا اذ عجزت عن حضور مشهدک و وجهت الیک سلامی لعلمی انه
یبلغک صلی الله علیک فاشفع لی عند ربک جل و عز و دعا کن آنچه خواهی
و بعضی از اکابر علما روایت کرده است از ابو الحسن فارسی که گفت من بسیار
بزیارت حضرت امام حسین میرفتم پس چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق
زیارت نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم حضرت امام حسن و
حضرت امام حسین علیهما السلام در خدمت آنحضرت بودند چون من نزدیک
ایشان رسیدم امام حسین گفت یا رسول الله این مرد بسیار مرا زیارت میکرد
و اکنون ترک کرده است حضرت رسول متوجه من گردید و فرمود که آیا ترک زیارت
مثل حسین میتوان کرد گفتم یا رسول الله قلت فی مال و پیری مرا مانع از ادراک این
سعادت گردیده است حضرت فرمود که هر شب بر بام خانه خود برو و بانگشت
شهادة بسوی قبر آنحضرت اشاره کن و بگو السلام علیک و علی جدک و ابیک
السلام علیک و علی امک و اخیک السلام علیک و علی الائمة من بنیک
السلام علیک یا صاحب الدمعة الساکبة السلام علیک یا صاحب المصیبة
الراتبة لقد اصبح کتاب الله فیک مهجورا و رسول الله فیک موتورا السلام

علیک ورحمة الله وبرکاته السلام علی انصار الله وخلفائه السلام علی
امناء الله واحبائه السلام علی محال معرفة الله ومعادن حکمة الله وحفظة
سر الله وحملة کتاب الله واوصیاء نبی الله وذریة رسول الله صلی الله علیه
وآله پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال کن پس اگر چنین کنی زیارت تو از دو
ر و نزدیک هر دو مقبول است **اما زیارت** سایر ائمه علیهم السلام از نزدیک و دور
بهترین زیارت زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران بسند معتبر روایت
کرده اند که شخصی از حضرت امام علی نقی سؤال نمود که ای فرزند رسول خدا
مرا تعلیم نما سخنی بلیغ کاملی که آن را بخوانم هر گاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود
چون بدرگاه برسی بایست وبگو اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
واشهد ان محمدا صلی الله علیه وآله عبده ورسوله وباید که با غسل باشی
پس چون داخل شوی وقبر را ببینی بایست وسی مرتبه الله اکبر بگو پس راه
برو وبا آرام دل وآرام تن وگامها را نزدیک بیکدیگر بگذار پس بایست
وسی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبر برو وچهل مرتبه الله اکبر بگو که
صد تکبیر تمام شود پس بگو السلام علیکم یا اهل بیت النبوة وموضع
الرسالة ومختلف الملائکة ومهبط الوحی ومعدن الرحمة وخزان العلم
ومنتهی الحلم واصول الکرم وقادة الامم واولیاء النعم وعناصر الابرار

زیارت جامعه

ودعائم

زیارت جامعه کبیره

ودعائم الاخیار وساسة العباد وارکان البلاد وابواب الایمان وامناء
الرحمن وسلالة النبیین وصفوة المرسلین وعترة خیرة رب العالمین ورحمة
الله وبرکاته السلام علی ائمة الهدی ومصابیح الدجی واعلام التقی وذوی النهی
واولی الحجی وکهف الوری وورثة الانبیاء والمثل الاعلی والدعوة الحسنی وحجج
الله علی اهل الدنیا والآخرة والاولی ورحمة الله وبرکاته السلام علی محال معرفة
الله ومساکن برکة الله ومعادن حکمة الله وحفظة سر الله وحملة کتاب الله و
اوصیاء نبی الله وذریة رسول الله صلی الله علیه وآله وبرکاته السلام علی
الدعاة الی الله والادلاء علی مرضات الله والمستوفرین فی امر الله والتامین
فی محبة الله والمخلصین فی توحید الله والمظهرین لامر الله ونهیه وعباده
المکرمین الذین لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون ورحمة الله وبرکاته السلام علی
الائمة الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة والذادة الحماة واولی الامر و
اهل الذکر وبقیة الله وخیرته وحزبه وعیبة علمه وحجته وصراطه ونوره
ورحمة الله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له کما شهد الله لنفسه و
شهدت له ملائکته واولوا العلم من خلقه لا اله الا هو العزیز الحکیم اشهد
ان محمدا عبده المنتجب ورسوله المرتضی ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره علی
الدین کله ولو کره المشرکون واشهد انکم الائمة الراشدون المهدیون المعصو

المكرمون المقربون المتقون الصادقون المصطفون المطيعون لله القوامون بامره العاملون
بارادته الفائزون بكرامته اصطفاكم بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره و
اجتباكم بقدرته واعزكم بهداه وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره وايدكم بروحه
ورضيكم خلفاء في ارضه وحججا على بريته وانصارا لدينه وحفظة لسره و
خزنة لعلمه ومستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه واركانا لتوحيده وشهداء
على خلقه واعلاما لعباده ومنارا في بلاده وادلاء على صراطه عصمكم الله
من الزلل وآمنكم من الفتن وطهركم من الدنس واذهب عنكم الرجس وطهركم
تطهيرا فعظمتم جلاله واكبرتم شانه ومجدتم كرمه وادمتم ذكره ووكدتم ميثاقه
واحكمتم عقد طاعته ونصحتم له في السر والعلانية ودعوتم الى سبيله بالحكمة
والموعظة الحسنة وبذلتم انفسكم في مرضاته وصبرتم على ما اصابكم في جنبه
واقمتم الصلوة وآتيتم الزكوة وامرتم بالمعروف ونهيتم عن المنكر وجاهدتم
في الله حق جهاده حتى اعلنتم دعوته وبينتم فرائضه واقمتم حدوده ونشرتم شرايع احكامه
وسننتم سنته وصرتم في ذلك منه الى الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم من
رسله من مضى فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق
والحق معكم وفيكم ومنكم واليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوة عندكم
واياب الخلق اليكم وحسابهم عليكم وفصل الخطاب عندكم وآيات الله لديكم

وعزائمه

وعزائمه فيكم ونوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من والاكم فقد والى الله ومن
عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله ومن
اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم السبيل الاعظم والصراط الاقوم وشهداء دار
الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة الموصولة والآية المخزونة والامانة المحفوظة
والباب المبتلى به الناس من اتاكم نجى ومن لم ياتكم هلك الى الله تدعون
وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون والى سبيله ترشدون
وبقوله تحكمون سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم وخاب من جحدكم وضل
من فارقكم وفاز من تمسك بكم وامن من لجا اليكم وسلم من صدقكم وهدي من اعتصم
بكم من اتبعكم فالجنة ماويه ومن خالفكم فالنار مثويه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم
مشرك ومن رد عليكم في اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى
وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها من
بعض خلقكم الله انوارا فجعلكم بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن
الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به من ولايتكم
طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا وكفارة لذنوبنا فكنا عنده مسلمين
بفضلكم ومعروفين بتصديقنا اياكم فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين واعلى
منازل المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا

نفسا سابق ولا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل ولا
صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا فاجر
طالح ولا جبار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق فيما بين ذلك شهيد الا عرفهم
جلالة امركم وعظم خطركم وكبر شانكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات
مقامكم وشرف محلكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصتكم لديه وقرب
منزلتكم منه بابي انتم وامي واهلي ومالي واسرتي اشهد الله واشهدكم اني مؤمن
بكم وبما آمنتم به كافر بعدوكم وبما كفرتم به مستبصر بشانكم وبضلالة من خالفكم
موال لكم ولاوليائكم مبغض لاعدائكم ومعاد لهم سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم
محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم مطيع لكم عارف بحقكم مقر بفضلكم محتمل لعلمكم
محتجب بذمتكم معترف بكم مؤمن بايابكم مصدق برجعتكم منتظر لامركم مرتقب
لدولتكم آخذ بقولكم عامل بامركم مستجير بكم زائر لكم عائذ بكم لائذ بقبوركم مستشفع
الى الله عز وجل بكم ومتقرب بكم اليه ومقدمكم امام طلبتي وحوائجي وارادتي
في كل احوالي واموري مؤمن بسركم وعلانيتكم وشاهدكم وغائبكم واولكم و
آخركم ومفوض في ذلك كله اليكم ومسلم فيه معكم وقلبي لكم مسلم ورايي لكم تبع
ونصرتي لكم معدة حتى يحيي الله تعالى دينه بكم ويردكم في ايامه ويظهركم لعدله
ويمكنكم في ارضه فمعكم معكم لا مع عدوكم آمنت بكم وتوليت آخركم بما توليت

اولكم

اولكم وبرئت الى الله عز وجل من اعدائكم ومن الجبت والطاغوت والشياطين وحزبهم
الظالمين لكم والجاحدين لحقكم والمارقين من ولايتكم والغاصبين لارثكم والشاكين
فيكم والمنحرفين عنكم ومن كل وليجة دونكم وكل مطاع سواكم ومن الائمة الذين يدعون
الى النار فثبتني الله ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبتكم ودينكم ووفقني لطاعتكم
ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار مواليكم التابعين لما دعوتم اليه وجعلني
ممن يقتص آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم ويحشر في زمرتكم ويكر في
رجعتكم ويملك في دولتكم ويشرف في عافيتكم ويمكن في ايامكم وتقر عينه غدا
برؤيتكم بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي من اراد الله بدا بكم ومن وحده قبل
عنكم ومن قصده توجه بكم موالي لا احصي ثناءكم ولا ابلغ من المدح كنهكم ومن الوصف
قدركم وانتم نور الاخيار وهداة الابرار وحجج الجبار بكم فتح الله وبكم يختم وبكم
ينزل الغيث وبكم يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه وبكم ينفس الهم وبكم
يكشف الضر وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت به ملائكته والى جدكم
بعث الروح الامين واگر زيارت امير المؤمنين ع است بجاى والى جدكم بعث
الروح الامين بگو والى اخيك بعث الروح الامين پس بگو آتاكم الله ما لم يؤت
احدا من العالمين طاطا كل شريف لشرفكم وبخع كل متكبر لطاعتكم وخضع كل جبار
لفضلكم وذل كل شيء لكم واشرقت الارض بنوركم وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك

الی الرضوان وعلی من جحد ولایتکم غضب الرحمن بابی انتم وامی ونفسی واهلی
ومالی ذکرکم فی الذاکرین واسماؤکم فی الاسماء واجسادکم فی الاجساد وارواحکم
فی الارواح وانفسکم فی النفوس وآثارکم فی الآثار وقبورکم فی القبور فما احلی
اسمائکم واکرم انفسکم واعظم شأنکم واجل خطرکم واوفی عهدکم واصدق وعدکم
کلامکم نور وامرکم رشد ووصیتکم التقوی وفعلکم الخیر وعادتکم الاحسان و
سجیتکم الکرم وشأنکم الحق والصدق والرفق وقولکم حکم وحتم ورأیکم علم وحلم
وحزم ان ذکر الخیر کنتم اوله واصله وفرعه ومعدنه ومأواه ومنتهاه بابی انتم ونفسی کیف
اصف حسن ثنائکم واحصی جمیل بلائکم وبکم اخرجنا الله من الذل وفرج عنا
غمرات الکروب وانقذنا بکم من شفا جرف الهلکات ومن النار بابی انتم وامی
ونفسی بموالاتکم علمنا الله معالم دیننا واصلح ما کان فسد من دنیانا وبموالاتکم
تمت الکلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتکم تقبل الطاعة المفترضة
ولکم المودة الواجبة والدرجات الرفیعة والمقام المحمود والمکان المعلوم عند
الله عز وجل والجاه العظیم والشأن الکبیر والشفاعة المقبولة ربنا آمنا بما
انزلت واتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا
وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب سبحان ربنا ان کان لمفعولا یا ولی
الله ان بینی وبین الله عز وجل ذنوبا لا یأتی علیها الا رضاکم فبحق من ائتمنکم علی

سره

زیارت جامعة کبیرة

سره واسترعاکم امر خلقه وقرن طاعتکم بطاعته لما استوهبتم ذنوبی وکنتم
شفعائی فانی لکم مطیع من اطاعکم فقد اطاع الله ومن عصاکم فقد عصی الله ومن
احبکم فقد احب الله ومن ابغضکم فقد ابغض الله اللهم انی لو وجدت شفعاء اقرب
الیک من محمد واهل بیته الاخیار الائمة الابرار لجعلتهم شفعائی فبحقهم الذی اوجبت
لهم علیک اسألک ان تدخلنی فی جملة العارفین بهم وبحقهم وفی زمرة المرحومین
بشفاعتهم انک ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا
حسبنا الله ونعم الوکیل مؤلف گوید که این زیارت کامل ترین زیارات است از برای
نزدیک و دور چون منظور عمده در این رساله زیارة بعید است زیارت وداع را
ذکر نکردیم و چون این زیارت مشتمل است بر مجملی از جمیع احادیثی که در مناقب ائمه
علیهم السلام وارد شده است اگر در هفته بلکه هر روز این زیارت را بخوانند و
تدبر و تفکر در معانی آن بکنند موافق آنچه فقیر مجملا ترجمه کرده و والد مرحوم
علیه الرحمة مفصلا شرح نموده برای کمال معرفت ایشان بسیار نافع خواهد بود
وعمده ارکان ایمان معرفت ایشان است علیهم السلام زیارت حضرت صاحب الامر ع
بطرق بسیار منقول شده در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام در اینمقام زیارت
مختصری با تجدید عهد امامت و ولایت آنحضرت ع یاد مینمایم که امام خود را پیوسته
یاد نمایند و از برکات هدایات آنحضرت بهره مند گردند و سید بن طاوس ره

ذکر کرده است که مستحب است که هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر را
چنین زیارت کند اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع
المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها و
جبلها حیهم ومیتهم وعن والدی وولدی وعنی من الصلوات والتحیات زنة عرش
الله ومداد کلماته ومنتهی رضاه وعدد ما احصاه کتابه واحاط به علمه اللهم
اجدد له فی هذا الیوم وفی کل یوم عهدا وعقدا وبیعة له فی رقبتی اللهم کما شرفتنی
بهذا التشریف وفضلتنی بهذه الفضیلة وخصصتنی بهذه النعمة فصل علی مولای
وسیدی صاحب الزمان واجعلنی من انصاره واشیاعه والذابین عنه واجعلنی
من المستشهدین بین یدیه طائعا غیر مکره فی الصف الذی نعت اهله فی کتابک
فقلت صفا کانهم بنیان مرصوص علی طاعتک وطاعة رسولک وآله علیهم السلام
اللهم هذه بیعة له فی عنقی الی یوم القیمة وبسند معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد واگر پیش
از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد
وحق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید وهزار گناه از او محو کند
وآن عهد اینست اللهم رب النور العظیم ورب الکرسی الرفیع ورب البحر المسجور
ومنزل التوریة والانجیل والزبور ورب الظل والحرور ومنزل القرآن العظیم

ورب الملائکة المقربین والانبیاء والمرسلین اللهم انی اسئلك بوجهك الکریم
وبنور وجهك المنیر وملکك القدیم یا حی یا قیوم اسئلك باسمك الذی اشرقت
به السموات والارضون وباسمك الذی یصلح به الاولون والآخرون یا حی قبل
کل حی ویا حی بعد کل حی ویا حی حین لا حی یا محیی الموتی وممیت الاحیاء یا حی لا اله الا انت
اللهم بلغ مولانا الامام الهادی القائم بامرك صلوات الله علیه وعلی آبائه الطاهرین
عن جمیع المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها سهلها وجبلها وبرها
وبحرها وعنی وعن والدی من الصلوات زنة عرش الله ومداد کلماته وما احصاه
علمه واحاط به کتابه اللهم اجدد له فی صبیحة یومی هذا وما عشت من ایامی عهدا
وعقدا وبیعة له فی عنقی لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلنی من انصاره
واعوانه والذابین عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین لاوامره
والمحامین عنه والسابقین الی ارادته والمستشهدین بین یدیه اللهم ان حال بینی
وبینه الموت الذی جعلته علی عبادك فاخرجنی من قبری مؤتزرا کفنی شاهرا
سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی فی الحاضر والبادی اللهم ارنی الطلعة
الرشیدة والغرة الحمیدة واکحل ناظری بنظرة منی الیه وعجل فرجه وسهل مخرجه
واوسع منهجه واسلك بی محجته وانفذ امره واشدد ازره واعمر اللهم به بلادك
واحی به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی

الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك حتى لا يظفر بشيء من
الباطل الا مزقه ويحق الحق ويحققه واجعله اللهم مفزعا لمظلوم عبادك وناصرا لمن
لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا لما ورد من اعلام
دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته من بأس المعتدين
اللهم وسر نبيك محمدا صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم
استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن الامة بحضوره وعجل لنا ظهوره انهم
يرونه بعيدا ونريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين پس سه مرتبه دست بر ران
راست خود میزنی وده مرتبه میگوئی العجل یا مولای یا صاحب الزمان واما
دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه وتاسف بر غیبت حضرت قائم است بسند معتبر
از حضرت امام جعفر صادق منقول است که سنت است این دعای ندبه را در
چهار عید بخوانند یعنی در روز جمعه وروز عید فطر وروز عید قربان وروز
عید غدیر الحمد لله الذي لا اله الا هو وله الحمد لله رب العالمين وصلى الله
على نبيه محمد وآله وسلم تسليما اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في اوليائك
الذين استخلصتهم لنفسك ودينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذي
لا زوال له ولا اضمحلال بعد ان شرطت عليهم الزهد في درجات هذه الدنيا الدنية
وزخرفها وزبرجها فشرطوا لك ذلك وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم

دعای ندبه

وقدمت

دعای ندبه

وقدمت لهم الذكر العلي والثناء الجلي واهبطت عليهم ملائكتك واكرمتهم بوحيك
ورفدتهم بعلمك وجعلتهم الذرايع اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض
اسكنته جنتك الى ان اخرجته منها وبعض حملته في فلكك ونجيته ومن آمن
من الهلكة برحمتك وبعض اتخذته لنفسك خليلا وسألك لسان صدق في
الآخرين فاجبته وجعلت ذلك عليا وبعض كلمته من شجرة تكليما وجعلت له
من اخيه ردءا ووزيرا وبعض اولدته من غير اب وآتيته البينات وايدته
بروح القدس وكلا شرعت له شريعة ونهجت له منهاجا وتخيرت له اوصياء
مستحفظا بعد مستحفظ من مدة الى مدة اقامة لدينك وحجة على عبادك ولئلا
يزول الحق عن مقره ويغلب الباطل على اهله ولا يقول احد لولا ارسلت الينا
رسولا منذرا واقمت لنا علما هاديا فنتبع آياتك من قبل ان نذل ونخزى الى
ان انتهيت بالامر الى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله عليه وآله فكان كما انتجبته
سيد من خلقته وصفوة من اصطفيته وافضل من اجتبيته واكرم من اعتمدته
قدمته على انبيائك وبعثته الى الثقلين من عبادك واوطأته مشارقك و
مغاربك وسخرت له البراق وعرجت بروحه الى سمائك واودعته علم ما
كان وما يكون الى انقضاء خلقك ثم نصرته بالرعب وحففته بجبرئيل وميكائيل
والمسومين من ملائكتك ووعدته ان تظهر دينه على الدين كله ولو كره المشركون

وذلك بعد أن بوّأته مبوّأ صدق من أهله وجعلت له ولهم أوّل بيت وضع للناس
للذي ببكّة مباركاً وهدى للعالمين فيه آيات بيّنات مقام إبراهيم ومن دخله
كان آمناً وقلت إنّما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهّركم تطهيراً
وجعلت أجر محمّد صلواتك عليه وآله مودّتهم في كتابك فقلت لا أسألكم عليه أجراً
إلّا المودّة في القربى وقلت ما سألتكم من أجر فهو لكم وقلت ما أسألكم عليه من أجر إلّا
من شاء أن يتّخذ إلى ربّه سبيلاً فكانوا هم السبيل إليك والمسلك إلى رضوانك
فلمّا انقضت أيّامه أقام وليّه عليّ بن أبي طالب صلواتك عليهما وآلهما هادياً
إذ كان هو المنذر ولكلّ قوم هاد فقال والملأ أمامه من كنت مولاه فعليّ مولاه
اللّهمّ وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت
أنا نبيّه فعليّ أميره وقال أنا وعليّ من شجرة واحدة وسائر الناس من شجر شتّى وأ
حلّه محلّ هارون من موسى فقال له أنت منّي بمنزلة هارون من موسى إلّا أنّه لا
نبيّ بعدي وزوّجه ابنته سيّدة نساء العالمين وأحلّ له من مسجده ما حلّ له
وسدّ الأبواب إلّا بابه ثمّ أودعه علمه وحكمته فقال أنا مدينة العلم وعليّ بابها
فمن أراد الحكمة فليأتها من بابها ثمّ قال له أنت أخي ووصيّي ووارثي لحمك من لحمي
ودمك من دمي وسلمك سلمي وحربك حربي والإيمان مخالط لحمك ودمك كما خالط
لحمي ودمي وأنت غداً على الحوض خليفتي وأنت تقضي ديني وتنجز عداتي وشيعتك

على

دعاء ندبه

على منابر من نور مبيضّة وجوههم حولي في الجنّة وهم جيراني ولولا أنت يا عليّ
لم يعرف المؤمنون بعدي وكان بعده هدى من الضلال ونوراً من العمى وحبل الله
المتين وصراطه المستقيم لا يسبق بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة
من مناقبه يحذو حذو الرسول صلّى الله عليهما وآلهما ويقاتل على التأويل ولا
تأخذه في الله لومة لائم قد وتر فيه صناديد العرب وقتل أبطالهم وناوش ذؤبانهم
فأودع قلوبهم أحقاداً بدريّة وخيبريّة وحنينيّة وغيرهنّ فأضبّت على عداوته
وأكبّت على منابذته حتّى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولمّا قضى نحبه
وقتله أشقى الأشقياء من الأوّلين والآخرين يتبع أشقى الأوّلين لم يمتثل أمر الرسول
صلّى الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين والأمّة مصرّة على مقته مجتمعة
على قطيعة رحمه وإقصاء ولده إلّا القليل ممّن وفى لرعاية الحقّ فيهم فقتل
من قتل وسبي من سبي وأقصي من أقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى له حسن المثوبة
إذ كانت الأرض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتّقين وسبحان ربّنا
إن كان وعد ربّنا لمفعولاً ولن يخلف الله وعده وهو العزيز الحكيم فعلى الأطائب
من أهل بيت محمّد وعليّ صلّى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون وإيّاهم فليندب
النادبون ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ الصارخون ويضجّ الضاجّون
ويعجّ العاجّون أين الحسن وأين الحسين أين أبناء الحسين صالح بعد صالح وصادق

بعد صادق أين السبيل بعد السبيل أين الخيرة بعد الخيرة أين الشموس الطالعة أين الأقمار
المنيرة أين الأنجم الزاهرة أين أعلام الدين وقواعد العلم أين بقية الله التي لا تخلو
من العترة الطاهرة أين المعد لقطع دابر الظلمة أين المنتظر لإقامة الأمت والعوج
أين المرتجى لإزالة الجور والعدوان أين المدخر لتجديد الفرائض والسنن أين المتخير
لإعادة الملة والشريعة أين المؤمل لإحياء الكتاب وحدوده أين محيي معالم الدين
وأهله أين قاصم شوكة المعتدين أين هادم أبنية الشرك والنفاق أين مبيد أهل
الفسوق والعصيان أين حاصد فروع الغي والشقاق أين طامس آثار الزيغ والأهواء
أين قاطع حبائل الكذب والافتراء أين مبيد العتاة والمردة أين مستأصل أهل العناد
والتضليل والإلحاد أين معز الأولياء ومذل الأعداء أين جامع الكلم على التقوى
أين باب الله الذي منه يؤتى أين وجه الله الذي إليه يتوجه الأولياء أين السبب
المتصل بين أهل الأرض والسماء أين صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى أين
مؤلف شمل الصلاح والرضا أين الطالب بذحول الأنبياء وأبناء الأنبياء أين
الطالب بدم المقتول بكربلا أين المنصور على من اعتدى عليه وافترى أين المضطر
الذي يجاب إذا دعى أين صدر الخلائق ذو البر والتقوى أين ابن النبي المصطفى وابن
علي المرتضى وابن خديجة الغراء وابن فاطمة الكبرى بأبي أنت وأمي ونفسي لك
الوقاء والحمى يا ابن السادة المقربين يا ابن النجباء الأكرمين يا ابن الهداة المهديين

يابن

دعاء ندبه

يا ابن الخيرة المهذبين يا ابن الغطارفة الأنجبين يا ابن الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة
الأكرمين يا ابن الأطائب المطهرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة
يا ابن الشهب الثاقبة يا ابن الأنجم الزاهرة يا ابن السبل الواضحة يا ابن الأعلام اللائحة
يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة يا ابن المعالم المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة
يا ابن الدلائل المشهودة يا ابن الصراط المستقيم يا ابن النبأ العظيم يا ابن من هو في أم الكتاب
لدى الله علي حكيم يا ابن الآيات والبينات يا ابن الدلائل الظاهرات يا ابن البراهين
الواضحات الباهرات يا ابن الحجج البالغات يا ابن النعم السابغات يا ابن طه والمحكمات
يا ابن يس والذاريات يا ابن الطور والعاديات يا ابن من دنى فتدلى فكان قاب قوسين
أو أدنى دنوا واقترابا من العلي الأعلى ليت شعري أين استقرت بك النوى بل أي أرض
تقلك أو ثرى أبرضوى أو غيرها أم ذي طوى عزيز علي أن أرى الخلق ولا ترى
ولا أسمع لك حسيسا ولا نجوى عزيز علي أن تحيط بك دوني البلوى ولا ينالك
مني ضجيج ولا شكوى بنفسي أنت من مغيب لم يخل منا بنفسي أنت من نازح ما نزح عنا
بنفسي أنت أمنية شائق يتمنى من مؤمن ومؤمنة ذكرا فحنا بنفسي أنت من عقيد
عز لا يسامى بنفسي أنت من أثيل مجد لا يجازى بنفسي أنت من تلاد نعم لا تضاهى
بنفسي أنت من نصيف شرف لا يساوى إلى متى أحار فيك يا مولاي وإلى متى وأي
خطاب أصف فيك وأي نجوى عزيز علي أن أجاب دونك وأناغى عزيز علي أن

أبكيك ويخذلك الورى عزيز علي أن تجري عليك دونهم ما جرى هل من معين فأطيل
معه العويل والبكاء هل من جزوع فأساعد جزعه إذا خلا هل قذيت عين فتسعدها
عيني على القذى هل إليك يا ابن أحمد سبيل فتلقى هل يتصل يومنا منك بغده
فنحظى متى نرد مناهلك الروية فنروى متى ننتقع من عذب مائك فقد طال الصدى
متى نغاديك ونراوحك فنقر عينا متى ترانا ونراك وقد نشرت لواء النصر ترى
أترانا نحف بك وأنت تأم الملأ وقد ملأت الأرض عدلا وأذقت أعداءك هوانا
وعقابا وأبرت العتاة وجحدة الحق وقطعت دابر المتكبرين واجتثثت أصول الظالمين
ونحن نقول الحمد لله رب العالمين اللهم أنت كشاف الكرب والبلوى وإليك أستعدي
فعندك العدوى وأنت رب الآخرة والأولى فأغث يا غياث المستغيثين عبيدك
المبتلى وأره سيده يا شديد القوى وأزل عنه به الأسى والجوى وبرد غليله
يا من على العرش استوى ومن إليه الرجعى والمنتهى اللهم ونحن عبيدك التائقون
إلى وليك المذكر بك وبنبيك خلقته لنا عصمة وملاذا وأقمته لنا قواما و
معاذا وجعلته للمؤمنين منا إماما فبلغه منا تحية وسلاما وزدنا بذلك يا رب إكراما
واجعل مستقره لنا مستقرا ومقاما وأتمم لنا نعمتك بتقديمك إياه أمامنا
حتى توردنا جنانك ومرافقة الشهداء من خلصائك اللهم صل على حجتك وولي
أمرك وصل على جده محمد رسولك السيد الأكبر وصل على علي أبيه السيد القسور

وحامل

وحامل اللواء في الحشر وساقي أوليائه من نهر الكوثر والأمير على سائر البشر الذي
من آمن به فقد ظفر ومن لم يؤمن به فقد خطر وكفر صلى الله عليه وعلى أخيه وعلى
نجلهما الميامين الغرر ما طلعت شمس وما أضاء قمر وعلى جدته الصديقة الكبرى
فاطمة بنت محمد وعلى من اصطفيت من آبائه البررة وعليه أفضل وأكمل وأتم و
أدوم وأكثر وأوفر ما صليت على أحد من أصفيائك وخيرتك من خلقك وصل
عليه صلاة لا غاية لعددها ولا نهاية لمددها ولا نفاد لأمدها اللهم و
أقم به الحق وأدحض به الباطل وأدل به أولياءك وأذلل به أعداءك وصل
اللهم بيننا وبينه وصلة تؤدي إلى مرافقة سلفه واجعلنا ممن يأخذ بحجزتهم
ويمكث في ظلهم وأعنا على تأدية حقوقه إليه والاجتهاد في طاعته والاجتناب
عن معصيته وامنن علينا برضاه وهب لنا رأفته ورحمته ودعاءه وخيره
ما ننال به سعة من رحمتك وفوزا عندك واجعل صلواتنا به مقبولة وذنوبنا
به مغفورة ودعاءنا به مستجابا واجعل أرزاقنا به مبسوطة وهمومنا به
مكفية وحوائجنا به مقضية وأقبل إلينا بوجهك الكريم واقبل تقربنا
إليك وانظر إلينا نظرة رحيمة نستكمل بها الكرامة عندك ثم لا تصرفها
عنا بجودك واسقنا من حوض جده صلى الله عليه وآله بكأسه وبيده
ريا رويا هنيئا سائغا لا ظمأ بعده يا أرحم الراحمين وانا طربو صلوات

فرستادن بر ایشان شیخ طوسی ره بسند معتبر روایت کرده است که عبد الله
بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری ع که املا نماید بر من
کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول صلی الله علیه واله و اوصیای
آنحضرت صلوات الله علیهم را و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس بر من
املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند باین نحو اللهم صل علی محمد کما حمل وحیك
وبلغ رسالاتك وصل علی محمد کما احل حلالك وحرم حرامك وعلم کتابك و
صل علی محمد کما اقام الصلوة واتی الزکوة ودعا الی دینك وصل علی محمد کما صدق
بوعدك واشفق من وعیدك وصل علی محمد کما غفرت به الذنوب وسترت به
العیوب وفرجت به الکروب وصل علی محمد کما دفعت به الشقاء وکشفت
به الغماء واجبت به الدعاء ونجیت به من البلاء وصل علی محمد کما رحمت به
العباد واحییت به البلاد وقصمت به الجبابرة واهلکت به الفراعنة
وصل علی محمد کما اضعفت به الاموال وحذرت به من الاهوال وکسرت به
الاصنام ورحمت به الانام وصل علی محمد کما بعثته بخیر الادیان واعززت
به الایمان وتبرت به الاوثان وعظمت به البیت الحرام وصل علی محمد و
اهل بیته الطاهرین الاخیار وسلم تسلیما اللهم صل علی محمد وامیر المؤمنین
علی بن ابی طالب اخی نبیك وولیه ووصیه ووزیره ومستودع علمه وموضع

صلوات

سره وباب حکمته والناطق بحجته والداعی الی شریعته وخلیفته فی امته
ومفرج الکرب عن وجهه قاصم الکفرة ومرغم الفجرة والذی جعلته من نبیك بمنزلة
هرون من موسی اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله
والعن من نصب له من الاولین والاخرین وصل علیه افضل ما صلیت علی احد
من اوصیاء انبیائك یا رب العالمین اللهم صل علی الصدیقة فاطمة الزکیة
حبیبة حبیبك ونبیك وام احبائك واصفیائك التی انتجبتها وفضلتها و
اخترتها علی نساء العالمین اللهم کن الطالب لها ممن ظلمها واستخف بحقها وکن
الثائر اللهم بدم اولادها اللهم وکما جعلتها ام ائمة الهدی وحلیلة صاحب
اللواء والکریمة عند الملأ الاعلی فصل علیها وعلی امها صلوة تکرم بها وجه
ابیها محمد صلی الله علیه واله وتقر بها اعین ذریتها وابلغهم عنی فی هذه الساعة
افضل التحیة والسلام اللهم صل علی الحسن والحسین عبدیك وولییك
وابنی رسولك وسبطی الرحمة وسیدی شباب اهل الجنة افضل ما صلیت
علی احد من اولاد النبیین والمرسلین اللهم صل علی الحسن بن علی سید المتقین
والنبیین وصی امیر المؤمنین السلام علیك یابن رسول الله السلام علیك
یابن سید الوصیین اشهد انك یابن امیر المؤمنین امین الله وابن امینه عشت
مظلوما ومضیت شهیدا واشهد انك الامام الزکی الهادی المهدی اللهم

اللهم صل عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه الساعة افضل التحية و
السلام اللهم صل على الحسين بن علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة وطريح الفجرة
السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا بن رسول الله السلام عليك يا بن
امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله وابن امينه قتلت مظلوما ومضيت
شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب بثارك ومنجز ما وعدك من النصر والتأييد
في هلاك عدوك واظهار دعوتك واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت
في سبيل الله وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك و
لعن الله امة خذلتك ولعن الله امة البت عليك وابرأ الى الله تعالى ممن
اكذبك واستخف بحقك واستحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك
ولعن الله خاذلك ولعن الله من سمع داعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله
من سبى نساءك انا الى الله منهم بريء وممن والاهم ومالاهم واعانهم عليه واشهد
انك والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى والحجة على
اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات نفسي وشرايع
ديني وخواتيم عملي ومنقلبي في دنياي وآخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد
العابدين الذي استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون
بالحق وبه يعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته وجعلته

هاديا

هاديا مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك حتى
تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا والآخرة انك عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي
باقر العلم وامام الهدى وقائد اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم وكما جعلته
علما لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك وامرت
بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل ما صليت على احد
من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين اللهم
صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعي اليك بالحق النور المبين
اللهم وكما جعلته معدن كلامك ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك
وولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما صليت على احد من اصفيائك
وحججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفي
الزكي النور المبين المجتهد المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن
آبائه ما استودع من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة والشدة فيما
كان يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل واكمل ما صليت على احد
ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور رحيم اللهم صل على علي بن موسى الذي
ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته حجة على
خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك وكما نصح لهم في

السنن والعلانیة ودعی الی سبیلک بالحکمة والموعظة الحسنة فصل علیه افضل
ما صلیت علی احد من اولیائک وخیرتک من خلقک انک جواد کریم اللهم صل
علی محمد بن علی بن موسی علم التقی ونور الهدی ومعدن الوفاء وفرع الازکیاء و
خلیفة الاوصیاء وامینک علی وحیک اللهم وکما هدیت به من الضلالة و
استنقذت به من الحیرة وارشدت به من اهتدی وزکیت به من تزکی فصل
علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائک وبقیة اوصیائک انک عزیز حکیم
اللهم صل علی علی بن محمد وصی الاوصیاء وامام الاتقیاء وخلف ائمة الدین و
الحجة علی الخلائق اجمعین اللهم کما جعلته نورا یستضیء به المؤمنون فبشر بالجزیل
من ثوابک وانذر بالالیم من عقابک وحذر باسک وذکر بایاتک واحل حلالک
وحرم حرامک وبین شرایعک وفرائضک وحض علی عبادتک وامر بطاعتک و
نهی عن معصیتک فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائک وذریة
انبیائک یا اله العالمین اللهم صل علی الحسن بن علی البر التقی الصادق الوفی
النور المضیء خازن علمک والمذکر بتوحیدک وولی امرک وخلف ائمة الدین
الهداة الراشدین والحجة علی اهل الدنیا فصل علیه یا رب افضل ما صلیت
علی احد من اصفیائک وحججک واولاد رسلک یا اله العالمین اللهم صل علی
ولیک وابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم واوجبت حقهم واذهبت عنهم الرجس

وطهرهم

وطهرهم تطهیرا اللهم انصره وانتصر به لدینک وانصر به اولیاءک واولیاءه و
شیعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه من شر کل باغ وطاغ ومن شر جمیع خلقک
واحفظه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله واحرسه وامنعه من
ان یوصل الیه بسوء واحفظ فیه رسولک واظهر به العدل بالنصر وانصر ناصریه و
اخذل خاذلیه واقصم به جبابرة الکفرة واقتل به الکفار والمنافقین وجمیع
الملحدین حیث کانوا من مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض
عدلا واظهر به دین نبیک علیه وآله السلام واجعلنی اللهم من انصاره واعوانه
واتباعه واتباعه وشیعته وارنی فی آل محمد ما یاملون وفی عدوهم اله الحق آمین

باب دوازدهم در بیان نمازهای واجب است که مخصوص روزی وماهی نیست
ونمازهای سنت که اختصاص بوقتی ندارد واعمالی که ببعض ماههای عربی تعلق
دارند ودر آن هشت فصلست **فصل اول** در بیان نماز آیاتست بدانکه این نماز
واجبست نزد کسوف آفتاب وخسوف ماه خواه کل بگیرند وخواه بعض و
در زلزله که زمین بلرزد ومشهور آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث
شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای بسیار
شدید که بر خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد وخواه نباشد وصاعقه های
عظیم ورعدهای بسیار شدید وتاریک شدن هوا وامثال اینها واین قول

نماز آیات

اقوی است و کیفیت نماز آنست که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه
گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم ادا از جهت آنکه واجبست برای رضای خدا
یا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید و حمد و یک سوره بخواند پس رکوع کند
پس سر بر دارد و سنت است که در سر بر داشتن الله اکبر بگوید پس حمد و
سوره بخواند پس رکوع تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و از رکوع پنجم که سر بر دارد
سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ و بعد از آن بسجود رود و سجده بجا آورد پس برخیزد و یک رکعت
دیگر بجا آورد بدستور رکعت اولی و در سر بر داشتن از رکوع دهم بجای تکبیر
سمع الله لمن حمده بگوید و اگر در رکوع اول بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند
و در رکوع رود و بعد از سر بر داشتن باقی سوره را بخواند اعادهٔ حمد نمیکند
و اگر سوره کم از پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها یک حمد که در رکوع اول
خواندن اکتفا میکند و همچنین در رکعت دویم یک حمد و سوره چنین که تفریق
کند اکتفا میتواند کرد بهتر آنست که بطریق اول بکند و یک حمد و یک سوره
بجا آورد اگر وقت تنگ نباشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای
گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدنست و اظهر نزد
فقیر و جمعی از محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش باقیست و نماز زلزله
و آیات که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر اداست و اگر کسی ترک

کند

نماز آیات

کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست
که قضا میکند آن نماز را مطلقا و جمعی گفته‌اند که بر ناسی که فراموش کرده
باشد قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد و علی المشهور احوط است
و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود و مشهور میان اصحاب آنست که قضای
کسوفین واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته‌اند واجب
است قضا مطلقا و قول اول اقوی و ثانی احوطست و مستحب است که این نماز را
بجا آورند و طول بدهند بقدر زمان کسوف و خسوف و هرگاه از نماز
فارغ و انجلا نشده باشد اشهر و اقوی آنست که اعادهٔ نماز مستحب است و
بعضی واجب دانسته‌اند و مستحب است خواندن سورهای طولانی با وسعت
وقت و برابر ساختن رکوع و سجود با قرائت و مستحب است قنوت خواندن
پیش از رکوع دویم و چهارم و ششم و هشتم و دهم و اگر در ایام زلزله مکرر این
آیه را بخوانند مناسبست إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ
زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا و از حضرت امام رضا
منقولست که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود
فصل دویم در بیان نماز استسقا یعنی طلب باران در وقتی که باران کم آید
و آب چاهها و چشمها کم شود و کیفیت این نماز مثل عیدست که سابقا مذکور

بیان نماز استسقا

شد و بجماعت باید کرد و در قنوتها بیشتر طلب باران و رحمت و استغفار از گناه
باید کرد و بهترین دعا ها دعای نوزدهم صحیفهٔ کامله است و اکثر گفته اند
وقتش میان طلوع آفتاب تا زوال و باید امام امر کند مردم را که سه روز
روزه بدارند و روز سیم ایشان را بیرون برد و بهتر آنست که روز سیم جمعه یا شنبه
یا دوشنبه و بصحرا بیرون روند پای برهنه با سکینه و وقار و مؤذنان عصا
بدست گرفته پیش روی امام بروند و چون امام از نماز فارغ شود بر منبر
بالا رود و ردا را بگرداند تا آنکه جانب راست را بجانب چپ آورد و جانب چپ
را بجانب راست پس رو بقبله کند و باواز بلند صد مرتبه اَللهُ اَکْبَرُ بگوید
و بجانب راست بگردد و صد مرتبه سُبْحانَ اللهِ بگوید پس بجانب چپ بگردد
و صد مرتبه لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ بگوید پس رو بمردم کند و صد مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
بگوید و گفته اند در ذکرها موافقت کنند با او در گفتن پس دو خطبه
بخواند و مبالغه کند در استغفار و دعا و طلب رحمت و خطبهای منقوله
بهتر است و دور نیست که اگر آن ذکرها را بعد از خطبه بخواند با ز خوبست

بیان نماز حضرت پیغمبر

فصل در بیان نماز حضرت رسول سید بن طاوس قدس سره بسند معتبر
از حضرت امام رضا روایت کرده است که از آنحضرت سؤال کردند از نماز جعفر
طیار حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت رسول شاید حضرت رسول نماز

جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت پس
آن نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی و در هر رکعت بعد از
حمد و پانزده مرتبه اِنّا اَنْزَلْناهُ میخوانی پس در رکوع و بعد از سر برداشتن و در
سجدهٔ اول و سر برداشتن و در سجدهٔ دویم و سر برداشتن هر یک پانزده مرتبه
سورهٔ قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام میگوئی و چون فارغ شوی
میان تو و خدا گناهی نمیماند مگر آنکه آمرزیده شده است و هر حاجت که بطلبی
روا است و بعد از آن این دعا میخوانی لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ رَبُّنا وَ رَبُّ آبائِنَا الْاَوَّلِينَ
لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ اِلٰهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ لا نَعْبُدُ اِلَّا اِيّاهُ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ
وَ اَعَزَّ جُنْدَهُ وَ هَزَمَ الْاَحْزابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ نُورُ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ قَيّامُ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ
وَ مَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ الْحَقُّ وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ وَ اِنْجازُكَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ وَ النّارُ
حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ بِكَ خاصَمْتُ وَ اِلَيْكَ حاكَمْتُ
يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اغْفِرْ لِي ما قَدَّمْتُ وَ ما اَخَّرْتُ وَ اَسْرَرْتُ وَ اَعْلَنْتُ اَنْتَ اِلٰهِي
لا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ
التَّوّابُ الرَّحِيمُ **مؤلف** گوید که این نماز از نمازهای مشهور است و عامه و خاصه

نماز حضرت امیر المؤمنین ع

در کتب خود روایت کرده اند و بعضی این از نمازهای روز جمعه شمرده اند و
از روایت اختصاص معلوم نمیشود و ظاهرا در سایر ایام توان کرد **فصل چهارم**
در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین است ابن بابویه و عیاشی و شیخ و دیگران
رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق روایت
کرده اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از
فاتحه پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند و چون فارغ گردد میان او
و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه از زنا باشد و سید و شیخ از حضرت صادق
روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المؤمنین بجا آورد از گناهان
بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده بود و حاجتهای او بر آورده شود
و در هر رکعت سورهٔ حمد و پنجاه مرتبه سورهٔ توحید بخواند چون فارغ شود
این دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است سُبْحانَ مَنْ لا تَبيدُ مَعالِمُهُ سُبْحانَ مَنْ
لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ سُبْحانَ مَنْ لا اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ سُبْحانَ
مَنْ لا انْقِطاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يُشارِكُ أَحَداً في أَمْرِهِ سُبْحانَ مَنْ لا إِلهَ غَيْرُهُ
پس این دعا بخواند يا مَنْ عَفا عَنِ السَّيِّئاتِ وَلَمْ يُجازِ بِها ارْحَمْ عَبْدَكَ يا اللهُ
يا اللهُ نَفْسي نَفْسي أَنا عَبْدُكَ يا سَيِّداهُ أَنا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يا رَبّاهُ
إِلهي بِكَيْنُونِيَّتِكَ يا أَمَلاهُ يا رَحْماناهُ يا غِياثاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لا حيلَةَ لَهُ

يا

نماز امیر المؤمنین ۳۴

يا مُنْتَهى رَغْبَتاهُ يا مُجْرِيَ الدَّمِ يا عُرُوقِ عَبْدِكَ يا سَيِّداهُ يا مالِكاهُ يا هُوَ
يا هُوَ يا هُوَ يا رَبّاهُ عَبْدُكَ لا حيلَةَ لي وَلا غِنى بي عَنْ نَفْسي وَلا أَسْتَطيعُ لَها
ضَرّاً وَلا أَجِدُ مَنْ أُصانِعُهُ تَقَطَّعَتْ أَسْبابُ الْخَدائِعِ عَنّي وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ
عَنّي أَفْرَدَني الدَّهْرُ إِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هذَا الْمَقامَ يا إِلهي بِعِلْمِكَ هذا كانَ
كُلُّهُ فَكَيْفَ أَنْتَ صانِعٌ بي وَلَيْتَ شِعْري كَيْفَ تَقُولُ لِدُعائي أَتَقُولُ نَعَمْ أَمْ تَقُولُ
لا فَإِنْ قُلْتَ لا فَيا وَيْلي يا وَيْلي يا وَيْلي يا عَوْلي يا عَوْلي يا عَوْلي يا شِقْوَتي يا شِقْوَتي
يا شِقْوَتي يا ذُلّي يا ذُلّي يا ذُلّي إِلى مَنْ وَمِمَّنْ أَوْ عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ ماذا أَوْ إِلى
أَيِّ شَيْءٍ أَلْجَأُ وَمَنْ أَرْجُو وَمَنْ يَجُودُ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حينَ تَرْفُضُني يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَإِنْ
قُلْتَ نَعَمْ كَما هُوَ الظَّنُّ بِكَ وَالرَّجاءُ لَكَ فَطُوبى لي أَنَا السَّعيدُ وَأَنَا الْمَسْعُودُ فَطُوبى
لي وَأَنَا الْمَرْحُومُ يا مُتَرَحِّمُ يا مُتَرَئِّفُ يا مُتَعَطِّفُ يا مُتَجَبِّرُ يا مُتَمَلِّكُ يا مُقْسِطُ لا
عَمَلَ لي مَعَ نَجاحِ حاجَتي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذي جَعَلْتَهُ في مَكْنُونِ غَيْبِكَ وَ
اسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلى شَيْءٍ سِواكَ اللّهُمَّ بِهِ وَبِكَ وَبِكَ وَبِهِ فَإِنَّهُ أَجَلُّ
وَأَشْرَفُ أَسْمائِكَ لا شَيْءَ لي غَيْرُ هذا وَلا أَحَدَ أَعْوَدُ عَلَيَّ مِنْكَ يا كَيْنُونُ يا مُكَوِّنُ
يا مَنْ عَرَّفَني نَفْسَهُ يا مَنْ أَمَرَني بِطاعَتِهِ يا مَنْ نَهاني عَنْ مَعْصِيَتِهِ يا مَدْعُوُّ يا مَسْؤُولُ
يا مَطْلُوباً إِلَيْهِ رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتي أَوْصَيْتَني بِها وَلَمْ أُطِعْكَ وَلَوْ أَطَعْتُكَ
فيما أَمَرْتَني لَكَفَيْتَني ما قُمْتُ إِلَيْكَ فيهِ وَأَنَا مَعَ مَعْصِيَتي لَكَ راجٍ فَلا تَحُلْ بَيْني وَبَيْنَ

کیفیت نماز حضرت فاطمه علیها

مَا رَجَوْتُ بِأَمْرِهِمَا إِلَيَّ أَعِذْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ
كُلِّ جِهَاتِ الْإِحَاطَةِ بِي اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي وَبِعَلِيٍّ وَلِيِّي وَبِالْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ اجْعَلْ عَلَيْنَا صَلَوَاتِكَ وَرَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَأَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ رِزْقِكَ
وَاقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِيعَ حَوَائِجِنَا يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس
حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا بخواند هیچ گناهی میان او و خدا
و نمیماند مگر آنکه آمرزیده شود **فصل پنجم** در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت
فاطمه است سید بن طاوس قدس سره بسند معتبر از حضرت صادق روایت
کرده است که فرمود که مادرم فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل
تعلیم او کرده بود و در رکعت اول بعد از سوره حمد صد مرتبه سوره قدر و
در رکعت دویم صد مرتبه سوره توحید میخواند و چون سلام میگفت این دعا
میخواند سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ
ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ
وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا لَا هٰكَذَا غَيْرُهُ سید گفته است که در روایت دیگر وارد شده
است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت فاطمه را که بعد از هر نماز خوانده می
شود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و شیخ ره

ودر

کیفیت نماز جعفر طیار

در مصباح این نماز مرسل را روایت کرده است و گفته است که چون سلام بگوئی
تسبیح فاطمه را بخوان یعنی دعائی که پیش مذکور شد پس گفته است که سزاوار است
برای کسی که این نماز را بکند و از این دعا فارغ شود که زانوها و ذراعهای خود را
برهنه کند و بسجده رود و جمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در
میان مانع نباشد و دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید و در سجده
این دعا بخواند یَا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبٌّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلٰهٌ يُخْشَى يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ
يُتَّقَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى يَا مَنْ
لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا وَعَلَى كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا پس بجای بی کذا و کذا حاجتهای خود را یاد کند
فصل ششم در بیان فضیلت و کیفیت و احکام نماز حضرت جعفر طیار است بدانکه
این نماز از جمله متواترات و عامه و خاصه بسندهای بسیار روایت کرده اند
و مخالفان نیز این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان
باعتبار عداوت باطنی که با امیر المؤمنین و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعبد الله بن
عم پیغمبر نسبت داده اند و بعد از نوافل شبانروزی نمازی بحسب صحت سند
و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین منقول است
که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین از هجرت حبشه مراجعت نمود در

روزی آمد که فتح خیبر بدست امیر المؤمنین شده بود حضرت رسول بقدر
مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال
عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت او را
در بر گرفت دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه
غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد
حضرت فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش بزرگی کنم نسبت بتو
ترا برگزینم مردم گمان کردند که مال جزیل از غنایم خیبر باو عطا خواهد فرمود
جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم نمود
و حضرت صادق فرمود که صفتش اینست که آن چهار رکعت است بدو تشهد
و دو سلام و در رکعت اول بعد از سوره حمد سوره اِذا زُلزِلَت میخواند
و در رکعت دویم سوره وَالعادِیات و در رکعت سیم اِذا جاءَ نَصرُ اللهِ و
در رکعت چهارم قُل هُوَ اللهُ اَحَد و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت
پانزده مرتبه بگوید سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَر همین
تسبیحات را ده مرتبه بگوید و چون سر از رکوع بر میدارد ده مرتبه و در
سجده اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دویم ده
مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه در هر چهار رکعت

چنین

چنین میکنند که مجموع سیصد مرتبه و هزار و دویست تسبیح بوده باشد و بروایت
معتبره دیگر حضرت رسول فرمود که اگر هر روز یکبار بکنی گناهانیکه در میان دو
نماز کرده آمرزیده شود و اگر هر روز جمعه بکنی یا در ماهی یکمرتبه یا در سالی یک
مرتبه بکنی هر گناهیکه در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و در روایات معتبره دیگر
اگر بقدر کف دریاها یا بعدد ریگ بیابان گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر
از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر
توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی
در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان صغیره و کبیره و تازه و کهنه و عمد و خطاء
ترا بیامرزد و اما دعاها که در این نماز مستحب است کلینی بسند معتبر از حضرت
صادق روایت کرده است که در سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی
بگو سُبحانَ مَن لَبِسَ العِزَّ وَالوَقارَ سُبحانَ مَن تَعَطَّفَ بِالمَجدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ سُبحانَ مَن لا
یَنبَغِی التَّسبِیحُ اِلّا لَهُ سُبحانَ مَن اَحصی کُلَّ شَیءٍ عِلمُهُ سُبحانَ ذِی المَنِّ وَالنِّعَمِ سُبحانَ
ذِی القُدرَةِ وَالاَمرِ اَللّهُمَّ اِنِّی اَسئَلُکَ بِمَعاقِدِ العِزِّ مِن عَرشِکَ وَمُنتَهَی الرَّحمَةِ
مِن کِتابِکَ وَاسمِکَ الاَعظَمِ وَکَلِماتِکَ التّامّاتِ الَّتِی تَمَّت صِدقاً وَعَدلاً صَلِّ عَلی
مُحَمَّدٍ وَاَهلِ بَیتِهِ پس حاجات خود را ذکر کند و شیخ در مصباح این دعا را روایت
کرده است با این زیادتی سُبحانَ ذِی القُدرَةِ وَالکَرَمِ سُبحانَ ذِی العِزَّةِ وَالفَضلِ

سبحان ذي القوة والطول اللهم اني اسئلك تا آخر دعا و اين تسبيح و سجده از مفضل
بن عمر روايت كرده اند كه گفت در بدو روزی حضرت امام جعفر صادق نماز جعفر را
بجا آوردند پس اين دعا خواندند يا رب يا رب بقدر يكبار يك نفس و فا كند يا رباه
يا رباه بقدر يكنفس رب رب باز بقدر يكنفس يا الله يا الله باز بقدر يكنفس يا رحيم
يا رحيم بقدر يكنفس يا رحمن يا رحمن هفت مرتبه يا ارحم الراحمين هفت مرتبه پس
اين دعا خواندند اللهم اني افتتح القول بحمدك و انطق بالثناء عليك و امجدك و
لا غاية لمجدك و اثني عليك و من يبلغ غاية ثنائك و امد مجدك و انى لخليقتك
كنه معرفة مجدك و اى زمن لم تكن ممدوحا بفضلك موصوفا بمجدك عوادا على
المذنبين بحلمك تخلف سكان ارضك عن طاعتك فكنت عليهم عطوفا بجودك
جوادا بفضلك عوادا بكرمك يا لا اله الا انت المنان ذو الجلال و الاكرام پس
حضرت فرمود كه اى مفضل هر گاه ترا حاجت ضروری بوده باشد نماز جعفر را
بكن و اين دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب كن كه بر آورده ميشود ان شا
الله ثم دعای دیگر بعد از اين نماز بروايت تسبيح و سجده سبحان من لبس العز و
تردى به سبحان من تعطف بالمجد و تكرم به سبحان من لا ينبغي التسبيح الا ل
جلاله سبحان من احصى كل شيء بعلمه و خلقه بقدرته سبحان ذي المن و
النعم سبحان ذي القدرة و الكرم اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك و

نماز جعفر طيار

منتهى الرحمة من كتابك و باسمك الاعظم و كلماتك التامات التي تمت صدقا
و عدلا ان تصلي على محمد و آل محمد الطيبين الطاهرين و ان تجمع لي خير الدنيا و الآخرة
بعد عمر طويل اللهم انت الحي القيوم العلي العظيم الخالق الرازق المحيي المميت البديء
البديع لك الكرم و لك المجد و لك المن و لك الجود و لك الامر وحدك لا شريك
لك يا واحد يا احد يا صمد يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد يا اهل التقوى
و يا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفو يا غفور يا شكور يا ودود انت ابر بي
من ابي و امي و ارحم لي من نفسي و من الناس اجمعين يا كريم يا جواد اللهم اني صليت
هذه الصلوة ابتغاء مرضاتك و طلب نائلك و معروفك و رجاء رفدك و جائزتك
و عظيم عفوك و قديم غفرانك اللهم صل على محمد و آل محمد و ارفعها في عليين و
تقبلها مني و اجعل نائلك و معروفك و رجاء ما ارجوا منك فكاك رقبتي من النار
و الفوز بالجنة و ما جمعت من انواع النعيم و من حسن الحور العين و اجعل جائزتي
منك العتق من النار و غفران ذنوبي و ذنوب والدي و ما ولدا و جميع اخواني
و اخواتي المؤمنين و المؤمنات و المسلمين و المسلمات الاحياء منهم و الاموات
و ان تجيب دعائي و ترحم تضرعي و ندائي و لا تردني خائبا خاسرا و اقلبني مفلحا
منجحا مرحوما مستجابا دعائي مغفورا لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد
عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة

یا باسط الیدین بالرحمة یا نفاحا بالخیرات یا معطی المسؤلات یا فکاک الرقاب من النار صل علی محمد و آل محمد و فک رقبتی من النار و اعطنی سؤلی و استجب دعائی و ارحم ضعفی و تضرعی و ندائی و اقض لی حوائجی کلها للدنیای و اخرتی و دینی یا ذکرت منها و ما لم اذکر و اجعل لی فی ذلک الخیرة و لا تردنی خائبا خاسرا و قلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی دعائی مغفورا لی مرحوما یا ارحم الراحمین یا محمد یا ابا القاسم یا رسول الله یا امیر المؤمنین انا عبدکما و مولاکما غیر مستنکف و لا مستکبر بل خاضع ذلیل عبد مقر بحقکما معتصم من ذنوبی بولایتکما اتقرب الی الله تعالی بکما و اتوسل الی الله بکما و اقدمکما بین یدی حوائجی الی الله جل و اعز فاشفعا لی فی فکاک رقبتی من النار و غفران ذنوبی و اجابة دعائی اللهم فصل علی محمد و آله و تقبل دعائی و اغفر لی یا ارحم الراحمین و اما احکام اینماز در چند مقصد یاد میشود **اول** بدانکه مشهور میان علما و اقوی آنست که نماز جعفر را بجای نوافل شبانروزی میتوان کرد که هر دو حساب شود و همچنین بنیت قضا نافله میتوان کرد و احادیث بر این مضامین وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه اداء و قضاء بکیفیت نماز جعفر بکنند و خالی از قوتی نیست و لیکن احوط ترک است **دویم** روایات وارد شده است و اکثر گفته اند که کسی که ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتوان نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد

و تسبیحات را در راه بخواند **سیم** حدیث صحیح وارد شده است که کسی که دو رکعت نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری رو دهد میتواند پی انکار برود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدان عذر چنین نکند و همه را با هم بکند بهتر است **چهارم** روایت معتبری از حضرت قائم وارد شده است که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند و از علما کسی متعرض اینحکم نشده است و اگر باین روایت عمل کنند تمام بد نباشد **پنجم** خلافست در تعیین سورها که مستحب است که در اینماز خوانده شود و مشهور آنست که در رکعت اول اذا زلزلت و در دویم و العادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله میخواند و ابن بابویه و پدرش در رکعت اول و العادیات و در رکعت دویم اذا زلزلت گفته اند و در روایتی در اول اذا زلزلت و در دویم اذا جاء و در سیم انا انزلناه و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیحی وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله هر دو را بخواند و در روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد بخواند و ابن بابویه گفته است که همه را با سوره توحید میتوان کرد و ظاهر اهمه خوبست اگر چه اول و سیم افضل است **ششم** مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دویم رکعت اول و سیم نشسته میخواند و بعضی گفته

احکام نماز جعفر

نماز جعفر طیار

در بیان فضایل و اعمال روز نوروز است

اند بعد از این خواستن بر کعت دیگر پیش از قرائت میخوانند و عمل بمشهور اولی است
هفتم بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکنند و مشهور و اقوی دو
سلام است چنانچه گذشت **هشتم** مشهور میان علما آنست که تسبیحات اربعه
که پیش از رکوع خوانند بعد از قرائت میباید خواند و ابن بابویه موافق بعضی
از روایات قایل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قرائت بخواند یا بعد
از قرائت و عمل بمشهور اقوی و اولی است **مقصد هفتم** در بیان فضیلت و اعمال
روز نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار
هست بعضی گفته اند دهم ایار است از ماههای رومی و بعضی گفته اند
نهم شباط است و مشهور آنست که اول انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه
در این ازمنه معمول است و اینمطلب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده
و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بگمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه
مشهور است افرب بثواب و احتیاط است در حساب اگر بنای اعمال را بر
این بگذارد ظاهرا بد نیست و اما فضایل و اعمال این روز بسند معتبر
از معلی بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق بوده است منقولست
که گفت در روز نوروز بخدمت حضرت امام جعفر صادق رفتم فرمود آیا
میشناسی این روز را گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم ان تعظیم میکنند و

در این

اعمال روز نوروز است

در این روز تحفها و هدیها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند بآن
میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای
امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی آنرا گفتم ای سید و آقای من دانستن
این از برکت شما محبوب تر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند و دشمنان
من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که حق
سبحانه و تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست
که او را بیگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی او
پرستند ایشان هیچ چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان
و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین صلوات الله
علیهم اجمعین و این اول روزیست که آفتاب در آن طلوع کرده است و بادهائی
ابستن کننده درختان وزیده و گلها و شکوفهای زمین آفریده شده است
و در این روز کشتی حضرت نوح بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است
و این روزیست که حق تعالی جان بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند
یعنی از طاعون و بیکدفعه خداوند قهار همه را میرانید پس بعد از مدتها که
استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر آن استخوانها گذشت و از
پروردگار خود سؤال کرد که با و بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را

زنده میکردانید پس حق تعالی وحی فرستاد بسوی او که آب بریز بر استخوانهای
ایشان در همان جاهای خود که هستند پس چنین کرد بقدرت الهی زنده
شدند و این اول سال فرس عجم است و باین سبب سنت شد که در این روز
آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید
ایشان باین قصه نموده است در آنجا که فرموده الم تر الی الذین خرجوا من
دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله ثم احیاهم و مفسران گفته اند که
این پیغمبر حزقیل بود و حضرت فرموده که ایشان سی هزار کس بودند فرموده که
در این روز جبرئیل بر حضرت رسول خدا بوحی نازل شد یعنی نوروز موافق
روز مبعث بوده که بیست هفتم ماه مبارک رجب است و فرموده که این روزیست
که حضرت رسالت پناه بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت
امیر المؤمنین در این روز بتهای کفار را شکست و اول اشاره است بآنکه سنی
و شیعه روایت کرده اند بطرق بسیار که شبی که حضرت رسالت حضرت
امیر المؤمنین را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش
آنحضرت بالا رفت و بتهای کفار را بزیر آورد و شکست پس مراد اینست که در
شب این روز بوده و فرمود که در این روز حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را
که بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنانست یعنی روز

اعمال روز نوروز

غدیر این روز بود یا آن روز که سرکردهای صحابه را گفت بروید و بر علی سلام کنید
و بگوئید السلام علیک یا امیر المؤمنین این روز بوده و فرموده که در این روز
حضرت رسول حضرت امیر را فرستاد بوادی جنیان که از ایشان بیعت از برای
او بگیرد و فرموده که در این روز حق خلافت با امیر المؤمنین برگشت و بار دیگر
بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت کردند و در این روز حضرت
امیر با خارجیان نهروان حرب کرد و بر ایشان ظفر یافت و سرکرده ایشان را
که ذو الثدیه میگفتند کشت و در این روز قائم آل محمد ظاهر شود و در
این روز امامان دیگر بدنیا رجعت خواهند کرد و در این روز قائم ما ظفر
خواهد یافت بر دجال و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را
بر دار خواهد کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار فرج
میکشیم زیرا که از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست نوروز را
عجمان حفظ کردند و حرمت آن رعایت کردند و شما عربان آن روز را ضایع
کردید پس حضرت فرمود بمعلی که چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه
ترین جامهای خود را بپوش و به بهترین بویهای خوش بو کردان و در آن
روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافلهای آنها فارغ گردی
چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از

حمد ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و در رکعت دویم ده مرتبه سورهٔ
قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد
و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس بخوان و بعد از نماز تسبیح شکر برو و این دعا بخوان اللهم
صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین و علی جمیع انبیائک و رسلک
بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک و صل علی ارواحهم و اجسادهم
اللهم بارک علی محمد و آل محمد و بارک لنا فی یومنا هذا الذی فضلته و کرمته
و شرفته و عظمت خطره اللهم بارک لی فیما انعمت به علی حتی لا اشکر احدا
غیرک و وسع علی فی رزقی یا ذا الجلال و الاکرام اللهم ما غاب عنی فلا یغیبن
عنی عونک و حفظک و ما فقدت من شیء فلا تفقدنی علیه حتی لا اتکلف ما لا
احتاج الیه یا ذا الجلال و الاکرام چون چنین کنی کاهان [?] بنجاه سال الله تو آمرزیده
شود و بسیار بگو یا ذا الجلال و الاکرام و در غیر کتب مشهوره روایت کرده‌اند
که در وقت تحویل این دعا را بسیار بخوانند و بعضی سیصد و شصت و شش
مرتبه گفته‌اند یا محول الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال و در
روایت دیگر یا مقلب القلوب و الابصار و یا مدبر اللیل و النهار و یا محول
الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال و ایضا بعضی روایت کرده‌اند

که این دعا نیز در روز نوروز بعد از ایام سال بخواند اللهم هذه سنة جدیدة
و انت ملک قدیم اسئلک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما
فیها و استکفیک مؤنتها و شغلها یا ذا الجلال و الاکرام و اگر چه دعای
اما آن دعای اول را خواندن هر چند نماز ش کرده نشود چون سند معتبر دارد
بهتر است [اعمال ماههای رومی] عمل نیسان در اعمال ماههای رومی است سید جلیل علی بن طاوس
رضی الله عنه روایت کرده است که روزی جمعی از صحابه نشسته بودند حضرت
رسالت پناه داخل شد و بر ایشان سلام و ایشان جواب سلام گفتند پس
حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دعائیکه جبرئیل مرا تعلیم کرده تا
که محتاج بدوای اطبا نبوده باشد پس حضرت امیر المؤمنین و سلمان فارسی
و دیگران سؤال نمودند که آن دوا چیست حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین
خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان رومی آب باران میگیری و سورهٔ
فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه میخوانی
و بروایت دیگر سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر نیز هفتاد مرتبه میخوانی
و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله میگوئی و هفتاد
مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد میفرستی و هفت روز در بامداد و بین

از از آب میباشامی بحق آن خداوندی که مرا براستی بر خلق مبعوث گردانیده
سوگند یاد میکنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بر دارد از کسیکه این آب را بیاشامد
هر دردی که در بدنش باشد عافیت بخشد او را و بیرون کند دردها را
از بدنش و استخوانهای او و اگر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید
و بحق پروردگاری که مرا بحق فرستاده است اگر فرزند نداشته باشد و فرزند
خواهد و آب نیسان را باین نیت بیاشامد او را فرزند روزی کرده و اگر
زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و از این آب باین نیت بیاشامد فرزند
از او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر و از این آب بیاشامد
مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید یَهَبُ لِمَنْ یَشَاءُ اِنَاثًا وَیَهَبُ
لِمَنْ یَشَاءُ الذُّکُورَ اَوْ یُزَوِّجُهُمْ ذُکْرَانًا وَاِنَاثًا وَیَجْعَلُ مَنْ یَشَاءُ عَقِیمًا یعنی حق تعالی میبخشد
هر که را خواهد دختران و هر که را میخواهد پسران یا جفت میگرداند برای
ایشان پسران و دختران یعنی هر دو را بایشان عطا میکند و هر که را خواهد
عقیم و بی فرزند میگرداند پس حضرت فرمود اگر کسی درد سر داشته باشد و از این
آب بیاشامد صداع او ساکن گردد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته
باشد و در چشمهای خود قطره از این آب بچکاند و بیاشامد و چشمهای
خود را باین آب بشوید باذن خدا شفا یابد و آشامیدن این آب بن دندانها را

محکم گرداند و دهان را خوشبو گرداند و لعاب بن دندانها کم کند و بلغم را کم کند
و تخمه و امتلا بسبب خوردن طعام و آشامیدن آب بهم نرساند و از بادها
و قولنج و غیر آن متاذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام
آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده زایل گرداند و محتاج بحجامت
نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و
رعاف و قی نجات یابد و کور و لال و زمین گیر نشود و آب سیاه بر دیده اش
نزول نکند و دردیکه موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را
عارض نگردد و از وسوسهای جنیان و شیاطین متاذی نگردد پس حضرت
رسالت پناه فرمود که هر که از این آب بیاشامد و بجمیع دردها که مردم
مبتلا میباشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی
که ترا براستی فرستاده که هر که این آیات را بر این آب بخواند حق تعالی دلش را مملو
گرداند از نور و روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت بر زبان
او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو عطا کند آنقدر نعمتها
آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت
بر او فرستد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص
و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات

بابد و موجب شفای جمیع امراض او گردد مؤلف گوید که این روایت مشهور
بعبد الله پسر عمر علیه اللعنة منتهی میشود و باین سبب سندش ضعیف است
و لیکن بخط شیخ شهید دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق
روایت کرده بود با همین خواص و سورها اما آیات و اذکار را باین روش روایت
کرده است میخوانی بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا
الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد هر یک را هفتاد مرتبه و میگوئی هفتاد مرتبه لا اله الا
الله و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و
هفتاد مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و در خواص
آن مذکور است که اگر در زندان باشد و از آن بیاشامد از حبس نجات یابد
و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور شد در این روایت
نیز مذکور است و آب باران مطلقا مبارکست و منفعت دارد خواه در
نیسان ببارد و خواه در غیر آن چنانکه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که بیاشامید آب آسمان را که پاک کننده بدن شماست و دردها را
دفع میکند چنانچه حق تعالی میفرماید وَیُنَزِّلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِیُطَهِّرَکُمْ
بِهِ وَیُذْهِبَ عَنْکُمْ رِجْزَ الشَّیْطَانِ وَلِیَرْبِطَ عَلَی قُلُوبِکُمْ وَیُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی

میفرستد

کیفیت آب نیسان

میفرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را بآن و ببرد
از شما وسوسه شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بآن
قدمهای شما را در عمل نیسان بهتر آنست که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آنچه ما
را و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که میخوانند فایده اش
عظیم تر و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز که از
نوروز بگذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشوند و ماه نیسان سی
روز است و از حضرت صادق منقولست که در هفتم حزیران الیتة حجامت
بکن و اگر میسر نشود چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهار
نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث
معتبره منقولست که در خدمت حضرت صادق ماه حزیران مذکور شد
حضرت فرمود که اینماهیست که حضرت موسی در اینماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل
و در یک شب و یک روز سیصد هزار کس از ایشان مردند و باز بسند معتبر
از آنحضرت منقولست که حق تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک میکرداند
یعنی موت بسیار میباشد و بدانکه ماههای رومی بنابر مشهور بر حرکت آفتاب
و عدد آنها دوازده است تشرین الاول تشرین الآخر کانون الاول کانون
الآخر شباط آذار نیسان ایار حزیران تموز آب ایلول و چهار ماه از اسمی

گیرند که آنها تشرین الاخر و نیسان و حزیران و ایلول اند و هفت دیگر
غیر شباط را سی و یک میگیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست
هشت میگیرند و در سال چهارم که سال کبیسه است بیست و نه
میگیرند و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربع است و تشرین الاول
که اول سال ایشان است در این سالها موافق نوزده درجه میزان است
و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور است و چون تمامها در احادیث
مذکور شده مجملی ایراد نمودیم **باب دهم** در بیان احکام اموات و در آن پنج
فصل است **فصل اول** در بیان آداب و احکام حال احتضار و برداشتن میت
باید که چون در بیمار آثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از گناهان
خود توبه کند و بر گذشتها نادم و پشیمان گردد و عازم گردد که اگر زنده بماند
مرتکب معصیت الهی نگردد پس وصیت کند و حقوق خدا و خلق اینچه
بر ذمه او باشد ادا کند پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان
پریشان و فقراء و مساکین و سایر وجوه بر صرف نمایند پس ابراء ذمه
از برادران مؤمن بطلبد و هر که را غیبت کرده یا اذیتی رسانیده اگر حاضر
باشند از ایشان التماس نماید که ایشان را از خود راضی گرداند و از برای
ایشان استغفار نماید پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر حق تعالی

مقدس الهی بامینی بگذارد و وصیی از برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس
کفن خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام و ادعیه که وارد
شده است که سنت است که بر کفن نوشته شود بفرماید که بتربت حضرت امام
حسین بر آن بنویسند و اگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشند اما مؤمن را سنت است
که کفن پوشیده با او باشد چنانچه از حضرت صادق منقول است که هر که کفنش
با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه که نظرش بر آن کفن افتد
برای او حسنه نوشته شود و باید که در آنوقت امیدوار رحمت حق تعالی
و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم بوده باشد و بسند
معتبر از حضرت رسالت پناه منقول است که هر که در وقت مرگ وصیت
نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت و مردی اوست گفتند یا رسول
الله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفاتش شود و مردم نزد
او جمع شوند بگوید اللّهمّ فاطر السّموات والارض عالم الغیب والشّهادة الرّحمن
الرّحیم انّی اعهد الیک انّی اشهد ان لا اله الّا انت وحدک لا شریک لک و
انّ محمّدا صلّی الله علیه وآله عبدک ورسولک وانّ السّاعة آتیة لا ریب
فیها وانّک تبعث من فی القبور وانّ الحساب حقّ وانّ الجنّة حقّ وما وعد الله
فیها من النّعیم من المأکل والمشرب والنّکاح حقّ وانّ النّار حقّ وانّ الایمان حقّ

وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ
كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَإِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي
رَضِيتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ
إِمَامًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللّٰهُمَّ أَنْتَ
ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي وَأَنْتَ وَلِيِّي
فِي نِعْمَتِي وَإِلٰهِي وَإِلٰهُ آبَائِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا
وَآنِسْ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ أَلْقَاكَ مَنْشُورًا پس
حضرت رسول فرمود که این عهد و پیمان میت است با خدا در روز یکه می
خواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجب است بر هر مسلمانی و صحیفه
اعتقادات را چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند و بمهر
گواهان برساند تا در میان کفن بگذارد و چون آثار احتضار ظاهر شود این
دعا را مکرر بخواند اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ
مِنْ طَاعَتِكَ تا جان کندن بر آن آسان گردد و باید اولاد و خویشان و اولاد
مؤمنین در این حالت او را تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سوره یس
و صافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه و رسالت
حضرت رسول و امامت ائمه هدی صلوات الله علیهم بتفصیل و اعتقاد

بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حقه را مکرر تلقین
او کنند که بگوید و بیاد او آورند و اگر نتواند خواندن نزد او بخوانند و دعای
عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی نداند مضامینش بر او القا کنند که در
این وقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین بر گرداند و باید که کلمه
طیبه لا اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث
معتبر وارد است که هر که آخر سخن او لا اله الا الله داخل بهشت شود و در
حدیث معتبر از امام محمد باقر مرویست که تلقین کنید مردگان خود را لا
اله الا الله بدرستیکه گناهان را در هم میشکند و مونس مؤمن است و در
حوض و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مردن این کلمه
طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در این حال پای او را بجانب
قبله بگردانند تا ملائکه رحمت با و رو آورند و در این وقت حائض
و جنب نزد او نباشند که ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر غیر ایشان
کسی نباشد جایز است که برای او ضرورت پس سنت آنست که ... و چون
نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده
است که اگر جان کندن بر او دشوار شود آنرا ببرند بآنجائیکه همیشه
نماز میکرده است یا بجوابایند او را بر روی جانمازی که بر او نماز میکرده است

زیرا که اگر امید شفاعت میباید والا جانش بآسانی بر میآید و از حضرت
امام رضا منقولست که زنهار در حال احتضار دست بر آن مگذارید و
اگر دست و پا حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان میکنند و
نزد او قرآن بخوانند و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در حدیث
دیگر منقولست که فرزندی از حضرت صادق در احتضار بود و حضرت
امام محمد باقر در کنار خانه نشسته بود هر که نزدیک او میرفت میفرمود
که دست بر او مگذارید که او در اینحال در نهایت ناتوانیست و هر که
دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته است و در حدیث دیگر از حضرت
باقر منقولست که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را
تلقین او کنید و کلمات فرج اینست لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله
الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع
و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین و در حدیث
دیگر منقولست که چون این کلمات را تلقین کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین
میفرمود که برو که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول این کلمات را تلقین
شخصی میکرد و چون او خواند حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش
جهنم نجات داد و از حضرت صادق منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان

در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میگرداند بر او که او را بشک اندازند
در دین خود تا جانش مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد نمیتوانند بر او دست
پس در آنحال تلقین ایشان بکنید کلمات فرج و شهادت بوحدانیت خدا و
اقرار بحضرت رسالت و ائمه طاهرین علیهم السلام یک یک را بخصوص تا از
سخن گفتن باز ماند و ایضا سنت است که برای آسانی جان کندن این دعا را
تلقین او کنند یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی
الکثیر انک انت الغفور الرحیم و بروایت دیگر انک انت العفو الغفور و چون
روح او مفارقت کند سنت است که دهانش را بر هم گذارند و چانه اش را به
بندند و چشمهایش را بر هم آورند و دستهایش را بر پهلوهایش بکشند و او را
بچادر شبی یا جامه بپوشانند و قرآن نزد او بخوانند و زودش بر دارند مگر
بقصد جمع شدن مؤمنان اگر اشتباهی در موتش نباشد و اگر مشتبه باشد
تا یقین مرگش نشود بر ندارند و از حضرت صادق منقولست که سزاوار آنست که
برادران مؤمن را خبر کنند بمردن او تا بجنازه او حاضر گردند و بر او نماز کنند
و از برای او استغفار کنند و میت و ایشان همه ثواب برند و در حدیث حسن
از حضرت صادق منقولست که چون مؤمن را بقبر میگذارند او را ندا میکنند
که اول عطائی که ترا دادیم بهشت است و اول عطائی که دادیم آنها را که با

جنازه نوامده اند امرزش گناهانست و در حدیث دیگر فرمود که اول تحفه
که بمومن میدهند در قبر آنست که امرزند هر کس را که همراه جنازه او بوده
است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مومنی بکند تا او را
دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک برا و بگمارد که همراهی او نمایند
و استغفار برای او کنند از قبر تا موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف
جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش امرزیده شود و اگر چهار طرف
را بگیرد از گناهان بیزار بدر آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر
آنست برای کسی که تشییع جنازه کند که اول دست راست میت که جانب
چپ جنازه است بدوش راست بردارد پس پای راست میت را باز
بدوش راست بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش
چپ خود بردارد پس دست چپ میت را که در جانب راست جنازه است
بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود
بلکه از جانب پشت جنازه بر گردد و باز بهمان روش تربیع بجا اورد و اکثر
علما برعکس گفته اند که اولا ابتدا بدست راست جنازه میکند پس
بپای چپ پس بدست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولی است و
اگر هر دو را بعمل اورد بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها

راه رود و در پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آنست که جنازه مومن
باشد پیش او راه رفتن خوبست و در جنازه خلاف مذهب خوب نیست
زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن
مکروهست و از حضرت رسول منقولست که هر که جنازه را ببیند و ابتدا
بخواند الله اکبر هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم
زدنا ایمانا وتسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر العباد بالموت هیچ
ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کنند برای ترحم بر آن و از حضرت صادق
منقولست که در حال برداشتن جنازه ابتدا بخواند بسم الله وبالله اللهم
صل علی محمد وال محمد واغفر للمومنین والمومنات و منقولست که حضرت
امام زین العابدین هرگاه جنازه میدید میگفت الحمد لله الذی لم یجعلنی
من السواد المخترم و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که
جنازه را بشتاب بردن مکروهست و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد
و در روز چراغ بردن خوب نیست و اسرافست و در شب خوبست و مکروه
است کسی را که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن

فصل دوم

در غسل میت

در غسل دادن میتست بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن
و نماز کردن و دفن کردن و احکام پیش همه واجب کفاییست یعنی بر همه

واجب است و اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه
معاقب میشوند و مشهور میان علما آنست که ولایت بمعنی تعلق
بوارث میت دارد و بین خصی او و دیگری متوجه اینها نمیتواند شد و مراد از
ورثه اولیت از زنان و شوهر اولی است از دیگران و احوط آنست که بیضرورت
خود ندهند و غسل و نماز و سایر احکام میت واجب است برای میت شیعه
اثنی عشری و در سنی و سایر فرق مخالفان خلافست وظاهر اواجب باشد
مگر در حال تقیه و شهید یعنی کسی که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد
و در معرکه مرده باشد او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند بلکه نماز می
کنند و با جامها که پوشیده دفن میکنند و بعضی گفته اند که در جهاد
حق که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب
آنست که هرگاه از میت عضوی یافت شود که در آن استخوان باشد میشویند
و کفن میکنند و بعضی سه کفن را در اینجا واجب دانسته اند و اگر عضوی
باشد که دل در آن باشد نماز هم میباید کرد و احوط آنست که اگر سینه را
تنها بیابند باز چنین کنند و همچنین اگر جمیع استخوانهای میت را بیابند
و عضوی که بی استخوان باشد مشهور آنست که در لته می پیچند و دفن می
کنند و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه که از شکم ساقط

غسل میت

شود هرگاه چهار ماه زیاده داشته باشد غسل میدهند و کفن و دفن
میکنند و بر او نماز نیست و بعضی گفته اند بسه جامه کفن میکنند و
حنوط میکنند و هرگاه چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که در لته می
پیچند و دفن میکنند و در روایت دیگر در لته پیچیدن مذکور نیست و
بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده اند و در غسل و کفن نه چهار
ماه و این احوط است و اگر عضو استخوان داری از زنده باشد احوط آنست که غسل
و کفن و دفن بکنند اگر چه اظهر عدم وجوبست و اگر طفلی در شکم مادر مرده
باشد و مادر زنده باشد و اگر توانند درست بیرون آورند و الا پاره
پاره میکنند و بیرون می آورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم
مادر را میشکافند از جانب چپ و طفل بیرون می آورند و بهتر آنست که
شکمش را بدوزند و واجب است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا
چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی هر یک دیگری را غسل می
توانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهد و نظر بعورت نکند
و بهتر آنست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم
جایز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی و در عدت کسی نبوده
باشد و در غسل کنیز آقا را خلافست سیم جایز است که غسل دهند مرد اجنبی

دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی

در پنج ساله نیز تجویز کرده اند **چهارم** هرگاه مردی فوت شود و مردی نباشد

که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد از زیر جامه و همچنین است

هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهرا در حال الاختیار نیز محارم یکدیگر را غسل

میتوانند داد اما احوط آنست که تا ممکن باشد مرد را مرد و زن را زن غسل

دهد **و اما** کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل کفن را مهیا کند و اول حبره را

و بعد از آن سرتاسری و بعد از آن پیراهن را پهن کند و نصف بالای پیراهن

را برگرداند و بعد از آن لنگ را و بعد از آن ران پیچ را بجای خود پهن کند

پس متوجه غسل شود و اگر میسر شود که میت را وقت غسل بر روی تخته

یا تخته بخوابانند بهتر است و مستحب است که در وقت غسل پای میت بسوی

قبله باشد بطریق احتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سایر احوال

باید چنین باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید رختهایش را بکند و

اگر خواهد با پیراهن غسل دهد و اگر خواهد لنگ ببندد و پیراهن را

بکند و هر تقدیر واجب است که در وقت غسل دادن عورتین میت را

بپوشاند و مشهور آنست که واجب است که اول ازاله نجاست از بدن

میت بکند و سنت است که برای حرمت میت پیراهن را از طرف پایین اگر کنه

واگر تنگ باشد باذن ورثه بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا

خیمه غسل دهد که برابر آسمان نباشد و سنت است که دو نفر باشند غسل

دهنده یکی آب بریزد و دیگری بگرداند میت را و مستحب است که انگشتان

میت را بمدارا نرم کند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست

بردارد و واجب است که میت را سه غسل بدهد اول باب سدر و بعد

از آن باب کافور و بعد از آن باب خالص و سنت است که اول دستهای

میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشوید بنابر بعضی از روایات پس

عورت میت را بشوید و احوط آنست که چون خواهد که عورتش را بشوید لنگ

بر دست ببندد که دستش بعورت نرسد و اگر بدست چپ بشوید بهتر است

و سنت است که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید

و آب بسیار بریزد تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش بگذارد

و نرمی و همواری پایین کشد که اگر فضله باشد بیرون آید باز مخرج را بشوید

و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نکشد

و علما گفته اند که سر و ریشش را پیش از غسل بکف سدر بشوید پس سنت

است که دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که دست بر میت میگذارد

پس وضو دهد میت را بروش وضوی زندگان باب خالص و بعضی واجب

داننده باشد و نیت کند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله پس روی و دستهای
میت را بشوید و سر و پاها میت مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط آنست
که آب سدر بریزند و گردانند و اگر دو کس باشند هر دو نیت کنند و بهتر آنست
که نیت هر سه را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت
جدا بکنند پس اول نیت میکنند که این میت را غسل میدهم باب سدر
و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای رضای خدا قربة الی الله
پس سر میت را باب سدر میشوید و احوط آنست که اول بجانب راست
سر آب بریزد و بعد از آن بجانب چپ و سنت است که سر را و هر جانب را
سه مرتبه بشوید پس میت را بر پهلوی چپ بخواباند و جانب راست
را بشوید و سنت است که سه مرتبه بشوید و هر سبوئی را که میریزد
قطع نکند تا بپا برساند و اگر آنکه میت را میگرداند در هنگام ریختن
دست بر پشت و شکم بمالد بهمواری که آب خوب برسد بهتر است و دست
میت را از پهلو جدا کند تا آب بزیر او برسد و چنان کند که آب بزیر
لنگ و عورت و ران و سایر اعضا خوب جاری شود پس میت را بگرداند
و بر پهلوی راست بخواباند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه
مرتبه بشوید و در آب سدر همین کافیست و مشهور آنست که حدی

ندارد

ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت برگ سدر باشد و بعضی یک رطل و
بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم و زیاده بوده باشد و
گویا این زیادتیها برای شستن فرج و سایر اعضا پیش از غسل بوده باشد
و احوط آنست که در آب غسل آنقدر داخل نکند که مضاف شود و آبش
نگویند و در بعضی روایات در شستن هر جانب شستن نصف سر وارد
شده است و شاید بد نباشد اگر چه خلاف مشهور است پس میت را
بر پشت بخواباند و ظرفها را میشوید که اثر سدر از آنها بر طرف شود و
اندک کافور بر آن ریزه میکنند و داخل آب میکنند و غسل دهنده دستهای
خود را تا مرفق میشوید و بهتر آنست که دست میت را تا نصف ذراع سه مرتبه
باب کافور بشوید و فرجش را نیز سه مرتبه بشوید بهمان نحو که اشنان یاد شد دستمالی
بر دست بپیچد و دست بر شکم میت بکشد بهمواری و بهتر آنست که در وقتی
که دست بر شکم میت میکشد سر میت را بلند کند که فضلات از آن طرف
بیرون نرود پس احتیاط آب بریزند و گردانند هر دو نیت کنند که این
میت را غسل میدهم باب کافور از برای آنکه واجب است از برای رضای
خدا پس سر را بشوید و سنت است که سه مرتبه بشوید و در هر مرتبه
ابتدا بجانب راست سر کند و گردانند بهمواری دستی بمالد پس جانب

را سه مرتبه وجانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر
مذکور شد بشوید پس میت را بر پشت بخواباند و باز دست خود را تا مرفق نیز
بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثری از سدر و کافور در آنها نماند و
اگر سبوی دیگر برای آب قراح مهیا کند بهتر است و احوط آنست که آب
غسل قراح را از حوضی که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است برندارند
و از آبی بردارند که اینها مطلقا در آن داخل نشده باشد پس دستهای میت
را تا نصف ذراع سه مرتبه بآب خالص بشویند استحبابا و فرج میت
را نیز بآب خالص سه مرتبه بشوید و اگر در این وقت نیز بار دیگر میت
را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاطا نیت کنند که غسل میدهم
این میت را بآب قراح از جهت آنکه واجبست قربة الی الله پس سر را سه مرتبه
وجانب راست را سه مرتبه وجانب چپ را سه مرتبه بشویند که یکمرتبه
واجبست و دو مرتبه سنت و بهتر آنست که گردانند بمدارا در وقت
آب ریختن دستی بکشند بر بدن میت و پیش از غسل و در اثنای این
غسل دست بر شکم میت نکشند و چون از این هر سه فارغ شود اگر
خوف خروج نجاستی بوده باشد قدری از پنبه در دبرش داخل کنند
و همچنین در دهان و بینی او قدری از پنبه داخل کنند اگر خوف بیرون

آب قراح

آمدن

آب قراح

خون یا نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدنش را بجامه خشک کنند
و بعد از آن او را بر روی جامهای کفن بگذارد و سنت است که هر مرتبه
که میت را از جانبی بجانبی گرداند این دعا بخواند اللّهم اِنّ هذا بدن عبدك
المؤمن وقد اخرجت روحه منه وفرقت بينهما فعفوك عفوك و اگر زن باشد
بگوید اللّهم اِنّ هذا بدن امتك المؤمنة و اگر روحها بگوید بهتر است و در تمام
احوال غسل مکرر بگوید رب عفوك عفوك تا خدا او را بیامرزد و سنت
که هرچه از عیوب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تع گناهان او را
بیامرزد چنانچه از مادر متولد شده باشد و مستحب است که غسل دهنده
از جانب راست باشد و گودالی در برابر قبله بکنند و تخته سر ازیر
باشد که آب سر ازیر باشد که آب غسل در آن گودال رود و مکروهست
که آب غسل را بچاله که در آن بول و غایط کنند بریزند و اگر چاله باشد
که کثافت خانه را در آن ریزند قصور ندارد و مکروهست میت را بآب
گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروهست که میت را در میان
پاهای خود بگیرد و اینهم مکروهست که ناخن میت را بگیرد یا موی او را بگیرد
یا شانه کند و اگر بگیرد ناخن و مو را یا مویی که در اثنای غسل جدا شود
باید که در میان کفن گذارند و با میت دفن کنند حتی منقولست که دندانی

از حضرت باقر ع کنند شد بحضرت صادق ع داد و فرمود که با من دفن کردن
بجز و اگر سدر و کافور بهم نرسد یکمرتبه با آب قراح غسل دهند و احوط
آنست که سه مرتبه غسل دهند و اگر پیش از دفن بهم رسد احوط آنست
که مرتبه دیگر او را سه غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل
نتوانند داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم دهند او را
و ظاهر اینست که یک تیمم کافیست و سه تیمم احوط و بهتر آنست که تیمم دهنده
بدهد که نیت کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سدر
و کافور و قراح از جهت آنکه واجبست از برای رضای خدا و تیمم دیگر را
قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور واجبا طاعة قربة
الی الله و همچنین قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند و
بر پیشانی میت کشد و دیگر بر پشت دست راست میت کشد و بعد
از آن بر پشت دست چپ و اگر یک ضرب تیمم دهد یکی برای رو و یکی
برای دستها خوبست و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند
و حنوط نکنند **فصل سیم** در کفن کردن میت است واجبست که میت را سه
کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول آنها لنگ است که از ناف تا بعضی از
ساق را بپوشد و بعضی گفته اند که سینه را بپوشد و تا پاها برسد

دوم

دوم پیراهن است و سیم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشد و بعضی از علما گفته
اند که پیراهن است و دو سرتاسری و جایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری
دیگر بکند که مجموع سه سرتاسری باشد و این قول اظهر است و احادیث
معتبره بر این دلالت دارد و احوط آنست که با اینها لنگ نیز بکنند و با
ضرورت یک سرتاسری کافیست و باید که کفن حریر محض نباشد و احوط
آنست که کفن زنان نیز حریر محض نبوده باشد و بهتر آنست که از ابریشم و مو
نیز نبوده باشد و سنتست که از پنبه سفید بوده باشد و سنتست
که سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد و انجامه بوده که از یمن
میآورند و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای او قطنی بکنند
بد نباشد و علما گفته اند که سنتست که اول جانب چپ لفافه را بر جانب
راست میت اندازد و بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ
میت و بهتر آنست که چنین کنند اگر چه سندش بنظر نرسیده و
سنتست که خرقه طویلی که عرضش یک شبر و نیم و طولش اقلا سه ذرع و نیم
باشد یا بذراع دست زیاده کنند برای رانپیچ برای آنکه سر آنرا به
شکافند و بر کمر میت به بندند و پنبه بسیاری بر دبر و فرج میت
بگذارند و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند و اگر بر پنبه قدری کافور

بپاشند شاید بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند
و از زیر آنچه بر کمرش بسته اند بیرون آورند و محکم بکشند که فرج را که
پنبه گذاشته اند فرا گیرد و پاها را بهم آورند و رونها را با یکدیگر سخت
بر بندند و بپیچند تا زانوها و هر جا که منتهی شود سرش را در آنچه
پیچیده است فرو برند و سنت است که عمامه از برای مرد زیاد کنند
که بر دور سرش بگردانند و موافق مشهور زیر چنگ بگردانند و سرهای
عمامه را از هر دو طرف بدر آورند و بر سینه میت بیندازند چپ را بر
جانب راست و راست را بر جانب چپ و بدل از عمامه مرد از برای زن
مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه زن به بندند که پستانهای او را
بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد پیراهنی
که تازه کنند آستین داشته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن
کنند در کار نیست بریدن آستین و با آستین باکی نیست اما تکمها و بندهای
پیش را ببرند و سنت است که میت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز
میکرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند شاید
بد نباشد و مستحب است که در جامه که در آن احرام بسته است در حج
یا عمره کفن کنند و مستحب است که کفن خوش قماش و صاحب قیمت

باشد

باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردگان
خود را که زینت ایشان است و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند و
سنت است که در قیمت مضایقه و مصابری نکنند و کفن از مال دنیا
حلال بی شبهه باشد و سنت است موافق مشهور که در کفن شهادتین
و اقرار بائمه علیهم السلام بنویسند و دعای جوشن و غیر آن در بعضی
روایات وارد شده است و سنت است که تربت حضرت امام حسین
بنویسند و علما گفته اند که سنت است که کفن از برد یمانی که از آن بیرون
آورده اند بدوزند و با دهن تر نکنند و سنت است که در وقتی که
غسل دهنده خواهد که میت را کفن کند دستهایش را تا دوش یا تا
مرفق بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن و واجب است
حنوط کردن میت بآنکه بر هفت موضع سجده او یعنی پیشانی و کف دستها
و زانوها و انگشت مهین پاها کافور بمالند اگر چه اندکی باشد و بهتر
آنست که سر بینی را بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر گودال پا نیز کردن
و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ ران و بند انگشتان و بیخ
انگشتان و سایر بندها را بمالند احوط و بهتر آنست که کافور خوش
خام جودانه باشد و مقدارش بقدر یک اشرفی که چهار دانگ نیم مثقال است

وبهتر از این آنست که سه مثقال باشد و بهتر از این آنست که سیزده
درهم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول که تقریباً هفتاد
مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنست که کافور از این مقدارها
نباشد و سنت مؤکد است که دو جریده با میت بگذارند و در اخبار
بسیار وارد شده است که تا این چوبها تر است میت را عذاب نمیکنند
و بهتر آنست که چوب درخت خرما بوده باشد و اگر یافت نشود چوب
سدر کنند و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود چوب
درخت انار و اگر بهم نرسد هر چوب تری خوبست و باید تر باشد و تازه
از درخت بریده باشند و چوب خشک هر چند از درخت خرمای امکنه
شریفه بریده باشند فایده نمیکند و باید هر یک بقدر یک شبر بوده باشد
یا یک ذراع دست و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از یک شبر
بیشتر است و ظاهرا همه خوبست و بعضی گفته اند که پنبه بر آنها بپیچند
تا رطوبتشان بیشتر بماند و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را بچنبر
گردن بگذارند و ملصق ببدن سازند و دیگری را از جانب چپ و میان
پیراهن و سرین تا سری بگذارند و سر آنرا نیز بچنبر گردن بگذارند و بعضی گفته
اند که سنت است بر جریدتین شهادتین بنویسند بتربت شریف و اگر تقیه باشد

وجریدتین نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن
قبر بخاطرشان آید در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت از اصل
مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد
رختهای او را تطهیر کنند و با آنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد برهنه دفن
کنند و بعضی گفته اند از زکوة واجب کفن میت میتوان کرد و خالی از قوتی
نیست و سنت مؤکد است که مسلمانان او را کفن کنند چنانچه در حدیث
معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست
که ضامن جامه او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای مؤمنی
قبری چنانست که او را در خانه موافق نیکوئی جا داده باشد تا روز قیامت
و کفن زن بر شوهر واجب است هر چند زن مالدار باشد و همچنین کفن
بنده بر صاحبش واجب است و اگر از میت نجاستی بیرون آید بدن او را
بشویند و اگر کفن آلوده شده باشد تا در قبر نگذاشته اند آنرا میشویند
و اگر بقبر برده باشند مشهور آنست که آن موضع را مقراض میکنند و کفن
را از یکدیگر میگذارند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که
اگر ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر با آنکه طشت و آفتابه ببرند و
بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده باشد و تطهیر

آن لازم باشد کفن این بان عنوان بشویند و این احوط است و جمعی گفته
اند مکروه است کفن را با من بریدن و گفته اند از مشایخ چنین شنیده
ایم و در حال کفن نیز سنت است که پاهایش بجانب قبله باشد و کسیکه
در غیر جهاد یا امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله میکنند
و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در هر غسلی اول سر را میشویند
و آخر بدن را و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود کل رُنت میزنند
تا بند شود و از حضرت صادق منقولست در حکم چنین کسی که اول
خون را میشویند و آب بر او میریزند در غسل و دست بر بدنش نمیمالند
و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم میبندند و همچنین اگر
گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافور میپاشند بر موضع
جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه می بندند که خون بیرون نیاید
و اگر سر از بدن جدا شده در غسل اول سر را میشویند و بعد از آن
بدن را و پنبه بعد از آن بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر
روی گردن میگذارند و در میان کفن میپیچند و در هنگام دفن سر را
با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله میگردانند

فصل چهارم

در نماز میت و این نماز واجب بر همه مسلمانان که علم

نماز میت

بفوت شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می
شود و واجبست نماز بر هر شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بخلاف و اشهر
و اقوی آنست که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجبست
و ظاهرا بقصد قربت اکتفا توان کرد و کمتر از شش ساله را اگر زنده متولد شده
باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردنست و
جایز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوه اهل بیت علیهم
السلام داشته باشند و غالیان که ائمه علیهم السلام را خدا دانند یا گویند
که خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرقد و آنها که خدا را جسم میدانند
و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهرا مخیر باشد میان آنکه نماز نه
کند یا کند و چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت کند بر او
و در موضع تقیه نباید کرد و سزاوارتر بر مردم بنماز بر میت وارث
اوست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت
نمیتوان کرد و با نفراد میتوان کرد و احوط آنست که تا توان رخصت از
ایشان گرفتن بی رخصت نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت
بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث خود اگر قابلیت پیشنمازی نداشته
باشد هر که را اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد و جایز است

که زن پیشنمازی زنان بکند و با مؤمنان در یک صف بایستند و مرد بتنها
که پیش بایستند اگرچه ماموم یکنفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان
در عقب مردان بایستند و اگر حایضی باشد سنتست که در صف جدائی
بایستد و واجبست که نمازگذارنده رو بقبله بایستد و سر جنازه بجانب
راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط در
منفرد آنست که ازین جنازه بیرون نباشد و واجبست که میت از
پشت بخوابانند و در این نماز طهارة از حدث شرط نیست و جنب و حائض
و بی وضو این نماز را میتواند کرد و احوط آنست که سایر شروط نماز یومیه را
در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت و نجس نبودن جامه و بدن
و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگرچه اظهر آنست که هیچیک در کار نیست
مگر چیزی چند که حرام باشد و ازاله آنها منافی افعال نماز باشد مانند
طلا و حریر برای مردان و جامه غصبی و سنتست که تیمم کند و ظاهر
بعضی آنست که بدون عذر نیز تیمم مستحبست و میباید که از جنازه بسیار
دور نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد و نماز
بر میت نمیتوان کرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته
باشد او را بقبر بگذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنتست که

پیشنماز

پیشنماز برابر میان مرد بایستد و برابر سینه زن بنابر مشهور و سنتست
که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست کندن و اگر پا
برهنه باشد بهتر است و واجبست که نیت کند و بهتر آنست که چنین کند
که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجبست قربة الی الله و پنج تکبیر
بگوید و سنتست که در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی
در غیر تکبیر اول سنت نمیدانند دست برداشتن را و اول اقوی است
و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلافست و احوط وجوبست و ظاهر هر
هر دعائی مجزی باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید اشهد
أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً رسول الله و بعد از دویم اللهم صل
على محمد وآل محمد و بعد از سیم اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات و بعد از چهارم
اللهم اغفر لهذا الميت و تکبیر پنجم را بگوید و فارغ شود مجزی است و مولف
مشهور بهتر آنست که چنین کند که بعد از نیت بگوید الله اکبر أشهد أن لا
إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله أرسله
بالحق بشيراً ونذيراً بين يدي الساعة پس بگوید الله اکبر اللهم صل على محمد
وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد وارحم محمداً وآل محمد كأفضل ما صليت و
باركت وترحمت على ابراهيم وآل ابراهيم إنك حميد مجيد وصل على جميع

الانبياء والمرسلين پس بگوید الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات و
والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات تابع الله اللهم بيننا وبينهم
بالخيرات انك مجيب الدعوات انك على كل شيء قدير پس بگوید الله اکبر اللهم
ان هذا عبدك وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول به
اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت اعلم به منا اللهم ان كان محسنا فزد في
احسانه وان كان مسيئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم اجعله عندك في
اعلا عليين واخلف على اهله في الغابرين وارحمه برحمتك يا ارحم الراحمين
پس میگوید الله اکبر و فارغ میشود و اگر زن باشد میگوید اللهم ان هذه امتك
وابنة امتك وابنة عبدك نزلت بك وانت خير منزول به اللهم انا لا
نعلم منها الا خيرا وانت اعلم بها منا اللهم ان كانت محسنة فزد في احسانها
وان كانت مسيئة فتجاوز عنها واغفر لها اللهم اجعلها عندك في عليين واخلف
على اهلها في الغابرين وارحمها برحمتك يا ارحم الراحمين و اگر بعد از چهار
تکبیر ابتدعا بخواند خوبست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل على محمد وال محمد واغفر للمؤمنين والمؤمنات
اللهم ان هذا المسجى قدامنا عبدك وابن عبدك وقد قبضت روحه اليك
وقد احتاج الى رحمتك وانت غني عن عذابه اللهم انا لا نعلم من ظاهره الا خيرا

وقد

وانت اعلم بسريرته اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا فتجاوز
عن سيئاته و اگر زن باشد بگوید اللهم ان هذه المسجاة قدامنا امتك وابنة
عبدك وقد قبضت روحها اليك وقد احتاجت الى رحمتك وانت غني
عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خيرا وانت اعلم بسريرتها اللهم
ان كانت محسنة فزد في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز عن سيئاتها لكن
موافق جمع بين الاحاديث بهترست و اگر بعد از هر تکبیر ابتدعا را بخواند
بهتر خوبست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده
ورسوله اللهم صل على محمد وال محمد وعلى الائمة الهداة واغفر لنا ولاخواننا
الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين امنوا ربنا انك غفور
رحيم اللهم اغفر لاحيائنا وامواتنا من المؤمنين والمؤمنات والف قلوبنا
على قلوب اخيارنا واهدنا لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي من
تشاء الى صراط مستقيم اللهم عبدك ابن عبدك ابن امتك انت اعلم به افتقر
الى رحمتك واستغنيت عنه اللهم فتجاوز عن سيئاته وزد في حسناته
واغفر له وارحمه ونور له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه صلى الله
عليه واله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده و اگر زن باشد از اول دعا
میخواند تا انجا که الى صراط مستقيم اللهم امتك ابنة عبدك ابنة امتك

أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا افتقرت إِلَى رَحْمَتِكَ وَاسْتَغْنَيْتَ عَنْهَا اللَّهُمَّ فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهَا وَ
زِدْ فِي حَسَنَاتِهَا وَاغْفِرْ لَهَا وَارْحَمْهَا وَنَوِّرْ لَهَا فِي قَبْرِهَا وَلَقِّنْهَا حُجَّتَهَا وَأَلْحِقْهَا
بِنَبِيِّهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهَا وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهَا و در روایتی
وارد شده است که بعد از فارغ شدن از نماز بگوید رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا
حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ و اگر میت سنی و خلاف مذهب
کند ضرورت بعد از تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیری او لعنت و نفرین کند
و بهتر اینست که چنین بگوید اللَّهُمَّ اخْزِ عَبْدَكَ فِي عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ اللَّهُمَّ أَذِقْهُ
أَشَدَّ عَذَابِكَ فَإِنَّهُ كَانَ يُوَالِي أَعْدَائَكَ وَيُعَادِي أَوْلِيَائَكَ وَيُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِ
نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و اگر میت مستضعف باشد که ضعیف العقل
باشد و تمیز میان مذاهب نکند و باین سبب سنی باشد یا مخالف حق
حق باشد و عناد با شیعیان نداشته باشد یا اعتقاد باهل بیت علیهم السلام
داشته باشد و با دشمنان ایشان بد بوده باشد در نماز بر او بگوید اللَّهُمَّ
اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ و اگر مذهب میت
معلوم نباشد بگوید اللَّهُمَّ إِنْ هَذِهِ النَّفْسَ أَنْتَ أَحْيَيْتَهَا وَأَنْتَ أَمَتَّهَا اللَّهُمَّ
وَلِّهَا مَا تَوَلَّتْ وَاحْشُرْهَا مَعَ مَنْ أَحَبَّتْ و اگر میت طفل نابالغ باشد اللَّهُمَّ
اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَلَنَا سَلَفاً وَفَرَطاً وَأَجْراً و مشهور در همه آنست که دعاها

برنگی

بحث نماز

سه تکبیر اول را میخواند بنحوی که گذشت و این دعاها بعد از تکبیر چهارم
میخواند و بر سنی اگر نماز کند تکبیر پنجم را نمیگوید و سنت که بر جای خود
بایستد تا جنازه را بردارند خصوصا پیش نماز و نماز جنازه را در مسجد
میتوان کرد و مشهور آنست که اگر در مسجد نکنند بهتر است و بر یک جنازه
دو مرتبه نماز کردن خلاف در جواز آن و دور نیست که کسیکه نماز
نکرده باشد تواند کرد و کسیکه در اثنای نماز برسد بقصد وجوب
ملحق میشود و دعاها که خودش باید بخواند میخواند و چون پیشنماز فارغ شود
بقیه را با دعاهای مختصر بخواند اگر چه جنازه بردارند و اگر دور شود
با تکبیرها را بی دعا پیاپی بگوید و اگر میتی را بی نماز دفن کرده باشند
احوط آنست که بر قبر او نماز کند هر چند مدتی گذشته باشد و همه وقت
نماز جنازه را میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ شود که حاضره را مقدم
میدارد و بهتر آنست که با وسعت وقت اول حاضره مقدم دارد مگر آنکه
خوف نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت بحث فصل در آداب
دفن میت است و اداب بعد از آن سنت که تا میت را در قبر نگذارند ننشیند
و واجبست کفایه دفن کردن میت و قدر واجب آنست که میت را در گوی
پنهان کنند بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور کردد و جسد او از درندگان

آداب دفن میت

ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجبست بقول
مشهور و بعضی مستحب دانسته‌اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی
یا تا چنبر گردن و سنت است کندن لحد از طرف قبله و مستحب است که لحد
فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست و اگر زمین سست باشد و لحد نتوانند
کند بعضی گفته‌اند که مانند لحد بنا زنند و اگر قبر را شق کنند یعنی از
میان قبر بقدر جسد میت فرو برند آنقدر که توان نشست و دو طرف داشته
باشد که خشت بر روی او توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و
احوط آنست که در مانند سرداب و تابوت و صندوق نگذارند و شخصی
که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند و الا در مانند خم گذارند
و سرش را ببندند و در دریا اندازند اگر ممکن باشد و الا او را سنگین
کنند و رو بقبله بآب اندازند و چون جنازه نزدیک قبر رسد سنت
است که او را نزدیک پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر قبله
قبر بگذارند و مشهور آنست که زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل
میکنند و مرتبه چهارم او را بقبر میبرند و آنچه در روایات معتبره وارد
شده است آنست که چون میت را نزدیک قبر رسانی او را بناگاه بقبر
مبر و کار را بر او سنگین مکن و پایین‌تر از قبر بدو ذراع بگذار و ساعتی

صبر

صبر کن تا تهیه خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم است
و دعا کن که خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنت است که سر میت را
پیشتر کنند و از پیش پای قبر سرازیر بقبر برند و جمعی از علما گفته‌اند که
زن را پیش قبله میگیرند و بعرض بقبر میبرند و سرازیر نمیکنند چنانچه
از بعضی از روایات وارد شده است و سنت است که شخصی که بقبر
میرود که میت را بقبر بگذارد بندهای قبا را بگشاید و بالاپوش و ردا
بیندازد و سر و پایش برهنه باشد و جایز است یک کس برود یا زیاده
خواه طاق باشند و خواه جفت و اکثر علما گفته‌اند که مکروه است که اگر
میت مرد باشد خویش او او را بقبر برد و آنچه از احادیث ظاهر میشود
آنست که پدر را مکروه است که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر
اقارب باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد احوط آنست که محرم او را
بقبر برد و اگر محرم نبوده باشد زن صالحه برد و اگر زن نبوده باشد مرد
صالح برد و در رفتن و بیرون آمدن سنت است که پیش پای قبر باشد و سنت است
که چون میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید اللّهُمَّ عَبْدُکَ ابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ
أَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ وَأَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و چون میت را بر دارد که بقبر ببرد بگوید
بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ وَعَلَی مِلَّةِ رَسُولِ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اللّهُمَّ إِلَی رَحْمَتِکَ

لا الی عذابک اللهم افسح له فی قبره ولقّنه حجّته وثبّته بالقول الثابت و
قنا وایاه عذاب النار و چون در قبر بگذارد سنّت که بندهای کفن را
بگشاید و روی میّت را باز کند و طرف راست زمین او را بر زمین بساند
و اگر زیر سر او را از خاک بلندتر کند بد نیست و خشتی بر پشتش بگذارد که
بر پشت نیفتد و سنّت که مهری از تربت حضرت امام حسین ع در برابر
روی او بگذارد و اگر تربت آنحضرت نیز در کفن بگذارد بهتر است و بگوید
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم پس سورهٔ فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل
اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران همه
بخوانند بهتر است پس بگوید بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملّة رسول
الله صلی الله علیه و آله اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم افسح له فی قبره و
الحقه بنبیه صلی الله علیه و آله اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه و ان
کان مسیئا فاغفر له وارحمه وتجاوز عنه پس بگوید اللهم جاف الارض عن
جنبیه وصاعد عمله ولقّه منک رضوانا پس بگوید اللهم عبدک وابن عبدک
وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم افسح له فی قبره ولقّنه حجّته
والحقه بنبیه وقه شر منکر ونکیر و بگوید بسم الله وفی سبیل الله وعلی ملّة
رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم عبدک ابن عبدک نزل بک وانت خیر

منزول

منزول به اللهم افسح له فی قبره والحقه بنبیه اللهم انا لا نعلم منه الا خیر
وانت اعلم به و بروایت معتبر دیگر بگوید اللهم یا رب عبدک ابن عبدک
نزل بک وانت خیر منزول به اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان
مسیئا فتجاوز عنه والحقه بنبیه محمد صلی الله علیه و آله وصالح شیعته
واهدنا وایاه الی صراط مستقیم اللهم عفوک عفوک و بروایت معتبر دیگر
اینها بخواند اللهم هذا عبدک فلان و بجای فلان نام او را بگوید وابن عبدک
وقد نزل بک وانت خیر منزول به فقد احتاج الی رحمتک اللهم ولا نعلم منه الا
خیرا وانت اعلم بسریرته ونحن الشهداء بعلانیته اللهم فجاف الارض عن جنبیه
ولقّنه حجّته واجعل هذا الیوم خیر یوم اتی علیه واجعل هذا القبر خیر بیت
نزل فیه وصیّره الی خیر مما کان فیه ووسّع له فی مدخله وآنس وحشته و
اغفر ذنبه ولا تحرمنا اجره ولا تضلّنا بعده و سنّت که در اینحال عقاید
حقّه را تلقین او کند خصوصا ولایت ائمهٔ معصومین علیهم السلام و بهتر
آنست که بدست راست دوش راست میّت را بگیرد و بدست چپ دوش
چپ او و او را حرکت دهد و تلقین کند و اگر با این نحو بگوید جامع تر است
اسمع افهم اسمع افهم اسمع افهم یا فلان ابن فلان و نام او و پدرش را بگوید
هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله الا الله وحده

لا شريك له وان محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله وسيد النبيين
وخاتم المرسلين وان عليا امير المؤمنين وسيد الوصيين وامام افترض
الله طاعته على العالمين وان الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد
بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي
بن محمد والقائم الحجة المهدي صلوات الله عليهم ائمة المؤمنين وحجج الله
على الخلق اجمعين وائمتك ائمة هدى ابرار يا فلان بن فلان اذا جاءك الملكان
المقربان رسولان من عند الله تبارك وتعالى وسئلاك عن ربك وعن نبيك
وعن دينك وعن كتابك وعن قبلتك وعن ائمتك فلا تخف ولا تحزن وقل
في جوابهما الله جل جلاله ربي ومحمد صلى الله عليه وآله نبيي والاسلام ديني
والقرآن كتابي والكعبة قبلتي وامير المؤمنين علي بن ابي طالب امامي و
الحسن بن علي المجتبى امامي والحسين بن علي الشهيد بكربلا امامي وعلي
بن الحسين زين العابدين امامي ومحمد باقر علم النبيين امامي وجعفر الصادق
امامي وموسى الكاظم امامي وعلي الرضا امامي ومحمد الجواد امامي وعلي
الهادي امامي والحسن العسكري امامي والحجة المنتظر امامي هؤلاء
صلوات الله عليهم اجمعين ائمتي وسادتي وقادتي وشفعائي بهم اتولى
ومن اعدائهم اتبرء في الدنيا والآخرة ثم اعلم يا فلان بن فلان ان الله تبارك

وتعالى

وتعالى نعم الرب وان محمدا صلى الله عليه وآله نعم الرسول وان امير المؤمنين
علي بن ابي طالب واولاده الائمة الاحد عشر نعم الائمة وان ما جاء به محمد
صلى الله عليه وآله حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق والبعث حق و
النشور حق والميزان حق وتطاير الكتب حق والجنة حق والنار حق وان
الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور پس بگويد افهمت
يا فلان در حديث است كه ميت در جواب ميگويد بلى فهميدم پس بگويد
ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط مستقيم عرف الله بينك
وبين اوليائك في مستقر من رحمته پس بگويد اللهم جاف الارض عن جنبيه
واصعد بروحه اليك ولقه منك برهانا اللهم عفوك عفوك پس خشت
بر لحد بگذارد واجر پخته نيز خوب وخشت خام بهتر است اگر خشت نيز
باشد راست بگذارند وبر رخنه خشتها خشت ديگر بگذارند يا گل رخنه را
بگيرند واگر خشتها كوچك باشد مهره كنند وبر هر تقدير رخنها را محكم كنند
كه خاك بر ميت نريزد ودر وقت خشت چيدن اين دعا بخوانند اللهم
صل وحدته وآنس وحشته وآمن روعته واسكن اليه من رحمتك رحمة
تغنيه بها عن رحمة من سواك فانما رحمتك للظالمين وبروايت ديگر رحمة
تستغني بها عن رحمة من سواك واحشره مع من كان يتولاه ومكروهست

فرش قبر بچوب یا تخته کردن یا میت را با تابوت گذاشتن مکر انکه زمین
آب براورده باشد نم بسیار داشته باشد و چون از پیش پای قبر بیرون آید
بکوید انا لله وانا الیه راجعون والحمد لله رب العالمین اللهم ارفع درجته
فی اعلا علیین واخلف علی عقبه فی الغابرین وعندک نحتسبه یا رب
العالمین پس سنتست که حاضران بر پشت کف دست خاک در قبر بریزند
واگر بیشتر دست کفها را پر کنند و بریزند بهتر خوبست و سنتست که سه مرتبه
بریزند و در وقت ریختن بکویند اللهم ایمانا وتصدیقا بکتابک هذا
ما وعدنا الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وتسلیما و در حدیث است که هر
چنین کند و این دعا بخواند حق تعالی بعدد هر ذره از خاک حسنه برای او
بنویسد و مکروهست که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که مورث
قساوت قلب است و دوری از رحمت الهی و سنتست که از غیر خاک قبر بر
میت نریزند که بار است بر میت و سنتست که قبر را بقدر چهار انگشت
بلند کنند بعضی چهار انگشت گشاده و بعضی بهم آورده گفته اند ظاهرا
هر دو خوبست و دور نیست که یک شبر نیز مجوز باشد و مستحبست
که قبر را چهار گوشه کنند و رویش را پهن کنند و خرپشته نکنند به
نحوی که سنیان میکنند و بعد از آن آب بریزند و در خبر است که تا نم

در قبر

در قبر هست میت را عذاب نمیکنند و سنتست که آب ریزنده رو بقبله
بایستد و ابتدا از پیش سر کند و بر یک جانب قبر بریزد تا پیش پا و بکرداند
بجانب دیگر و بریزد تا پیش سر و بعد از آن میان قبر و سنتست که آب را قطع
نکند و متصل بریزد تا تمام شود و مستحبست که بعد از آب ریختن دست
بر قبر گذارند در حالتیکه انگشتان ایشان گشاده باشد و فرو کنند تا
اثر انگشتان ایشان در گل قبر بماند و رو بقبله باشند و از بعضی روایات
مفهوم میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند اللهم جاف
الارض عن جنبیه واصعد الیک روحه ولقه منک رضوانا واسکن
قبره من رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه سوره انا
انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مؤنث
بیاورند چنانچه بسرخی نوشته شده است و سنتست که ولی میت یعنی
اقرب خویشان او بعد از انکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و باواز
بلند آن تلقین که گذشت بار دیگر بکند و اگر دیگری بنیابت او بکند
خوبست و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر و
نکیر میگویند بیا برویم تلقین حجتش کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس
بر میگردند و سؤال نمیکنند و مکروهست عمارت بر سر قبر کردن و

بر سر قبر بسیار ماندن و گچ مالیدن بر قبور مگر بر قبور انبیاء و ائمه
صلوات الله علیهم و بعضی گفته‌اند که قبور علما و صلحا نیز این حکم دارد و
مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق
تعالی دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و
مکروه است اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که
در آنجا مرده است بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین
علیهم السلام و بعضی استثنا کرده‌اند نقل بمقبرهٔ علما و صلحا و شهدا را نیز
و مکروه است بر روی قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطهٔ زیارت قبور که
ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن قبور مگر در چند موضع
یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی
دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند و دیگر آنکه او را بی‌غسل
و کفن در خاک کرده باشند و از هم نپاشیده باشد و مشهور آنست که جایز
نیست نقل مردگان را بعد از دفن و بعضی استثنا کرده‌اند نقل بمشاهد
مشرفه حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم را و مشهور آنست که جایز
نیست گریبان چاک کردن و جامه دریدن برای غیر برادر و پدر و برای ایشان
جایز است بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصا بر پدر

و بعضی تجویز کرده‌اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و جایز نیست خراشیدن
رو و کندن و بریدن مو و احوط آنست که طپانچه بر رو و ران و غیر آن
نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده‌اند زنی که موی سر خود را
در مصیبتی ببرد واجب است کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد
شد انشاء الله تعالی و بعضی گفته‌اند که نگاه دارد و کفاره بر او نیست و دور
نیست که سنت است و احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق
کرده‌اند به بریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر علما قایل شده‌اند که واجب است
کفارهٔ قسم بر زنیکه موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد
که خون برآید و بر مردی که بر مرگ فرزند خود یا زن جامه چاک کند و کفارت
نیز انشاء الله مذکور خواهد و بعضی واجب نمیدانند و احوط عمل به
مشهور است و لازم است اصحاب مصیبت را که صبر کنند بلکه بقضای الهی
راضی باشند و بدانند که حق تعالی صابران را اجر بی‌حساب کرامت میفرماید
و باید که صاحب مصیبت بسیار بگوید اِنّا لِلّهِ وَ اِنّا اِلَیهِ راجِعُون تا
گناهان گذشته او آمرزیده شود و هرگاه که از مصیبت بخاطرش آید این
کلمه را بگوید تا گناهان مابین آن دو کلمه آمرزیده شود و بسند معتبر
منقولست که هر که مصیبتی را بخاطر آورد اگرچه بعد از مدتی باشد و بگوید

انا لله وانا الیه راجعون والحمد لله رب العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی واخلف
علی افضل منها ثواب همان مصیبت بار دیگر باز داده شود و سنت که دیگران
تعزیه ایشان بکنند و ایشان را بصبر و شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد
از دفن بیشتر است و اقل تعزیه آنست که ببینند تا صاحب تعزیه ایشان را ببیند
بیند منقولست از حضرت رسول که هر که صبر فرماید اندوهناکی را در صحرای
محشر که همه کس برهنه اند خدا او را حله نیکوئی از حلهای بهشت بپوشاند
که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را صبر فرماید چون ثواب او را
ثواب آن صاحب مصیبت کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم بشود و
فرمود که ثواب تعزیه و صبر فرمودن بهشت است و مستحب است که صاحب
مصیبت تغییر وضع خود بکند تا او را بشناسند و جایز است که بر وی ندبه
کردن که نیکیهای میت را بشمارند و نوحه کردن بنحو جایز است که دروغ
نگویند و چیزهای بد از برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه
گرها و زنند و مستحب است تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان برای
صاحبان مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن
که چهار ماه ده روز برای شوهر ماتم میگیرد بانکه جامهای رنگین نمیپوشد
و زینت نمیکند و سنت موکد است زیارت قبر مومنان خصوصا خویشان

و چون

و چون داخل قبرستان شود بگوید السلام علی اهل الدیار من المسلمین و
المومنین انتم لنا فرط و نحن ان شاء الله بکم لاحقون و بروایت دیگر السلام
علی اهل الدیار من المسلمین والمومنین رحم الله المستقدمین منا والمستاخرین
وانا ان شاء الله بکم لاحقون و بروایت دیگر السلام علیکم اهل الدیار من
قوم مومنین و رحمة الله و برکاته انتم لنا سلف و نحن لکم تبع رحم الله المستقدمین
منکم والمستاخرین وانا لله وانا الیه راجعون و در احادیث بسیار وارد
شده است که هر که نزد قبر برادر مومن خود هفت مرتبه سوره انا انزلناه
بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و بروایت دیگر خدا او را
و صاحب قبر را بیامرزد و سنت است که در وقت خواندن دست بر قبر
گذارد و رو بقبله باشد و سنت است که این دعا بخواند اللهم جاف الارض
عن جنوبهم وصاعد الیک ارواحهم ولقهم منک رضوانا واسکن الیهم
من رحمتک ما تصل به وحدتهم وتونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر
و بروایت معتبر دیگر این دعا بخواند اللهم ارحم غربته وصل وحدته و
انس وحشته وامن روعته واسکن الیه من رحمتک ما یستغنی بها
عن رحمة من سواک والحقه بمن کان یتولاه و بروایت دیگر مستحب است
که نزد قبر سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل

هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و سورهٔ انا انزلناه
را هفت مرتبه و از حضرت رسول منقولست که هر که در قبرستان بگذرد
و سورهٔ قل هو الله را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان آن قبرستان
ببخشد بعدد مردگان اجر و ثواب یابد و در روایت دیگر هر که آیة الکرسی
بخواند و ثوابش را باهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح
او گویند برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه زیارت
قبور مستحب است و در احادیث معتبر وارد شده که بر هر که مصیبتی
وارد شود مصیبت حضرت رسالت پناه را بیاد آورد که عظیم‌ترین
مصیبتهاست و در اخبار بسیار وارد شده که هر که در وقت مصیبت
دست بر ران خود زند ثوابش حبط میشود و نباید که شیون و فریاد کنند
و وابلاه و واثکلاه نگویند و در حدیث معتبر منقولست که هر که یک فرزند
از او بمیرد و صبر کند بهتر است برای او از آنکه هفتاد فرزند او بمانند
و همه سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند و منقولست که هر که را خدا
دوست میدارد بهترین فرزندان او را میگیرد و منقولست که ثواب
از مردن فرزند بهشتست خواه صبر بکند و خواه نکند و بسند معتبر منقولست
که حضرت صادق در وقت مصیبت این دعا میخواندند الحمد لله الذی لم

یجعل

یجعل مصیبتی فی دینی والحمد لله الذی لو شاء جعل مصیبتی اعظم مما کانت
والحمد لله علی الامر الذی شاء ان یکون فکان و باید که مردگان را فراموش
نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال الخیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان
و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان از ایشان چشم بر راه
خصوصا دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد
مشرفه و پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال الخیر برای ایشان
بعمل آورد که در خبر است که بسا فرزند که در حال حیوة پدر و مادر عاق
ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال الخیر که برای
ایشان بعمل آورد و بسا فرزند که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار
باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال الخیر برای ایشان
که بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آنست که
فروض ایشان ادا کنند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گردانند و
حج و سایر عبادات که از ایشان فوت شده سعی کنند با استیجار یا بتبرع
بعمل آورد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق در هر شب
برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می
کردند و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا اعطینا میخواندند

وبسند صحیح از حضرت صادق منقولست که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی بوده باشد وحق تعالی برای او وسعت دهد و تنگی را از او بر دارد پس باو گویند که این فرج که تراروداد بسبب نماز فلان برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت نماز شریک میتوانم کرد فرمود بلی فرمود که میت شاد میشود و فرج میباید بدعا و استغفار که برای او کنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او برند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر عملهای خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف میگرداند و میت باین عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد شده است که هر گاه شخصی برای میتی تصدقی بکند حق تعالی جبرئیل را امر مینماید که هفتاد هزار ملک ببرد بر قبر او میروند و هر یک طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو میگویند السلام علیک ای دوست خدا اینهدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر روشن میشود و حق تعالی هزار شهر در بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج مینماید و هزار حله باو

میپوشانند

میپوشانند و هزار حاجت او را روا میگرداند و در حدیث معتبر منقولست که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات او فرزندی که از جهت او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند و مردم بعد از او بخوانند سیم درختی که بکارد و مردم از آن نفع یابند چهارم آبی که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی است که مردم عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و مانند آن باب چهارم در بیان احکام زکوة و خمس و اعتکاف و در آن سه فصل است فصل اول در زکوة است و آیات و احادیث بسیار بر وجوب آن و عقاب ترک کنندۀ آن بسیار است از انجمله حق تعالی میفرماید وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ یعنی آنکسانی که جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را نمیدهند و در راه خدا صرف نمینمایند پس بشارت ده ایشانرا بعذابی دردناک در آن روزی که سرخ کنند این طلا و نقره را در آتش جهنم و داغ کنند بآنها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشانرا و بایشان گویند اینست مالهائیکه از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را و

از حضرت صادق منقولست که هر که نده‌هد قیراطی از زکوة را که بیت
بکذارد اسناف نه مؤمن است و نه مسلمان و در وقت مردن استغاثه
میکند که مرا برگردانید به دنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی میفرماید
حَتَّی إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ
یعنی تا وقتیکه بیاید احدی از ایشان را مرگ گوید پروردگارا برگردانید
مرا به دنیا شاید عمل شایسته بکنم در اموالی که بعد از خود گذاشته‌ام و
از حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم بطرق صحیحه
منقولست که کسی که طلا و نقره داشته باشد و زکوة آن را ندهد حق تعالی
او را در روز قیامت حشر خواهد نمود در زمین لغزنده که پابند نشود
بر آن و مسلط سازد بر او ماری پیسه را که زهرش از مارهای دیگر عظیم
تر است و در عقب او رود و او از وی گریزد تا چون باو برسد و داند که از
او خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس بدندان گیرد او و مانند
شتر نریکه بر چیزی دندان فرو برد پس طوق گردد در گردن او و اینست
معنی قول حق تعالی سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ یعنی بزودی طوق
کرده شوند در گردن ایشان آنچه را که بخل ورزیدند در دنیا بآن و در
راه خدا ندادند در روز قیامت و هر کس شتر یا گاو و یا گوسفند داشته

باشد

احکام زکوة

باشد و زکوة آن را ندهد حق تعالی حبس او را در صحرای لغزنده و پامال کنند
او را هر حیوان شکافنده سمی به سم خود و گزند او را بدندان و نیش هر صاحب
زهری به نیش خود و هر که زراعت داشته باشد یا باغ خرما و انگور
داشته باشد و زکوة آنها را نداده باشد آن قطعه‌های زمین را تا طبقه
هفتم طوق کرده در گردن او اندازند و آنها را آتش کرده تا روز قیامت
و در روایت معتبر دیگر هر که زکوة مالش را ندهد حق تعالی مال او را اژدهائی
گرداند در گردن او و گرده ماغش را خورد و گوشتش را بدندان کند تا از
حساب خلایق فارغ شوند و در حدیث دیگر حضرت صادق فرمود
که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر به ندادن زکوة حق تعالی
میفرماید مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ
سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ یعنی مثل جماعتی
که صرف مینمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و
غیر آنها مانند دانه ایست که بروید بر آن هفت خوشه و در هر خوشه
صد دانه باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حق تعالی مضاعف می
گرداند باضعاف این از برای هر که خواهد و آیات و اخبار در این باب
بسیار است و آنچه مذکور شد برای کسیکه ایمان بفرموده خدا و

رسول داشته باشد کافیست واما اجناسیکه در آنها زکوة واجب
میشود نه جنس است اول طلا هرگاه مقدار بیست اشرفی باشد وسکه
داشته باشد ویکسال بماند که بدل نکنند وتغییر ندهند مقدار
چهل یک او را زکوة میباید داد وبعد از آن هر چهار اشرفیکه زیاد شود
بعد از سال چهل یک باید داد دوم نقره است هرگاه بدویست درهم
برسد که تخمینا دوازده هزار وششصد دینار عجمی باشد واقل ذرده دانگو
وسکه داشته باشد ویکسال بحال خود بماند بعد از سال چهل یک می
باید داد وهمچنین چهل درهم زیاد شود که دو هزار وپانصد وبیست دینار باشد
چهل یک او را میباید داد سیم شتر است ونصاب او دوازده است اول پنج
شتر است ودر آن یک گوسفند است دوم ده شتر است ودر آن دو گوسفند
است سیم پانزده شتر است ودر آن سه گوسفند است چهارم بیست شتر است
ودر آن چهار گوسفند است پنجم بیست وپنج شتر است ودر آن پنج گوسفند
وگوسفندیکه دهند بهتر آنست که هفت ماه یا در هشت باشد کمتر
نباشد واگر گوسفند دهند واگر ندهند یکساله یا در دو باشد
ششم بیست وشش شتر است وباید شتر ماده یکساله یا در دو بدهند واگر
نداشته باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهند هفتم سی وشش شتر است

وباید

وباید شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد هشتم چهل وشش شتر است
باید شتر سه ساله یا در چهار بدهد نهم شصت ویک است وباید شتر
ماده چهار ساله یا در پنج بدهد دهم هفتاد وشش است وباید دو
شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد یازدهم نود ویک است وباید
دو شتر ماده یا در چهار بدهد دوازدهم صد وبیست ویک است وهر
چه زیاد شود در هر پنجاه شتر یک شتر ماده سه ساله بدهد ودر هر چهل
شتر ماده دو ساله بدهد چهارم گاو است ودر هر سی گاو یک گوساله تمام
یا نر یکساله یا در دو بدهد ودر چهل گاو یک گاو ماده دو ساله
یا در سه بدهد پنجم گوسفند است ودر چهل گوسفند یک گوسفند
واجب است ودر صد وبیست ویک گوسفند دو گوسفند ودر دویست
ویک گوسفند سه گوسفند واجبست ودر سیصد ویک گوسفند احوط
آنست که چهار گوسفند بدهد وچون بچهار صد برسد وهر چه زیاده
شود از هر صد گوسفند یک گوسفند بدهد ودر زکوة هر یک از شتر
وگاو وگوسفند شرطست که در علف مباح چریده باشند در تمام
سال پس اگر علف مملوک خورده باشد احوط آنست که اگر چه بیشتر
بیشتر باشد زکوة بدهد وبچه ها را حساب نباید کرد بنابر مشهور

واحتیاط در آنست که از روزی که متولد میشوند حساب کنند و در طلا
و نقره و حیوانات هم شرطست که سال بر ایشان بگردد و سال زکوة
یازده ماه است و چون ماه دوازدهم داخل شد زکوة واجب میشود و در
گاو و شتر شرطست که کارکن نباشند پس اگر بار کشند یا خیش کشند
زکوة واجب نیست و گوسفند و بز را بسر هم حساب میکنند و شتر نر و ماده
و لوک را بسر هم حساب میکنند ششم و هفتم و هشتم و نهم گندم و جو و خرما
و مویز است و شرطست که هر یک بنصاب برسند و نصاب سیصد
هفت من پنجاه درمست بسنگ تبریز و انگور هرگاه نهصد بیست یکمن
باشد احوط آنست که زکوة بدهند و شرطست که این غلات در ملک
او بحد نصاب رسیده باشد پس گندم و جو را بعد از درو کردن بخرند
زکوة بر فروشنده واجبست و اگر زمین را باجاره گرفته باشد زکوة
بر مستاجر واجبست و اگر زارع بگیرد بنصف یا ثلث یا ربع یا ده
چهار مثلا زکوة حصه مالک بر مالک واجبست و زکوة حصه عامل
بر عامل اگر حصه هر یک تنها بنصاب رسیده باشد پس اگر زراعت
و باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب ریشه خورده
باشد ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخ آب

خورده

خورده باشد بیست یک میدهند و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر
اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی باشد پانزده یک میدهند و احوط
و اقوی آنست که بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را کم نکنند
در دادن زکوة و چون اکثر علما بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره
شدنست پس احوط آنست که اول ارباب خبرت را بیاورند که تخمین کنند میوه
باغ را که چه مقدار است و یا خود مقرر سازد که با نسبت زکوة خواهم
تا آنچه خورده از غوره و انگور حلال باشد یا آنکه آنچه بر دارد بکشد
و حساب نگاه دارد یا آنچه بر دارد عشر غوره بدهد و همچنین گندم و جو
وقتیکه دانه به بندد و بعضی از علما گفته اند که زکوة واجبست در حبوب
مانند برنج و ماش و نخود و عدس و امثال اینها هرگاه بنصاب گند
و جو برسند بهمان شرایط و مقداری که گذشت و مشهور آنست که زکوة
آنها سنتست و در مادیان که در علف مباح چرا کرده باشد و سال
بر آن بگذرد سنتست پس اگر پدر و مادرش عربی باشند در سالی دو اشرفی
چهار دانگ نیمی میدهد و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادرش عربی
نباشند یک اشرفی میدهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب قایل شده اند
و مشهور آنست که سنتست و آن مالیست که مالک شود آنرا بعنوان معاوضه

ودر وقت مالک شدن قصد اکتساب وتجارت باز داشته باشند ومبلغی
که قیمت آن سکه از طلا ونقره برسد ودر تمام سال بر نصاب باقی
باشد ودر تمام سال از مایه کم نشود که بر اینمایه بایستی بخرند واکر
چند سال بکذرد که مایه در کمی باشد سنت که زکوة یک سال را
بدهد واکر بر مایه باقی باشد هر سال چهل یک را میدهد واکر معاوضه
کند در اثنای سال بقصد تجارت خلافست واحوط آنست که باز بدهد
وسنتست که در وقت درو کردن اکر فقرا حاضر باشند هر فقیری را دسته
کندم بدهد هر قدر که در دستش در آید ودر وقت چیدن خرما وانکور
بکمشت بدهد وبزکوة حساب نکند وبعضی واجب دانسته اند واحوط
آنست که ترک نکند واما مستحق زکوة پس هشت طایفه اند اول ودوم
فقرا ومساکین وایشان کسانی اند که قوت سالیانه خود نداشته باشند
وقادر بر کسبی نباشند که معاش خود وعیال خود را بان تواند کذرانید
واحوط آنست که صالح باشند وکدا وسایل بکف نباشند سیم کسی است
که امام نصب میکند برای کرفتن زکوة وحصه بان میدهد ودر این
زمان آن غیر باشد غالبا وهمچنین چهارم که مؤلفه قلوبهم اند در این
زمان غیر باشد پنجم صرف کردن در ازادی بندکانست مثل انکه اقای

غلام خود را مکاتب کرده است وازاد شود واو عاجز باشد از دادن آن
اکر بر او زکوة واجب شده باشد باید قدری از زکوة را بمال کتابت او
حساب کند والا دیکران از زکوة حصه باو بدهند که با قاید بدهد وازاد
شود یا غلامی که از دست اقا در تعب وشدت باشد از مال زکوة بخرند
وازاد کنند ششم قرضداران اند که قرض کرده باشند ودر معصیت
صرف نکرده باشند در ادای قرض ایشان میتوان داد هفتم فی سبیل الله
یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله ویاری حاجیان و
زایران ائمه معصومین علیهم السلام وبنای مساجد وپلها وامثال اینها
وبعضی کفته اند که مخصوص جهادست در زمانیکه جهاد حق باشد
واین احوطست هشتم ابن السبیل است وآن کسیست که بغربت افتاده باشد
وخرج رفتن بخانه خود نداشته باشد انقدار باو میدهند که بخانه
خود برسد اکر سفرش معصیت نباشد وباید که کسیکه باو زکوة باو
میدهند غیر مؤلفه شیعه اثنی عشری باشد واحوط انست که اجتناب
از کناهان کبیره کنند خصوصا شراب خوردن دیکر شرطست که واجب
النفقه مالک نباشند مثل پدر ومادر وجد وجده هر چند بالا روند
وفرزندان وفرزندزادکان هر چند پایین روند وزن وبنده وبعضی

آنست که زکوة بخویشان خود پیشان بدهند غیر آنها که مذکور شد اگر
شرایط را داشته باشد و غیر سید زکوة بسید نمیتواند داد و اما سید
زکوة خود را بسید و غیر سید میتواند داد و غیر سید احوط آنست که تبرّع
هم ندهد و بهتر آنست که زکوة را بمجتهد یا عالمی که مصارف زکوة
را داند بسپرند که او بمصرف رساند **فصل دوم** در خمس است بدانکه خمس
در هفت چیز واجب میشود **اوّل** غنیمتی که از کافران خواه در جنگ باشد
وخواه در غیر آن **دوم** معادن است مانند طلا و نقره و مس و سرب
و یاقوت و زبرجد و سرمه و قیر و نفط و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون
آوردن بدر رود و پنج یک آنرا باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد
و بعضی گفته اند که نصابش یک دینار است یا یک دینار نرسد خمس واجب
نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست اشرفی که نصاب اوّل
طلاست و اکثر متأخرین قایل باین شده اند و خالی از قوّتی نیست و اگر
چند کس شریک باشند باید حصّه هریک جدا بنصاب برسد **سیم**
کنج است یعنی مالیکه در زمین پنهان کرده باشند پس اگر کنج را در بلاد
کفار بیابند که در آنجا مسلمانی نباشد هرچند سکّه اسلام داشته
باشد یا در دار الاسلام بیابند و سکّه اسلام نداشته باشد و بیست

دینار یعنی بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس آنرا میدهد و باقی از
اوست و اگر نقره باشد باید دویست درهم برسد که موافق زر ده دانگی دو از
ده هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد و قیمت آن بیکی
از این دو مقدار برسد و اگر سکّه اسلام داشته باشد یا علامتی که
دلالت کند بر آنکه از مسلمانی بوده است مشهور میان علما آنست
که حکم لقطه دارد میباید یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحبش
والّا مخیّر است میان مالک شدن و تصدّق کردن و بامانت نگاه داشتن
و اگر در دو صورت اوّل صاحبش پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد
و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در
زیر زمین بوده است کنج است خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه
نداشته باشد و جمعی باین قایل شده اند و خالی از قوّتی نیست و اگر
کنج را در زمین خود بیابد که از پدران یا ورثه رسیده باشد از اوست
و اگر خمس آنرا بدهد احوطست و اگر زمین را خریده باشد تعریف
میکند ببایع نزدیک و دور اگر نشانی بدهد که ظنّ صدق او از نشان
حاصل شود بایشان میدهد علی المشهور والّا از اوست و باز احوط
آنست که خمس آنرا بدهد و همچنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو

و در شکم آنچیزی یابد تعریف میکند بتابع و اگر نشان ندهد از او است
و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی یابد خمس میدهد مطلقا
و باقی از او است و باو ملحق کرده حیوانات شکاری را مانند آهو و اگر
محتمل باشد که در خانه مالک سابق خورده باشد احوط آنست که تعریف
باو بکنند چهارم چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید
و مرجان و نصاب در آن معتبر است و مشهور آنست که نصاب در آن
یک دینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته
اند و اگر چند مرتبه در آورد همه را در نصاب باهم حساب میکنند
هرچند در ما بین ترک غوص کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس
شریک باشند حصه هر یک بنصاب برسد و عنبر را اگر از دریا بغوص
در آورند حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند مشهور
آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست که بهر حال خمس آنرا بدهند
و رعایت نصاب در آن نکنند پنجم فاضل مؤنه سال است از ارباح
تجارتها و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش
و هدیه خمس نمیباشد و خرج سالیانه را که بیرون میکنند قدر وسط
مناسب حال الشخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف کرده باشد خمس

آنچه

آنچه اسراف کرده است بیرون میکنند و اگر بخود تنگ گرفته باشد آنرا
هم بیرون میکنند علی المشهور و احوط آنست که هرچه حاصل شود و خرج
بکند زیاده بر روزی روز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات
ضروریه واقع شود مثل خرج کدخدائی و حج بیت الله و زیارت رسول
و ائمه صلوات الله علیهم و امثال اینها همه را بقدر وسط بیرون میکنند
و همچنین تعدیات و زیادتیها که ظلمه کنند جمیع را بیرون میکنند و خمس
بقیه را میدهد و ابو الصلاح ره قایل شده است که در میراث و هبه
و هدیه نیز خمس واجب است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر
شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جائیکه گمان نداشته باشد باو
برسد یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس میباید داد و عمل باین روایت
احوطست ششم زمینی است که یهودیان و نصرانیان و مجوسیان از مسلمانان
بخرند خمس آن زمین یا خمس قیمت آنرا بی رضای ذمی میگیرند و اگر خانه
یا باغ را بخرند مشهور میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند
و اکثر قدمای علما متعرض این نوع نشده اند هفتم مال حلالیست که
مخلوط شده باشد بحرام و صاحب آنرا ندانند و مقدار حرام را ندانند خمس
آنرا میدهد بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی آنرا مخصوص سادات

میدانند و بعضی گفته اند بسادات نمیتوان داد و ظاهر اینست که میتوانند
داد و اگر بشریف بهتر است و اگر مقدار حرام را داند و صاحبش را نیز داند
آن مقدار را واجبست بصاحبش بدهد و اگر صاحبش را داند و مقدار را
نه صاحب میباید صلح کند و بعضی گفته اند که در این صورت خمس را بصاحب
میدهد و بعضی گفته اند آن مقداری که علم دارد بصاحب و ما بقی را بصاحب
صلح میکند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار داند و صاحب را نداند سعی
کند تا صاحب را بهم رساند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکند و این
صورت و صورت اول مسمی است برد مظالم و اگر خمس بدهد یا تصدق
کند کل را یا بعض را بعد از آن صاحب پیدا شود خلافست که آیا باز باید
بصاحب بدهد یا نه و احوط آنست که بدهد و اما مستحق خمس مشهور میان
علما آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیه کریمه است و حصه
خدا و رسول و ذو القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول
از امام زمان علیهم السلام است و نصف سه حصه میشود که به یتیمان
سادات و مسکینان سادات و ابناء السبیل سادات میدهند و مراد
از سید موافق مشهور کسی است که منسوب باشد از جانب پدر به عبد
المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة گذشت و در یتیم احوط

آنست

آنست که پدر ایشان نباشد و ابن السبیل را آنقدر میدهند که بشهر خود
رود و از احادیث معتبره ظاهر میشود که در زمان حضور امام جمیع
خمس را بخدمت آنحضرت میبرده اند و حضرت نصف را خود بر میداشته
اند و نصف را باین سه فرقه سادات میدادند که مذکور شد و بهر یک
بقدر کفایت ایشان در یکسال میداده اند و آنچه زیاد میآمد بخود
بر میداشته اند و اگر وفا نمیکرده اند از حصه خود تتمه را میداده اند و
ایشان بمنزله عیال امام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنست که حصه
سادات را بعالم عادل اثنی عشری بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج
ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان غیبت خلاف
و مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه بنیابت آنحضرت
بسادات بدهد و اگر چیزی زیاد آید حفظ کند و بعد از خود بعالم دیگر
بدهد که اگر سید پریشانی بیابد بدهد الا از برای آنحضرت ضبط کند
و این فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیارند
و خمس دهندگان کمند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام
این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این سخن بی وجه است زیرا که
از حضرت صاحب الامر ع روایت صحیح نرسیده است که بر شیعیان

خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال کسری
بود نایبان انحضرة اعنی عثمان عمری و پسر او محمد و حسین بن روح و
علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه انحضرت را بلکه جمیع خمس را از
شیعیان و بفرموده آنحضرت بمردم میدادند و ظاهر آنست که در این زمان
نایب عام انحضرت که علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند
باید بگیرند و بسادات که عیال انحضرتند برسانند و الا باید سادات
که اشرف خلقند یا از گرسنگی بمیرند یا سایل بکف شوند و از همه کس
ذلیل تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرامست و
خمس را بعوض ان بایشان داده اند و بسبب اختلافی که در میان علما بهم
رسیده است و بعضی از علمای عصر اعتبار اجرات داده اند بر منع خمس
باعث این شده است که اکثر سادات بفقر و فاقه میگذرانند و حقوق
ایشان و اجداد ایشان بر ذمه اغنیا میماند و بر تقدیری که امام بر ایشان
رحم کرده باشند و در زمانهای تقیه و خوف و تعدیات که از خلفای
جور بر ایشان واقع میشد حلال کرده باشد ایشان چگونه بر خود هموار
میکنند که عیال و خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطرار
بینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از ایشان

فضیلت اعتکاف

داشته باشند و حال انکه فرموده اند که بدترین احوال مردم در روز
قیامت وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا
خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق فرمود که من یکدرهم خمس را از شما
میگیرم و حال انکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است و نمیگیرم از
برای انکه شما از گناه پاک شوید از حقوق ما و حضرت رسول فرمود که
هر که احسانی با حدی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم اورا
در قیامت و اکثر علما بر انند که اگر صاحب مال خود حصه امام را به
سادات بدهد بریئ الذمه نمیشود مگر انکه دستش بعالم محدث عادل
عادل و بگمان فقیر همه خمس این حکم دارد فصل سیم در بیان فضیلت و کیفیت
اعتکاف و اعتکاف مکث است در مسجد جامع جهت عبادت و
آن سنت مؤکد است بمقتضای ایات و اخبار بسیار خصوصا در دهه
اخر ماه مبارک رمضان چنانکه حضرت سید المرسلین همیشه در دهه
اخر رمضان اعتکاف مینمودند مگر یکسال که در آن جنگ بدر واقع
شد و در سال و بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز
قضای سال گذشته و ده روز ادا از آنحضرت منقولست که اعتکاف
دهه اخر رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف نبند

در بیان فضیلت و کیفیت اعتکاف

وشبیه آن مانند عهد وقسم واجاره دادن خود بغیر واجب میشود واگر
پدر واجب شده باشد ونکرده باشد احوط آنست که پسر بزرگ قضا
کند وبعضی گفته اند بعد از نیت وشروع کردن واجب میشود وبعضی
گفته اند روز سیم واجب میشود وهمچنین ششم ونهم ودوازدهم وپانزدهم
وهرچه بالا رود باین نسبت وبعضی گفته اند مطلقا واجب نمیشود تا
از اسباب وجوب بعمل نیاید واینقول قوی است واحوط آنست که در روز اول
شبهای مذکور تجدید نیت بکنند بقصد قربت ومستحب است که معتکف
شرط کند بین وردگار خود که اگر او را مانعی عارض شود بیرون تواند رفت
از اعتکاف وظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط رجوع باختیار نیز بی تقیید
بعارض ومانع وبعضی در اینقضا یقه کرده اند وظاهر اعارض ومانع
اعم از عذر مرض وریب است ومحل این شرط در اعتکاف نشستن ونیت
اعتکاف ودخول در آن وجماعتی از اصحاب ذکر کرده اند که محل آن در
اعتکاف واجب بنذر نیز در گفتن صیغه نذر است وخالی از اشکالی
نیست وفایده شرط آنست که بی عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع
تواند کرد اگرچه در روز سیم باشد وفایده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع
کند قضا بر آن واجب نیست واما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته

مکان اعتکاف

اند

مکان اعتکاف

اند که در غیر مسجد مکه ومسجد مدینه ومسجد کوفه ومسجد بصره اعتکاف
نمیباشد وبعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین گفته اند وبعضی هر
دو را گفته اند وخلاف در این باب بسیار است ومسجد مداین در
این زمانها گویا معلوم نیست ومسجد بصره در این اوقات در بیابان
واقعست واعتکاف در آن مشکل است وگفته اند مراد بمسجد مکه و
مدینه آن قدر نیست که در زمان حضرت رسول صلعم مسجد بوده نه آنچه بعد
الحاق کرده اند وظاهر اراده هر مسجد جامعی اعتکاف تواند کرد ومراد به
مسجد جامع بزرگیست در بلد که در آنجا نماز جماعت کنند ومخصوص محله
نباشد واز اکثر محلات شهر بآنجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضر
شود گو متعدد باشد مثل مسجد جامع عباسی ومسجد جامع قدیم در
اصفهان وسایر آنها مثل مسجد اقانور ومسجد عباس اباد محل تامل است
واحوط آنست که اگر در مکه ومدینه وکوفه باشند در غیر آن مساجد
مخصوصه واقع نسازند ودر بلاد دیگر احوط آنست که در مسجد کبیر بلد
که مشهور بجامع باشد بجا آورند واگر مسجد بزرگتر شهر باشد احوط
وغایت احتیاط آنست که قصد کند که اعتکاف میکنم در این مسجد اگر
مطلوب شارع باشد بعنوان اعتکاف مقرر فیها والا در مسجد عبادت

میکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله و شرطست در اعتکاف آنکه سه روز یا بیشتر و مشهور آنست که دو شب میان داخل اند و بعضی گفته اند شب اول نیز داخلست و احوط آنست که نزدیک بغروب آفتاب نیت اعتکاف بکند تا شام روز سیم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند نهایت احتیاطست و شرطست در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب و خواه سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرطست مانند شوهر زن او و مالک بنده را و احوط آنست که فرزند برخصت پدر و مادر اعتکاف سنت بکند و مهمان برخصت مهماندار و بر عکس واقع نسازند و نیت در اعتکاف شرطست و ظاهر اقصد قربت کافیست و واجبست که بیرون نرود از مسجد بکه در آن اعتکاف میکند بدون ضرورت مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مؤمن یا حاضر شدن در جنازهٔ مؤمن یا قضای حاجت مؤمن یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و در غسل جنابت جمعه بنا بر قول باستحباب آن و سایر اغسال مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنست که نمیتوان کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل آب و نان

وسا

و سایر ضروریات اگر کسی نداشته باشد که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن و گواه شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود در جائی ننشیند تا برگردد بمسجد و بهتر آنست که در زیر سقف راه نرود تا ممکن شود و از راههای نزدیک تر طلب برود و به بیت الخلای نزدیکتر برود اگر ممکن باشد و توقف بسیار زیاد از ضرورت واقع نسازد و هرگاه وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف اوست نکند مگر در مکهٔ معظمه که در هر جا میتواند کرد و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتواند کرد و اگر سهواً از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر آنکه زمان بسیار بکشد که از معتکف نگویند و همچنین اگر جبراً او را بیرون برند و احوط آنست که چون بدر از مسجد بیرون نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهراً اگر داخل مسجد باشد قصوری ندارد و بدانکه حرامست بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و همچنین بوسیدن بشهوت و دست بر بدن و مالیدن بشهوت و احوط اجتنابست از هر دو اگر چه بشهوت نباشد و حرامست طلب منی کردن اگر چه بگفتگو باشد هرگاه که عادت آن باشد که از او منی آید بسبب آن و احوط آنست که بعث دست بر ذکر نمالد و حرامست بوی

خوش کردن و گل پوشیدن هر گلی که باشد علی المشهور و باید که نزاع و جدال
با کسی نکند و احوط آنست که مباحثه علمی نکند مگر بقصد اظهار حق و خرید
و فروش نکند مگر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط آنست که وکیل
از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط آنست که مطلق معاملات
خود را واقع نسازد حتی عقد نکاح را و جمیع اینها که در اعتکاف حرام است
در روزها و شبها هم حرام است مگر خوردن و آشامیدن که در شب جایز است
نه در روز و هرچه روزه را باطل میسازد و اعتکاف نیز باطل میکند
اگر در روز بفعل آورد و در شب افطار میتواند کرد و مفطرات غیر جماع و
استمنا را واقع میتواند ساخت و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب و اگر
جماع کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره میدهد و اگر اعتکاف واجب
باشد و در روز اول و دویم اعتکاف سنت خلافست و احوط کفاره است
اگر چه جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هرچه روزه را باطل میکند
اگر آنها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد
کردن است اگر نتواند و الا دو ماه روزه پی در پی گرفتن و الا شصت مسکین
را طعام دادن و بعضی گفته اند که مخیر است میان اینها و اول احوط است
بلکه اظهر پس اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در

روز

روز ماه رمضان واقع شود دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری
مخیر و بعضی گفته اند اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود باز دو
کفاره میدهند و آن بوجهت و بیع و شرا و سایر محرمات غیر از جماع
سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره بانها واجب نمیشود و در بطلان
باستمنا و کفاره بسبب آن خلافست و احوط اتمام است و کفاره اگر در شب
واقع شود و اگر در روز واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته
کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است باینچه ضرور
بود اکتفا کردیم خاتمه در بیان کفارات بدانکه کفاره بر دو نوع است اول
کفارات احرام حج و عمره است و آنها را در رساله حج بیان کرده ام دویم
سایر کفارات است و آنها بسیار است بعضی متفق علیه و بعضی مختلف
فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی مرتب و بعضی مخیر و هر را
با یکدیگر بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادات ابدی و محصلان
نجات عقوبات اخروی بیان مینماید اول کفاره افطار روزه ماه مبارک
رمضان است و آن واجب میشود بخوردن و آشامیدن چیزی که خوردن
آن متعارف و معتاد باشد اتفاقا و در غیر معتاد خلافست و اشهر و
اقوی وجوبست و بجماع کردن در قبل زن و در دبر زن علی الاقوی و

بباقی ماندن بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت
بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط و به خوابیدن و بعد از بیدار شدن
یکمرتبه یا زیاده تا صبح علی الاحوط و برسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا
بر قول جمعی و بطلب منی کردن و دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن بزنی
تا منی بیاید علی الاحوط و به قی کردن عمدا بنا بر قول بعضی و به حقنه
کردن و شاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و به دروغ بستن بر خدا و رسول
و ائمه هدی علیهم الصلوة والسلام و بنا بر قول بعضی و به سر فرو بردن
عمدا در آب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور را بعمل آورد عمدا و مسئله
داند کفاره باید داد در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا و اگر از روی
سهو باشد کفاره ندارد و اگر مسئله نداند در مسئله خلاف شده و
احوط کفاره است و اگر افطار بحلال کرده باشد کفاره یک بنده آزاد
کردنست یا دو ماه روزه پی در پی گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن
است و بعضی بترتیب قایل شده اند یعنی اگر قادر باشد بر بنده آزاد کردن
آن مقدم است والا دو ماه روزه و اگر از این عاجز باشد شصت مسکین را
طعام بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوطست و اگر افطار بحرام کرده باشد
مانند شراب و گوشت خنزیر و مال مغصوب دانسته و زنا و لواطه بعضی

از علما

کفاره

از علما قایل شده اند که هر سه کفاره برو واجب میشود و بعضی مانند
افطار بحلال میدانند و اول احوطست دویم هرگاه در قضای روزه ماه
رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور آنست که کفاره واجبست و بعضی
سنت میدانند و اشهر و اقوی آنست که طعام دادن ده مسکین است و
اگر عاجز شود سه روز روزه بگیرد و بعضی مخیر میان اینها میدانند
و بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره افطار ماه رمضان لازم میدانند سیم
کفاره ظهار است که کسی با زن خود بگوید انت علی کظهر امی یعنی تو بر من
مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اگر این را بگوید در
وقتیکه زن حایض نباشد و در آن طهر با او جماع نکرده باشد و در حضور
دو عادل بگوید پس اگر خواهد که جماع کند باید که کفاره بدهد و اگر
بدون کفاره جماع کند دو کفاره باید داد بنا بر مشهور و کفاره یک بنده
آزاد کردنست و اگر عاجز شود دو ماه پی در پی روزه داشتن و با عجز
شصت مسکین اطعام کردن چهارم کفاره ایلاست یعنی قسم بخورد که زوجه
دائمه خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را بنزد حاکم شرع برد
حاکم حکم کند که او را طلاق بگوید یا وطی کند اگر اختیار وطی نماید باید
که کفاره بدهد و کفاره اش کفاره قسم است که بعد از این مذکور می

شود انشاء الله پنجم کفاره مخالفت قسم است بانکه قسم خورد باسمای مقدسه
خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته باشد یا نکردن فعلی که فعلش
رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید و کفاره اش آنست که یک بنده
ازاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند اگر
از همه عاجز شود سه روز پیاپی روزه بدارد ششم کفاره مخالفت نذر است
بانکه فعل امری که راجح باشد یا ترک امری که مرجوح باشد و مخالفت نماید
و کفاره اش بعضی گفته اند مانند کفاره قسم است و بعضی گفته اند مانند
کفاره افطار ماه رمضانست یک بنده ازاد کردن یا دو ماه روزه گرفتن
یا شصت مسکین طعام دادن و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه
داشته باشد کفاره اش کفاره افطار ماه رمضان است و اگر تعلق بغیر
روزه داشته باشد کفاره اش کفاره قسم است و این قول خالی از قوتی نیست
و احوط کفاره ماه رمضانست مطلقا هفتم کفاره عهد است که با خدا
عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی را بعمل آورد یا ترک کند امر غیر
راجحرا و مخالفت تعهد نماید و در کفاره اش مانند کفاره نذر خلاف
و احوط آنست که در نذر مذکور شد هشتم قسم خوردن بعنوان بیزاری
از خدا و رسول و ائمه هدی علیهم السلام است و در حرام بودن چنین قسمی

خلاف

کفاره

خلافی نیست ولیکن در وجوب کفاره بچنین قسمی یاد کردن خلاف بعضی
گفته اند کفاره اش کفاره ظهار است اول بنده ازاد کردن و با عجز از آن
دو ماه روزه داشتن و با عجز از آن شصت مسکین اطعام کردن و اگر عاجز
شود ده مسکین را طعام یا کسوه دهد و اگر عاجز شود سه روز متوالی
روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره نذر است و ابن بابویه
گفته است سه روز روزه بدارد و ده مسکین را طعام دهد و بعضی
گفته اند گناه کرده است و کفاره ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است
که صفار بحضرت امام حسن عسکری نوشت که مردی سوگند یاد کرده به
بیزاری از خدا و رسول و مخالفت کرد توبه و کفاره او چیست حضرت نوشتند
که ده مسکین را طعام میدهد هر مسکینی یک مد و طلب آمرزش میکند
از خدا و بعضی از علما بمضمون قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و این
خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل سوگند خوردن است یا برای مخالفت کردن
عمل بقول اول بکند اگر چه ظاهر آنست که عمل بروایت مجرب نهم بعضی
از علما قایل شده اند که زنی که در مصیبت موی سر خود را ببرد کفاره افطار
ماه مبارک رمضان میدهد بترتیب بقول بعضی و بتخییر بقول بعضی
و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره ندارد و روایتی وارد شده است که

کفارهٔ افطار ماه رمضان لازم است و احوط عمل بروایت است و بعضی
تراشیدن موی را نیز الحاق کرده اند بمریدن در وجوب کفاره (دهم) هر
گاه زنی در مصیبت موی خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی
جامهٔ خود را در مرگ فرزند خود یا زوجهٔ خود چاک کند کفارهٔ قسم لا
زم میشود بنابر قول بعضی و روایتی بر این مضمون وارد شده است و احوط
است هر چند وجوب ثابت نیست (یازدهم) هرگاه کسی زن یا متعه یا کنیز خود
را در ایام حیض جماع کند در قول بعضی واجب دانسته اند و بعضی سنت
و مشهور میان علما آنست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی تصدق
میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر حیض ثلث اشرفی و احوط
عدم ترک کفاره است (دوازدهم) کسیکه بخواب رود و نماز خفتن نکرده باشد
تا نصف شب بگذرد بعضی گفته اند واجبست که آن روز را روزه بدارد
و اشهر استحبابست و بعضی عامد و ناسی را نیز ملحق کرده اند و مشهور
آنست که بر تقدیر وجوب اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره نه
دارد و بعضی لازم دانسته اند کفارهٔ ماه رمضان را و این قول ضعیفست
و احوط آنست که یکروز قضا بگیرد (سیزدهم) کفارهٔ قتل عمداست که دانسته
کسی را بکشد یا کاری که غالبا کشنده باشد نسبت بکسی واقع سازد و

او کشته

او کشته شود که قصد کشتن نداشته باشد کفاره اش آنست که بنده آزاد
و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت مسکین را طعام بدهد (چهاردهم)
کفارهٔ قتل خطا است که کسی را بنادانی بکشد یا آنکه قصد قتل نداشته باشد
و کاری کند که غالبا کشنده نباشد و او کشته شود مانند طفلی را
برای تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوی بیندازد و بشخصی
خورد و کشته شود یا در راه بر خورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر
قتل نباشد و کاری کند که از سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی
بکند و کسی در آنچاه بیفتد بمیرد یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث
قتل کسی شود مشهور آنست که کفاره لازم نمیشود هر چند دیت لازم شود
و کفاره یک بنده آزاد کردن است و بعد از عاجز شدن از آن دو ماه
متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین را طعام دادن
(پانزدهم) اگر کسی زنی را در عدهٔ دیگری تزویج کند میباید از آن زن مفارقت
کند و بقول بعضی از علما پنج آرد تصدق کند و احوط آنست که اگر زن
دیگر را عقد کند نیز این کفاره را میدهد یا پنج درهم تصدق کند
(شانزدهم) کسیکه مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته
اند موافق بعضی از روایات که واجبست که آن مملوک را بکفارهٔ آن عمل آزاد

کند و این احوط است و اگر او را بکشد بعد کفارهٔ جمع میدهد و اگر
بخطا بکشد کفارهٔ قتل خطا میدهد و واجبست که قیمت آن غلام را تصدق
کند بنابر مشهور هفتم کسیکه روزهٔ ماه مبارک رمضان را افطار کند
بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان بیمار باشد اشهر و اقوی آنست که قضا
ساقط میشود و برای هر روز یکمد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف
و بعضی گفته اند قضا و ابن جنید ره گفته اند که احتیاط هر دو را میکند
و اگر ما بین دو رمضان آن عذرش برطرف شود و قادر بر روزه باشد و
بدون عذری تاخیر کند تا ماه رمضان دیگر بیاید اشهر و اقوی آنست
که بعد از ماه رمضان تهم قضا میکند و هم برای هر روز یکمد بامد د
میدهد و بعضی کفاره واجب ندانسته اند و بعضی گفته اند کفاره
در صورتیست که عزم بر قضا نداشته باشد اگر عازم بر قضا باشد و
و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض شود قضا باید
کرد و کفاره نیست و قول اول قوی تر است فصل هشتم نوادر کفارات از
حضرت صادق منقولست که کفارهٔ عمل سلطان قضای حوایج مؤمنانست
و کفارهٔ غیبت آنست که برای آن شخص که او را غیبت کرده است استغفار
کند و کفارهٔ مجلس آنست که چون از مجلس برخیزد بگوید سبحان ربک

رب

کفاره

رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین و
کفارهٔ خنده آنست که بگوید اللهم لا تمقتنی یعنی خداوندا مرا دشمن
مدار و بر من غضب مکن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که هر که به دیگری بگوید لا اب لک و لا ام لک یعنی پدر مباد ترا
یا ترا مادر مباد که چیزی تصدق کند و کسیکه بگوید نه بحق پدرم یا به
جان مادرم کفاره اش آنست که بگوید لا اله الا الله خلاف در این نوع
از قسم مثل بجان فلان یا بجان خود یا بجان تو یا بجان پدرم بعضی حرام
دانسته اند و اشهر کراهت است و احوط ترک است و اما احکام کفارات مذکوره
پس در چند فصل بیان میشود اول هر گاه باید بنده آزاد در کفارهٔ قتل می
باید آن بنده مؤمن باشد و در باقی کفارات خلاف و احوط رعایت ایمانست
و در کفارهٔ قتل احوط آنست که بالغ باشد و در غیر آن مرد و زن و بالغ و نا
بالغ مجزیست و باید که آن بنده کور و صاحب خوره و زمینگیر نباشد و
مولی جراحتی باو نرسانده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته اند
که باید خصی و لال و کور و کر نباشد و ولد الزنا نباشد و مشهور عدم آن
و احوط ترک است و غلام کوچک را مشهور آنست که آزاد میتوان کرد تا علم
بمرگش هم نرسد و بعضی شرط کرده اند که خبری از او برسد و بعضی

کرده‌اند که ظن جوهر او باشد دوم در کفاره مرتبه تا از بنده آزاد کردن
عاجز نشود به روزه منتقل نمی‌شود و هرجا که روزه دو ماه باشد می‌باید
متوالی بگیرد و توالی به یک ماه و یک روز که متصل بگیرد به عمل می‌آید یعنی که
اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند نباید از سر بگیرد و آیا تفریق جایز است
بی‌عذری یا حرام است اول اظهر است و ثانی احوط است و اگر پیش از یک ماه
و یک روز بی‌عذر افطار کند از سر گیرد و اگر به عذری باشد مانند حیض و
نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر
بنا می‌گذارد و تمام می‌کند و همچنین اگر مجبور شود در افطار روزی
بنا بر مشهور و اقوی و هرجا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده
بنده باشد یک ماه پی در پی می‌گیرد علی الاقوی سیم هرجا که اطعام شود
مشهور آن است که هریک را به قدر طعام بخوراند که سیر شود و بهتر آن است که
نان خورشی با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته‌اند
می‌باید چاشت و شام هر دو به هر مسکینی بخوراند به قدری که سیر شود و احوط
این است اگرچه اظهر آن است که به یک وقت اکتفا توان نمود و اگر خواهد
طعام را به مسکین می‌تواند داد و در مقدار اختلاف است بعضی یک مد گفته‌اند
و بعضی دو مد گفته‌اند و احوط دو مد است و بهتر آن است که با نان خورشی

نیز بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته‌اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ
تفاوت نمی‌کند و احوط آن است که حصه اطفال را به ولی شرعی ایشان بدهد
و اگر طعام خوراند ظاهر اصغر و کبیر را نتواند ضم و اگر دو طفل را به جای یک
مرد حساب احوط است و در یک کفاره دو حصه را به یک مسکین نمی‌توان
داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آن است که تا ممکن باشد به غیر مؤمن
ندهد و به پریشان بسیار پریشان بدهد که مسکین بر آن صادق باشد
و مد چهار یک صاع است و صاع یک من تبریز است و چهارده مثقال ربع
بنا بر مشهور و چون در احادیث اختلافی در تحدید صاع و مد هست
احوط آن است که به جای دو مد نیم من شاه تقریبا بدهد چهارم در جایی که
کسوه باید داد در زن پیراهن و مقنعه با هم مجزی است و در مرد بعضی به
یک جامه مانند پیراهن اکتفا کرده‌اند و بعضی دو جامه لازم دانسته‌اند
و بهتر آن است که پیراهن و قبا بدهد یا قبا و بالاپوش و بهتر آن است که نو باشد
و جامه طفل را بهتر آن است که به رخصت ولی به او بپوشانند پنجم هرگاه از
عتق رقبه عاجز شود و شروع کند به روزه و بعد از آن قادر شود بر بنده
آزاد کردن روزه آن را مجزی است و بهتر آن است که ترک کند روزه و بنده آزاد
کند خصوصا هرگاه کمتر از یک ماه و یک روز روزه داشته باشد و جمعی

از اصحاب قایل شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود
و عاجز باشد از گرفتن آن هجده روز روزه میگیرد و اگر نتواند برای هر روز
مدّی از طعام بدهد و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی آنست
که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل نمیشود مگر کفارهٔ ظهار که بعضی
گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمیشود هر چند عاجز
باشد و اگر بعد از عجز و استغفار بر کفاره قدرة بهم رساند احوط آنست
که باز کفاره را بعمل آورد و چون اکثر مردم جاهل اند بکفارات و احکام
آنها و بر ایشان لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه بحق الهی میمانند
قدری از احکام آنها را در این رساله کثیر الفایده ایراد نمودم ملتمس از
برادران ایمانی آنکه هرگاه از این رساله منتفع گردد در حال حیوة یا بعد از
وفات این شکسته را بدعای رحمت و مغفرت این مستحق دعا را یاد کند
و ختم بفضل الله و سبحانه و تأییده فی شهر الله المعظم شهر رمضان من سنة
سبع و مائة و الف من الهجرة المقدسة علی ید مؤلفه الراجی رحمة الله
الکریم المنان فی محروسه اصفهان صینت عن طوارق الحدثان مع وفور
الاشغال و اختلال الاحوال و توزع البال و الحمد لله اولاً و آخراً و الصلوة
علی سید المرسلین محمد و آله الاطهرین الاقدسین و لعنة الله علی اعدائهم

اجمعین

اجمعین

قد تمّ الکتاب بعون الملک الوهاب فی شهر شوال المکرم کتبه العبد
الاثم الجانی محمد حسن التبریزی بن [illegible] و ملتمس انکه اخوین
[illegible] بدعای رحمت و مغفرت مفرح
و مسرور نمایند
سنه ١٢٤٤





